



روایت چشم‌هایش

شهادت محسن حججی
ایران را در غم و اندوه فرو برد

مطلب

هفته‌نامه خبری، تحلیلی / سال هشتم / شماره سیصد و شصت و هشت / ۲۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۸۴ صفحه / ۶۰۰۰ تومان

راهنما به چپ، گردش به راست

جلسه رای اعتماد به دولت جدید روحانی چالش برانگیز نبود

فرصت دوباره به احمدی نژاد

مثلت، تغییرات مجمع تشخیص
مصلحت نظام را بررسی کرده است

غلبه کارگزاران

شهردار شدن محمد علی نجفی و ریاست
محسن هاشمی برشورای شهر چه معنایی دارد؟

فصل عمل‌گرایی؟

طرح میانجیگری عراق را
باید جدی گرفت؟



شکاف نژادی به نفع ترامپ است

شورش راست‌گرایان در ویرجینیا
آمریکا را دچار بهت کرده است

طرح مجلس تقابلی با برجام ندارد

گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه



مخابرات
اول

باز هم اول شدیم

رتبه اول اپراتورهای تلفن همراه کشور

با ارزیابی رسمی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

www.mci.ir



با شما همیشه اول هستیم



فکر شو بگن.

۱۰۰ جایزه

هزار میلیون

ریالی

هشتمین مرحله قرعه‌کشی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز



بانک انصار

مرکز خدمات مشتریان ۰۹۶۳۰۰
www.ansarbank.ir

[AnsarBank](https://www.instagram.com/AnsarBank)
[@Ansar_Bank](https://www.facebook.com/Ansar_Bank)

با کوثر کارت از تیم محبوبتون حمایت کنید



• امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور
• حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت





فرهنگ معاصر فارسی

نام مؤلفین: غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی

ناشر: فرهنگ معاصر

تعداد صفحات: ۱۳۵۴

ویرایش قبلی این کتاب، با عنوان «فرهنگ زبان فارسی امروز»، در سال ۱۳۶۹ و توسط مؤسسه نشر کلمه منتشر شده بود و بعدها ویرایش‌های بعدی آن با عنوان «فرهنگ فارسی امروز» و نهایتاً «فرهنگ معاصر فارسی» به مخاطبان عرضه شد. انتشارات فرهنگ معاصر، ویرایش چهارم این فرهنگ‌نامه عمومی را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرده است و تا سال ۱۳۹۳ به چاپ هفتم رسیده است.

ویرایش سوم این فرهنگ‌نامه در سال ۱۳۷۷ برنده جایزه کتاب سال شد و به لحاظ روانی و سادگی، روشن بودن و دوری از ابهام و کاربردی و عملیاتی بودن، از بهترین فرهنگ‌های لغت کنونی به‌شمار می‌رود. ملاک تدوین این فرهنگ، زبان فارسی امروزی است. این فرهنگ، هر واژه را ساده و روان تعریف می‌کند، از مثال‌های متعدد برای روشن‌تر شدن کاربردهای گوناگون واژه‌ها سود می‌برد و از پیوست‌های سودمندی نظیر جدول‌های اندازه‌گیری وزن، سطح، انرژی، حجم و غیره نیز استفاده کرده است. مؤلفان این فرهنگ، معتقدند که بیش از هر فرهنگ فارسی دیگری که تاکنون منتشر شده، توانسته‌اند واژه‌های رایج زبان فارسی امروز را گردآوری، تعریف و عرضه کنند و نیز ادعا می‌کنند که شاید کار آن‌ها، نخستین فرهنگ فارسی باشد که در آن، همه واژه‌هایی که به کار رفته، تعریف یا به واژه رایج‌تر از خود ارجاع شده است.



مکتب

جلد دوم

روایت چشم‌هایش

شهادت محسن حججی ایران را در غم و اندوه فروبرد



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِنُكَلِّمَ شَاهِدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ
وَيُكَلِّمَ الرَّسُولَ عَلَيْنَا كَمَا شَاءَ

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

انقلاب ایران استمرار حرکت پیامبران

در نقلی است که پیغمبر اکرم-صلی الله علیه وآله وسلم-دیدند که عده‌ای از این کفار را دارند می‌آورند، اسیر کردند می‌آورند و عبور می‌دهند؛ فرمودند که اینها را ما- قریب به این معنا- می‌خواهیم به بهشت ببریم، و اینها را با زنجیر می‌کشند طرف بهشت! [۲] انبیا-علیهم السلام- برای سعادت بشر مبعوث شده‌اند؛ یعنی سعادت همه جانبه بشر: سعادت دنیای بشر، سعادت حیات دیگر بشر. آنها

می‌خواستند که انسانها را به کمال لایق به انسانیت برسانند. بشر زیر این بار بسیاری‌شان نمی‌روند و نرفتند. ما هم به تبع نبی اکرم-صلی الله علیه وآله وسلم- قیام کردیم برای اینکه این ملت محروم را به کمال لایق خودش برسانیم.

این ملتی که در طول رژیم سلطنتی-از اول-و در طول این پنجاه سالی که ما یادمان هست- در این آخر- اینها از همه جهت محروم و گرفتار بودند؛ همه چیزشان به باد می‌رفت و همه ثروتشان را داشتند می‌بردند [و] دارند می‌برند و همه نیروهای ما را به باد دارند می‌دهند. ایران نهضت کرد و ما هم به تبع ایران، دنباله ایرانی‌ها، ما هم یک چند کلمه‌ای، چند قدمی می‌رویم برای اینکه این ملت را نجات بدهیم. ما می‌خواهیم

خبرنامه

بازگشت داعش به اروپا

بحران در کاخ

رایزنی‌های نظامی مهم در آنکارا

قصه مابه «سر» رسید

۸-۱۳

گفتارها

شکاف‌نژادی به نفع ترامپ است

وجه غیر دموکراتیک

شورش علیه اقلیت

دغدغه‌ای به نام مهار ترامپ

۱۴-۲۱

سیاست

راه‌نما به چپ، گردش به راست

دولت تفاهمی

فرصت دوباره برای احمدی‌نژاد

غلبه کارگزاران

۲۹-۵۱



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی - حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

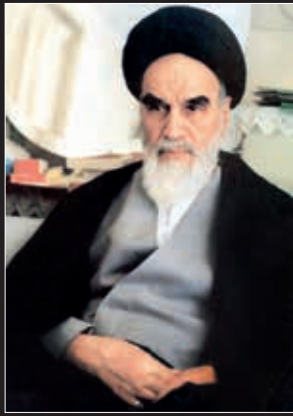
فکر نو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکر الهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



این همان چیزی است که پیغمبر اکرم فرمود که با زنجیر ما اینها را داریم می کشیم طرف بهشت، طرف سعادت. ما باید این گردن کلفتها را با زنجیر بکشیم طرف سعادت. ما می خواهیم شما آقا باشید، شما می گویند ما می خواهیم نوکر باشیم! ما می گوئیم شما باید خودتان کشور خودتان را اداره بکنید، خودتان لشکر خودتان را اداره بکنید، منافع مملکت مال خودتان باشد، ذخایر مملکت برای این بیچاره‌هایی باشد که در زاغه‌ها نشسته اند، شماها راضی نمی شوید. راضی نیستید که خودتان هم آدم بشوید! ما می خواهیم شما را آدم کنیم، شما آدم نمی خواهید بشوید.

دولتهایی [را] که حکومت بر ایران می کنند نجات بدهیم. ما می خواهیم ارتش را از این انگل بودن نجات بدهیم. ما از اول که مستشارهای امریکا آمدند و ارتش ما را در دست گرفتند، با این مخالف بودیم. ما از مصونیت دادن به اتباع امریکا تنفر داشتیم و اظهار تنفر کردیم. ما می خواهیم این دولتها را مستقل کنیم، راضی نمی شوند! ما می گوئیم شما خودتان مستقلا در مملکت خودتان، در مقدرات مملکت خودتان باید دخالت داشته باشید، آنها می گویند ما می خواهیم نوکر باشیم! لفظا نمی گویند، عملا اینطور است. ما می خواهیم ارتش را از این مستشارهای امریکایی و آقابالاسرها نجات بدهیم، این گردن کلفت‌های ارتش راضی نمی شوند به این امر، می خواهند زیر بار باشند.

بین‌الملل

فصل عملگرایی
آشتی یا خصومت؟
خصومت بی پایان
پایان صبر استراتژیک

۵۲-۶۳



سیاست خارجی

شوک به واکنشنگن
ماجرای ترامپ و روح برجام
ژست فریبنده دموکرات‌ها
طرح مجلس تقابلی با برجام ندارد

۶۴-۶۹



ورزش

منتظرم سلطانی فر اشتباه وزارت ورزش را اصلاح کند
فعلا خبری از پشیمانی نیست
بای یک ژن خوب به فوتبال باز شد
ژن خوب در قرارداد ترکمانچای

۷۲-۷۷



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - حسین محمد پورزند
مهندس صدوقی - حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - محمد ابراهیم محمد پورزند
علیرضا حسن‌زاده - دکتر عیسی رضایی - سید حمید خالقی - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۸۰

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
و افشین جم
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلائی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی و نرگس حاجیلو
حروفچینی: داود حشمتی
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفروماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندر نیا

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

تروریست‌ها در قاره سبز

مقامات اسپانیا حملات بارسلون و کمبریج را با انفجاری که چهارشنبه گذشته در خانه‌ای در شهر الکانار رخ داد مرتبط می‌دانند. آن واقعه یک کشته برجا گذاشت. پلیس اسپانیا معتقد است که ساکنان آن خانه در حال درست کردن بمب بودند. از زخمی شده‌های حادثه روز پنجشنبه حال دست کم ۱۰ نفر وخیم گزارش شده است.

بازگشت داعش به اروپا

حمله تروریستی بارسلون همه را غافلگیر کرد



گزارش اول

که ظاهراً سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) حدود دو ماه پیش به مقامات اسپانیا هشدار داده بود که احتمالاً حمله‌ای از این دست در خیابان رامبلا اتفاق خواهد افتاد. یک منبع قضایی در اسپانیا نیز در این باره گفت احتمالاً گروه‌کی هشت نفره به دنبال برنامه‌ریزی برای حملاتی با سیلندرهای گاز بودند. رئیس منطقه کاتالونیا نیز در کنفرانسی مطبوعاتی با اشاره به اینکه حمله تروریستی بارسلون اولین حمله از این نوع نیست، تأکید کرد: «دموکراسی با تروریسم در هر کجا که باشد مقابله خواهد کرد.»

اظهارات شاهدان عینی

روز جمعه خبرگزاری رویترز از بسته شدن ایستگاه متروی محل و سایر ایستگاه‌ها خبر داد. استیون ترنر که در این محله کار می‌کند، گفت: «کارمندان ما دیدند که یک ون به میان جمعیت رفت. من سه نفر را دیدم که پخش زمین شدند.» او در ادامه گفت: «تعداد زیادی آمبولانس و پلیس مسلح در این محل مستقر شدند.» عمار انوار که در زمان حمله در رامبلا در حال قدم زدن بود به اسکای نیوز گفت که ناگهان صدای اصابت محکمی به گوشش رسید. مارک اسپارسیا، یک دانشجوی ۲۰ ساله که در بارسلون زندگی می‌کند، به بی‌بی‌سی گفت: «یک صدای بلند آمد و همه فرار کردند. جمعیت زیاد بود، خانواده‌های زیادی بودند. خیلی‌ها برای بازدید از این محله می‌آیند.» او گفت که در لحظه حادثه در کافه استارباکس پناه گرفت. پس از این حادثه گزارش شد که دو مرد مسلح وارد رستورانی در این محل شده و چند نفر را گروگان گرفتند، اما مقام‌های کاتالونیا این گزارش را تکذیب کردند.

واکنش عجیب دونالد ترامپ

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در توئیتر خود نوشت: «آمریکا حمله تروریستی در بارسلون اسپانیا را محکوم می‌کند و هر آنچه را برای کمک لازم باشد انجام می‌دهد. سرسخت و قوی باشید. ما دوست‌تان داریم.» این توئیتر عادی بود، اما بعد از آن ترامپ توئیٹ عجیب دیگری منتشر کرد و نوشت: «بررسی کنید و ببینید که ژنرال پرشینگ آمریکایی در زمانی که تروریست‌ها دستگیر می‌شدند، با آنها چه کار می‌کرد. دیگر هیچ «تروریست افراطی اسلامی» به مدت ۳۵ سال وجود نداشت.» این توئیٹ رئیس‌جمهوری آمریکا که ساعاتی بعد از حملات تروریستی بارسلون و بعد از توئیٹ اولیه وی درباره این حمله و محکومیت آن منتشر شد، به ژنرال پرشینگ که فرمانده نیروهای اعزامی آمریکا در زمان جنگ جهانی اول بود، اشاره می‌کند. ترامپ در زمان یکی از سخنرانی‌هایش در کمپین انتخابی ریاست‌جمهوری در کارولینای جنوبی نیز به ژنرال پرشینگ اشاره کرده و گفته بود که وی از گلوله‌هایی که در خون خوک غلطانده شده بودند، استفاده می‌کرد تا مسلمانان را بکشد. دونالد ترامپ ادعا کرده بود که ژنرال پرشینگ این گونه ۴۹ «تروریست اسلامگرا» را کشته و آنها را با اجساد خوک‌ها خاک کرد. رئیس‌جمهوری آمریکا گفته بود: «به همین خاطر حدود ۳۵ سال هیچ مشکلی با تروریست‌های افراطی نداشتیم.» این سخنان ترامپ که به حمله آمریکا به فیلیپین در اوایل قرن ۲۰ اشاره می‌کند، تاکنون هیچ مدرکی از آن توسط رسانه‌های آمریکایی پیدا نشده است و مورخین اعلام کرده‌اند که این امر تنها یک افسانه محلی است. در واقع ژنرال پرشینگ سعی کرده بود تا با مسلمانان موردور فیلیپین طرح دوستی بریزد. ▶

چهارشنبه گذشته در خانه‌ای در شهر الکانار رخ داد مرتبط می‌دانند. آن واقعه یک کشته برجا گذاشت. پلیس اسپانیا معتقد است که ساکنان آن خانه در حال درست کردن بمب بودند. از زخمی شده‌های حادثه روز پنجشنبه حال دست کم ۱۰ نفر وخیم گزارش شده است. داعش مسئولیت این حمله را به عهده گرفته و گفته که «سربازان دولت اسلامی» آن را انجام داده‌اند. ماموران امنیتی در حال جست‌وجو برای پیدا کردن عامل حادثه هستند. بنا به گزارش‌ها سه مظنون در این رابطه بازداشت شدند. رویترز می‌گوید چهار مظنون دیگر طی درگیری مسلحانه با پلیس در حومه بارسلون کشته شدند. پلیس اسپانیا تصویر مظنونی به نام ادريس اوکبیر (زاده مراکش) را منتشر کرده است. با مدارک این جوان که ظاهراً سابقه کیفری و زندان داشته، خودرویی که به مردم کوئید، اجاره شده بود. بنا بر آخرین گزارش‌ها، ادريس اوکبیر به پلیس گفته است که در این واقعه نقشی نداشته و مدارکی که برای اجاره خودرویی فیات سفید از آن استفاده شده بود، از وی به سرقت رفته است. بلوار رامبلا از پر ازدحام‌ترین مناطق بارسلون است و در سراسر روز و در طول شب مملو از شهروندان، جمعیت گردشگر و هنرمندان خیابانی است و مغازه‌روستوران‌های فراوانی در آن قرار دارند. گفته شده‌ون دومی هم هست که پلیس درباره ارتباط احتمالی آن با حادثه مشغول تحقیق است. رسانه‌های اسپانیایی می‌گویند در حادثه‌ای دیگر راننده‌ای دو مامور پلیس را در ایست بارزسی زیر گرفته است. هنوز روشن نیست که آیا این حادثه با حمله رامبلا ارتباط داشته باشد. ماریانورا خوی، نخست‌وزیر اسپانیا در توئیٹ خود نوشت رسیدگی به مجروحین در اولویت قرار دارد. راخوی شخصاً راهی بارسلون شده است، وی همچنین سه روز عزای عمومی اعلام کرد. پلیس از مردم خواست به میدان کاتالونیا نزدیک نشوند. با این حال هزاران نفر از مردم اسپانیا در محله رامبلا، مکانی که هدف این حادثه تروریستی قرار گرفت، تجمع کردند و با قربانیان حادثه ابراز همدردی کردند. خبرنگاری بی‌بی‌سی به نقل از رسانه‌های اسپانیایی می‌گوید

حمله تروریستی بارسلون بار دیگر فضای ترس را بر اروپا حاکم کرد. اتفاقی که کمتر از شش ماه بعد از حادثه تروریستی لندن روی می‌دهد که در آن دست کم پنج نفر کشته و ۴۰ تن زخمی شدند. این حمله هم شباهت بسیاری به حادثه تروریستی لندن و دیگر جاهای اروپا در سال‌های اخیر دارد. حوادث تروریستی اخیر اروپا اکثرآ شبیه هم است، یک نفر با خودرو به جمعیت حمله می‌کند و اگر مانعی برایش نباشد با سلاح سرد یا گرم به جان مردم می‌افتد و سپس فرار می‌کند یا خود را می‌کشد. این فرد ممکن است برای افزایش تلفات، عملیات انتحاری نیز انجام دهد. در حادثه تروریستی بارسلون که عصر پنجشنبه روی داد نیز مشابه همین اتفاق افتاد. یک مهاجم جوان با خودرویی ون به مردم در محله گردشگری و پر ازدحام رامبلا در بارسلون حمله کرد. یورونیوز گزارش می‌دهد که عامل حادثه سپس از خودرویی ون پیاده شد و تلاش کرد که دیگران را با کارد بکشد اما زیاد تلاش نکرد به این کار مبادرت بپورزد و از محل گریخت. این در حالی است که پلیس اسپانیا جمعه گفت حداقل پنج مظنون دارای کمربند انفجاری را که قصد تکرار حمله مرگبار عصر پنجشنبه را داشتند، در شهر ساحلی کمبریج کشته است. پلیس در کمبریج، واقع در ۱۲۰ کیلومتری جنوب بارسلون، به مردم هشدار داده است که به خیابان‌ها نروند. رسانه‌های اسپانیا گزارش داده‌اند که مهاجمان چند نفر را با یک خودرویی ون زیر گرفتند و زخمی کردند. مقامات می‌گویند که یک مامور پلیس و شش غیرنظامی مجروح شدند. خبرگزاری رویترز به نقل از منابع پلیس گزارش داد که مهاجمان دارای کمربندهای انفجاری بودند، به همین خاطر نیروهای امنیتی در نظر دارند چند مورد انفجار کنترل شده انجام بدهند تا از نابودی بمب‌های احتمالی اطمینان حاصل کنند. مقامات پلیس معتقدند که واقعه کمبریج با حمله روز پنجشنبه بارسلون که حداقل ۱۴ کشته و یکصد زخمی برجا گذاشت، ارتباط داشته است. عامل آن حمله موفق به فرار شد. مقامات اسپانیا همچنین حملات بارسلون و کمبریج را با انفجاری که

وعده‌هایی که عملی نشد



ناتوانی دولت در قطع یارانه ثروتمندان

رایزنی‌های نظامی مهم در آنکارا

گزارش دوم

بحران در کاخ سفید

یک فرد دیگر نزدیک به ترامپ استعفا داد

استعفای اعضای کمیته هنر کاخ سفید

از طرفی تمام اعضای کمیته هنر و انسانیت کاخ سفید هم جمعه گذشته در واکنش به موضع‌گیری دونالد ترامپ به وقایع شارلوتزویل استعفا دادند. اعضای این کمیته که نام‌های آشنایی از دنیای هنر آمریکا در میان آنهاست، با امضای نامه‌ای گفته‌اند حاضر نیستند با ادامه کار در این کمیته، شریک جرم رئیس جمهور در موضع‌گیری سرشار از نفرتش باشند. ملانیا ترامپ به‌طور سنتی دبیر افتخاری این کمیته بود. کمیته هنر و انسانیت کاخ سفید اولین بار در سال ۱۹۸۲ در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان شروع به کار کرد. از همان زمان همسر رئیس جمهور دبیر افتخاری کمیته بود

او را دومین مرد قدرتمند آمریکا و به تعبیری رئیس جمهور در سایه می‌نامیدند؛ در واقع برخی بر این باور بودند که او رئیس جمهور واقعی آمریکا است، نه دونالد ترامپ. نامش استیو بن و استراتژیست ارشد و ایدئولوگ دولت دونالد ترامپ بود.

او خود را یک لنینیست می‌خواند که هدف اصلی‌اش همچون لنین نابود کردن ماشین دولتی است. بن خواستار درهم‌شکستن سیستم سیاسی موجود آمریکا بود و اعلام کرده بود به هیچ محدودیت و مانعی در این کار توجه نمی‌کند؛ لنینیستی که بیشتر به الزام‌های اقتصاد توجه دارد و از این راه بر آن است، نظم جدیدی برپا کند. حال در این موج پاکسازی کاخ سفید، نوبت به او رسید، او که نقش بسیار مهمی در پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری داشت جمعه گذشته اخراج شد. استراتژیست ارشد دونالد ترامپ پس از برکناری اعلام کرد که به یک سایت راست افراطی برمی‌گردد. این سایت، منبع مهمی برای جریان ملی‌گرای افراطی به شمار می‌رود. بن گفته است او چهره‌های قدرت در سیاست، رسانه و دنیای بازرگانی را به چالش خواهد کشید. درخواست اخراج بن ۶۳ ساله در چند روز اخیر بارها از سوی محافظ سیاسی آمریکا طرح شده بود. سخنگوی کاخ سفید، جمعه گذشته در کنفرانس خبری رسماً اعلام کرد که امروز آخرین روز کاری بن در کاخ سفید بوده است. کنار رفتن این چهره کلیدی در ستاد انتخاباتی ترامپ، پس از آن قطعی شد که ژنرال جان کلی، رئیس دفتر جدید ترامپ، جایگاه کاری بن را مورد بازبینی قرار داده بود. کلی اخیراً جای راینس پریس، رئیس دفتر مستعفی ترامپ را گرفته و تلاش دارد ساختار اداری و ارتباطاتی کاخ سفید را سامان بخشد. رسانه‌های آمریکا گزارش کرده‌اند که ژنرال جان کلی و استیو بن بعد از یک جلسه دو نفره به این نتیجه رسیدند که جمعه گذشته آخرین روز حضور بن در کاخ سفید باشد.



با وجود این، کنار گذاشتن استیو بن؛ کسی که نقش بنیادی در شکل دادن به شعار اولویت اول آمریکای ترامپ داشت، بسیار دشوار به نظر می‌رسید چرا که بسیاری او را نماینده بخش مهمی از حامیان ترامپ می‌دانستند که توانسته بود با جلب آرای راست افراطی و لیبرال‌های راست‌گرا زمینه پیروزی ترامپ در رقابت سال گذشته با هیلاری کلینتون را فراهم کند.

استعفای یکی دیگر از مشاوران ویژه ترامپ

میلیارد سرمایه‌گذار سرشناس آمریکایی که به‌عنوان مشاور ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا فعالیت داشت، اعلام کرد که از این سمت کناره‌گیری می‌کند. به نوشته فایننشیال تایمز، او جدیدترین مورد از تاجران سرشناسی است که ارتباطشان را با دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا قطع می‌کند. ایکان گفت: «برخلاف یکسری مدیران و تاجران سرشناس دیگر که چند روز قبل در واکنش به موضع دونالد ترامپ در قبال خشونت‌های ژانویه‌ای در ایالت‌های سفیدپوست از گروه مشاوران ترامپ کناره‌رفتند، او صرفاً به خاطر این کناره‌گیری می‌رود که «نزاع حزبی» و پرسش‌ها درباره تعارض منافع، باعث انحراف دولت از فعالیتش نشود.»

پیدا کردن هنرمندانی که حاضر به پیوستن این کارزار باشند با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بود. استیو بن آخرین چهره مطرح ستاد انتخاباتی ترامپ است که تنها پس از حدود هفت ماه از کاخ سفید اخراج می‌شود. پیش از او هم ترامپ از پنج چهره شناخته‌شده ستادش روی برگردانده بود: ژنرال مایکل فلین، مشاور امنیت ملی که سه هفته پس از انتصاب و در ۱۴ فوریه اخراج شد - مایکل دابکی، مدیر ارتباطات کاخ سفید که در پایان ماه می کاخ سفید را ترک کرد - شان اسپایسر، سخنگوی جنجالی کاخ سفید که ۲۱ ژوئیه و همزمان با انتصاب آنتونیو اسکاراموچی استعفا داد - راینس پریس، رئیس دفتر ترامپ که در ۲۸ ژوئیه کنار گذاشته شد - و بالاخره آنتونیو اسکاراموچی که همچنان رکورددار کوتاه‌ترین زمان خدمت در کاخ سفید است و تنها ۱۰ روز به‌عنوان مدیر ارتباطات دوام آورد و روز ۳ ژوئیه اخراج شد.

که در همکاری با دولت و نهادهای خصوصی به دنبال ترغیب آمریکایی‌ها به فعالیت هنری بود. حالا کلین، هنرپیشه سینما و چاک کلوز از نقاشان شناخته‌شده آمریکایی هم‌راه با تمام دیگر اعضای کمیته هنر استعفا داده‌اند. در نامه‌تندی که خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا نوشته‌اند: «ارزش‌های شما با ارزش‌های آمریکایی نیستند. برتری طلبی و تبعیض جایی در میان ارزش‌های آمریکایی ندارد. ما باید از این بهتر باشیم. از این بهتریم. اگر متوجه این موضوع نیستید، از شما می‌خواهیم که استعفا دهید.» در این نامه آمده در پی حمایت شما از گروه‌های افراطی و تروریستی که هموطن‌های ما را در شارلوتزویل کشته و مجروح کردند، چاره‌ای جز محکومیت تمام‌عیار نیست. خودداری دولت از محکوم کردن فوری سرطان نفرت تنها آنهایی را قوی می‌کند که بد آمریکا را می‌خواهند. ما نمی‌توانیم مثل مشاوران شما در بخش غربی کاخ سفید گوشه‌ای بنشینیم و حرفی علیه صحبت‌ها و اقدامات شما نزنیم. لطفاً استعفای ما را بپذیرید.» کاخ سفید در پی استعفای

وعده‌هایی که عملی نشد

تداوم پرداخت یارانه‌های ثروتمندان

هنوز مشخص نیست دولت دوازدهم چه برنامه‌ای برای پرداخت یارانه‌های نقدی دارد. با این حال یارانه ثروتمندانی که تا قبل از انتخابات واریز نمی‌شد، بعد از گذشت سه ماه همچنان پرداخت می‌شود. دولت یازدهم اگرچه در ابتدا با وعده هدفمندسازی یارانه‌ها و قطع یارانه نقدی ثروتمندان روی کار آمد، اما حداقل در چهار سال عمرش نتوانست برنامه‌ای جامع برای پرداخت یارانه‌های هدفمند داشته باشد؛ به نحوی که سعی و خطا و به خصوص برنامه‌ریزی برای جانماندن از رقابت انتخاباتی حتی این برنامه دست و پا شکسته را نیز به سلامت به مقصد نرساند.

طبق آمار منتشر شده یارانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر خانوار که حدود چهار میلیون نفر است، قطع شد که این کار عمدتاً از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت گرفت، اما در بجنوبه انتخابات یارانه تمام این افراد واریز می‌شد؛ در حالی که دولت پیش از آن اعلام کرده بود که قطع یارانه برای افرادی همچون پزشکان، وکلا، اعضای هیأت علمی، دارندگان خودروهای لوکس، هیأت مدیره بانک‌ها و افرادی از این دست صورت گرفته بود که البته بین حذف‌شدگان، افرادی نیز حضور داشتند که نام‌شان اگرچه در فهرست پرداخت‌ها عنوان شده بود، اما در حقیقت جزو اقشار آسیب‌پذیر بودند.

امسال نیز مطابق با تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۶، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مجاز است، فقط ۳۳/۵ هزار میلیارد تومان از منابع خود را صرف پرداخت یارانه نقدی به خانوارها کند. به عبارت دیگر، اگر قرار باشد در سال ۱۳۹۶ ماهانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به هر نفر یارانه پرداخت شود، دولت فقط می‌تواند به ۶۱ میلیون نفر یارانه نقدی پرداخت کند و این در حالی است که در اسفند ماه ۱۳۹۵ به حدود ۷۵ میلیون نفر یارانه پرداخت می‌شد؛ این یعنی در سال ۱۳۹۶، دولت باید یارانه حدود ۱۴ میلیون تن را قطع نماید.

علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز در پاسخ به این سوال که باتوجه به پیروزی گفتمان حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری، آیا دولت برنامه‌ای برای حذف یارانه‌ها در دوره دوازدهم خود خواهد داشت یا خیر گفت: «یارانه‌ها حذف نخواهند شد.» وی در عین حال تأکید کرد که پرداخت یارانه‌ها هدفمندی می‌شود. ▶

ناتوانی دولت در قطع یارانه ثروتمندان

صابر کرامت

خبرنگار

درست هفته‌های پیش از انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم بود که حسن روحانی به هم تیمانش این چراغ سبز را نشان داد که یکبار دیگر یارانه نقدی افرادی که تا پیش از این نام آنها در فهرست متمولان و متمکنان قرار گرفته بود، بار دیگر بدون ملاحظه مشمول دریافت یارانه نقدی شوند و بتوانند همین رقم اندک را هم دریافت کنند؛ رقمی که البته شاید جمع آنها می‌توانست وضعیت بسیاری از خانوارها را بهبود بخشد. حال اما دولت دوازدهم روی کار آمده و رقابت‌های انتخاباتی هم تمام شده است. حسن روحانی نیز باز هم رئیس جمهور ایران شد، اما برنامه غیرهدفمند پرداخت یارانه‌های نقدی همچنان ادامه دارد و مشخص هم نیست که در دولت جدید راه به کجا خواهد برد؛ به خصوص اینکه هنوز هیچ برنامه مشخصی از سوی وزیر برای اجرای دقیق و زمانبندی شده قانون هدفمندسازی یارانه‌ها اعلام نشده و به نظر می‌رسد طی چهار سال آینده نیز همچنان حرکت‌های پوپولیستی در حوزه یارانه‌های نقدی



شاهد تحقق این امر باشیم.» تمام اینها در شرایطی است که دولت یازدهم در دوران چهار ساله خود، بارها تلاش کرده است با استفاده از شیوه‌های مختلف، قشرهای پردرآمد را شناسایی و یارانه آنها را قطع کند. امسال نیز باتوجه به کاهش میزان منابع پرداخت یارانه در بودجه ۹۶، دولت باید تا پایان سال یارانه ۱۴ میلیون را قطع کند که تا امروز و با گذشت حدود پنج ماه از سال ۹۶، خبری در زمینه حذف یارانه قشرهای پردرآمد منتشر نشده است. ▶

ادامه پیدا خواهد کرد. تا امروز و با گذشت حدود پنج ماه از سال ۱۳۹۶، دولت هنوز یارانه هیچ شخصی را قطع نکرده است. در همین زمینه عبدالله رضیان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در ۱۷ مرداد ۱۳۹۶، علت عدم اقدام دولت برای قطع یارانه‌ها را انتخابات ۹۶ عنوان کرد و گفته بود: «طی ماه‌های گذشته، به دلیل انتخاباتی شدن فضای کشور، حذف یارانه دهک‌های بالای درآمدی به تعویق افتاد. به همین منظور، انتظار می‌رود با اقدامات موثر دولت

کدخدایی: خودم به احمدی نژاد گفتم انصراف بده

عباسعلی کدخدایی در نشست خبری سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به پرسش خبرنگاری درباره اینکه آیا در انتخابات ریاست جمهوری، شورای نگهبان با واسطه به احمدی نژاد گفته است که از انتخابات انصراف دهد، گفت: «خبر؛ واسطه‌ای نبوده و بنده خودم به آقای احمدی نژاد گفتم که انصراف دهد. صلاحیت ایشان احراز نشده و در صلاحیت نیز فقط مربوط به نمایندگان مجلس است. اگر کسی مراجعه کند، اطلاعات و دلایل عدم احراز را در اختیار خود فرد قرار می‌دهیم.» وی تصریح کرد: «افراد محترمی که برای انتخابات ثبت‌نام می‌کنند، مستقیم و یا با واسطه اگر صلاحیت‌شان احراز نشود، به آنها اعلام می‌کنیم.»



عربستان باید به ایران غرامت پرداخت کند



در آخرین جلسه دادگاه CAS فدراسیون فوتبال عربستان در پی شکایت فدراسیون ایران به خاطر ممانعت از سفر نماینده‌های این کشور به خاک ایران بعد از کشمکش‌های سیاسی میان دو کشور محکوم شناخته شد تا بر اساس حکم دادگاه محکوم به پرداخت غرامت تمام هزینه‌های این تصمیم اشتباه شود. هزینه‌هایی که سفرهای بی‌مورد نماینده‌های ایران به کشور ثالث متقبل شدند همراه با جرایمی که برای این هزینه‌ها در نظر گرفته شده است. با این رای رای حالا باید منتظر ماند و دید تکلیف میزبانی مصاف نماینده‌های دو کشور در فصل آتی چه خواهد شد، ایرانی‌ها اعلام کردند مشکلی با سفر به عربستان ندارند.

دلیل درگذشت آیت‌الله هاشمی از نظر میرسلیم

میرسلیم در مجمع عمومی سالانه هیأت نجات غریق و گفت: «ناید استخری در مشهد باشد که شما از آن اطلاع نداشته باشید، بدون شک جان یک نفر هم عزیز است.» میرسلیم با اشاره به غرق شدن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در استخر گفت: «مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را از دست دادیم زیرا ایشان در استخری بدون منتهی حضور داشتند، زمانی که از این موضوع مطلع شدم، گفتم چرا ما از این مسأله خبر نداشتیم.» میرسلیم تأکید کرد: «هزینه برای ایمنی مردم هزینه اضافی و بی‌دلیلی نیست، باید بیشتر توجه کنید و از مسئولان بخواهید و تلاش کنید تا ناجیان در تمامی اماکن آبی حضور داشته باشند.»



رایزنی های نظامی مهم در آنکارا

اولین سفر رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران به ترکیه

سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشورمان هفته گذشته در صدر یک هیات عالی رتبه نظامی به آنکارا سفر کرد و مورد استقبال رسمی ارتشید حلوصلی آکار، رئیس ستاد ارتش ترکیه قرار گرفت. مسائلی نظیر مبارزه با تروریسم، تحولات منطقه، روابط دو جانبه دفاعی و همکاری های مرزی از محورهای دیدار سرلشکر باقری با مقامات ترکیه عنوان شده بود. این اولین سفر خارجی سرلشکر باقری در منصب ریاست ستاد کل نیروهای مسلح بود و پیش از آن نیز در سال های ریاست سرلشکر فیروزآبادی شاهد این دست سفرها لاقول در چندین سال گذشته بودیم.

این البته اولین سفر در سطح رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به ترکیه از ابتدای پیروزی انقلاب نیز بود که با دعوت رسمی مقامات ترک و موافقت حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا انجام شد. برخی فرماندهان و مسئولان عالی رتبه نیروهای مسلح از جمله سردار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه، سردار قریبی معاون آمادوزارت دفاع، سردار محرابی معاون قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا، سردار قاسم رضایی فرمانده مرزبانی ناجا، امیر محمدحسن باقری معاون آموزش ستادکل، امیررحیم زاده معاون طرح و برنامه ارتش، رئیس ستادکل رادر این سفر همراهی کردند. سرلشکر باقری در جریان این سفر با مقام عالی رتبه ترکیه از جمله رجب طیب اردوغان رئیس جمهور، ارتشید حلوصلی آکار رئیس ستاد ارتش، نورالدین چایکیلی وزیر دفاع و هاگان فیدان رئیس سازمان اطلاعات (میت) دیدار و در حاشیه این سفر از برخی مراکز دیدنی و مذهبی ترکیه در دو شهر آنکارا و استانبول نیز بازدید کرد. با توجه به حضور سردار پاکپور و سردار رضایی فرمانده مرزبانی ناجا، رایزنی درخصوص موضوعات مرزی و امنیت مرزهای مشترک ایران و ترکیه از جمله مباحث مهم در این گفتگوها بوده است. در این دیدارها، اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای مقامات سیاسی و نظامی ترکیه تشریح و اعلام شده که ایران ظرف سال های گذشته اقدامات کارسازی را در جهت انسداد مرز و برخورد با قاچاق در انواع مختلف و برخورد با تروریست ها در این مناطق مرزی انجام داده و مرز کاملا

آماده و امنی در سرحدات ایران وجود دارد. با توجه به اینکه طرف ترکیه ای هم اقداماتی را در جهت انسداد و کنترل در مناطق مرزی آغاز کرده، مقرر شد ضمن هماهنگی های بیشتر، این اقدامات ادامه پیدا کرده و تکمیل شود. طبق اعلام سرلشکر باقری، در جریان این سفر قرار شد در مورد مقابله با تروریسم در انواع مختلف نیز تبادل اطلاعات و همکاری های عملیاتی - آموزشی و نیز انتقال تجربیات انجام شود. همان طور که از قبل هم پیش بینی می شد، موضوع بحران سوریه از جمله مباحث اصلی برای تبادل نظر میان هیات ایرانی و مقامات ترک بود.

بنا بر اخبار منتشر شده، در جریان دیدار رئیس ستادکل نیروهای مسلح کشورمان با مقامات ترکیه در مورد هماهنگی دو کشور در ایجاد آرامش و امنیت در سوریه در ابعاد مختلف بحث و تاکید شد که بر مبنای ساز و کاری که در آستانه دنبال می شود و بر اساس مذاکرات کارشناسی که در تهران و آنکارا بین مقامات سیاسی و کارشناسان انجام می شود، فرآیند صلح سوریه دنبال شود. به گفته سردار باقری، مقامات ترکیه اعلام کردند که کاملا با این فرآیند هماهنگ هستند و این کار دنبال خواهد شد. در همین رابطه روزنامه «دیلی صباح» نزدیک به حزب حاکم ترکیه از توافق ایران، ترکیه و روسیه برای اقدام مشترک در مورد منطقه «ادلب» سوریه خبر داد. این روزنامه به نقل از منابع ارشد دیپلماتیک در آنکارا، نوشت: «انتظار می رود دیدارهای سردار «محمدحسین باقری» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران با «هولوسی آکار» رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در جریان سفر سه روزه او به آنکارا، نتایج قاطعی در مورد ادلب سوریه به همراه داشته باشد و تنها جزئیات کوچکی باقی مانده که کارشناسان کشورهای مربوطه باید در مورد آن بحث کنند.» موضوع برگزاری همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق نیز که قرار است در اوایل مهرماه برگزار شود، از جمله موضوعات گفتگو میان مقامات ایرانی و ترک در این سفر بوده است. دو طرف بار دیگر تاکید کردند که برگزاری این همه پرسی اگر اتفاق بیفتد، مبنایی برای آغاز یک سری تنش و درگیری در داخل کشور عراق خواهد بود که تبعات آن دانمگیر کشورهای همجوار خواهد شد. ▶

سیدحسن خمینی: هیچ دخالتی در امور دانشگاه آزاد ندارم



مرتضی اشراقی، نوه حضرت امام در پستی اینستاگرامی خبر داد: «امروز به همراه پدر همسرم حضرت آیت الله دوستی زنجانی و دو تن از باجناق های عزیزم آقای مهندس شاهرخی و آقای دکتر حسینی به دیدن حاج حسن آقا رفتیم. محفل انسی بود. از زمره بحث های امروز، بحث زیاد شدن شهریه دانشگاه آزاد بود.

با اینکه می دانستم از حاج حسن آقاجویای حضورشان در جلسات هیات امانا و هیات موسس دانشگاه شدم و ایشان گفتند چندین ماه است که از حضور در این جلسات معذوزند و در امور دانشگاه هیچ دخالتی ندارند.» بعد از درگذشت آیت الله هاشمی دکتر ولایتی مسئولیت هیات امانای این دانشگاه را برعهده گرفت.

دومین مرگ مرتبط با شهرداری قم در دوروز

پس از مرگ پر حاشیه مرد دستفروش قمی، یکی از پیمانکارهای شهرداری قم که روز گذشته در اعتراض اقدام به خودسوزی کرده بود جان سپرد.



رئیس بیمارستان سوانح و سوختگی اصفهان در خصوص مصدوم منتقل شده از قم اظهار کرد: «این فرد با سوختگی ۹۵ درصد به این بیمارستان منتقل شده بود و شب گذشته جان خود را از دست داد.»

فریدون عابدینی ادامه داد: «احتمال زنده ماندن بیماران با این درصد سوختگی در هیچ کجای دنیا وجود ندارد. سخنگو و رئیس کمیسیون خدمات شهری شورای شهر قم، گفته برخی از اختلافات و موضوعات میان پیمانکار و شهرداری منطقه دو قم، علت حادثه خودسوزی پیمانکار بوده است.»

روایت شریعتمداری از واکنش آیت الله جنتی به شهادت حججی



مدیرمسئول روزنامه کیهان، واکنش آیت الله جنتی به خبر شهادت محسن حججی را روایت کرده است. حسین شریعتمداری در کیهان نوشت: «قلیم شکسته و با چشمانی پر از اشک صحبت می کنم... اولین جمله ای بود که دیروز، حضرت آیت الله جنتی در تماس

تلفنی بر زبان آوردند و در مقابل پرسش اینجانب که با ابراز ارادت به محضرشان همراه بود، فرمودند: «از گزارش امروز کیهان درباره شهید محسن حججی متقلب شده ام و شیری که در صفحه سوم آورده بودید، بی قرارم کرده است.» و در حالی که معلوم بود بغض راه سخن را بر حضرتش بسته است، پرسیدند: «این شعر از کیست؟ و چه عمیق و پرشور است؟»

تغییرات در ساختار «جبهه مردمی» برای جوان گرایی

مهدی چمران، عضو شورای مرکزی جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی، با بیان اینکه جلسات جبهه مردمی برای آسیب شناسی انتخابات ریاست جمهوری برگزار می شود، گفت: «ما برنامه هایی برای انتخابات ۹۶ داشتیم که اتحاد نیروهای انقلاب از جمله آنها بود و معتقدیم در این مسیر موفق بوده ایم، چرا که توانستیم بخش اعظمی از جریان نیروهای انقلاب را متحد و منسجم تر کنیم. ما باید جریان انقلاب را بیش از پیش فراگیرتر کنیم



و جمع بیشتری را برای دفاع از حقوق مردم و انقلاب اسلامی متحد کنیم و این مسأله یکی از برنامه های اساسی و جدی جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی برای آینده است.»

در مقطع فعلی، لیبرال ها در کشور جولان می دهند



حجت الاسلام صدیقی، در دیدار اساتید و نجنگان بسیجی حوزه علمیه استان تهران: «اجانب همواره در حال توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی بوده اند اما خداوند متعال نقشه های آنها را نقش بر آب کرده

است. در مقطع فعلی نیز جولان لیبرال ها با شعارهای لیبرالی یکی از توطئه های بیگانگان است.» وی در تبیین شیوه فعالیت جریان لیبرال در کشور افزود: «این افراد در مواردی که منافعیان ايجاب می کند، دم از رهبری می زنند اما در اجرای احکام اسلامی صراحت و شهامت ندارند و حتی برخی از آنها اعتقاد به احکام اسلامی نیز ندارند.»

به اینستاگرام مثلث بیونید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine



قصه ما به «سر» رسید

از داعش خواهیم گرفت: «به شهید محسن حججی... با سر بریدن انسان های آزاده و بزرگ، اندیشه، پیام، نام و اعتبار آنان از بین نمی رود، بلکه تاثیر آنان بر جامعه بشری بیشتر و قله جلال و جاودانگی شان رفیع تر می شود. محسن حججی، از «سر» گذشت؛ اما سرگذشت پرافتخار او در دل آزادگان جهان حک شد. انتقام او را به زودی خواهیم گرفت. بلند اسر ما که گر غرق خوش / بیینی، بیینی تو هرگز زبوش / تناور درختی که هر چه ش ببری / فروتر شود شاخ و برگ فزونش...»

سردار قاسم سلیمانی نیز در یادداشتی مفصل نوشت: «پس از شکست های بی درپی گروه های تکفیری -و هایی وابسته به استکبار جهانی در برابر رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف، گروه تروریستی داعش مرتکب جنایاتی فجیع و غیرانسانی شد، در هیچ قاعده و قانون اسلامی و حتی انسانی نمی گنجد.

مردم دلاور و امت حزب الله خصوصاً خانواده شهید محسن حججی مطمئن باشند که فرزندان دلیر شما انتقام این اقدام ددمشانه را با تصمیمی قاطعانه که همانا ریشه کن کردن شجره خبیثه و هایت و تروریسم از جهان اسلام است خواهند گرفت.

این نوع جنایات که تاکنون هزاران مورد آن به همین شکل در عراق و سوریه ضد امت مسلمان اعم از شیعه و سنی به وقوع پیوسته، تنها نتیجه ای که خواهد داشت، اتحاد و آگاهی بیشتر عالم اسلامی نسبت به هویت و خبائث این خوارج زمان است و ما را در پاک کردن سرزمین اسلامی از لوث و وجود آنان مصمم تر و قدرتمندتر خواهد کرد.

به حلقوم بریده این شهید عزیز راه ابا عبد الله (ع) سوگند یاد می کنیم که از تقییب این شجره ملعونه و نابودی این غده خطرناک برآمده در پیکر جهان اسلام تا آخرین نفرشان از پای نخواهیم نشست.»

چهره هایی چون اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، دکتر ظریف، وزیر امور خارجه، سردار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه و بسیاری از سیاستمداران و هنرمندان در شبکه های اجتماعی پیام های مشابهی را همراه با ابراز همدردی و وعده انتقام خون این شهید والا مقام را منتشر کردند. ▶

هفته پیش محسن حججی در عملیاتی که نزدیک مرز سوریه با عراق صورت گرفت، به اسارت گروه تروریستی داعش درآمد و داعش دو روز بعد، تصاویری را از به شهادت رساندن این رزمنده دلاور ایرانی منتشر کرد؛ تصاویری که نشان می داد این جوان همچون مولایش، حسین بن علی (ع) با سر بریده دیدار حق را لیبیک گفته است. این شهید مدافع حرم، اهل نجف آباد اصفهان و عضو لشکر زرهی هشت نجف اشرف بود.

این تصاویر که نشان می داد در چهره این شهید از لحظه اسارت تا زمان شهادت استقامت و ایستادگی برآمده از غیرت و شجاعت ایرانی موج می زد، بیش از پیش مردم و نخبگان را متأثر ساخت و واکنش های بسیار گسترده ای را در فضای عمومی و شبکه های اجتماعی در پی داشت و هزاران پست در شبکه های اجتماعی در همدردی و همچنین همراهی با مسیری که این شهید در آن گام نهاد، منتشر شده است.

غوغای پس از شهادت محسن حججی در ایران

بسیاری از واکنش های کاربران به نحوه شهادت شهید حججی و انتشار عکس پیکر بدون سرش از ارادت این مدافع حرم به امام حسین (ع) و خاندان ایشان اشاره داشت، عده ای با انتشار پست های گوناگون نوشتند: «عاشقان را سر شوریده به پیکر عجب است» و در این میان، تصویرسازی به چشم می خورد که نشان می دهد، حضرت ابا عبد الله (ع) در زمان شهادت به استقبال این شهید آمده است.

پس از این واقعه، همسر شهید محسن حججی چنین پیامی منتشر کرد: «همسر رفت که بگوید امام خاмене ای تنها نیست... رفت که بگوید هنوز هم مردان خدایی هستند... آگه کسی خواست اشکی برای همسرم بریزد به اشکش هدف بدهد. برای حضرت زینب (س) و امام حسین (ع) گریه کند... همه زیر لب فقط بگویند امان از دل زینب (س)... راهش را ادامه بدهید... دعا کنید خدا به من هم صبر بدهد... التماس دعا.»

در همین رابطه، سردار سرلشکر محسن رضایی با انتشار تصاویری از شهید مدافع حرم محسن حججی و نکوداشت یادش اعلام کرد به زودی انتقام این شهید را

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

✓ سردار قالیباف خسته نباشید. البته شهرداران قبلی هم در حد توانشان کار انجام داده اند. مثلاً برج میلاد و چندین بزرگراه و پل. پس صداقت داشته باشید و تبلیغات قبل از موعد نکنید.

✓ به تازگی به قبض تلفن گزینیه ای به نام هزینه سرویس چند رسانه ای اضافه کرده اند و مبلغ ۵۰ هزار تومان اضافه شده. اینجانب به چندین مرکز مخابرات مراجعه کردم تا بدانم چه مفهومی دارد. با جواب «نمی دانیم» مواجه شدم!

✓ یعنی می شه روزگاری بیاد که هر وقت روزنامه رو باز می کنیم ببینیم دولت برای مردم به قدم مثبت برداشته؟ فعلاً که جز وعده و آمار دادن چیزی نمی بینیم!

✓ می خواستم بگم جوی که راه انداخته اند و به معنای مواد می دهند تمامی افراد معتاد را خوشحال کرده و دیگه دنبال ترک نیستند. واقعا این ایده پردازان بهتر است موشک به فضا بفرستند!

✓ آیا می دانیم که شهید عزیز محسن حججی چطور به این مقام بزرگ رسیده؟ مال حلال!

✓ رئیس جمهور محترم آقای روحانی! لطفاً لبخند و خنده را کنار بگذارید و به امور مملکت برسید. جوانان ما بیکارند. آمار طلاق زیاد شده، باز هم شما لبخند می زنید!؟

✓ خانواده محترم مرحوم دکتر مریم میرزاخانی با مخالفت خود با نام گذاری معبری به اسم ایشان با این دلیل که به جای اسطوره سازی باید الگوسازی کرد چه زیبا حق مطلب را ادا کرده اند، زیرا با الگوسازی هزاران اسطوره خواهیم داشت که مایه فخر ایران و آبادانی کشور خواهند بود.

✓ در کشورهای پیشرفته بانک ها از کسانی که در بانک پس انداز دارند بابت دستمزد نگهداری پول مردم یک تا دو درصد دریافت می کند ایران سود بالای پنج درصد هم می دهد! نتیجه شده تعطیلی کارهای تولیدی، باید عاشق باشی به کار پرریسک تولیدی بپردازی. یا خواباندن پول در بانک و موسسات خلق الساعه می توان شاهد افزایش سرمایه باشی! حذف پرداخت سود به سپرده تهر راه مهار افزایش نقدینگی و مهار تورم و اشتغال زاست.

✓ شهید عزیز، محسن حججی شهادت برازنده تو بود. با حضرت علی اکبر امام حسین (ع) محشور شوی شهید گرامی.

✓ آقای احمدی نژاد توانست حداقل یک زن را به عنوان یک عضو کابینه معرفی کند. امید که دولت کنونی این نسبت را حداقل سه برابر کند.

Javad Zarif @Care
Quick to insult Islam but hesitant to condemn racist terror at home. Terror in name of race or religion is plain terror & represents neither



ضرغامی با تاکید بر صلابت و شجاعت شهید مدافع حرم، محسن حججی، دشمنان را در مقابل عظمت روحی این جوان ۲۵ ساله، ناتوان خواند.

انتقاد به پست اینستاگرامی مهدوی کیا

بحث حمایت و انتقاد به دو بازیکن تیم ملی که در مقابل تیمی از اسرائیل بازی کردند همچنان در هفته گذشته در فضای مجازی در جریان بود. این بحث‌ها با ورود بازیگران فوتبالیست‌ها داغ‌تر هم شد. خصوصا اینکه چند روز پس از آن بود که تصاویر مربوط به شهادت شهید محسن حججی در رسانه‌ها پخش و احساسات را برانگیخته بود. درست سه روز پس از شهادت محسن حججی به دست وحشیان داعشی، مهدوی کیا بازیکن سابق تیم ملی فوتبال، در صفحه شخصی خود، با نوشتن متنی از دو بازیکن تیم ملی حمایت کرد. این بازیکن در صفحه شخصی خود از دو بازیکن داخلی که با تیمی اسرائیلی مسابقه داده و هدف حمایت وزارت خارجه اسرائیل قرار گرفته‌اند، حمایت کرد. کاربران فضای مجازی با انتشار عکس‌های مهدوی کیا با خودروی گران قیمت و سگش، پرسیدند: اگر مدافعان حرم نبودند تو چگونه با خیال راحت، جولان می‌دادی؟ اگر تو و خانواده‌ات در حال خوشگذرانی هستی، به دلیل فدکاری مدافعان حرم است.

آقای مهدوی کیا! اگر مدافعان حرم نبودند، تو می‌رفتی جلوی داعش بجنگی؟

آقای مهدوی کیا! تو که نگران فقر و بیکاری هستی برای فقرا چیکار کردی؟ تو مثل شهید حججی می‌رفتی اردوی جهادی تا به فقرا کمک کنی؟!

مهدوی کیا در جواب با انتشار متنی اعلام کرد که از ابتدا احترام به شهدا و خانواده آنها را به خوبی آموخته است و تصاویر مربوط به حضورش در تشییع جنازه شهدای غواص را منتشر کرد.

اختلاف اصلاح طلبان و اعتدالیون بر سر جهرمی

بعد از معرفی جهرمی به عنوان وزیر پیشنهادی ارتباطات، بحث زیادی در فضای مجازی بر سر او در گرفت. عده زیادی به تاسی از کانال‌های ضد انقلاب ادعای مختلفی را در مورد او مطرح می‌کردند. برخی از روزنامه‌نگاران اصلاح طلب نیز با وجود حمایت از دولت مدعی شده بودند که او در سال ۸۸ نقش داشته است. در همین شرایط بود که خبری منتشر شد که مدعی بود حمیدرضا جلالی‌پور از اعضای حزب مشارکت و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد از او دفاع کرده است. اما جلالی‌پور با انتشار متنی با عنوان «من مدافع فرجی دانا هستم نه جهرمی» نوشت: «در گروه‌های تلگرامی از قول من بیان شده بود که اینجانب از کاندیداتوری آقای جهرمی برای وزارت مخابرات دفاع می‌کنم که این خلاف واقع است.» او در ادامه این یادداشت نوشت: «من گفتم مدافع فرجی دانا و جهانگرد هستم و اگر جناب جهرمی هم در مجلس رأی نیابد فرصتی است که روحانی با معرفی کاندیدایی که مناقشه‌تر این انتخابش را جبران کند. ولی اگر جهرمی با رأی کم نیز رأی یابد این دلیل زاویه گرفتن ما از روحانی نمی‌شود. چه بسا روحانی او را در گسترش هرچه بیشتر زیر ساخت‌های ارتباطی و آن لاینی موثرتر به کار گیرد. بعضی از منتقدان بدبین در برابر ملاحظات فوق به من می‌گفتند: جلالی‌پور ساده‌نابش جهرمی معرفی شده تا «دولت الکترونیکی کنترلی» برای کنترل هرچه بیشتر شهروندان تقویت شود. من هم پاسخ دادم فرض کنید اینطور باشد. ولی وقتی زیر ساخت «دولت هوشمند کنترلی» تقویت می‌شود همزمان زیر ساخت «جامعه مدنی هوشمند» هم تقویت می‌شود.»

بررسی رسانه‌ای هفته

۵۰ درصد نقدینگی در نظام بانکی قفل است



روزنامه جهان صنعت در گزارشی نوشت: «حجم نقدینگی در کشور به رقم یک هزار و ۳۱۴ هزار میلیارد تومان رسیده است و روز به روز بزرگ و بزرگ‌تر نیز می‌شود. این میزان نقدینگی اگر چه به خودی خود نامطلوب نیست اما اگر در جهت تولید و توسعه اقتصاد ملی به کار گرفته نشود، همچون یک بمب ساعتی برای اقتصاد کشور خطر آفرین خواهد بود.» در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «در حال حاضر ۵۰ درصد نقدینگی هزار و ۳۰۰ میلیارد تومانی در نظام بانکی قفل است و در گردش نیست.»

بخشی از این نقدینگی به تسهیلات اعطایی، به انبوه‌سازان، ساختمان و مستغلات اختصاص یافته اما هنوز املاک ساخته شده‌از طریق این وام‌ها فروش نرفته است. از سوی دیگر بخشی از این ۵۰ درصد، مطالبات معوق و بدهی‌های پرداخت نشده دولت به بانک مرکزی و بانک‌ها را شامل می‌شود. بخشی نیز به مطالبات معوق تولیدکنندگان بازمی‌گردد؛ تولیدکنندگانی که به دلیل رکود حاکم بر تولید و اقتصاد کشور نتوانستند تولیدات خود را به فروش برسانند و بدهی‌های خود را به نظام بانکی بازگردانند. در واقع آمار و ارقام نشان می‌دهد بخش زیادی از نقدینگی در کشور در شبکه بانکی کشور قفل شده و به همین جهت تاکنون اثری روی تورم نداشته است. با این حال اگر نقدینگی به سمت تولید نرود و خروج از رکود شکل نگیرد، آسیب‌های جدی در طول چهار سال آینده دولت متوجه اقتصاد کشور خواهد شد.» گفتنی است هزینه‌های جاری (نه عمرانی) دولت ظرف ۴ سال، بیش از ۲ برابر شود و با رشد بیش از ۳۰۰ درصدی، از ۱۰۴ هزار میلیارد به ۳۴۰ هزار میلیارد تومان رسید. با عنایت به اینکه حجم نقدینگی نیز از ۴۳۰ هزار میلیارد به ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده، حاصل جمع این دو (افزایش هزینه‌های جاری دولت و حجم نقدینگی)، احتمال رها شدن فنر تورم را قریب‌الوقوع می‌کند مگر اینکه دولت جدید، به توقف این روند بپردازد.

۹ ماه پس از سرشماری آمار بیکاری گم شده است؟

روزنامه همشهری در گزارشی نوشت: با گذشت ۹ ماه از اتمام سرشماری ۹۵ هفتاد جزئیات این آمارگیری منتشر نشده است. این سرشماری اوایل مهرماه انجام شد. مرحله الکترونیکی و حضوری آن به پایان رسیده اما هنوز جزئیات کامل نتایج آن از جمله آمار اشتغال منتشر نشده است. باتوجه به اینکه در سرشماری اخیر مرکز آمار، سئوالات جامع‌تری تدارک دیده بود انتظار می‌رفت در حوزه‌های مختلف به ویژه در مورد مسائلی مانند اشتغال و وضعیت مسکن اطلاعات دقیق‌تری کسب شود. همچنین از سوی دیگر انتظار می‌رفت با الکترونیکی شدن سرشماری، جمع‌بندی اطلاعات نیز با سرعت بیشتری انجام شود. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ به این دلیل اهمیت زیادی پیدا کرده است که به واسطه سوالات طرح شده در آن، افراد باید به صورت دقیق و جزئی‌تر اطلاعات مورد درخواست را ارائه می‌دادند که عملی می‌توانست منجر به بروز اصلاحات اساسی در نمونه پایه آمارگیری‌های قبلی شود. اواخر اسفندماه سال گذشته مرکز آمار ایران گزارشی در مورد نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۵ منتشر کرده است که فقط قسمت‌هایی از اطلاعات کلی مربوط به برخی از حوزه‌ها را منعکس کرده است؛ با وجود این اطلاعات قبلی را با چالش‌های زیادی مواجه کرد اما در این میان از برخی حوزه‌ها، مانند حوزه اشتغال، با وجود جمع‌آوری اطلاعات، هیچ‌گونه آماری منتشر نشد. این در حالی است که مثلا با انتشار یک بخش جزئی از وضعیت بازار مسکن کشور مبنی بر اینکه تعداد خانه‌های خالی به حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد رسیده، سیاست‌گذاری‌ها و اظهارنظرهای کارشناسی در این حوزه با چالش جدی مواجه شد. بر این اساس، می‌توان استنباط کرد کیفیت اطلاعات کسب‌شده از طریق سرشماری اخیر به گونه‌ای است که می‌تواند مبنای بسیاری از سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی قرار بگیرد و همین مساله غیبت جزئیات نتایج این سرشماری را غیرموجه‌تر می‌کند. یادآوری می‌شود طبق برخی گزارش‌ها، بیکاری در سال گذشته تشدید شده است.



روایت حجاریان از خرید رأی

سعید حجاریان طی مطلبی با عنوان «قدرت به مثابه کالا» به «کالایی شدن» قدرت انتقاد کرده و نوشت: «کالایی شدن قدرت بسیار سخت‌جان است و پیشینه‌اش به فراماسون‌های ماقبل سرمایه‌داری در اشکالی همچون تیول‌داری بازمی‌گردد. در تیول‌داری پادشاه ایالتی را به یک فرد تیول می‌داد و این فرد موظف می‌شد هر ساله مقداری از عواید آن ایالت را به شاه بپردازد و در ازایش هر چه می‌خواست بر سر رعیت می‌آورد.» حجاریان در تشریح وضعیت کنونی نیز گفته است: «اما امروز ما جرایم متفاوت شده است و ما شاهد آن هستیم که از طرفی بعضی از پست‌های سیاسی مانند وزارت، قضاوت، مدیریت کل، سفارت، ریاست بانک و... را از پیش می‌خرند و از طرف دیگر افراد را در جایگاه‌های مختلف همچون کالای در تملک خود درمی‌آورند.» وی با اشاره به مصادیقی از اقداماتی در دولت نهم و دهم که به گفته وی موجب خرید قدرت شده بود، تصریح کرده است: «گمان نرود که سوءاستفاده از قدرت (power abuse) منحصر به دولت‌های نهم و دهم بوده است؛ پیشینه این موضوع به ابتدای انقلاب بازمی‌گردد؛ چرا که طبقه ممتاز از همان آغاز شکل گرفت و رسوب کرد و دولتی که آمد لایه‌ای بر آن افزود تا بدینجا که در دولت فعلی نیز شاهدیم لایه جدیدی از این قشر بر قشر سابق افزوده و آن را سست کرده است.» حجاریان درباره دولت دوازدهم نیز تاکید کرده است: «گاه صدایی از منازعات بر سر تصرف منابع ملی به بیرون درز می‌کند، در گمانه‌زنی‌ها و پرسوسه‌های چینش کابینه دوازدهم نیز مشاهده کردیم که یکی از وزرا میان معاینین خود تقسیم کار کرد و به آنان مأموریت داد که با نمایندگان لابی کنند و رأی اعتماد آنها را بخرند.» وی همچنین درباره آنچه خرید رأی در انتخاب شهردار تهران می‌خواند نیز گفته است: «در جریان معرفی گزینه‌های شهرداری تهران نیز بعضی برای کسب منصب چنین تقابلی می‌کنند و می‌خواهند با تعرفه مشخص رأی شورای شهر یا رابطین با اعضا بخرند.»



تقویت نئونازی‌ها

ایالات متحده آمریکا بار دیگر صحنه اعتراض‌های نژادپرستانه شده است؛ هفته گذشته پس از حضور طرفداران دست‌راستی و نئونازی‌ها با عنوان «اتحاد دست‌راستی‌ها» در شارلوتزویل از ایالت ویرجینیا، طرفداران ضدنژادپرستی هم‌کم کم روانه خیابان‌های شارلوتزویل شدند و این دو گروه به شدت به زد و خورد مشغول شدند. در نهایت نیز یک خودرو تویوتا به سرعت به میان آنها راند و چندین نفر را زیر گرفت و کشته و زخمی کرد. اکنون این پرسش مطرح است که آیا تقویت تحركات نژادپرستان و نئونازی‌ها ارتباطی با روی کار آمدن دونالد ترامپ دارد یا خیر و آیا در دوران ریاست جمهوری ترامپ شاهد تقویت موضع راست‌گرایان افراطی خواهیم بود؟



شکاف نژادی به نفع ترامپ است

سفیدپوستان نگران تغییر جمعیت در آمریکا هستند

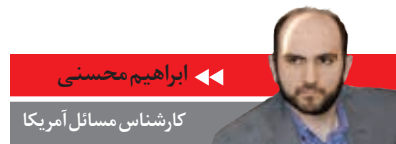
خطر ببینند و انگیزه لازم برای اعتراض و خشونت علیه این موضوع را پیدا کنند. اما نکته کلیدی که باید یادآور شد این است که قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید استفاده از ادبیات نژادپرستانه در آمریکا قبح داشت و افرادی که این رویکردها را داشتند در محافل که در اقلیت بودند رویکردشان را مخفی می‌کردند؛ اما ترامپ به دلیل بروز دیدگاهش در ایام انتخابات و بعد از آن، به نژادپرستان جرات و جسارتی بخشیده که حتی در مجامعی که مخالفان در اکثریت هستند، اظهار وجود می‌کنند.

به عنوان نمونه با اینکه اکثریت مردم شارلوتزویل در انتخابات ریاست جمهوری به هیلاری کلینتون رای دادند اما مشاهده می‌کنیم که برخلاف گذشته، بحران اخیر در همان منطقه رخ داده است. زیرا با قدرت گرفتن ترامپ و بیان مواضعش، عرصه برای این نژادپرستان باز شده است. جالب اینکه اگرچه اتفاقی که در شارلوتزویل رخ داد اتفاق بسیار مهمی در آمریکا محسوب می‌شد اما دونالد ترامپ مواضع مبهمی را در این خصوص اتخاذ کرد؛ او ابتدا بیان داشت که خشونت از جانب هر گروه و فردی را محکوم می‌کنیم و موجب شد برخی از مردم مخصوصاً طرفداران نژادپرستی تصور کنند ترامپ از آنها حمایت می‌کند و آنها را به‌طور مشخص محکوم نمی‌کند، سپس وی بعد از ۴۸ ساعت موضع مستقیم اتخاذ می‌کند و صراحتاً گروه‌های نژادپرستی چون طرفداران برتری نژاد سفید، کوکلاکس کلان‌ها و نئونازی‌ها را محکوم و تأکید کرد که نفرت افکنی و تعصب جایی در کشورش ندارد.

در همین راستا دیوید دوک که یکی از مهره‌های ارگان کوکلاکس کلان‌ها است از طرفداران پروپا قرص

درواقع می‌توان گفت یک رابطه دوسویه در این جریان وجود دارد به این صورت که رویکردهای نژادپرستانه به پیروزی ترامپ کمک کرده و ورود او به کاخ سفید، فضا را برای اقدامات برتری‌جویان فراهم کرده است. نکته‌ای که در مورد تغییرات جمعیتی در آمریکا باید به آن اشاره کرد، این است که جمعیتی که در گذشته به عنوان اقلیت‌ها محسوب می‌شدند از سال ۲۰۱۴ به بعد به دلیل افزایش کودکان زیر پنج سال در اکثریت قرار گرفتند؛ به عبارت دیگر سفیدپوستان انگلوساکسون در اقلیت قرار می‌گیرند و جمعیت‌هایی مانند سیاهپوستان که پانزده درصد کودکان و خصوصاً اسپانیایی‌تبارها که بیست و سه درصد جمعیت کودکان آمریکایی را شامل می‌شوند به علاوه اقشار دیگری غیر از سفیدپوستان پروتستان، جمعیت‌شان در اکثریت قرار می‌گیرد. این تغییرات نژادی جمعیتی برای سفیدپوستانی که سفیدی را یک مزیت به حساب می‌آورند، یک رنگ خطر است مبنی بر اینکه ایالات متحده در آینده از هویت اصلی‌اش فاصله خواهد گرفت. از لحاظ تاریخی زمانی که آمریکا اوایل قرن هجدهم پیش از جنگ‌های داخلی قانون تابعیت را به تصویب رساند، تأکید کرد که تنها سفیدپوستان آزاد (نه برده‌ها) حق تابعیت آمریکا را دارند و سفیدپوستان معترض به آن قانون ارجاع می‌دهند که آمریکا به سفیدپوستان غیر کاتولیک و از نژاد انگلوساکسون تعلق دارد.

از آنجایی که تا این اواخر نژادپرستان از لحاظ جمعیتی در اکثریت بودند احساس قدرت در آنها رخنه کرده و حرص و خوی نژادپرستی کمتر از امروز بود؛ اما تغییرات جمعیتی سبب شد تا آنها آینده هویت آمریکا را در



ابراهیم محسنی

کارشناس مسائل آمریکا

دوباره ایالات متحده آمریکا صحنه اعتراض‌های نژادپرستانه شده است؛ این بار در ایالت ویرجینیا. هفته گذشته طرفداران دست‌راستی و نژادپرست‌ها در شارلوتزویل از ایالت ویرجینیا با عنوان «اتحاد دست‌راستی‌ها» به خیابان‌ها آمدند و بیشتر نفراتی که در این راهپیمایی حضور داشتند از طرفداران نئونازی‌ها و دست‌راستی‌های افراطی بودند. اما ماجرا به اینجا ختم نشد و طرفداران ضدنژادپرستی هم‌کم کم روانه خیابان‌های شارلوتزویل شدند و این دو گروه به شدت به زد و خورد مشغول شدند. اما در یکی از میدان‌های اصلی این شهر زمانی که طرفداران نژادپرستی در حال برگزاری راهپیمایی بودند، یک خودرو تویوتا به سرعت به میان آنها راند و چندین نفر را زیر گرفت.

این اتفاقات در حالی در آمریکا رخ داده است که نژادپرستان در گذشته به صورت زیرزمینی فعالیت می‌کردند اما بعد از ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید این تجمعات و اعتراضات به صحنه علنی کشیده شد. به هر جهت یک سری تغییرات در حوزه جمعیتی در آمریکا در حال رخ دادن است که هم یکی از عوامل پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری است و هم زمینه بروز تجمعات نژادپرستی را در ایالات متحده آمریکا افزایش می‌دهد.

وجهه غیردموکراتیک

ترامپ نمی‌خواهد نژادپرستان را مهار کند



مهدی فتوحی

کارشناس مسائل آمریکا

درگیری‌ها و تظاهرات خشونت‌آمیز اخیر «سفیدپوستان افراطی» یا وفاداران به «کو کلاکس کلان» و مخالفان‌شان در شهر شارلوتزویل، واقع در ایالت ویرجینیا در راهپیمایی موسوم به «اتحاد راست» در اعتراض به برداشته شدن مجسمه «ژنرال رابرت لی» صورت گرفت. در واقع کوکلاکس کلان‌ها در مفهوم کلی آن گروه‌هایی در آمریکا هستند که به برتری نژاد سفید باور دارند. نژادپرستی در ایالات متحده آمریکا پیشینه بسیار طولانی دارد و از دوران استعمار در این کشور بنیان‌گذاری شده است. به صورتی که وقتی سفیدپوستان بر کشور آمریکا تسلط پیدا کردند، رفتار نژادپرستانه و غیرانسانی با بومیان آمریکایی و سرخ‌پوستان شروع شد؛ به تدریج این رفتار در قبال گروه‌هایی که به آمریکا مهاجرت کرده بودند از جمله آمریکاییان آفریقایی تبار که به عنوان برده از آنها برای کارهای کشاورزی و تولیدی بهره‌کشی می‌کردند نیز انجام گرفت. تعداد این آمریکاییان آفریقایی تبار، طبق گزارش‌ها در بین سال‌های ۱۶۲۶ تا ۱۸۶۰ میلادی به بیش از ۴۷۰ هزار برده می‌رسید. چنین رفتار نژادپرستانه‌ای با مهاجرینی که از آمریکای لاتین و آسیا به آمریکا مهاجرت کرده بودند نیز ادامه پیدا کرد. به همین خاطر در آمریکا مبارزات زیادی با نژادپرستی صورت گرفته است که اگرچه در برخی موارد موفقیت‌هایی داشته، اما همچنان جنبه نژادپرستی در آمریکا قدرتمند است؛ به‌ویژه اینکه در حال حاضر سفیدپوستان بر این قضیه دامن می‌زنند و در صددند گروه‌های سست نژادپرست و گروه‌هایی را که در اقلیت هستند از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بیرون کرده و جایگاه ممتازی را که خودشان بر اساس تاریخ برتری جویی در آمریکا به دست آوردند، حفظ کنند. در گذشته گروه‌های نژادپرست اشکال مختلفی داشتند و رفتار غیر انسانی به صورت نظام‌مند در آنها نهادینه شده بود تا اینکه بعد از لغو برده‌داری و مبارزات مارتن لوتر کینگ، این رفتار تا حدودی در آمریکا کاهش پیدا کرد. در واقع در گذشته گروه‌هایی مانند کوکلاکس کلان‌ها که در حال حاضر به اسم نئونازی‌ها در داخل آمریکا شناخته می‌شوند درصد بودند تا به سفیدپوستان، مهاجران و دیگر گروه‌های اقلیت حمله کنند تا زمینه اخراج آنها را از آمریکا فراهم کرده یا محدودیت‌هایی را برای آنها ایجاد کنند. به همین خاطر دولت آمریکا در سال ۲۰۰۹ و تحت ائتلاف جمهوری خواه، تحقیقاتی را در این زمینه انجام داد، زیرا احتمال داد این گروه‌ها دست به عملیات تروریستی در داخل آمریکا بزنند. اما هیچ اقدام عملی را در مقابله با این گروه‌های نژادپرست انجام نداد. از لحاظ پراکندگی جغرافیایی، تمرکز نژادپرستان در گذشته، جنوب آمریکا بود اما در حال حاضر بیشتر در شرق و شمال شرق آمریکا و تاحدودی ایالت‌های جنوبی مستقر هستند. لازم به ذکر است این گروه‌های نژادپرست بیشتر شامل سفیدپوستانی هستند که سواد اندکی دارند یا امتیازات‌شان را از دست داده‌اند و شغل مناسبی نیز ندارند. در گذشته در دولت‌های دموکرات اقدامات شفاف‌تری برای مقابله با رفتارهای نادرست برتری جویان انجام می‌شد، اما دولت دونالد ترامپ، اقدامی که از شدت و حدت اقدامات نژادپرستانه کاسته شود در دستور کار ندارد. مشاهده می‌کنیم اخیراً تحولات برتری جویانه در آمریکا شدت گرفته و آخرین آن اعتراضات در شارلوتزویل بوده است که توسط مقامات آمریکایی با محکوم‌نشده‌ای به نوعی سیاستمدارانه مانند دونالد ترامپ محکوم کردند که نژادپرستان هم ناخوشودنشوند. در واقع چون سفیدپوستان نژادپرست از حامیان ترامپ در

ترامپ در انتخابات بود، بعدها در یکی از سخنرانی‌هایش گفت «ما به این دلیل ترامپ را برگزیدیم و از وی حمایت می‌کنیم که وی وعده داد هویت اصلی آمریکا را حفظ کند». بنابراین می‌بینیم آنها خودشان را خیلی راحت به ترامپ وصل می‌کنند این در حالی است که رئیس‌جمهور آمریکا هم آنها را پس نمی‌زند؛ همچنان که در نخستین واکنش او به جریانات شارلوتزویل این رویکرد کاملاً مشهود بود. مساله‌ای که وجود دارد این است سفیدپوستان قبول ندارند که نژادپرستند بلکه اعتقاد دارند همانگونه که سفیدپوستان در آمریکا اجازه دارند از حق و هویت خودشان دفاع کنند، سفیدپوستان هم باید بتوانند بدون اینکه وصله‌ای به آنها زده شود از حقوق خودشان دفاع کنند و در واقع موضع رسمی سفیدپوستان در تظاهرات این است. همچنین یکی از بزرگترین دغدغه‌های این افراد مساله مهاجرت است که تغییرات جدی در ساختار جمعیتی آمریکا ایجاد می‌کند. ترامپ نیز از ابتدای بحث مهاجرت تاکید داشت، بحثی که در ارتباط با دیوار مکزیک مطرح شد هم به دلیل مشکلات هویتی در آمریکا است. زیرا این تغییرات جمعیتی، تبعات گسترده‌ای برای آمریکا به همراه دارد؛ به عنوان مثال ایالات متحده از لحاظ هویتی دیگر پروتستان محسوب نمی‌شود زیرا آمریکا کشوری به شدت مذهبی بوده است و مذهب، جایگاه ویژه‌ای در آمریکا دارد. آنها مشروعیت دخالت در امور دنیا را از ذهنیت «منتخب خدا بودن» می‌گیرند.

همچنین ریشه انگلیسی و زبان انگلیسی برای شان موضوعیت ندارد و خواهان آن هستند که اسپینش، زبان رسمی آمریکا شود؛ اینهاست که این قشر را به واژه انداخته است و می‌ترسند در جایی که فرزندان‌شان بزرگ می‌شوند آنها در اکثریت نباشند و تبعیضاتی که زمانی آنها علیه اقلیت به کار می‌رفتند علیه فرزندان‌شان به کار گرفته شود. بنابراین هم ترامپ و اطرافیان‌ش و هم نژادپرستان سفیدپوست با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که برای هر دو طرف وجود دارد، اهداف یکسانی را پیش می‌برند و در این راستا درک متقابلی وجود دارد مبنی بر اینکه ترامپ زمانی که ملزم به محکوم کردن خشونت است این محکومیت را فقط به سفیدپوستان محدود نمی‌کند.

در نتیجه باید گفت به نفع دولت ترامپ است که تقابل بین سفیدپوستان و دیگر اقشار جامعه آمریکا حفظ شود، مگر اینکه به هرج و مرج بینجامد و امنیت مختل کند. زیرا وی در قالب همین تقابل، پیروز انتخابات شد. ترامپ تمایل دارد قبح اظهار نظر سفیدپوستان از بین برود و این ادبیات ادامه پیدا کند به همین خاطر نیز در جریان اخیر به جای رویکردهای نژادپرستی بر بحث خشونت تاکید کرد. باید به خاطر داشت که تقابل سفیدپوستان و سایرین محدود به دولت ترامپ نمی‌شود و در تاریخ آمریکا همواره وجود داشته است. اگرچه در دوره‌هایی این نوع تظاهرات خیلی هزینه‌بر بود اما در حال حاضر به دلیل مواضع رئیس‌جمهور و مشاور وی، زمینه برای نژادپرستان فراهم شده است. لازم به ذکر است استیو بنن، مشاور ترامپ در همین طیف سفیدپوستان جای دارد و حضور وی در کاخ سفید به این گروه‌ها این انگیزه و امید را می‌دهد که زمان علنی کردن خواسته‌ها و مطالباتشان فرا رسیده است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که افرادی که رویکردهای نژادپرستانه دارند و عمدتاً در ایالت‌های جنوبی و مناطق روستائین حضور دارند، در حال حاضر در همه جا صراحتاً اظهار وجود می‌کنند؛ اما در گذشته آنها جزو گروه‌های زیرزمینی بودند و جرات و جسارت اقدامات علنی را جز در ایالت‌های جنوبی که در اکثریت بودند و می‌توانستند علنی فعالیت کنند، نداشتند. ▶

انتخابات بودند نوع محکومیت وی در ارتباط با موضوع اخیر نشان می‌دهد که وی مخالفین نژادپرستی را با حامیان‌ش یکسان فرض کرده و قاطعانه در مقابل عمل غیرانسانی برتری جویان ایستادگی نکرده است؛ همچنان که استیو بنن، مشاور رئیس‌جمهور نیز دیدگاه‌هایی نزدیک به این گروه‌های افراطی دارد. لازم به ذکر است مدیریت چنین جریاناتی در شرایط کنونی در داخل آمریکا امر دشواری است و مستلزم آن است که مقامات دارای قدرت در آمریکا مخالف تفکرات نژادپرستی و برتری جویی باشند؛ چنین چیزی در دولت کنونی آمریکا دیده نمی‌شود و بنابراین بعید است که اقدامات عملی را علیه این گروه‌ها بتوانند انجام دهند. همچنین احتمال دارد اشکال دیگری از این جنبش‌ها همانند تظاهرات اخیر در ویرجینیا که به خشونت کشیده شد، در آینده توسط سفیدپوستان افراطی در ایالت‌های دیگر آمریکا رخ دهد. این در حالی است که در واکنش به خشونت‌های شارلوتزویل، دموکرات‌ها با شفافیت بیشتری این اقدام را محکوم کرده و سعی کردند از این رویداد فاصله بگیرند و حتی از دولت نیز انتقاد کردند؛ اگرچه همین محکومیت‌ها در دورانی که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا بود و دموکرات‌ها قدرت را در دست داشتند نیز وجود داشت، اما دولت دموکرات‌ها نیز هیچ‌گاه اقدام عملی در این راستا انجام نداد و گروه‌های نژادپرست به صورت پنهانی در داخل جامعه حضور داشتند. در واقع دولت ترجیح می‌داد در مقابل آنها سکوت کند. همچنین از آنجایی که در دنیای امروز نژادپرستی مطرد شناخته می‌شود بخشی از جمهوریخواهان سعی کردند از این رویداد فاصله گرفته و آن را محکوم کنند؛ اما رئیس‌جمهور و مشاور وی، بنن به جهت آرای که در انتخابات اخیر از این گروه‌ها کسب کردند تمایل جدی برای محکومیت و مهار نژادپرستان در داخل آمریکا ندارند. در نتیجه این احتمال وجود دارد که تیم ترامپ، این گروه‌ها را به نوعی در داخل جامعه آمریکا زنده نگه داشته و تقویت کنند تا در آینده از آنها در مقابل گروه‌های مخالف برتری جوی حمایت کنند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که دولت آمریکا در کوتاه مدت بتواند این گروه‌ها را مهار کند همانگونه که در دوران اوباما نتوانستند با خشونت و رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به سفیدپوستان و اسپانیایی‌تبارها در مناطق مختلف آمریکا مقابله کنند؛ با وجودی که رئیس‌جمهور در آن زمان، شخصی سفیدپوست بود. همچنین از آنجایی که سفیدپوستان زندگی در آمریکا را تنها حق خودشان می‌دانند و از لحاظ مالی و تحصیلی جایگاه بهتری دارند، بعید است نسبت به گروه‌های ضعیف‌تر، فقیرتر و مهاجرین برابری قائل شوند و بنابراین هر لحظه امکان دارد این گروه‌ها در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ دست به ماجراجویی‌هایی داخل آمریکا بزنند و به نوعی ماهیت غیرانسانی پنهان در داخل جامعه آمریکا را به عین بروز دهند. باید توجه داشت که این تنش‌ها تبعاتی به همراه دارد؛ اختلافات را بین مردم آمریکا یعنی سفیدپوستان و گروه‌های اسپانیایی و سفیدپوستان افزایش می‌دهد، امکان دارد اختلافات و درگیری‌های قومی در بگیرد یا اقدامات مسلحانه برای ایجاد و شست و سرکوب گروه‌های رنگین‌پوست و اقلیت انجام گیرد. در عرصه سیاسی، بی‌ثباتی و ناامنی‌ها را داخل جامعه آمریکا گسترش می‌دهد و در عرصه بین‌المللی نیز چهره آمریکا را مخدوش می‌کند. این در حالی است که ایالات متحده در طول سال‌های گذشته در تلاش بود تا تصویری دموکراتیک و حامی حقوق بشر از خود به نمایش بگذارد اما با به قدرت رسیدن ترامپ ما شاهد آشکار شدن وجهه دیگری از آمریکا هستیم که در صحنه دولتی نمی‌تواند با دیگر دولت‌ها تعامل کند و در داخل جامعه نیز نمی‌تواند زمینه تعامل مثبت بین سفیدپوستان و رنگین‌پوستان و دیگر گروه‌های اقلیت را فراهم کند. ▶



زخم کهنه نژادپرستی در آمریکا سر باز کرده است

شورش علیه اقلیت



امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا

هفته گذشته گروهی از نژادپرستان و راست‌گرایان افراطی در اعتراض به برچیدن مجسمه ژنرال لی در پارکی در شهر شارلوتزویل ویرجینیا دست به تظاهرات زدند. اگرچه از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جمهوریخواه آمریکا گروه‌های نژادپرست در این کشور فعال تر شده‌اند، اما آنچه که در شارلوتزویل ویرجینیا رخ داد، در واقع باز شدن زخم کهنه تعارضات نژادی در ایالات متحده آمریکا است و ارتباط مستقیمی با روی کار آمدن دونالد ترامپ ندارد. بحث تبعیض نژادی یک بحث قدیمی، عمیق و دیرپا در ایالات متحده است؛ به عبارت دیگر از پیش از تاسیس ایالات متحده آمریکا در اواخر قرن هجدهم این وضعیت وجود داشته است؛ جنگ داخلی که خونین‌ترین جنگ آمریکا بوده نتوانست این تنش را مهار کند و حتی جنبش حقوق مدنی که دستاوردهای زیادی به همراه داشت نیز توفیقی در پایان دادن به تبعیض نژادی در این کشور نداشت. بنابراین تمام تلاش‌ها و مخالفت‌ها با تبعیض نژادی اگرچه در مقیاس کلان دستاوردهایی برای سیاه‌پوستان داشته (انتخاب رئیس‌جمهور سیاه‌پوست) اما همچنان در سطح جامعه و میان عامه مردم این تبعیضات ملموس و مشهود است و یک نوع دوگانگی در آمریکا بوجود آمده است. در واقع دولت دونالد ترامپ محصول و معلول تعارضات نژادی بوده است؛ اما نقدی که بر ترامپ وارد می‌شود این است که چرا آشکارا و صریح خشونت‌حامیان برتری نژادی و سفیدپوستان را محکوم نکرد و در اظهارنظری که داشته خشونت توسط هر دو طرف را محکوم کرد و به تقبیح این اقدام نژادپرستان پرداخت؛ در صورتی که اکثریت قریب به اتفاق سیاستمداران و نخبگان جامعه آمریکا حتی خانواده ترامپ صراحتاً خشونت توسط برتری جوان سفید را محکوم کرده‌اند. به هر تقدیر بهانه برگزاری تجمعات در ویرجینیا که توسط پلیس نیز غیرقانونی خوانده شد، اعتراض به تلاش برای برداشتن مجسمه ژنرال لی بوده است. ژنرال لی، فرمانده کل ارتش ایالات‌های برده‌دار جنوبی در جنگ داخلی بود که اعلام جدایی از ایالات متحده کردند و جنگ داخلی راه‌انداختند، اما در نهایت شکست خوردند و ایالت‌های جنوبی برده‌داری را برچیدند و مجدداً به ایالات متحده آمریکا بازگشتند. در واقع

همچنین باید گفت که برتری جوان و نژادپرستان مرزهای حزبی را در نوردیده‌اند و در سطح گسترده‌تر در حیطه مواضع ایدئولوژیک میان محافظه‌کاران و لیبرال‌ها خط می‌کشند. در واقع اکثریت قریب به اتفاق جناح لیبرال ضد تبعیضات نژادی هستند که شامل جمهوریخواهان نیز می‌شوند؛ به عنوان مثال مایک پنس، معاون ترامپ و جف سشنز، وزیر دادگستری آمریکا که از جمهوریخواهان معتقد و متعصب هستند خشونت‌های شارلوتزویل را محکوم کردند، اما بخشی از محافظه‌کاران در آمریکا به مواضع نژادپرستانه، بیگانه‌ستیزانه و اقلیت‌ستیزانه نزدیک هستند. زیرا اتفاقی که در شارلوتزویل افتاد تنها نقض سیاه‌پوستان نبود در واقع نقض هر آن چیزی بود که در آمریکا مهر اقلیت خورده است؛ علیه یهودیان و مسلمانان به عنوان اقلیت دینی شعار داده شد، علیه همجنس‌گرایان به عنوان اقلیت جنسی برخاستند و هر آنچه در اقلیت است از دید برتری جوان سفید مذموم و ناپسند است. بنابراین می‌توان گفت بخشی از محافظه‌کاران که در ایالت‌های جنوبی در مناطق روستایی و مذهبی افراطی فعالیت می‌کنند، به تفکرات نژادپرستانه نزدیک هستند.

باید توجه داشت که در این راستا نهاد دولت به تنهایی نمی‌تواند تغییری در ذهنیت مردم آمریکا نسبت به معضل نژادی ایجاد کند، گرچه هم دولت‌های دموکرات هم جمهوریخواه به عنوان نماینده مردم قدم‌هایی را برای مواجهه با تفکرات جدایی‌خواهانه برداشته‌اند. اما مردمی که سالیان سال در این سیستم زندگی کرده‌اند، با این فرهنگ بزرگ شده‌اند و نگاه منفی نسبت به مسائل نژادی دارند، به این راحتی تغییر نمی‌کنند. بنابراین اگر تغییرات فرهنگی صورت نگیرد امکان حل این معضل توسط هر دولتی دشوار خواهد بود. نهاد دولت و تشکیلات سیاسی در آمریکا از این جریان‌ها و خشونت‌ها بسیار ناخرسند است و احساس خطر می‌کند چراکه ادامه این وضعیت ثبات اجتماعی را به خطر می‌اندازد و به آشوب‌ها و درگیری‌های خیابانی منجر خواهد شد. اما نگاه شخص دونالد ترامپ متفاوت است، او به مراتب بیشتر از محافظه‌کاران و جمهوریخواهان، بیگانه‌ستیز و مهاجرستیز است و مواضعی که او اتخاذ کرده می‌تواند موجب دلگرمی جریان برتری جوانی سفید شود. البته به نظر می‌رسد جامعه مدنی، رسانه‌ها و نخبگان آمریکا به این جمع‌بندی رسیدند که با این نوع حرکت‌ها باید مقابله کنند و امکان ظهور و بروز و تبدیل شدن اتفاقات شارلوتزویل به جنبش فراگیر اجتماعی که به تعارضات نژادی دامن بزند را از بین ببرند. ▶

برداشتن یا بی‌احترامی به مجسمه ژنرال لی مورد اعتراض گروهی از مردم آمریکا که تمایلات نژادپرستانه و برتری نژادی دارند و گروهی از ناسیونالیست‌های آمریکایی که از او به عنوان یک قهرمان ملی و واقعیت تاریخی یاد می‌کردند، واقع گشت. بنابراین باید گفت مجموعه اتفاقاتی که طی سال‌های اخیر رخ داده، متاثر از افزایش آگاهی توده مردم نسبت به موضوع نژادی است که باعث شده برخی از سمبل‌های کنفدراسیون جدایی طلب آمریکا در جنگ داخلی برداشته شود؛ به عنوان مثال پرچم کنفدراسیون در کارولینای جنوبی برداشته شد. بنابراین جنبش برتری جوانی سفید عقیده دارد که به بخشی از تاریخ و اعتقادات مردم آمریکایی احترامی می‌شود و به دنبال آن درخواست برگزاری تظاهرات را دارند. اما باید گفت اینها در واقع بهانه‌ای بیش نیست زیرا برتری جوان اعتقاد دارند هویت آمریکایی در حال از بین رفتن است؛ از دید این گروه هویت آمریکایی این‌گونه تعریف می‌شود: «سفیدپوستانی که تبار اروپایی دارند، عمدتاً پروتستان مذهب هستند و هویت آمریکایی دارند.» به زعم آنها، جامعه آمریکا با وجود مهاجرانی از آمریکای جنوبی و رشد جمعیت سیاه‌پوستان در حال از دست دادن هویت اصلی‌اش است. آنها معتقدند جدایی نژادی باید گسترده‌تر شود و مناطق سفیدپوست و سیاه‌پوست از هم‌دیگر تفکیک شوند. این نژادپرستان بر این باورند که آنها را بر بارش جمعیت رنگین‌پوستان نابود می‌شوند. از نگاه آنها، عموم مهاجران و رنگین‌پوستان، سرباری برای جامعه هستند، هزینه سنگینی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کنند و موجب افت وضعیت معیشتی اقشار سفیدپوست می‌شوند. ضمن اینکه در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما جنبش‌های برابری خواهی قدرت گرفتند، علیه جدایی نژادی و تبعیض نژادی تجمعاتی برگزار کردند و در مقابل قدرت‌یابی جریان‌های جدید برتری جوان سفید و گروه‌های افراطی چپ‌گرای آنتاریست بیگانه‌ایستادند. به دلیل همین خیزشی که در دوران باراک اوباما برای برابری خواهی اجتماعی به وجود آمد، برتری جوان تظاهراتی برپا کردند تا اعتراض خودشان را نسبت به آن جریان نشان دهند. ضمن اینکه در چنین شرایطی، ظهور ترامپ با شعارهای بیگانه‌ستیزی و ضد مهاجری فرصت مناسبی را برای اتحاد این گروه‌ها ایجاد کرد تا مطالبات‌شان را مطرح کنند. نباید فراموش کرد بخشی از آرای که به نفع دونالد ترامپ به صندوق ریخته شد، توسط همین سفیدپوستانی بود که عموماً در مناطق روستایی و حومه شهرها و ایالت‌های جنوبی منسوب به کارگران بقیه‌ای و صنعتی هستند.

دغدغه‌ای به نام مهار ترامپ

کپی برداری ترامپ از بوش

جواد محمدی

روزنامه نگار

۴ دونالد ترامپ از زمان حضور خود در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده آمریکا مولد بحران‌های زیادی در سیاست داخلی و خارجی کشورش بوده است. بی دلیل نیست که حتی بسیاری از جمهوری خواهان سنتی حضور ترامپ در کاخ سفید را خطرناک ارزیابی کرده و نسبت به آثار و تبعات رفتارهای ترامپ ابراز نگرانی می‌کنند. همان گونه که مشاهده می‌شود، ترامپ در چندین جبهه مشغول بحران آفرینی در حوزه سیاست خارجی

بر حوزه سیاست خارجی کاسته و بیشتر بر درون مرزهای کشور خود متمرکز شود، اما آنچه طی ماه‌های اخیر گذشته است، ادعای رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را به شدت زیر سوال می‌برد. به عبارت بهتر، بسیاری از رای دهندگان آمریکایی تصور می‌کردند که ترامپ شخصیتی کاملاً متفاوت با بوش پسر و دیک چنی دارد. در حالی که ترکیب ترامپ - پنس، دقیقاً همان ترکیب کاخ سفید در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ میلادی را به ذهن متبادر می‌سازد. مروری بر کارنامه رئیس‌جمهور ایالات متحده طی شش ماه اخیر، نشان دهنده بحران‌های مزمنی است که وی در سیاست خارجی آمریکا ایجاد کرده است.

است. از سوی دیگر، ترامپ در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، ونزوئلا را نیز نسبت به اقدام نظامی تهدید کرده است! آنچه مسلم است اینکه دونالد ترامپ در همین مدت کوتاه حضور خود در کاخ سفید، ایالات متحده آمریکا را به قهقرا برده است. به راستی دلیل اصرار ترامپ برای ایجاد تنش در حوزه سیاست خارجی آمریکا چیست؟ آیا وی هدف خاصی را از این اقدامات دنبال می‌کند؟ پاسخ این سوال مثبت است. ترامپ این اقدامات را به صورتی کاملاً هدفمند صورت می‌دهد.

در اینجا است که شاهد همخوانی رفتارهای ترامپ و بوش پسر هستیم. قبل از اینکه وارد این بحث شویم، لازم است نیم‌نگاهی به وضعیت ترامپ در بین افکار عمومی آمریکا بیندازیم. واقعیت امر این است که ترامپ به خوبی نسبت به مخالفت اکثریت افکار عمومی آمریکا با خود آگاه است. نظرسنجی‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که حتی در میان طرفداران ترامپ نیز بر سر ادامه حمایت از وی تردیدهایی جدی ایجاد شده و از تعداد هواداران رئیس‌جمهور آمریکا کاسته شده است. در چنین شرایطی ترامپ تصمیم گرفته است امنیت ملی کشورش را قربانی مطامع سیاسی خود کند. در برخی نظرسنجی‌های صورت گرفته در آمریکا، میزان محبوبیت دونالد ترامپ به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. ترامپ در این خصوص از همان فرمولی پیروی می‌کند که بوش پسر در بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ میلادی به آن استناد کرد. این فرمول، ایجاد بحران در سیاست خارجی آمریکا و خلق وضعیت اضطراری در حوزه سیاسی و امنیتی آمریکاست. در چنین شرایطی، افکار عمومی نسبت به استمرار حضور ترامپ در کاخ سفید بیشتر مجاب می‌شوند.

به عنوان مثال، در جریان منازعات اخیر میان ایالات متحده آمریکا و کره شمالی، شاهد افزایش اندک محبوبیت ترامپ در برخی نظرسنجی‌ها بوده ایم. ایجاد فضای ترس و وحشت و جنگ، همیشه به مثابه ابزاری در دست سیاستمداران آمریکایی در راستای افزایش قدرت مانور آنها در فضای سیاسی کشورشان بوده است. بوش پسر نیز با اندازی جنگ در افغانستان و عراق، به افکار عمومی این گونه القا کرد که در صورت پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴، روند صیانت از شهروندان آمریکایی در مقابل تهدیدات موجود با مشکل مواجه می‌شود. از این رو وی به راحتی توانست جان کری را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ شکست دهد و برای دومین بار راهی کاخ سفید شود. ترامپ هم اکنون به خوبی می‌داند که در وضعیت طبیعی قادر به جلب آرای عمومی به سود خود نخواهد بود و قطعا در سال ۲۰۲۰ از نامزد حزب دموکرات شکست خواهد خورد. در چنین شرایطی، ترامپ ترجیح داده است جامعه آمریکا را به سوی بحرانی هدفمند هدایت کند. بحرانی که پاشنه آشیل امنیت آمریکا و البته رمز ورود دوباره ترامپ به کاخ سفید خواهد بود.

در نهایت اینکه در صورت استمرار وضعیت موجود در ایالات متحده آمریکا و تداوم حضور ترامپ در کاخ سفید، شاهد وقوع بحران‌های مزمنی در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا خواهیم بود. بحران‌هایی که سران هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه طی دهه‌های متمادی با آن درگیر خواهند بود. شاید در چنین شرایطی، برکناری ترامپ از قدرت و خروج وی از کاخ سفید، تنها راه موجود برای نجات نسبی آمریکا از بحران باشد. ... ▶



بحران‌هایی که دامنه‌ای گسترده داشته و برخی از آنها، ممکن است تا سال‌ها در حوزه سیاست خارجی واشنگتن ظهور و بروز داشته باشند. ترامپ در یکی از نخستین اقدامات خود، از توافق آب و هوایی پاریس خارج شد و شرکای اروپایی خود را در شوکی سخت قرار داد. با این حال ماجرا به این نقطه ختم نشد. اصرار ترامپ بر افزایش بودجه نظامی اعضای ناتو، مولد بحران‌های پایداری در میان واشنگتن و شرکای آتلانتیکی آن بوده است. این تنش‌ها همچنان ادامه دارد. در ادامه، شاهد تلاش ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران هستیم. موضوعی که حتی به واکنش رکس تیلرسون وزیر امور خارجه دولت آمریکا و متعاقباً، برکناری وی از کمیته بررسی برجام در آمریکا انجامید. طی هفته‌های اخیر نیز ترامپ وارد تنش بی‌سابقه با کره شمالی شده است. وی کره شمالی را در خصوص اقدام نظامی تهدید کرده است. پیونگ یانگ نیز در مقابل، طرح حمله به گوآم را مورد بررسی قرار داده

کشورش است. در قاموس سیاست خارجی ترامپ، اساساً دیپلماسی و عقلانیت محلی از اعراب ندارد. این موضوع، نگرانی شدید بسیاری از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان را برانگیخته است. در این میان، حتی برخی سناتورهای جمهوریخواه آمریکایی مانند جان مک کین و لیندسی گراهام، با نگرانی مشغول رصد دوران ریاست جمهوری ترامپ هستند. در چنین شرایطی، پروژه «مهار ترامپ» به صورتی جدی‌تر در ایالات متحده آمریکا استارت خواهد خورد.

همگان متفق القول هستند که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا روزهای پرتلاطمی را در این کشور ایجاد کرده است. مروری بر کارنامه شش ماهه ترامپ در حوزه سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد که او به دنبال ایجاد جنجال‌هایی مزمن و دامنه‌دار در این حوزه است. اگرچه ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ مدعی شده بود که قصد دارد از تمرکز



سایه ائتلاف ناخواسته

نگاهی بر آخرین تحولات سیاسی آلمان

سعید سبحانی

خبرنگار

بدون شک، دولت فعلی آلمان یکی از ضعیف‌ترین دولت‌های طی چند دهه اخیر در این کشور بوده است. ائتلاف دو حزب مخالف سنتی یعنی احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال دموکرات، وضعیت نامتوازنی را در حوزه اقتصاد، سیاست خارجی و حتی معادلات اجتماعی در آلمان ایجاد کرده است. بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی و اقتصادی در آلمان، از ابتدا نسبت به شکل‌گیری ائتلاف دموکرات مسیحی‌ها و سوسیال دموکرات‌ها دید بدبینانه‌ای داشتند. گذشت زمان نشان داد که این دید منفی بی‌دلیل نبوده است!

دولت ائتلافی آلمان در مواجهه با بسیاری از بحران‌های این کشور که مستلزم ورود قاطعانه دولت به صحنه بود، به محل منازعه دو حزب سنتی و رقیب تبدیل شد. یکی از این موارد، بحران پناهجویان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی بود. این بحران همچنان در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی وجود دارد. همچنین حزب سوسیال دموکرات آلمان، سیاست‌های نظامی حزب دموکرات مسیحی از جمله موافقت نسبی این حزب با افزایش بودجه نظامی آلمان (در راستای تأمین نظر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا) را بر نمی‌تابد. مجموع این اختلافات سبب شده است تا بسیاری از شهروندان آلمانی، از کارآمدی دولت خود در مواجهه با بحران‌های سیاست داخلی و خارجی کشورشان

مسیحی در مصاف با سوسیال دموکرات‌ها پیش‌تاز هستند. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که مرکل و همراهانش آرای لازم برای تشکیل دولت مستقل و یک‌دست را نتوانند به دست آورند. در این صورت، تشکیل دولت ائتلافی در آلمان غیرقابل اجتناب خواهد بود. در این میان، حزب سبز آلمان، از احزابی است که دموکرات مسیحی‌ها برای تشکیل دولت با آن وارد مذاکره خواهند شد. اما نباید فراموش کرد که در جریان تشکیل دولت ائتلافی فعلی آلمان، حزب سبز در نهایت حاضر به تشکیل دولت ائتلافی با حزب دموکرات مسیحی نشد. در نهایت، آنگلا مرکل ناچار شد مذاکرات تشکیل دولت ائتلافی با حزب سوسیال دموکرات را در دستورکار قرار دهد.

این مذاکرات، به صورتی کاملاً ناخواسته صورت گرفت. عدم راهیابی دموکرات‌های آزاد (حزب متحد مرکل) در رقابت‌های انتخاباتی دور گذشته، مرکل را ناچار به ائتلاف با رقیبش کرد. در حال، محصول این مذاکرات، تشکیل دولت ائتلافی فعلی در آلمان بود. دولتی ضعیف و حداقلی که در آن اعضای ارشد حزب سوسیال دموکرات مانند فرانک والتر اشتاین مایر و زیگمار گابریل نیز مشارکتی فعال داشته‌اند. همان گونه که اشاره شد، طی سال‌های اخیر، شاهد بروز اختلافات عمده‌ای میان اعضای دولت ائتلافی آلمان بوده‌ایم. هم‌اکنون، این تجربه بار دیگر در حال تکرار است. طی روزهای اخیر، شاهد کاهش محبوبیت آنگلا مرکل نزد افکار عمومی آلمان هستیم. اگرچه مرکل همچنان دارای حاشیه امنیت بهتری نسبت به رقیب خود مارتین شولتس است اما استمرار این روند کاهش به ضرر صدر اعظم آلمان خواهد بود.

در فاصله حدود یک ماه‌نیم به انتخابات پارلمانی آلمان که در ۲۴ سپتامبر برگزار می‌شود، نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که محبوبیت هر دو نامزد صدر اعظمی آلمان یعنی مارتین شولتس از حزب سوسیال دموکرات و آنگلا مرکل از حزب دموکرات مسیحی کاهش پیدا کرده و البته مرکل همچنان پیش‌تاز است. با این حال، نباید فراموش کرد که رقابت انتخاباتی در آلمان، میان مرکل و شولتس برگزار نمی‌شود! آنچه در انتخابات آلمان موضوعیت دارد، میزان رای آوری احزاب این کشور و تشکیل ائتلاف‌های سیاسی است.

در هر حال، طی روزهای اخیر بار دیگر زرمزه تشکیل دولت ائتلافی در آلمان (میان دو حزب رقیب و سنتی) به گوش می‌رسد. هم‌اکنون مارتین شولتس، عقب‌نشینی مرکل از اختصاص ۲ درصد تولید ناخالص ملی آلمان به هزینه‌های دفاعی را شرط حضور سوسیال دموکرات‌ها در دولت ائتلافی دانسته است. به عبارت بهتر، مارتین شولتس در ماورای سخنان خود، خبر از احتمال تشکیل دوباره دولت ائتلافی (متشکل از احزاب مسیحی و حزب سوسیال دموکرات) داده است. این مساله، نوعی بازگشت به نقطه صفر محسوب می‌شود. بدون شک در این صورت قدرت مانور مرکل در معادلات سیاست داخلی و خارجی آلمان به شدت کاهش خواهد یافت. بدیهی است که این موضوع، نارضایتی‌های عمومی از دولت ائتلافی آلمان را تقویت خواهد کرد.

در هر حال، مرکل سعی دارد با تقویت محبوبیت حزب متبوعش، مانع از شکل‌گیری دوباره وضعیت فعلی در آلمان شود اما حزب سوسیال دموکرات به راحتی در مقابل صدر اعظم این کشور عقب‌نشینی نخواهد کرد. حال باید دید که نتیجه جدال دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال دموکرات و احزاب متحد آنها در انتخابات سراسری آلمان چه خواهد شد. انتخاباتی که به دلیل موقعیت خاص آلمان و مرکل در اتحادیه اروپا، نتیجه آن برای بسیاری از کشورهای عضو اروپایی واحد نیز دارای اهمیت فوق العاده است. ▶

نامید شوند. هم‌اکنون در فاصله حدود یک ماه‌نیم تا برگزاری رقابت‌های انتخاباتی آلمان، نشانه‌ای از پیروزی مطلق ائتلاف احزاب مسیحی مشاهده نمی‌شود. همین مساله سبب می‌شود تا مرکل و همراهانش بار دیگر ناچار به تشکیل دولتی ائتلافی در کشورشان شوند. بنابراین، سوسیال دموکرات‌ها حتی در صورت شکست احتمالی در انتخابات، بار دیگر نسبت به حضور در دولت بعدی آلمان امیدوارند.

طی روزهای اخیر، شاهد موضع‌گیری‌های خاصی در رقابت‌های انتخاباتی آلمان هستیم. مارتین شولتس، نامزد حزب سوسیال دموکرات برای احراز پست صدارت اعظمی آلمان و رئیس سابق پارلمان اروپا اخیراً به نکته قابل تأملی در سخنان انتخاباتی خود اشاره کرده است. مارتین شولتس انصراف از افزایش بودجه نظامی به ۲ درصد تولید ناخالص ملی را شرط حزبی برای مشارکت در دولت ائتلافی آینده در آلمان دانسته است! مارتین شولتس تأکید کرده است که باید استراتژی محدودیت تسلیحات و خلع سلاح اتمی را در پیش گیریم به جای اینکه یک مسابقه تسلیحاتی را به راه بیندازیم که از طرف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای آن تبلیغ می‌شود.

این اظهارات مارتین شولتس از ابعاد و زوایای مختلفی قابل تجزیه و تحلیل است. فارغ از اظهاراتی که مارتین شولتس در مواجهه با رویکرد نظامی و تسلیحاتی آنگلا مرکل و حزب دموکرات مسیحی آلمان بیان کرده است، سخنان وی در خصوص احتمال تشکیل دوباره دولت ائتلافی در آلمان بسی جای تأمل دارد. هم‌اکنون نظرسنجی‌های صورت گرفته در آلمان نشان می‌دهد که ائتلاف احزاب

روایت چشم‌هایش

نگاهی به واکنش سلبریتی‌ها پس از شهادت محسن حججی

شیعی بود و برای افکار عمومی اسارت و شیوه شهادت شهید حججی، یادآور خردادهای کربلا است و از سوی دیگر شیوه فیلم برداری و صحنه‌های دلخراش آن نشان می‌دهد که تیم رسانه‌ای داعش در تلاش برای ضربه جدی به خودباوری و امید مردم ایران بودند و نوع عکس نشان می‌دهد آنان در تکاپو برای ترسیم صحنه آخرالزمانی بودند ولی با چهره آشفته و پر استرس عضو داعش و صلابت نگاه پاسدار ایرانی، پیروز محتوم نبرد آخرالزمانی مشخص گردید.

۴ (ب) کنش سلبریتی‌ها

همچون کشورهای دیگر، سرزمین ما نیز چهره‌های معروف و مشهور خودش را دارد که هرکدام محبوب قشری و گروهی قرار گرفته‌اند. بعضی‌ها در قالب ورزشکار، برخی‌ها با جامعه سیاستمداری و تعداد کثیری در زمره هنرمندان، توانسته‌اند مخاطب خاص خودشان را میان مردم پیدا کنند و بر آنها تأثیر بگذارند. بررسی فعالیت سلبریتی‌ها در شبکه‌های اجتماعی در شرایطی که سرعت تبادل داده‌ها ارتقا داشته است، از اهمیت وافر برخوردار است. این شخصیت‌ها با واکنش‌هایشان مخاطب‌هایشان را به سمت دلخواه جلب می‌کنند. در نتیجه نقش این افراد، کمتر از رسانه‌های رسمی نخواهد بود. کنش‌ها و واکنش‌ها میان سلبریتی‌ها دو گونه است؛ گاهی رویداد آفتاب مهم است که طبیعتاً باعث واکنش سلبریتی‌ها خواهد شد و در مورد بعدی سلبریتی‌ها عامل ایجاد موج رسانه‌ای- اجتماعی می‌شوند. با انتشار خبر اسارت و شهادت شهید حججی رصد الگوی رفتار سلبریتی‌ها نشان از تأثیری دوطرفه میان رویداد همگامی با مردم و واکنش عاملان دارد و به عبارتی برهم کنش هر دو سبک موجب بدل شدن موج ابتدایی به یک سونامی حمایتی اجتماعی شد.

۴ سرمایه اجتماعی شهادت

به روایت پانتام، سرمایه اجتماعی به منزله اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی است که همکاری و مشارکت را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند. او سرمایه اجتماعی در فضای شبکه‌ها دارای سه مولفه ویژگی‌های ساختی با شاخص سنجش اندازه شبکه، ترکیب شبکه و ویژگی‌های تعاملی با سنجش فراوانی تماس و صمیمیت و ویژگی‌های کارکردی آنکه منجر به حمایت اجتماعی می‌گردد، می‌داند در مورد موضوع شهید حججی در فضای مجازی همه شاخص‌های تحقق سرمایه اجتماعی در بالاترین حد رخ داد و ما شاهد تقویت سرمایه اجتماعی ملی از طریق رخداد شهادت ایشان هستیم، به نحوی که نوشته وبگاه آمریکایی المانیتر عکس شهید حججی ایرانی‌ها را متحد کرده است. این سایت در همین راستا نوشت: «با دست به دست شدن تصاویر اسارت و بدن بی‌سر محسن حججی، مقامات ایرانی و کاربران شبکه‌های اجتماعی فوراً همدردی و تسلیت خودشان را به والدین و همسر حججی ابراز کردند و قول به پاکسازی منطقه از داعش دادند.» بنابراین در چند روز اخیر دشمن پس از فروکش شدن موج ابتدایی آن در صدد برآمد چند موج تخریبی- همسو با جناحی‌سازی این رخداد- ایجاد نماید که به‌روز و ظهور جدی پیدا نکرد.

موگرینی بود. در این مقطع زمانی روحیه «عزت ملی» به دلیل غریب‌زدگی عربیان در سلفی‌نمایندگان فراکسیون امید تضعیف شده بود. سلفی‌نمایندگان با موگرینی، مراسم تحلیف ریاست جمهوری را تحت الشعاع قرار داد و سخنان رئیس دولت در خصوص مناسبات آتی با کشورهای غربی در چارچوب برجام شنیده نشد. حجت‌الاسلام حسن روحانی در اولین موضع‌گیری خود در کسوت کلیددار دوازدهم پاستور موضع دولت را در قبال نقض برجام ابراز داشت و در همین راستا گفت: «جمهوری اسلامی ایران آغازگر نقض برجام نخواهد بود ولی در مقابل تداوم بدعهدی‌های آمریکا نیز ساکت نخواهد نشست.» با خطاب قرار دادن رئیس‌جمهور آمریکا اظهار داشت: «آنان که قصد پاره کردن برجام را دارند بدانند که با این کار طومار عمر سیاسی خود را پاره خواهند کرد و جهان این بدعهدی آنان را فراموش نخواهد کرد.» پس از این رخداد افکار عمومی با هشمتک انتقادی #سلفی_حقارت بر نمایندگان تاختند. فاصله زمانی کم این رویداد با هم تقابل دو کنش را از هویت ایرانی به نمایش گذاشت و در ذهن مخاطبان ایرانی اش «سلفی عزت» را در مقابل «سلفی حقارت» قرارداد. گویی این عکس آمده بود تا آن عکس‌ها را از رزومه ایران مقتدر، پاک کند و درس صلابت به برخی از نمایندگان بدهد.

۲ متن رخداد شهادت

تصویر به مثابه رخدادی تاریخی در حافظه همگانی جامعه ایرانی تداعی شد. صلابت نگاه اسیر ایرانی و نحوه خاص شهادت و تصویر آخرالزمانی در سرزمین شام برای



۳ وجهه ناظمی نژاد

روزنامه نگار

همه چیز از حماسه یک عکس شروع شد. اسارت ستوان یکم، پاسدار، محسن حججی به دست نیروهای داعش با انتشار تصویر مردی که اقتدار یک ملت در نگاه نافذش موج می‌زد، به سرعت در فضای مجازی کشور خیرساز شد و سپس با فاصله زمانی کمی خبر شهادت ایشان عقر به‌های تاریخ را روی ساعت ایران متوقف کرد. برخلاف پندار سیاه داعشیان، بازخورد این تصویر رعب و وحشت در قلب جامعه ایران نبود، بلکه آغازگر موجی حمایتی دامنه‌دار در سراسر کشور شد. آنچه اما ذهن قلم را می‌فرساید چرایی این بازخورد عظیم در کالبد جامعه ایرانی است که آن را می‌توان از دو محور کنش جمعی مردم و اقدام سلبریتی‌ها مورد واکاوی قرارداد.

۴ الف) کنش جمعی مردم در شبکه‌های اجتماعی

اصطلاح «شبکه‌های اجتماعی» را برای نخستین بار جی‌ای بارنز در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کلیدی در تحقیقات و مطالعات جامعه‌شناختی و رسانه‌ای بدل گشت و پس از آن شاهد رشد واکاوی رفتارهای فردی و جمعی به خصوص در عرصه سیاسی در بستر شبکه‌های اجتماعی بودیم. یکی از مهم‌ترین بسترهای سنجش رخدادها، گفتارها و نوشتارها در منازعات و مناسبات سیاسی درک صحیح از اجتماع شبکه‌ای یا شبکه روابط غیررسمی و به دور از قدرت حاکم است. یکی از این اجتماعات شبکه، شبکه‌های اجتماعی مجازی است. مفهوم اجتماعات مجازی در سال ۱۹۹۳ توسط رینگولد، به عنوان گروه اجتماعی موجود در محیط اینترنت بیان شد که مردم از طریق آن با یکدیگر بحث می‌کنند. هرچند بازیگران عرصه قدرت در تکاپو هستند تا با عملیات روانی تسخیر قلب و روان و ذهن را در پی گیرند و خود، موضوعات طراحی شده برای انتقال ویژگی‌ها و اطلاعات خاصی برای مخاطبان است که از این طریق می‌تواند احساسات و انگیزه‌های آنها و نهایتاً رفتار سازمان‌ها و گروه‌ها و افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

۱. فرامتن رخداد شهادت

کنش جمعی حمایتی افکار عمومی از شهید دارای سوبه‌های فرامتن قابل تاملی است. حدود دو ماه قبل عناصر داعش با حمله به حرم امام خمینی (ره) و مجلس شورای اسلامی دنبال این بودند ترس جمعی در کشور ایجاد کنند؛ هرچند شوک داعش به پیکر جامعه با تکاپوهای وحدت ملی و پاسداشت فداکاری شهید تیموری اثرگذاری جدی نداشت و از سوی دیگر برون‌داد آن فهم مشترک ایرانیان از احساس امنیت و چرایی تصمیم استراتژیک نظام برای حضور در خارج از مرزها بود و در همین راستا فهم حضور مدافعان حرم عینی‌تر شد. عنصر مشترک این فرامتن با رخداد مورد تحلیل این نوشتار استمرار حضور «داعش» در تقابل با «ایران» و «شوک جمعی» در چند ماه گذشته بود. رخداد دوم فرامتن که بر کنش جمعی اثر گذاشت؛ تصویر سلفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با

آتش به اختیار

مدافعان حرم را
نفهمیدیم

علیرضا کیانفر

روزنامه نگار

۲

اینکه دیده می شود شهادت مدافعان حرم برای برخی افراد هضم پذیر نیست این نشانه اوج پرواز شهیدایی است که عظمت عمل شان توسط برخی کوتاه فکران سیاسی قابل درک نیست. همواره شهدای تاریخ در زمان خودشان غریب بودند و تنها گذشت زمان عمق تفکر شهید را برای مردمان روشن می کند. شاید زخم زبان به امثال حججی سستجه خوبی است برای کسانی که قرار است قد و قامت شهدای مان را با مردمان هم عصرشان قیاس کنند.

برخی نمی توانند درک کنند چرا حججی ها به سوریه می روند و جایی بیرون از مرزهای فیزیکی می جنگند؟ عده ای هم اینکه مثلا اگر در سوریه نمی جنگیدیم امروز باید در فلان جای کشور به مصاف تکفیری ها می رفتیم. تفسیر اینچنینی از جنگ سوریه هم می تواند پاسخی از نگاه منفعت ملی به ماجرا باشد. سوریه میدان تفسیر درست و غلط از اسلام است.

سوریه سرزمینی است که از سال ۲۰۱۱ محل رویارویی دو قرائت از یک ایدئولوژی واحد شده است. جایی که ایدئولوگ های غربی نفوذ تفکر اسلام انقلابی را به هلال شیعی تفسیر کردند.

حمله به سوریه بهانه مبارزه با تکفیری است که آزادی را بالاتر از مرزهای مرسوم و متعارف معنای کند. عرفی که وجودش بقای سلطه استعمار مدرن را به خطر می اندازد. سوریه امروز عرصه جنگلی است که ماهیت آن با جنگی مشابه در صدها کیلومتر عقب تر یکسان است. مردمان سوریه هزینه آرامشی را پرداخت می کنند که جوانان ما سه دهه قبل تر برای آرامش امروز ما پرداخت کردند. روا نیست نمایندگان همان جوانان امروز مردم سوریه را در جنگ بر سر حفظ تفکر انقلاب تنها بگذارند.

کسانی که امروز به فهم انقلابی مدافعان حرم رنگ ملی و قومیتی می زنند انقلاب را تفکری محدود و دارای مرز می دانند.

مدافعان حرم درک کرده اند که مرزهای محدود تفکر انسان مدرن، حصاری محکم در اطراف آزادی تپیده و به ابزاری برای نظام سلطه تبدیل شده است.

امروز مشخص شد کسانی که ادعای آزادی و آزاداندیشی دارند ظاهرا دامنه آزادی شان آنقدر محدود است که نمی توانند محصول آزاداندیشی انقلابی را هضم کنند بنابراین یا تلاش می کنند آن را در قالب تصنعی دست ساز خودشان بگنجانند یا با دشنام دادن مانع از درک عمومی از مرزهای نوظهور آزادمنشی شوند.

دفاع مقدس نشان داد بزدلانی که روزی با ابزار ملیت از مقاومت چشم پوشی می کنند حتی در دفاع از ارزش های شان نیز درمانده اند. شهید، هر کجا و در هر عرصه ای باشد جماعت نان به نرخ روز خور به کنج دیگری می خزند و در میان کلمات و سطوره، ترس عمیق شان را پنهان می کنند.

تنها کافی است یک لحظه خود را جای حججی



زمانی که زنده هستند هرگز رنگ دور بین ها را نمی بینند؛ هیچ کس برای سلفی با آنها دست و پا نمی شکند. آنها غرق در تواضع هستند و خلوص نیت و عشق بازی با معبود در کنج عزلت شان را با هیچ چیز عوض نمی کنند.

امروز همه بدهکار امثال حججی هستیم و طلبکار ایستاد در مقابل مقام از خودگذشتگی و ایثار اینان پستی و وقاحت را به اوج می رسانند.

آنانی که امروز زبان و قلم شان به زخم خانواده حججی ها نمک می زند بیایند و عزیزان شان را در راه هر مرام و مکتبی که به آن ایمان دارند به خطر بیندازند تا عیار ایثارگران و نقادان ایثار مشخص شود. یادآوری مرام مدافعان حرم ابزار درمان کسانی است که ترس از دشمن را در پشت چهره حق به جانب سیاسی خود پنهان می کنند.

مدافعان حرم پیام آوران امنیت هستند چرا که به متجاوزان و دشمنان اثبات می کنند دشمن انقلاب اسلامی را با هر عده و توان و در هر کجای جهان و با هر تفکری دنبال می کنند و طعم تلخ مرگ در شقاوت را به آنان خواهند چشاند و در این مسیر هیچ چیز حتی مرگ برای آنان مانعی نیست.

مرگ چه با اصابت گلوله باشد و چه با بمب هسته ای جدا شدن روح از بدن است و چون هیچ موجودی را از مرگ گریزی نیست خوشبختانه حال کسانی که مرگ در راه حقیقت و آزادی را انتخاب می کنند تا جاودانه شوند.

خوشحالیم که اگر در فرداهای نه چندان دور کودکان مان به دنبال قهرمانانی در دهه چهارم انقلاب باشند و نتوانند آنان را در میان رطل سیاسی جستجو کنند می توان ادرس مدافعان حرم در کوچه پس کوچه های شهرمان را به آنان نشان دهیم. سر

حججی ها بریده می شود تا در مقابل آیندگان سرفراز باشیم. ▶

بگذاریم تا بفهمیم کدام معامله آنقدر جذابیت دارد که حاضر می شوی جان و مال و فرزند و همسر و زندگی را رها کنی و به میان آتش و جنگ و گلوله و خون کوچ کنی. فهم حججی ها در قالب مکاتب مدرن و پست مدرن نمی گنجد. تشنگان صندلی قدرت، بدل کاران انقلابی نما و اپوزیسیون نشین های مطرود چه می فهمند ترازوی امثال حججی با کدام شاخص ارزش زندگانی را متر می کند.

خون شهید آنقدر جریان ساز و اثرگذار است و شهید آنقدر بیدار و زنده است که درست در اوج غفلت جمعی همگان را به هوشیاری دعوت می کند.

حججی زمانی شهید شد که برخی نمایندگان مجلس برای عکس گرفتن با موگرینی له له می زدند. زمانی خیر شهادتش شعار انقلاب اسلامی را فریاد می زد که برخی نمایندگان مجلس انقلاب حس دگرگون شدن ارزش های انقلابی را در دل های دوست و دشمن به ارمغان آوردند.

انگار یادشان رفته بود موگرینی همان کسی است که تحفه بگرام را به مجلس تحمیل کرد و اگر نمایندگان ملت طرح اقدام مقابلی ندارند جوانان بی نام و نشان انقلاب مدتهاست طرح اقدامشان را هزاران کیلومتر آن طرف تر اجرا می کنند.

آنهایی که امروز مدافعان جان برکف حرم را شماتت می کنند و دیروز شعار نه غزه و نه لبنان می دادند؛ بیایند و ثمره ساز مخالف زدن شان را برای مردم بازگو کنند. سیاسیونی که مذاکره را درمان بحران سوریه می دانند بیایند و دست های خالی شان را از مذاکرات مشابه به مردم نشان دهند.

امثال حججی آتش به اختیاری هستند که برای آنچه در سر دارند و برای آنچه به آن ایمان دارند از جان شان مایه می گذارند نه از سرمایه و آبرو و اعتماد ملت. حججی ها

اصل مبارزه با باطل، تعطیل بردار نیست؛ درگیری بین جبهه حق و باطل، یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر است و موضوعی برای مصالحه و جود ندارد؛ چون مصالحه بر سر «اله» است؛ وقتی ما دنبال خدای خودمان هستیم و آنها دنبال دنیای خودشان هستند، امکان مصالحه نیست.

کارخانه انسان سازی

حضرت امام (ره) دفاع مقدس را جنگی ویرانگر و خانمان سوز نمی دانستند! جنگی که برای احیای هویت تمدنی اسلام و فروپاشی بت پرستی مدرن است. هر چند خسارت دارد- اما یک مبارزه کاملاً مقدس است که خاصیت اول آن، پرورش روحی اجتماعی است. یک انسان عارف وقتی تعبیر می کند که «بعضی از این بسیجی های ما یک شبه ره صدساله رفتند» معنایش این است که این راه را مسیر میانبری به سمت خدای متعال می دانند؛ بنابراین در آخر هم دعای می کنند که خدا این درب شهادت را به روی جامعه ما نبندد و پذیرش قطعنامه، به معنای بسته شدن این درب نباشد! امام (ره) دفاع مقدس را یک موهبت الهی می دانستند که یک اثرش پرورش انسان های موحد و عارف مسلک و شهادت طلبی است که حاضر بودند همه چیز خودشان را با خدا سودا کنند. چیزی که سال ها ریاضت عرفانی می خواهد، امام (ره) در این جنگ به صورت انبوه و اجتماعی تولید کردند. بهترین بستر برای تهذیب، جهاد فی سبیل الله است. امام (ره) این صحنه را مدیریت کرد؛ ایشان به رسم عرفای دیگر، افراد را از طریق ذکر و مراقبه شاگرد شخصی، تربیت نکرد. ایشان می فرمودند: این شهدا راه صدساله را یک شبه رفتند. امام (ره) در میدان جهاد، تولید انبوه عارف کرد. یعنی جهاد بستر تربیت هم هست. شهادت که پایان جهاد است فقط به غلبه دنیایی منتهی نمی شود که بگویید طبقه پرولتر پیروز می شود! بحث شهادت، بحث فتح الفتوح و رفع حُجُب و موانع است؛ بحث از «بل احياء عند ربهم يرزقون» است... ایشان دفاع مقدس را یک کارخانه انسان پروری می دانستند و امکاناتی را که از دست می رود طبیعی می دیدند. همانگونه که ایمان و تولد یک انسان، نیاز به یک آسیب های مقدماتی دارد، تولد جدید بشریت و احیای حیات طیبه در بشر و ایجاد حیات معنوی هم نیاز به این دارد که شما از یک پالایش هایی عبور کنید. بنابراین امام (ره) از این ناحیه هم خیلی نگران نبودند و می فرمودند ما تا آخرین منزل، تا آخرین نفر و تا آخرین قطره خون ایستاده ایم. ما اگر حتی محاسبه اقتصادی کنیم، از منظر امام (ره) کار دقیقاً درستی می کنیم؛ چون موازنه قدرت را تغییر می دهیم. وقتی موازنه قدرت تغییر کرد ما منابع اقتصادی را از نو تأمین می کنیم. ▶



شهدای می توانستند سلوک شخصی را انتخاب کنند، اما چون نسبت به حقیقت، غیور هستند، برداشته شدن حجاب از روی حقایق را طلب می کنند



شهدا نسبت به حقیقت، غیورند

گفتاری از حجت الاسلام میرباقری درباره مفهوم شهادت

به دنبال سلوک خودشان هستند. شهدا هم می توانستند سلوک شخصی را انتخاب کنند اما چون نسبت به حقیقت غیور هستند، برداشته شدن پرده حجاب از روی حقایق را طلب می کنند. شهدای عزیز ما، در مسیر اعتلای کلمه اسلام و پیروزی مکتب اهل بیت (ع) به شهادت می رسند، نه برتری جویی در دنیا. سختی های فراوانی در این راه هست؛ خانواده های بزرگوار باید در سوگ عزیزان شان سال ها بنشینند؛ فرزندان باید سایه پدر از سرشان کوتاه بشود همسران عزیز باید در فراق این عزیزان شان بسوزند و... چه بسیار مرارت هایی که در این راه به اینها وارد می شود. اما هیچ چیزی ارزش این را ندارد که این سختی ها تحمل بشود الا یک کلمه، و آن اینکه این شهادت هادر مسیر پیروزی اسلام، در مسیر پیروزی مکتب اهل بیت (ع) و ان شاء الله مقدمه ظهور و جود مقدس امام زمان (عج) باشد.

شهدای ما «فی سبیل الله» کشته شده اند و کشته شدگان دشمن «فی سبیل الطاغوت»! در مبارزه با دشمن، اگر ما سختی می بینیم، آنها هم سختی می بینند. در این جنگ و مبارزه حق و باطل، دو طرف می کشند و کشته می شوند و خسارت می بینند؛ فقط تفاوت در یک جاست: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت». اینها در راه خدا می جنگند، آنها در راه غلبه شیاطین می جنگند. تفاوت همین یک کلمه است! والا آنها هم سختی می کشند و مشکلات را تحمل می کنند: «إن یمسئکم قرح فقد مس القوم قرح مثله»؛ اگر شما سختی می بینید، دشمن هم سختی می بیند.

شهدای مدافع حرم، شهدای ناب و ویژه ای هستند که در جنگ با بدترین و خبیث ترین دشمنان مکتب اهل بیت (ع) به شهادت می رسند؛ شهدای عزیزی که فداکارانه به دور از مرزها می روند و از مکتب اهل بیت (ع) دفاع می کنند، خیلی قیمتی هستند؛ برای اینها فرق نمی کند که کجا از اسلام دفاع کنند؛ آنچه برای آنها موضوعیت دارد، دفاع از جبهه حق، دفاع از اسلام و دفاع از مکتب تشیع است. اینها شهدای ناب و ویژه ای هستند که در جنگ با عدو ترین و بدترین دشمنان مکتب اهل بیت (ع) به شهادت می رسند. ما بدتر از داعش و خبیث تر از این جبهه متحد با یهود و کفار و مستکبرین جهان که نداریم...

شهدای می توانستند سلوک شخصی را انتخاب کنند، اما چون نسبت به حقیقت، غیور هستند، برداشته شدن حجاب از روی حقایق را طلب می کنند. شهید به حدی به حقایق قدسی عالم «غیور» می شود که نمی تواند ببیند این حقایق در پرده بماند و دیگران در حجاب از این حقایق باشند. بنابراین شهید آن کسی است که بالای الهی را تحمل می کند تا هم خود به مقصد برسد و هم دیگران را به مقصد برساند. هم جان خود را می دهد و هم همه عزیزانش را به رنج می اندازد تا حجاب هایی که بر حقایق عالم افتاده است، برای دیگران نیز برداشته شود. شهدا هم می خواهند خود توحید را دریافت کنند و از غیبت جدا شوند و بیگانه با شرک شوند، هم اینکه نمی توانند بپذیرند که کفر و شرک و فساد و بی خدایی را در عالم تحمل وجود داشته باشند. این فرق شهدا با سالکینی است که

از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

روایت فرانسوی

توکویل از جامعه آمریکای گوید

توکویل در این کتاب قانون گذاری و شیوه زندگی در آمریکا را بررسی و آنها را با موقعیت کشورهای اروپای کهن، خاصه فرانسه از انقلاب کبیر ۱۷۸۵ به بعد، مقایسه و مقابله می کند. مساوات که در حیات اجتماعی و سیاسی کشور تازه تأسیس عامل مهمی است، پایه قانون اساسی و به ویژه مبنای شیوه حیات سیاسی و مذهبی آن قرار می گیرد. مبارزه با ریشه های فکری و فرهنگی جماعت های خشن و سخت گیر مذهبی و تبعیدی، مبارزه با ماجراجویان، مذاکرات صلحی که انجام شد و پیمان های صلحی که برای اصلاح و اصلاح جامعه ای نوبسته شد و شورش در برابر اشکال آزاردهنده حکومت و قدرت تمامیت خواه، همگی در شکل گیری و رشد ملت آمریکا نقش داشته است. از این رو، مجلد دوم کتاب حاضر را می توان تلاش توکویل دانست برای ارائه نمونه ای آرمانی از جوامع مدرن آینده با توجه به جامعه آمریکا و مقایسه تطبیقی آن با فرانسه و تا حدودی بقیه اروپا. او در این کتاب خاطره ای از اولین روز ورودش به نیویورک نقل می کند: «وقتی اولین بار به نیویورک آمدم، متعجب شدم از اینکه در طول ساحل تعدادی قصرهای کوچک از جنس سنگ مرمری مینم که به سبک معماری قدیم یونان و روم بود. اما روز بعد که به نزدیکی یکی از کاخ ها رفتم به این جهت که نگاه مرا ساخت به خود جلب کرده بودند، متوجه شدم که دیوارهای آن از جنس آجر سفید شده و ستون های چوبین رنگ شده است.» در نظر توکویل ملل دموکرات به دنبال هنرهایی می روند که زندگی شان را آسان تر کند نه زیاتر.

دولت فرانسه در سال ۱۸۳۱ الکسی دو توکویل و گوستاو دو بیومون را به آمریکا اعزام کرد تا درباره نظام زندان آمریکا مطالعه و تحقیق کنند. توکویل بعدها درباره سفرشان می نویسد که آنها از این مأموریت استفاده کردند تا به جایش جامعه آمریکا را بشناسند. سفر آنها از نیویورک شروع شد و ۹ ماه به طول انجامید. آنها در این مدت، نظام زندان ها را مطالعه کردند و اطلاعاتی از جامعه آمریکا و ویژگی های مذهبی، سیاسی و اقتصادی اش به دست آوردند. در این سفر از کانادا نیز دیدن کردند. توکویل پس از بازگشت به فرانسه بین سال های ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۰ دو جلد کتاب درباره آمریکا می نویسد: «دموکراسی در آمریکا». توکویل در مجلد اول به شناخت نهاد های سیاسی، اجتماعی و مدنی آمریکا می پردازد و در مجلد دوم پدیده مدرنیته و دموکراسی، پیامدها و امکان های آنها را بررسی می کند و مجموع مسائلی که مدرنیته و دموکراسی می توانند برای مردم یک جامعه داشته باشند. جلد دوم کتاب نیز ۷۵ گفتار دارد که ۱۱ گفتار آن در دفتر اول و ۱۱ گفتار بعدی در دفتر دوم به فارسی ترجمه شده اند. مفهوم محوری دفتر اول، مساوات (برابری) است که آن را نتیجه دموکراسی یا تشکیل جوامع دموکراتیک می داند و محور دفتر دوم نیز هنر است. اگر در کل کتاب از دفاع تمام قد توکویل از نژاد سفید، تأکیدش بر جداسازی سفیدپوستان از سیاهپوستان و همدلی و همراهی اش با سرکوب بومیان قاره آمریکا بگذریم، مجلد دوم کتاب حاضر یکی از تحلیل های مهم درباره نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آمریکاست.



چیستی تکامل

در طول دو قرن گذشته شواهد بسیاری از جهان زنده در حال تغییر، گردآوری شده که برای توجیه آنها راهی جز پذیرش نظریه تکامل نبوده است. از این رو، نظریه تکامل عمیق ترین و قدرت مندترین ایده ای است که در دو قرن گذشته پذیرفته شده است. اگرچه نظریات تکاملی مختلفی برای تبیین این تغییرات ارائه شده، نظریه تکامل داروینی بیش از سایر نظریات تکامل گرایانه چالش برانگیز بوده است. با این حال، اکنون آشکار است که پارادایم داروینی نه فقط برای تبیین تکامل زیستی بلکه برای درک کل جهان و رفتار انسان اهمیت دارد. اهمیت این نظریه فارغ از دلایل مخالفان و موافقان، در تأثیرگذاری آن نه فقط بر زیست شناسی به منزله یک علم تجربی، بلکه بر علوم انسانی و همه ارکان زندگی بشر از اقتصاد گرفته تا جامعه شناسی و حتی سیاست است. برای مثال اصول تنوع و انتخاب (حذف) به طور گسترده ای در علوم اجتماعی و انسانی به کار می رود. این نظریه از معدود نظریاتی است که چنین تأثیری بر علوم و باورها گذاشته است تا آنجایی که اصطلاح تکامل به وفور در متون حوزه های مختلف علوم تجربی و انسانی به کار می رود و این تعمیم پذیری سبب برانگیختن بحث های بسیاری حول این نظریه شده است. از این رو، روشن است آثار بسیاری باید در این حوزه نوشته شده باشد؛ از سطح مبتدی و همه فهم تا پیشرفته و تخصصی. به طوری که هر سال حداقل یک کتاب با ذکر کلمه داروین در عنوان آن به چاپ می رسد. در زبان فارسی اما تعداد کتاب هایی که نظریه تکامل را تا حد امکان ساده و قابل فهم توضیح داده باشند بسیار کم است. اخیراً کتاب «چیستی تکامل» اثر یکی از سرشناس ترین تکامل گرایان پس از داروین، ارنست مایر، از سوی نشر نی منتشر شده که نظریه تکاملی را به زبانی ساده شرح می دهد. ارنست مایر از جمله اندیشمندان نظریه تکاملی است که سهم بسزایی در توسعه این نظریه داشته و کوشیده در این نیز تصویری جامع و در عین حال نه چندان پیچیده از نظریه تکامل ارائه دهد تا علاوه بر زیست شناسان، خوانندگانی با گرایش های مختلف را نیز در جریان این نظریه و شواهد و همچنین کم و کاستی های آن قرار دهد؛ از موافقان و مخالفان نظریه داروین تا کسانی که در نظریه تکاملی تردید دارند.

مخالفت با شکاف مذهبی

حجت الاسلام اعرافی



ظرفیت های مراکز شهر مقدس قم عنوان کرد و گفت: «در معارف اهل بیت (ع) مسائل عرفانی و معنوی در اوج قرار دارد و همانند آن را در جای دیگری نمی توان یافت. مجموعه دعاها و مناجات اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، مهمترین ذخایر عرفان و معنویت برای همه بشریت است.»

مدیر حوزه های علمیه ضمن تأکید بر اینکه فکر بشر باید بر تمام فلسفه های عقلی استوار باشد گفت: «هیچ جای جهان نمی توان به اندازه شهر مقدس قم، عمق فلسفی و معارف عقلی اندیشه های اسلامی را مشاهده کرد.» اعرافی عدالت اجتماعی و اقتصادی در عالم را از مهمترین وظایف بشریت عنوان کرد و اظهار داشت: «ما به ننگ بشریت است که یک هفتم جامعه جهانی در عصر کنونی در گرسنگی و سوء تغذیه قرار داشته باشد.» رئیس جامعه المصطفی خاطر نشان کرد: «جولان انواع تبعیض ها، ظلم ها و ستم ها در دنیای کنونی، باید با اتحاد و همفکری تمام جهانیان خاتمه یابد و به سمت ترسیم جامعه ای متعالی قدم برداریم.»

حجت الاسلام اعرافی مدیر حوزه های علمیه گفت: «جامعه المصطفی نهادی متعلق به تمام مسلمانان بوده، خود را در کنار مردم آفریقا می داند و ضمن تأکید بر وحدت کشورها، همواره بر همکاری و تعامل مذاهب برای مقابله با ظلم و دوری از افراط تصریح دارد.» او با بیان اینکه جامعه المصطفی در بسیاری از کشورهای آفریقایی، مراکز و موسسات علمی-پژوهشی مختلفی را راه اندازی کرده، خاطر نشان کرد: «جامعه المصطفی در فعالیت های خود، نگاهی فرامذهبی داشته، به صورت همزمان از تمام مذاهب اسلامی پذیرش کرده و مبانی دینی را بر اساس مبانی فقهی مخاطبان مذاهب مختلف اسلامی ارائه می کند.» مدیر جامعه المصطفی با تأکید بر اینکه معارف اهل بیت (ع) پاسخگوی تمام نیازهای جهانی است، اظهار داشت: «جامعه المصطفی تحمیل مذهبی را قبول نداشته، تأکید دارد که تمام امت اسلام باید اهل بیت (ع) را به عنوان خاندان نبی معظم اسلام (ص) بشناسند.» اعرافی توجه به مسائل عرفانی، معنوی و اخلاقی در حوزه های مختلف نظری و عملی را مهمترین

نقد در کنار تدریس
نظر آیت الله سبحانی درباره
اسلامی کردن علوم

«گرگینگی» و «هبوط»
دو مستند محیط زیستی
روی آنتن شبکه مستند

اصول اخلاقی مترجم
جایگاه مفهوم بینا فرهنگی
در ترجمه کجاست؟



سازماندهی روابط زن و مرد

حسین کچویان از حجاب می گوید

حسین کچویان، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در سمینار «جامعه‌شناسی حجاب و بدحجابی» با بیان اینکه دین منع لذت نمی‌کند و ادیان، فقط برای امر کنترل نیستند، گفت: «حجاب موجب می‌شود روابط زن و مرد ساماندهی شود.»

کچویان سخنان خود را در سه بخش اهمیت حجاب، مساله حجاب و راهکار ارائه داد و گفت: «حجاب یکی از حوزه‌های فقه و شرع است که خود آن نیز مجموعه‌ای از احکام متفاوتی است و مجموعه‌ای از پیوندها را در برمی‌گیرد. مساله حجاب حول دو نیروی اصلی حیات فردی و اجتماعی شکل گرفته و نظریه پردازی‌های روشنی در این باره داریم. حیات فردی و اجتماعی ترکیبی از نیروهای حیاتی و جهان معنایی و عقلانی یا همان فرهنگ است.»

او اظهار داشت: «در میان انواع نیروهای حیاتی نیرویی عمیق‌تر از غریزه جنسی نداریم، همان چیزی که از آن به عنوان میل به حیات و زندگی یا به تعبیر دیگری شهوت نامیده می‌شود. شهوت همان نیرویی است که ادیان از اساس آمده‌اند تا این نیرو را کنترل و جهت‌دهی کنند. البته باید گفت که ادیان فقط برای امر کنترل نیستند بلکه برای تسهیل کردن و رسیدن به کمال آمده‌اند. دین منع لذت نمی‌کند، بلکه کمک می‌کند تا افراد بیشترین استفاده از عمرشان را ببرند و به کمال

برسند.» کچویان گفت: «حجاب و بی‌حجابی صرفاً به مساله کنترل فردی و قوای جنسی مربوط نمی‌شود، بلکه موجب می‌شود روابط زن و مرد ساماندهی شود. به عبارت دیگر ما با حجاب، روابط بین زن و مرد را تنظیم می‌کنیم. ما با عناصر کدهای حجاب و بی‌حجابی بنیان و پایه ساختارهای اجتماعی را مشخص می‌کنیم.» عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخشی از سخنان خود به مساله حجاب به عنوان یک بحث پروپلماتیک پرداخت و گفت: «مساله اساسی درباره حجاب این است که ما قبلاً جامعه‌ای داشتیم که در آن حجاب رعایت می‌شده اما در حال حاضر رعایت نمی‌شود در واقع وجهی از قضیه این است که گاهی حجاب را یک رفتار شکلی و انسجام‌یافته در جامعه می‌بینیم اما بعداً با کاهش آن مواجه هستیم. وجه دیگر قضیه این است که ما فرآیند اجتماعی شدن حجاب را طی نکردیم.»

به بیان دیگر فرآیند شکل‌گیری جامعه در جافتادگی رفتاری عقیم مانده است.» استاد دانشگاه تهران درباره راهکارهای مقابله با این معضل گفت: «در پاسخ به اینکه حل و فصل مسائل مربوط به حجاب به چه کسی مربوط می‌شود دو پاسخ وجود دارد؛ عده‌ای آن را مربوط به نیروهای مدنی و عده‌ای مربوط به حکومت می‌دانند. به عقیده من، محور اصلی رسیدگی به مسائل حجاب باید دولت و حاکمیت باشد.»



اقتصاد سیاسی

بازگشت

نفت ۱۵۰ دلاری؟

اگر اتفاق خاصی در عرصه بین‌المللی رخ ندهد، ممکن است قیمت نفت امکان رشد چندانی در سال آینده نداشته باشد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در صورتی که درگیری‌ها میان آمریکا و کره شمالی افزایش پیدا کند و به یک جدال نظامی تبدیل شود، قیمت نفت رشد چشمگیری خواهد کرد؛ به گونه‌ای که تحلیلگران اقتصادی بر این باور هستند که با شروع جنگ میان «واشنگتن» و «پکن» قیمت هر بشکه نفت به ۱۵۰ دلار افزایش یافته و اقتصاد جهان به سمت هرج و مرج پیش می‌رود. وضعیت بازار نفت با وجود تمديد کاهش تولید اوپک، همچنان در سرازیری قرار دارد و قیمت طلای سیاه هنوز با آنچه تولیدکنندگان و کشورهای نفت‌خیز توقع دارند، فاصله معناداری دارد.

این مهم بسیاری از کشورهای نفت‌خیز را با مشکلات اقتصادی مواجه کرده است. و نژوئلا نمونه مشخصی است که در سال‌های بالا رقتن قیمت نفت، اقتصادش روبه‌رشد رفت اما با کاهش قیمت، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گریبان این کشور را گرفت. کشورهایی مانند عربستان سعودی نیز که وضعیت اقتصادی بانیات تری دارند با کسری بودجه بزرگی مواجه شده‌اند. در طرف مقابل، دولت آمریکا هم با کنار گذاشتن توافقات زیست‌محیطی و افزایش تولید نفت نامتعارف یا همان شیل، به کاهش قیمت نفت یاری می‌رساند. در چنین شرایطی روزنامه فایننشیال تایمز هرگونه تحرک در بازار نفت را نامحتمل می‌داند. CNBC اما پیش‌بینی کرده که اگر درگیری نظامی میان کره شمالی و آمریکا رخ دهد، قیمت نفت به بیش از ۱۵۰ دلار خواهد رسید.

این سناریو اگر محقق شود از نظر اقتصادی بسیاری از تولیدکنندگان نفت و وضعیت بهتری پیدا می‌کنند اما از نظر سیاسی تنش این کشورها با ایالات متحده افزایش پیدا خواهد کرد. فایننشیال تایمز با انتشار گزارشی اعلام کرده است که در پایان سه‌ماهه دوم سال جاری میلادی، ذخایر تجاری نفت ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت و به اندکی بیش از سه میلیون بشکه رسید، زیرا کاهش عرضه تولیدکنندگان بزرگ در چارچوب توافق کاهش تولید، بازار را تحت تأثیر قرار داد. اما اوپک در آخرین گزارش ماهانه خود اعلام کرده است حتی اگر کاهش ذخایر انبارهای نفت تا سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۸ نیز به همین منوال ادامه یابد، ذخایر آنها بیش از میانگین پنج سال گذشته خواهد بود. پایبندی کشورهای امضاکننده به این توافق مناسب نیست و می‌تواند مانع این شود که عرضه و تقاضا به سرعت به تعادل برسند. به نوشته این روزنامه، برقراری دوباره تعادل در بازار نفت، چالشی برای اوپک است. قیمت نفت برنت از ابتدای ماه جولای تقریباً هشت درصد افزایش یافته زیرا ذخایر انبارها کاهش یافته و تقاضای جهانی نفت بیشتر شده است.

راشومون

تئاتر ژاپنی روی صحنه ایرانی



سینما / تئاتر

نخستین گام کارگردان برای ورود به یک چالش بزرگ باشد. چون پیش از هر چیز برای مخاطب یادآور فیلم سینمایی است که سال‌ها محبوب بسیاری از عاشقان سینما بوده است. بله کوروساوا هم از همین مجموعه داستان برای ساختن فیلمش استفاده کرده است. به لحاظ نشانه‌شناسی نام راشومون در جریان تمرین‌ها برای ما اهمیت پیدا کرد. مفهوم دروازه و تنها راه ورود به یک دژ محکم برای ما بعداً اهمیت پیدا کرد. «کوچک‌زاده معتقد است: «بین نام راشومون و آنچه در جریان اجرا رخ می‌دهد یک داد و ستد تماتیک وجود دارد.» کارگردان نمایش «راشومون» در فرم اجرای خود ضمن بهره‌گیری از سرچشمه‌های هنر ژاپن به زبان آرکائیک فارسی نیز توجه کرده و در اجرا از شیوه‌های سنتی ژاپن مثل تئاتر نو و بوتو وام گرفته است: «کار یک عاشقانه است که شاید به دلیل شرایط امروز تئاتر کمی از باقی آثار جدا شود. از طرفی ماجرا دور از مخاطب نیست و در جریان اجرا کمی با فرهنگ ژاپن آشنا می‌شویم. کمی از موسیقی سنتی این کشور را می‌شنویم و تا حدی هم از عناصر صحنه‌ای آن فرهنگ تئاتری وام می‌گیریم.» او البته یادآور می‌شود که گروه برای آشنایی با فرهنگ ژاپن امکانات چندانی در دست نداشته است.

«راشومون» نام بزرگ‌ترین دروازه ژاپن کهن بود که به شهر کیوتو (پایتخت دیرین ژاپن) راه می‌گشود. این کهن دروازه به درازای ۳۲ متر و بلندی ۹/۷ متر بود که با سقفی شیب‌دار در سال ۷۸۹ م. ساخته شد. پس از تغییر پایتخت از کیوتو به توکیو این بنا رفته‌رفته به فراموشی سپرده شد و از بین رفت. ریونسوکه آکوتاگاوا داستان کوتاهی به همین نام نوشته که در سال ۱۹۵۰ برای یکی از بهترین کارگردانان سینمای جهان دستمایه ساخت فیلم سینمایی قرار گرفت. «راشومون» در ایران با نام کوروساوا پیوند خورد و برای علاقه‌مندان هنر به نامی آشنا بدل شد. داستانی عاشقانه و بسیار کوتاه که در قطع جیبی شاید به ۱۰ صفحه هم نرسد ولی به گفته رضا کوچک‌زاده که این روزها نمایشی با همین عنوان در سالن قشقایی مجموعه تئاترشهر به صحنه آورده «ایجاز نوشتاری و جهانی که نویسنده خلق می‌کند بسیار جذاب است. داستان از قرن ۱۳ ژاپن به امروز آمده و موقعیت انسانی را توصیف می‌کند که در هر زمان و مکانی امکان رخ‌دادن دارد. این رویداد از لحاظ مضمونی خیلی به اجتماع امروز ما نزدیک است ولی در زمینه فرم تجربه‌ای است که ما علاقه داشتیم انجام بدهیم. استفاده از عنوان «راشومون» برای نمایش شاید

کالانتري به جای ابتکار، مونسان به جای احمدی پور

عیسی کالانتري و علی اصغر مونسان با حکم روحانی به ریاست سازمان‌های «حفاظت محیط زیست» و «گردشگری و میراث فرهنگی» منصوب شدند. پیش از این فرزند زهرا احمدی پور، ریاست این دو سازمان را عهده‌دار بودند. حسن روحانی، رئیس‌جمهور، هفته گذشته با صدور احکامی، تکلیف این دو معاونت خود را تعیین کرد. پیش از اعلام انتصاب رؤسای این دو سازمان، بحث‌ها و گمانه‌زنی‌های بسیاری پیرامون اینکه چه کسانی به ریاست دو سازمان حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی می‌رسند، در گرفته بود. عیسی کالانتري که هفته گذشته مسئولیتش را با حکم روحانی در سمت ریاست سازمان حفاظت محیط زیست آغاز کرد، جایگزین معصومه ابتکار می‌شود که در این مدت، منتقدان و مخالفان بسیاری داشت. به ویژه آنکه موضوع محیط زیست به دلیل تشدید بحران‌های مرتبط بیش از همیشه برای افکار عمومی و رسانه‌ها واجد اهمیت شده و هر اتفاقی پیرامون آن به سرعت به موضوع روز رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بدل می‌شود. کالانتري که در دولت‌های سازندگی و اصلاحات، وزیر کشاورزی بود، در چهار سال دولت یازدهم ریاست ستاد احیای دریاچه ارومیه را بر عهده داشت که به وضوح اصلی‌ترین وعده و موضوع محیط زیستی دولت حسن روحانی بود. او در چهار سال گذشته در مجموع مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایی که داشت، بارها و بارها از موضوع کم‌آبی و خطراتی که در این زمینه ایران را تهدید می‌کند، سخن گفته بود. اگرچه برخی از کارشناسان این حوزه، آمار و ارقام طرح شده از سوی او را بزرگ‌نمایی و اغراق می‌دانستند اما برخی دیگر این هشدارها را برای متوجه کردن مردم و مسئولان نسبت به موضوع با اهمیت کم‌آبی و بی‌آبی در فلات ایران، لازم و مفید می‌دانستند. این در حالی است که بخشی دیگر از بینشینه و مواضع او مورد انتقاد شدید آنهاست. کالانتري به عنوان یکی از حامیان تولید محصولات کشاورزی دست‌کاری شده ژنتیکی (تراریخته) شناخته می‌شود؛ موضوعی که مورد انتقاد جدی اهالی محیط زیست است. موضوع دیگری که ریاست او بر سازمان محیط زیست را به محل چالش و سؤال بدل کرده، پیشینه دولتی سابق و سمت غیردولتی امروز اوست. وزیر کشاورزی سابق و رئیس خانه کشاورز کنونی. او در این جایگاه یکی از اصلی‌ترین حامیان افزایش محصولات کشاورزی است؛ موضوعی که به باور فعالان محیط زیست در تعارض جدی با موضوع «حفاظت از محیط زیست» قرار دارد. علی اصغر مونسان رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش نیز هفته گذشته به سمت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منصوب شد. در سال‌های گذشته - از ۹۲ تاکنون - بارها و بارها در رسانه‌های رسمی و غیررسمی اعلام شد که او خواهرزاده حسن روحانی است و به همین دلیل در این دولت مسئولیت گرفته است.



نقد در کنار تدریس

نظر آیت‌الله سبحانی درباره اسلامی کردن علوم

قلمروهای علوم انسانی اعم از مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دیگر مسائل فلسفی و اخلاقی و اعتقادی، اگر نظریه‌ای صددرصد با اصول و مبانی و نظریات مسلم دینی مخالف بود، مورد نقادی قرار گیرد البته بدون نقد نباید جزو مواد درسی دانشگاه قرار داده شوند. اگر ناگزیر از طرح آن هستیم باید استاد مربوطه آن چنان توانایی داشته باشد که بعد از طرح و بررسی آن به نقد آن بپردازد. در غیر این صورت طرح چنین نظریاتی بدون نقد، مطلوب اسلام نیست و جامعه دینی نیز از دانشگاه‌ها می‌خواهند که ذهن جوانان را انباشته از این نظریات نادرست و مخالف اسلام نکنند و اگر هم باید طرح شود همراه نقد و بررسی صورت گیرد و نیز در کنار این نظریات باید نظریات صحیح که بر اساس مبانی دینی مسلم استوار است مطرح شود.»

او با اشاره به نظریات فروید، داروین و نظریات تکامل گفت: «آیا تدریس این موضوعات بدون نقد و بررسی صحیح است؟ آیا صحیح است که این نظریات ثابت نشده را به اسم علم بیاوریم به ذهن دانشجویان تحمیل کنیم. البته مقصود کنار گذاشتن این نظریه از موارد درسی نیست بلکه طرح این نظریه همراه با نقد و بررسی آن است.»

در ضمن باید دیدگاه صحیح اسلامی را نیز در کنار آن مطرح نماییم تا دانشجویان با دیدگاه‌های اسلامی نیز آشنا شوند نه اینکه یک جانبه فقط همان‌ها را به عنوان دروس دانشگاهی مطرح کنیم.»

پس از انتشار برخی مقالات و نامه‌ها در مخالفت با اسلامی کردن علوم انسانی محمد محمدرضایی، استاد فلسفه دین دانشگاه تهران، گفت وگویی با آیت‌الله جعفر سبحانی، مرجع تقلید ساکن قم با موضوع «اسلامی شدن دانشگاه‌ها و علوم انسانی» داشته است.

آیت‌الله سبحانی با بیان اینکه اسلامی شدن دانشگاه‌ها را حضرت امام خمینی (ره) مطرح کردند، گفت: «مقصود این است که ارزش‌های اسلامی در محیط دانشگاه در ابعاد مختلف آن حاکم باشد. محیط دانشگاه، یک محیط علمی و دینی شود. خدای ناکرده، شرایط حاکم بر دانشگاه‌ها مخالف ضوابط اسلامی نباشد. زیرا هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، تربیت انسان‌های الهی است. مسلماً اگر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، افراد عالم، متدین و متعهد و در خدمت اسلام و مسلمانان باشند، هم خود به سعادت می‌رسند و هم سعادت ملت و استقلال کشور تأمین می‌شود. در نتیجه آنان الگویی برای همه دانشگاه‌ها خواهند بود.»

این مرجع تقلید درباره اسلامی شدن علوم انسانی گفت: «اسلامی کردن علوم انسانی، البته به این معنا نیست که تمام اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندان جهان، کنار گذاشته و درهای کشور را بروی خود ببندیم و فقط از مدارک اسلامی مسائل علوم انسانی را استخراج کنیم و چنین تفسیری کاملاً خطا و مقصود مدافعان این نظر، چنین نیست. بلکه هدف این است که ضمن بهره‌گیری از افکار و نظریات دانشمندان جهان در تمام



«گرگینگی» و «هبوط»

دو مستند محیط‌زیستی روی آنتن شبکه مستند

بکشم، ماجرای که نیازمند توجه مسئولان است، «مستند «گرگینگی» به کارگردانی محسن شاهمادی و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر، حمله‌گرگ‌ها و دریدن کودکان در روستایی در شهر زنجان را روایت می‌کند.»

مستند «هبوط» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محسن اولیایی نیز به رابطه انسان و طبیعت، چالش‌های منابع طبیعی و آینده مبهم محیط زیست می‌پردازد. اولیایی سوژه اصلی فیلم خود را چالش‌های محیط زیست و منابع طبیعی دانست و گفت: «بحث مدیریت آب و آبخیزداری، چرای بی‌رویه دام‌ها، بیابان و بیابان‌زایی و جنگل و... در این مستند صرفاً با تصویر و بی‌نریشن مطرح می‌شود.» اولیایی افزود: «این مستند به صورت فرمال از قلعه‌ها شروع می‌شود و به سطوح و بیابان «هبوط» می‌کند تا روند تخریب محیط زیست و منابع طبیعی را نشان دهد. انگیزه‌ام از ساخت این فیلم، حساس کردن مردم نسبت به فحاج محیط زیستی و یادآوری وظایف زیست‌محیطی شان بود.» او درباره روند تولید این مستند، خاطرنشان کرد: «فیلم‌برداری این مستند هشت ماه به طول انجامید و ساخت آن با دشواری‌های بسیاری همراه بود؛ از کار در سرمای منفی هجده تا گرمای بالای پنجاه درجه گرفته تا بالا رفتن از شیب کوه‌ها و فیلم‌برداری در شرایط ناهموار.»

کارگردان‌های دو مستند «گرگینگی» و «هبوط» به بیان توضیحاتی درباره ساختار، موضوع و اهداف تولید این مستندها پرداختند. محسن شاهمادی، کارگردان مستند «گرگینگی» درباره فرآیند ساخت این مستند گفت: «با توجه به سابقه رادیویی و تجربه تهیه‌کنندگی، خبر قربانی شدن کودکان در روستایی در زنجان به گوشم رسید. ایده اولیه مستند از فیلمی با عنوان «پنجمین نفر» در ذهنم ایجاد شد، چون تا آن روز هم پنج کودک در زنجان قربانی شده بودند.» او ادامه داد: «همان موقع برای حل مشکل و گزارش این اتفاق زیست‌محیطی به همراه مجوزهای مربوطه و نسخه رادیویی به سازمان محیط زیست مراجعه کردم که در نهایت این مراجعه دردی را دوا نکرد و متأسفانه تا پایان فیلم این تعداد قربانیان به ۱۰ نفر رسید و طبعاً منجر به عوض شدن نام فیلم شد. تصویربرداری این مستند هم در بازه‌های زمانی مختلف و به صورت دوره‌ای انجام شد و در کل نزدیک به دو سال درگیر این پروژه بودیم. مستند «گرگینگی» با همکاری خوب و حسن نیت اهالی روستا ساخته شد و متأسفانه مسئولان همکاری نداشتند.» این مستندساز تصریح کرد: «در جریان این مستند متوجه شدم حیواناتی که به جان کودکان روستایی می‌افتند، گرگ‌های اصیل نیستند و این حیوانات نتیجه جفت‌گیری سگ و گرگ هستند. به عنوان یک فیلمساز با تمام توان و بضاعت تلاش کردم این ماجرای غم‌انگیز را به تصویر



آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی

روی عن علی بن الحسین (علیهما السلام) قال فی بعض مناجاته: «فکیف لی بتحصیل الشکر و شکرِی ایاک یفتقر الی شکر فکلما قلت لک الحمد و جب علی لذلک ان اقول لک الحمد.» روایتی از زین العابدین

(صلوات الله علیه) منقول است که حضرت در بعضی از مناجات‌هایشان این جملات را خطاب به خداوند عرض کرده‌اند: «فکیف لی بتحصیل الشکر»، «خدا یا! من چگونه شکر تو را بگویم، «فکیف لی بتحصیل الشکر»، چه طور می‌توانم شکر تو را کنم، «و شکرِی ایاک یفتقر الی شکر»، چون اگر شکر تو را کنم، خود همین شکر کردن، شکر دارد. چون انسانی که شکر خدا را به‌جا می‌آورد، مثلاً می‌گوید: «لک الحمد» یا «الحمد لله»، گفتن این «الحمد لله»، خودش نعمتی است که خدا به من توفیق این نعمت را داد. تازه همین گفتن «الحمد لله»، نعمتی معنوی است که بالاتر از مادی است. بنابراین توفیق اینکه توانستم خدا را حمد کنم، نعمت بزرگی بود که خداوند به من عنایت کرد بنابراین این هم شکر می‌خواهد. «فکلما قلت لک الحمد»، هر وقت به تو گفتم: «لک الحمد»، تو را شکر گزارم، حمد شکر است، ثنای الهی است. هر وقت این را گفتم: «و جب علی لذلک»، به خاطر همین «لک الحمد» که گفتم، «الحمد لله» که گفتم، بر من واجب است که، «ان اقول لک الحمد»، به خاطر این حمدی که کردم باز باید بگویم «الحمد لله». تا گفتم «الحمد لله» باز هم بعدش باید بگویم «الحمد لله». پس من قدرت شکرگزاری تو را ندارم. بنابراین حضرت در ابتدا عرض می‌کند: «فکیف لی بتحصیل الشکر و شکرِی ایاک یفتقر الی شکر»، چه طور می‌توانم شکر تو را به‌جا آورم، چون تا تو را شکر کنم همین شکر کردن، شکر می‌خواهد. این جملاتی از مناجات‌های زین العابدین (صلوات الله علیه) بود. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) منقول است که حضرت فرمودند: خدا خطاب به حضرت موسی (علیه السلام) می‌گوید: من را شکرگزاری کن اما حق شکرگزاری. آنجا هم حضرت موسی همین حرف امام زین العابدین (علیه السلام) را می‌گوید. می‌فرماید: چطور می‌توانم حق شکر تو را به‌جا آورم؟ حضرت موسی به خدا می‌گوید: یادم بده. خداوند خطاب به او می‌فرماید: همین که علم پیدا کردی حق شکرگزاری را به‌جا آورده‌ای. همین که علم پیدا کردی که نعمت را من به تو داده‌ام، همین حق شکرگزاری است. باب شکرگزاری بحث مفصل و جدایی است. شکر سه قسمت دارد: شکر درونی قلبی، شکر لفظی، شکر عملی. شکر قلبی یعنی انسان در دلش بداند که این نعمت را چه کسی به او داد. همین که دانستی کی داده، این شکر قلبی است. وقتی بعد از اعطای نعمت می‌گویی متشکرم، این شکر لفظی است و وقتی نعمت را در راه رضای آن کسی که به تو داده مصرف کردی، این می‌شود شکر عملی. بنابراین خداوند به حضرت موسی خطاب می‌کند که: همین که بدانی من نعمتی را به تو دادم، این شکر است، حق شکر است. بیشتر ما از علم به اینکه این نعمت‌ها از کیست و چه کسی به ما داده است، غفلت داریم. اگر این را بدانیم، هم شکر لفظی و هم شکر عملی را در پی دارد که شکر عملی مانع از معصیت است.



حافظه تاریخی ما

آزما روی دکه رفت



صد و بیست و سومین شماره ماهنامه فرهنگی-اجتماعی «آزما» به بررسی حافظه تاریخی در ایران در گذر وگو با منصوره اتحادیه، ناصر فکوهی و مجید تفرشی پرداخته است. در پرونده این شماره آزما گفت‌وگویی با منصوره اتحادیه با عنوان «ما با تاریخ مان مشکل داریم» آمده؛ او در پاسخ به این سوال که «ایرانی‌ها، حافظه تاریخی ندارند» و به همین دلیل از اتفاقات تاریخی هم درس نمی‌گیرند، گفته است: «به نظر من افراد فرق می‌کنند. زمانه فرق می‌کند و همچنین موقعیت‌ها و

همین طور بسیاری از مسئولان هم سواد تحلیلی ندارند در حالی که در رشته‌های مختلف تخصص دارند. ولی درک شرایط و سیاست زمانه بینش و قدرت تحلیلی می‌خواهد که باید آموخت. مثلاً در کشور ما هر دوره‌ای که رئیس جمهور عوض می‌شود، عده‌ای از مدیران و حتی کارمندان دستگاه‌ها هم عوض می‌شوند، و این یعنی از بین رفتن میزان زیادی تجربه»، «حال ما: آویزان، میان گذشته‌ای مبهم و آینده‌ای ناپیدا» عنوان گفت‌وگو با ناصر فکوهی استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران است. او می‌گوید:

«تاریخ، همچون بسیاری دیگر از مفاهیمی که از ابتدای قرن بیستم وارد زبان و فرهنگ سیاسی و ادبی و اجتماعی ما شده و امروز ما می‌دانیم تجربه تاریخی، نه تجربه‌ای واحد بلکه متکثر است که کنشگران به صورت‌های مختلفی گذشته و حال و آینده را به صورت مجموعه‌ای پیچیده از خواست مستقیم و بازپرازش شده خود درونی می‌کنند و به شدت نسبت به اینکه موقعیت خودشان چه باشد و چه منافعی داشته باشند، می‌توانند تاریخ را به صورت‌های گوناگون تجربه و دریافت کنند.» آزما به مدیرمسئولی ندا عابد و سردبیری هوشنگ اعلم از هفته گذشته روی دکه رفته است.

اتفاقات. ایران یک موقعیت ژئوپولیتیک دارد که همیشگی است، و تغییر نمی‌کند. دریای خزر در شمال است، خلیج فارس در جنوب، غرب ایران ترک‌ها و اعراب هستند، در شرق بلوچ‌ها و افغان‌ها. در شمال، یک وقتی روسیه تزاری بود و یک زمانی شوروی و حالا حدود هشت کشور. این شرایط که تغییر نمی‌کند، و این خود از عواملی است که باعث می‌شود، خیلی از مسائل تاریخی تکرار شود.» این استاد دانشگاه در ادامه گفته است: «ما از چند چیز رنج می‌بریم. این درست است که شاید ما در ایران دیگر آدم بی‌سواد نداریم یا اگر هستند تعدادشان کم است اما بسیاری از افراد سواد فرهنگی و اجتماعی ندارند و



اصول اخلاقی مترجم

جایگاه مفهوم بینا فرهنگی در ترجمه کجاست؟

یا مزدوری بی‌وطن، ما به فراخور هر وضعیت خاص، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنیم. تلاش می‌کنیم عناصر ضروری این روند را با بازخوانی نظریه شلاپرماخر به دست آوریم که از دید ما همه چیز در آن در جهت حذف امر بینا فرهنگی است. «پیم در دیباچه کتاب درباره فصل‌های شش گانه «اصول اخلاقی مترجم» می‌گوید که جز فصل‌های سوم و چهارم کتاب که با هم مرتبطند باقی فصل‌ها را می‌توان به صورت مستقل هم مطالعه کرد. او می‌نویسد: «دو فصل نخست که در یکی نظریه شلاپرماخر و اکاوی و در دیگری ماجرای از هرودوت نقل شده، به روش فلسفی مطرح شده‌اند و شاید زیاد به مذاق ذهن‌های عملگر خوش نیایند. در مقابل، فصل‌های پایانی که یکی از آنها اصل همکاری را و اکاوی می‌کند، بیشتر کاربردی هستند و احتمال دارد فلاسفه آنها را نپسندند. هرکس می‌تواند بنا به میل شخصی این فصل‌ها را مطالعه کند.

«اصول اخلاقی مترجم» کتابی است از آنتونی پیم که با ترجمه زهرا افلاح شاهرودی و فرزانه معمار در نشر مرکز منتشر شده است. چنانکه در توضیح پشت جلد، ترجمه فارسی این کتاب آمده، آنتونی پیم در «اصول اخلاقی مترجم» مفهوم بینا فرهنگی بودن را در مورد ترجمه مدنظر داشته و معتقد است که در بحث از ترجمه بهتر است شخص مترجم و اینکه یک ترجمه چرا و برای چه کسی انجام می‌شود، بر نقد ترجمه‌ها اولویت داشته باشد. پیم بر نقش مترجم به عنوان ارتباط‌دهنده فرهنگ‌ها و تسهیل‌کننده همکاری بینا فرهنگی تاکید دارد و مسئولیت مترجم و علت عمل ترجمه از موضوعاتی است که در کتاب خود به آنها پرداخته است.

با توجه به نمایه مفاهیم اساسی که در انتهای کتاب ارائه شده است، خطر سردرگم شدن هیچ‌کس وجود ندارد.» او همچنین برای سرآغاز فصل اول کتاب می‌نویسد: «اصول اخلاقی مترجم، به مثابه گفتگویی که برای مترجم و به دست او ساخته می‌شود، جایگاه اصلی خود را باید نزد مترجم بیابد، نه در برخی متن‌ها که ترجمه نامیده می‌شوند. اخلاق مترجم لزوماً همان اخلاق ترجمه نیست.»

کتاب، شامل شش فصل است با عنوان‌های «دورگه‌ها یا فرزندان نامشروع؟»، «قاصدان»، «مسئولیت»، «علیت»، «همکاری» و «اصولی برای اخلاق مترجم». آنتونی پیم در بخشی از مقدمه این کتاب درباره رویکرد خود به موضوع ترجمه و مترجم می‌نویسد: «روش ما بیشتر بر پایه ایجاد مجتمعی است از ایده‌ها، باورها و ارزش‌ها پیرامون بینا فرهنگی بودن که هم سازنده‌اند و هم از یک شیوه تفکر برگرفته شده‌اند. جدا از این پیش فرض که یک مترجم خوب باید است، یک مترجم شفاهی خان است یا دروغ‌گویی زینبختش، متعلق به یک فرهنگ است

تصمیم بهارستان

وزرای جدید بعد از کسب رای اعتماد از مجلس راهی وزارتخانه‌های خود شدند تا دولت دوازدهم رسماً کار خود را آغاز کند. مجلس در پنج روز کاری صلاحیت این افراد را بررسی کرد. جلساتی که با حاشیه‌های فراوانی مواجه شد.



راهنما به چپ، گردش به راست

جلسه رای اعتماد به دولت جدید روحانی چالش برانگیز نبود

دولت دوم حسن روحانی آغاز به کار کرد



استارا در مجلس شورای اسلامی در موافقت با سیدمحمد بطحایی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه تعهد وی برای همه آشکار است، گفت: «از بعد تخصصی ایشان قائم مقام و سرپرست وزارتخانه بوده و من از مخالفان می‌خواهم نیمی‌نگاهی به برنامه او ببندازند.» جبار کوچکی نژاد نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی در موافقت با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش با اشاره به اینکه موافقان بطحایی در حقیقت در مقام موافقت با وی صحبت کردند، بابت معرفی وی به مجلس به عنوان گزینه پیشنهادی برای وزارت آموزش و پرورش از رئیس‌جمهور تشکر کرد و خاطر نشان کرد: «وزارت آموزش و پرورش حساس‌ترین وزارتخانه کشور است و کوچکترین اشتباه در آن خسارت‌بار است چرا که با سرنوشت ۱۷ میلیون دانش آموز سر کار دارد.»

بطحایی دفاع کرد

سیدمحمد بطحایی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش در نشست علنی مجلس شورای اسلامی مهمترین برنامه پیش روی خود را حاکم ساختن گفتمان سند تحول بنیادین و فراهم آوردن استلزامات اجرایی برای آن خواند و یادآور شد: «در ذیل این هدف برنامه‌های مختلفی پیشنهاد شده اما مهمترین آن تشکیل شورای ملی اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهیه و تدوین تمامی زیر نظام‌های سند تحول، پایش و ارزیابی مستمر اجرایی گام‌های سند تحول است.» وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش با جزئیات فعالیت‌های تربیتی و فوق برنامه بر اساس الگوی تربیت متوازن و تأکید بر تربیت اسلامی دانش‌آموزان، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، طراحی نظام مدیریت استعدادها و ورزشی برای تقویت ورزش باشگاهی و ملی کشور، استقرار نظام فراگیر مشاوره و راهنمایی در سطوح مختلف تحصیلی را از برنامه‌های اصلی و محوری پیش روی وزارت آموزش و پرورش دولت دوازدهم برشمرد.

روز پر تنش چهارمی

بعد از وزیر آموزش و پرورش نوبت به چهارمی، گزینه جوان وزارت ارتباطات رسید. او با انتقادات و مخالفت‌های تند و تیزی مواجه شد.

قاضی‌پور در مخالفت با وزیر پیشنهادی ارتباطات با بیان اینکه آقای چهارمی اعتقادی به مقوله تولید ملی ندارد، این سؤال را مطرح کرد که با وجود دانشمندان و تولیدکنندگان لوازم مخابراتی آیا سزاوار است آقایان همه چیز را وارد کنند؟ وی ادامه داد: «آیا انتخاب یک فرد به عنوان وزیر پیشنهادی با مدرک کارشناسی غیرمرتبط برای یک وزارتخانه تخصصی شایسته سالاری است؟ آیا با توجه به اینکه با وجود اینکه این رشته در دنیا با شدت خیلی زیاد در حال تغییر در محتوا و تکنولوژی است، انتخاب فردی با مدرک لیسانس برق قدرت برای تصدی این وزارتخانه مناسب است؟» افضل نماینده اقلید در مجلس با اشاره به اینکه نمی‌توان مدیر جوانی را یافت که سابقه چهار دوره وزارت داشته باشد، گفت: «آذری چهارمی درد و دغدغه حوزه ارتباطات کشور را شناخته است و عملکرد وی را می‌توان با شاخص خط کش ستجید...» سبحانی فر نماینده سبزوار در مجلس افزایش طول فیبر نوری در کشور و پهنای باند اینترنت و ارتقای سیم کارت‌های تلفن‌های همراه را از آثار مدیریتی آذری چهارمی در وزارت ارتباطات خواند و گفت: «با مدیریت وی در عرصه فضای مجازی فساد به طور سیستماتیک جمع شد.»

پورمختار در مخالفت با وزیر پیشنهادی ارتباطات، اظهار داشت: «ما هم به جوانگرایی اعتقاد داریم ولی بعضا قیاس می‌شود که مع الفارق و غیرمرتبط است.»

صبح سه‌شنبه حسن روحانی همراه با وزرای پیشنهادی راهی بهارستان شد تا ۵ روز سرنوشت ساز را پشت سر بگذارد.

او یک کابینه متفاوت را راهی پارلمان کرده است؛ یک لیست منحصر به فرد که نشانه‌هایی از گردش او به راست را دارد، آن هم در شرایطی که در تمام ماه‌های اخیر او راهنمای چپ را روشن کرده بود. حالا هر چه هست ۱۷ وزیر پیشنهادی او زیر ذره‌بین نمایندگان قرار گرفتند و در روز یکشنبه بعد از حضور حسن روحانی در مجلس، وزاری که از مجلس چراغ سبز دریافت کردند راهی دفاتر خود در وزارتخانه‌ها شدند.

روحانی در صحن

جلسه صبح سه‌شنبه مجلس با سخنرانی دو ساعته روحانی آغاز شد، ۵ مخالف و موافق هر کدام به مدت ۱۵ دقیقه در مورد کلیات و برنامه‌های رئیس‌جمهور در مورد کابینه صحبت کردند. برخی از موافقان و مخالفان بخشی از فرصت ۱۵ دقیقه‌ای خود را در اختیار تعداد دیگری از نمایندگان قرار دادند. در ابتدای آغاز نشست صحن، حسن روحانی، رئیس‌جمهور برای دفاع از کابینه پیشنهادی اش حضور یافت. او در بخشی از سخنانش گفت: «خدا را شاکرم که بار دیگر پادشاه چهار سال تلاش صادقانه به مردم را از طریق رای ملت توفیق مجددی برای خدمت به آرمان‌های اسلام و انقلاب اسلامی و عظمت ایران قرار داد.» در ادامه و پس از دقایقی، وقتی رئیس‌جمهور به روحانی یادآوری کرد که طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، دو ساعت و نیم برای معرفی وزرای پیشنهادی و دفاع از آنان فرصت دارد و می‌تواند در دو بخش از این فرصت استفاده کند، رئیس‌جمهور با مکتی توأم با نگاه طنزآلود به نمایندگان که ریزنی‌ها و رفت‌وآمدهایشان ادامه داشت، گفت: «من دوست دارم از همه فرصت خود استفاده کنم، اما «مستمع، صاحب سخن را بر سر ذوق آورد.»

بعد از سخنان حسن روحانی یک چالش مهم به عنوان تذکرات پی در پی نمایندگان فضای صحن را به خود اختصاص داد. مساله این بود که حسن روحانی در لیست خود وزیر پیشنهادی علوم را معرفی نکرده بود. علیرضا سلیمی نماینده مردم محلات هنگام سخنان رئیس‌جمهور در معرفی و دفاع از وزرای پیشنهادی با استناد به اصل ۳۳ قانون اساسی اخطار داد. همچنین جهانبخش محبی‌نیا نماینده مردم تکاب و میاندوآب هنگام سخنان حسن روحانی رئیس‌جمهور که برای معرفی و دفاع از وزرای پیشنهادی در مجلس حاضر شده بود، با استناد به مواد ۲۰۴، ۲۰۵ و ۲۰۶ آیین‌نامه داخلی مجلس و اصل ۳۳ قانون اساسی تذکر آیین‌نامه‌ای و اخطار داد.

علی لاریجانی رئیس‌جمهور شورای اسلامی در پاسخ به این تذکرات مبنی بر اینکه چرا یک نفر از اعضای کابینه دولت دوازدهم اعلام نشده است، اظهار داشت: «فرض کنی رئیس‌جمهور همه وزرا را معرفی کند اما همان روز یکی از آنان در این فاصله سکنه کرد و مرحوم شد، مثل آقای ربیعی که نوشته امروز تصادف کردیم و در راه ماندم ولی اکنون در مجلس حضور دارد و خوشبختانه به خیر گذشت؛ در این صورت نمی‌توان معرفی و رای اعتماد به وزرا را معطل نگه داشت در نتیجه معرفی وزرای پیشنهادی بدون یک نفر از آنان خلاف قانون اساسی نیست.»

صدای عارف شنیده شد

اما از نکات روز اول بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم، حضور محمدرضا عارف در میان ناطقان موافق فهرست ارائه شده بود. محمدرضا عارف، نماینده مردم تهران در موافقت با کلیت و خط

مشی وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم، با تأکید بر اینکه عملکرد دولت در این دوره باید نسبت به ۴ سال قبل متفاوت باشد، تحقق این امر را نیازمند همراهی و کمک مجلس خواند و گفت: «ضمن حمایت از کلیت کابینه معتقدیم که به ویژه درباره استفاده از وزرای زن می‌شود انتخاب‌های بهتری هم داشت.»

سپس طبق آیین‌نامه مجلس، بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی به ترتیب حروف الفبا آغاز شد که محمد بطحایی، وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش نخستین وزیر بود.

قاسم جاسمی نماینده مردم کرمانشاه در مخالفت با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، با بیان اینکه یکی از معضلات، شتابزدگی در اجرای سند تحول بنیادین است، گفت: «این سند مادر برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش است و به تأیید مقام معظم رهبری هم رسیده اما بدون توجه به فراهم آوردن زیرساخت‌ها اجرای آن آغاز شد و ضربه‌هایی به وزارت آموزش و پرورش زد. از طرفی مردم هم اطلاع دقیقی از سند تحول ندارند و آگاه‌سازی پیرامون آن صورت نگرفته است.»

فرهاد تجری نماینده مردم قصرشیرین طی سخنانی به عنوان موافق «محمد بطحایی» وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش اظهار داشت: «کمیو اعتبارات وزارت آموزش و پرورش یکی از دغدغه‌های مدیران بالای این وزارتخانه است، همچنین نداشتن یک نقشه راه مشخص، نبود آمار واقعی از بازی‌های آموزشی کشور و... همگی عزم ملی می‌طلبند و باید وزیری کارآمد و باتجربه در این وزارتخانه منصوب شود.»

وی با اشاره به ویژگی‌های وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، گفت: «آقای بطحایی کارنامه موفقی در گذشته در حوزه آموزش و پرورش داشته است. ساماندهی حقوق و دستمزد معلمان زمانی که آقای بطحایی مدیر مالی وزارت آموزش و پرورش بود، اتفاق افتاد.» حسن بیگلری نماینده مردم سقز و پانه در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، گفت: «وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم به عنوان دو وزارتخانه مهم و بنیادی، ابرمرد و ژنرال می‌خواهد. حمید بیرانوندی نماینده مردم خرم‌آباد در مجلس، در سخنانی به عنوان موافق وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش با بیان اینکه تحول در آموزش و پرورش نیازمند عزم ملی است، گفت: «وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش اهل تعامل و دارای سوابق کاری درخشان است.» ولی داداشی نماینده مردم

پورمختار گفت: «انجام وظایف صیانتی اجتماعی و فرهنگی یکی از وظایف آقای جهرمی بود اما چه صیانتی کرده است؟ این وضع تلگرام و فضای مجازی ماست که قتل عام فرهنگی جوانان ما در آن صورت می‌گیرد. می‌گویند نمی‌شود این شبکه‌ها را بست. چرا نمی‌شود؟ البته مخالفت ما با فساد تلگرامی است که با هدایت همین آقای جهرمی علیه نظام، مسئولان و مردم انجام می‌شود.» زرابادی، نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه آقای جهرمی از پاسخ به سوالات درباره پلایش اینترنت طرفه می‌رود، گفت: «استفاده از جوانان بدون تخصص و تجربه فرصت‌سوزی است و نه فرصت‌سازی.» وی در ادامه سخنانش تاکید کرد: «دلیل انتخاب آقای جهرمی جوانگرایی نیست.»

دفاع آذری جهرمی

محمدجواد آذری جهرمی در جریان بررسی وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم و در دفاع از برنامه‌های پیش روی خود گفت: «به لحاظ اقتصادی حجم ICT کشور از ۲۱ هزار میلیارد تومان به ۳۶ هزار میلیارد تومان رسید که ۱۵ هزار میلیارد تومان حجم بازار ICT در این بازار اضافه شده است. به لحاظ شاخص‌هایی که پهنای باند به ازای هر شهروند دارد از یک کیلوبیت بر ثانیه به ۳۵ کیلوبیت بر ثانیه رسیدیم؛ آنهایی که می‌گویند ما نسبت به محتوای بومی و تولید بومی بی‌تفاوتیم روزی که آغاز کردیم مجموع پهنای باند ما ۱۰ درصد ظرفیت بود که امروز این مقدار به ۴۰ درصد افزایش یافته است که البته این ناکافی است.» وی خاطرنشان کرد: «امروز با افتخار اعلام می‌کنیم که پس از ۴ سال فعالیت و توسعه زیرساخت‌های شبکه ملی اطلاعات در حوادث مهم ما یک ثانیه قطعی نداریم. ما پارادایم و فرهنگ حاکم بنابراین جامعه را تغییر دادیم. روزی ارتباط تهدید امنیتی بود امروز برقراری ارتباطات تهدید امنیتی بود.»

موافقان و مخالفان علوی

بعد از جهرمی نوبت به علوی گزینه پیشنهادی وزارت اطلاعات رسید. محمد قسیم عثمانی در جریان بررسی برنامه وزیر پیشنهادی اطلاعات در مخالفت با وی ضمن تشکر از تلاش‌های وزارت اطلاعات جهت رصد گروهک‌های تروریستی در داخل و خارج از کشور گفت: «بند به منظور تقویت این دستگاه مهم که انتظار می‌رود که وزیری آن بیشترین رأی را کسب کند در عین مخالفت با معرفی وزیر از بیرون برای وزارت اطلاعات به آقای علوی رأی مثبت می‌دهم چراکه وزیر اطلاعات خوب عمل کرده اما عمل خوب ایشان می‌توانست این باشد که از معاونین خود فردی را عرضه بدارد.» جلسه علنی نوبت عصر مجلس شورای اسلامی که به استماع ادامه سخنان مخالفان و موافقان کلیت وزرای پیشنهادی و دو وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش و ارتباطات و نیز دفاعیات این دو وزیر اختصاص داشت ساعت ۱۹/۳۰ دقیقه پایان یافت و ادامه روند بررسی به روز بعد موکول شد. سکوت کامل مجلس پرهمه هنگام سخنان اولین وزیر نسل سومی انقلاب و شوخی‌های ادامه‌دار رئیس با نمایندگان حواشی نوبت عصر این جلسه است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دومین روز متوالی به بررسی کارنامه وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم پرداختند. دومین روز بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت با ۴۹ صندلی خالی نمایندگان آغاز شد. این جلسه با ادامه بررسی صلاحیت وزیر اطلاعات که از روز قبل در دستورکار بود آغاز شد. در ابتدا، علی مطهری نماینده مردم تهران و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی صلاحیت وزاری پیشنهادی دولت دوازدهم و به عنوان مخالفت با

وزیر اطلاعات طی سخنانی اظهار داشت: «مخالفت من با وزیر پیشنهادی اطلاعات بیشتر به خاطر حاشیه از یک نقص ساختاری در حوزه اطلاعات کشور است.» همچنین عزیز اکبریان نماینده مردم کرج در موافقت با وزیر پیشنهادی اطلاعات، اظهار داشت: «وزارت اطلاعات یکی از ارکان امنیتی کشور است و در دنیای معاصر مفهوم امنیت فیزیکی و روانی با ماوریت این وزارتخانه گره خورده است؛ از آنجایی که سربازان گمنام امام زمان (عج) وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند و همچنین برتری اطلاعاتی که وزارت اطلاعات دارد و نیز با جریان‌های نفوذی به خوبی برخورد می‌کند، بنابراین یک امنیت روانی در کشور ایجاد شده است.» علاوه‌الدین بروجردی نماینده مردم بروجرد نیز از سید محمود علوی وزیر پیشنهادی اطلاعات به عنوان مدیری متدین، ولایتمدار، برخوردار از سعه صدر، قاطع و سریع در تصمیم‌گیری یاد کرد و گفت: «در چند سالی که در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با ایشان ارتباط داشتیم، بارها موارد ارجاعی کمیسیون را با حساسیت و دقت ویژه‌ای پیگیری می‌کرد.» در ادامه نیز، سید محمود علوی وزیر پیشنهادی اطلاعات طی سخنانی اظهار داشت: «امروز با وزارت اطلاعاتی مواجه هستیم که عرصه سربازان مومن، متعهد، فداکار و در یک کلمه ولایتمدار و دلسوز و وحدت و امنیت ملی کشور هستند.» همچنین نادر قاضی‌پور نماینده مردم ارومیه در مجلس در موافقت با وزیر پیشنهادی اطلاعات، اظهار داشت: «آقای علوی نگاهی فرهنگی به امنیت دارد و مشکلات حاد امنیتی و سیاسی را به اجتماعی و اقتصادی تبدیل می‌کند و با آنها برخورد می‌کند، وی رفتار عاقلانه‌ای در چارچوب نظام و شورای عالی امنیت ملی پیش گرفته و این اقدام وی باعث ایجاد آرامش در فضای امنیتی کشور شده است.»

کرباسیان و نمایندگان به هم رسیدند

بعد از علوی، کرباسیان زیر ذره‌بین نمایندگان قرار گرفت. اولادقباد نماینده تهران در مجلس نقطه عطف مدیریت کرباسیان را اصلاحات چهار سال گذشته در گمرک کشور و کاهش قابل ملاحظه قاچاق خواند و گفت: «وزیر پیشنهادی اقتصاد به اسناد بالادستی کشور پایبندی دارد.» ملکی نماینده مردم مشکین شهر در مجلس شورای اسلامی، گفت: «من در بررسی برنامه وزیر پیشنهادی اقتصاد چیزی جز نظریه پردازی ندیدم و لازم به ذکر است با شعار نمی‌توان مشکل تولید و همچنین مشکل اشتغال را حل کرد.» بهادری نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی گفت: «انتظاراتی که مجلس از وزیر اقتصاد بعدی دارد این است که مدار اقتصاد را از زیر چرخ‌های سیاست خارج کند.» شهریاری نماینده دشتی و تنگستان در مجلس با بیان اینکه «کرباسیان» اولین کسی بود که دروازه ورود دلاهای غیرنفتی به کشور را باز کرد، گفت: «وزیر پیشنهادی اقتصاد، سیاسی کاری ندارد و این امری ضروری برای اقتصاد کشور ماست.» خدروی نماینده گنوه در مجلس با بیان اینکه فراهم ساختن شرایط توانمندسازی بخش خصوصی و اصلاح نظام بانکی گوشه‌ای از برنامه‌های وزیر پیشنهادی اقتصاد است، گفت: «کرباسیان تنها با به کارگیری گوشه‌ای از تجارب ارزشمند خود می‌تواند در وزارت اقتصاد موفق شود.»

دفاع کرباسیان

وزیر پیشنهادی اقتصاد و دارایی هم در دفاع از خود گفت: «در گذشته اشکالات زیادی در اجرای اهداف رشد اقتصادی وجود داشت که طی ۴ سال گذشته شاخص‌ها بهبود یافت و باید به مراتب در چارچوب برنامه موفق‌تر عمل شود.»

روز پر حاشیه ظریف

بعد از کرباسیان نوبت به بررسی صلاحیت محمدجواد ظریف رسید؛ جلسه‌ای که البته با تنش هم همراه شد. پورمختار نماینده مردم بهار و کیودرآهنگ در مجلس در مخالفت با وزیر پیشنهادی امور خارجه، گفت: «متأسفانه حمایت از اتباع ایرانی ضعیف بوده و حتی برخی از سفارتخانه‌ها به دنبال کاسی، مسائلی مالی و تحصیلات خود هستند که باید به این مسائل سامان بخشید.»

پورا برابری نماینده مردم کرمان در مجلس با تاکید بر اینکه سفارتخانه‌های ما در زمینه دیپلماسی اقتصادی دچار ضعف هستند، گفت: «سفرای کشور کره قبل از تقدیم استوارنامه خود ابتدا با نمایندگان ال‌جی جلسه می‌گذارند اما سفرای ما اینگونه نیستند.»

رضازاده نماینده مردم کازرون در مجلس شورای اسلامی گفت: «نگاه به تفاوت سیاست خارجی، فعلی و سیاست خارجی گذشته کشور می‌تواند مهمترین دفاع از آقای ظریف برای تصدی پست وزارت خارجه باشد.»

پارسایی نماینده مردم شیراز در مجلس گفت: «دفاع از آقای ظریف راحت‌ترین دفاع بین وزراست و آن هم به دلیل عملکرد موفق وی در وزارت خارجه است.»

ساعی نماینده مردم تبریز در مجلس گفت: «با توجه به اینکه دولت جدید آمریکا دولت پرخاشگر و بی‌منطقی است در ماه‌های آینده باید مذاکرات بیشتری با طرف‌های اروپایی، روسی و چینی صورت گیرد.»

ظریف: ایران به دنبال منطقه‌ای امن و پایتاث است

وزیر پیشنهادی امور خارجه هم در سخنانی گفت: «برجام حاصل اعتماد به آمریکا نیست. جمله آن نشانگر بی‌اعتمادی جدی ما نسبت به سیاست‌های آمریکا از نخستین روز مذاکرات تا واپسین روز مذاکرات و تا مسیر اجرای برجام بوده است.»

ابطحی نماینده مردم خمینی شهر در مجلس گفت: «ظریف و روحانی بارها گفتند که اگر آمریکا برجام را نقض کند چه‌ها خواهند کرد. سوال این است که آمریکا باید چه کار دیگری کند که رئیس‌جمهور و وزیر خارجه بپذیرند که برجام نقض شده است؟»

قاضی‌زاده و ۱۸۸ نماینده حامی

بعد از ظریف نوبت به قاضی‌زاده هاشمی رسید. در این جلسه خاتمی نماینده‌مانشان در مجلس با بیان اینکه «قاضی‌زاده هاشمی» با اجرای طرح تحول سلامت بار بر زمین مانده بزرگی را برداشت، گفت: «در ۴ سال گذشته مراکز درمانی تجهیز شدند و پرداخت‌ها از جیب مردم به میزان قابل توجهی کاهش یافت.»

علیرضاییگی نماینده مردم تبریز گفت: «امروز هیأت امنای ارزی وزارت بهداشت حیات خلوت برخی افراد خاص شده است.»

بیگلری نماینده خدابنده در مجلس با بیان اینکه وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان دارای مقام نوزدهم چشم‌پزشکی در دنیا است، گفت: «در زمان تصدی وزارت بهداشت توسط آقای قاضی‌زاده، کمبود دارو از ۳۵۰ قلم به ۳۰ قلم کاهش یافت.» صفاری نماینده مردم نطنز در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه مردم بالاترین رضایتمندی در میان وزارتخانه‌ها را از وزارت بهداشت داشتند، گفت: «برنامه قاضی‌زاده هاشمی بالاترین همپوشانی را با اسناد بالادستی دارد.» تاجگردون نماینده گچساران در مجلس با تقاضا از نمایندگان جهت زیر سوال نبردن طرح بزرگ تحول سلامت به خاطر مشکلات کوچک گفت: «برنامه قاضی‌زاده هاشمی یک درصد خطا با اسناد بالادستی ندارد.» ملکی نماینده مردم مشکین شهر

عباس آخوندی، وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی اظهار داشت: «به نظر می‌رسد که ضرورت دارد اولاً نسبت به ساخت جاده‌ها متناسب با نیازسنجی‌ها و تأیید اصلاح نقاط حادثه‌خیز، اقدام شود. گرچه در سال‌های گذشته شاهد تلفات جاده‌ای بوده‌ایم اما آیا در کاهش سهم جاده در بروز حوادث نیز توفیقی داشته‌ایم؟ جهانبخش محبی نیا نماینده مردم میانودان نیز در سخنانی به‌عنوان موافق وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی اظهار داشت: «متأسفانه ما به دنبال توسعه نیستیم، بلکه توسعه طلبیم. این گونه نیست که وقتی می‌گوییم هدف ما گسترش بخش ریلی کشور است، همه مسئولان متوجه این هدف باشند و در راستای این هدف اقدام کنند.» در ادامه، سید احسن علوی، نماینده مردم سنندج به‌عنوان موافق عباس آخوندی، وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی، اظهار داشت: «وقتی بررسی می‌کنم، می‌بینم معدل عملکرد وزیر راه طی چهار سال گذشته بالا بوده و در سطح ملی در کشور موفق عمل کرده است.»

آخوندی در صحن علنی مجلس: وضع مسکن خوب نیست

سپس عباس آخوندی وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی طی سخنانی اظهار داشت: «برنامه عمل وزرا همان برنامه پنج ساله ششم است که در مجلس به تصویب رسیده و وزرا باید تدابیر روشنی برای اجرای آنها داشته باشند.» وی با بیان اینکه در این فرصت کوتاه به چند موضوع اساسی خواهم پرداخت و این به معنای بی‌توجهی به سایر موارد نیست، تصریح کرد: «بنده در این جلسه به دو بخش مسکن و انتقال خودروی به ریل پایه شدن حمل و نقل کشور اشاره خواهم کرد.»

لاریجانی: درباره اموال سوال کنید

رئیس مجلس در پاسخ به نماینده خدابنده که خواستار شفاف‌سازی در لیست اموال وزرای پیشنهادی کابینه بود، گفت: «نمایندگان می‌توانند از وزرای پیشنهادی درباره میزان اموال‌شان سوال کنند و سوال نمایندگان از وزرا می‌تواند هم سیاسی باشد و هم سایر شئون را در برگیرد.»

حاشیه‌ای از صحن علنی مجلس

نماینده خرمشهر و وزیر پیشنهادی امور خارجه پس از اعتراضات چهارشنبه‌نماینده به سخنان وزیر، امروز با یکدیگر در صحن مجلس روبوسی کردند.

کار نه‌چندان سخت شریعتمداری

بعد از عباس آخوندی نوبت به شریعتمداری رسید. حسن پور، نماینده مردم سیرجان با بیان اینکه صدای پای گرانی به گوش می‌رسد، گفت: «امروز در بحث معدن هیچ کاری نشده، محیط زیست پایدار قابل احترام است اما بحث اصلی ما درباره معدن، محیط زیست است.» علی ابراهیمی، نماینده مردم شازند در مجلس شورای اسلامی در موافقت با محمد شریعتمداری، وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت را مورد تأیید اصناف و اتحادیه‌ها خواند و گفت: «شریعتمداری ارتباط خوبی با مقامات نظام دارد.» سیدمهدی مقدسی نماینده مردم اراک در مجلس در موافقت با محمد شریعتمداری وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اینکه کمیسیون صنایع مجلس متفق القول از وی حمایت می‌کنند، گفت: «آقای شریعتمداری با سایر وزرای پیشنهادی هماهنگی دارد.» احمد علی کیخا نماینده مخالف وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت با اشاره به دو نقد وارده به برنامه وزیر پیشنهادی گفت: «رویکرد وزیر پیشنهادی صنعت

وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم به‌عنوان مخالف وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی طی سخنانی اظهار داشت: «وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان یکی از وزارتخانه‌هایی که بستری برای خلق ثروت از مسیر تولید و اشتغال مولد محسوب می‌شود و ۹۰ درصد از ارزش مواد غذایی مورد نیاز و ۱۹ درصد اشتغال مولد کشور را به عهده دارد، می‌تواند نقش مهمی را در فرآیند توسعه ملی ایفا کند. در ادامه، جلال محمودزاده نماینده مردم مهاباد در مجلس طی سخنانی به‌عنوان موافق محمود حتی وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی، اظهار داشت: «آقای حتی شش سال مسئولیت استانداری در یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور را برعهده داشت و طرح‌های عظیمی مانند سد کرخه را اجرا کرد.»

وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم در این جلسه گفت: «بیش از ۹۰ درصد نیاز غذایی کشور در داخل تامین می‌شود. امسال ۵۰۰ هزار نهال توزیع می‌کنیم.»

آوایی در صحن

بعد از حتی نوبت به آوایی، گزینه پیشنهادی وزارت دادگستری رسید.

بیگلری، نماینده مردم سقز و بانه در مجلس گفت: «مناطق محروم با مشکلاتی در حوزه پزشکی قانونی مواجه هستند و اگر آقای آوایی برای این بخش برنامه‌ای نداشته باشد بنده و وزارت ایشان در وزارت دادگستری مخالف هستم.» بهرامیان نماینده نهاوند در مجلس با اشاره به سوابق متعدد آوایی در قوه قضاییه و مجریه، گفت: «تنوع شغلی و پراکندگی جغرافیایی مسئولیت‌های وزیر پیشنهادی دادگستری از نقاط مثبت است.» تجری، نماینده قصرشیرین در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اختیارات گسترده حوزه تعزیرات و ایجاد مشکلاتی برای مردم در این زمینه، گفت: «اصلاح این روند به سامان بخشی به این حوزه از وظایف وزیر پیشنهادی دادگستری است.» رنجبرزاده، نماینده مردم اسداباد در مجلس گفت: «آوایی آشنا به مشکلات جامعه در حوزه قضایی است و ایشان تجربه و تخصص دارند.»

کاظمی، نماینده ملایر در مجلس با اشاره به اینکه آوایی به‌عنوان یک قاضی خوشنام همه شرایط برای تصدی در دادگستری را دارد، گفت: «تصدی وزارت دادگستری از سوی آوایی موجب تقویت و استحکام بیشتر روابط قوای مجریه و قضاییه می‌شود.»

دفاعیات آوایی

وزیر پیشنهادی دادگستری هم با بیان اینکه شوراها حل اختلاف از ضرورت‌های موجود نظام و کشور است، گفت: «با همه توان در راستای تخصیص اعتبار شوراها حل اختلاف اقدامات لازم را انجام می‌دهم.»

موافقان آقای وزیر

نکته قابل طرح در جلسه روز پنج‌شنبه، عدم مخالفت هیچ کدام از نمایندگان با وزیر پیشنهادی دفاع بود. در این جلسه چند نماینده به‌عنوان مدافع او سخن گفتند.

چهارمین روز بررسی صلاحیت وزرا

اما چهارمین روز بررسی صلاحیت و برنامه‌های وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم در مجلس شورای اسلامی صبح شنبه به ریاست علی لاریجانی، رئیس مجلس آغاز شد. در این جلسه در ابتدا ادامه رسیدگی به صلاحیت عباس آخوندی در دستورکار قرار گرفت. در ابتدا، سکیته الماسی، نماینده مردم عسلویه در مجلس در مخالفت با

در مجلس گفت: «تبدیل وزارت بهداشت به وزارتخانه‌ای با شائبه ویژه‌خواری و رانت‌خواری و رابطه اینها گوشه‌ای از مسائل و مشکلاتی بود که در وزارت بهداشت اتفاق افتاده است.»

قاضی زاده: نسبت به فساد، حساسم

وزیر پیشنهادی بهداشت هم در این جلسه در سخنانی با بیان اینکه در طول دو سال گذشته حاشیه‌سازی در حوزه بهداشت زیاد بوده است، گفت: «از روز اول گفته‌ام نسبت به فساد، حساس هستم و اگر کسی مطلب و مدرکی دارد می‌تواند ارائه کند، ولی در عین حال ما اشکالاتی در حوزه مدیریتی داریم که در دولت دوازدهم اصلاح خواهد شد.»

روز متفاوت ربیعی

بعد از قاضی زاده نوبت به ربیعی رسید. حسنی در موافقت با وزیر پیشنهادی کار، تعاون و رفاه اجتماعی گفت: «با بیان اینکه دولت یازدهم توانست یارانه نزدیک به ۴ میلیون نفر را حذف کند»، گفت: «امروز دیگر بازنشستگان فولاد در کنار مجلس تجمع نمی‌کنند و آرامش بر جامعه کارگری حاکم است.» رجبی نماینده مردم شیراز در مجلس گفت: «قانون بازنشستگی پیش از موعد باید بازبینی شود چرا که ما شاهد بازنشستگی زودهنگام نیروهای توانمند هستیم که بار دیگر با حقوق پایین به‌عنوان نیروی بازنشسته به بازار کار وارد شده و جای نیروهای جوان را نیز می‌گیرند.» خجسته، نماینده مردم همدان در مجلس گفت: «وزیر کار باید تعیین تکلیف کند که آیا شرایط مناسبی برای بازنشستگان ما فراهم شده و حقوق آنها به موقت پرداخت می‌شود یا خیر.»

ربیعی: با پاشیدن پول اشتغال و فقر حل نمی‌شود

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم در این جلسه با بیان اینکه کشور با بحران‌هایی از طریق اشتغال، فقر مطلق، بحران آسیب‌های اجتماعی و... روبه‌رو مواجه است، گفت: «با پاشیدن پول اشتغال و فقر حل نمی‌شود.»

حتی و مخالفانش

بعد از ربیعی این حتی بود که با نظرات موافقان و مخالفانش مواجه شد.

بدری در مخالفت با وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی گفت: «آقای حتی در طول ۴ سال گذشته چه اقدامی کردید که کشاورزی و دامداری شغل محسوب شود؟» لاهوتی نماینده مردم لنگرود در مجلس گفت: «آقای حتی تخصصی در حوزه کشاورزی ندارد. حتی سوابق راه و ساختمان خوبی دارد اما در بحث کشاورزی موفق نبوده است.» احمدی، نماینده زنجان در مجلس با بیان اینکه از وزیر جهاد کشاورزی می‌خواهیم تعداد مدیران بازنشسته سطح بالا را کاهش دهد، گفت: «کلید حمایت از تولید افزایش صادرات است.» حسن پور نماینده سیرجان در مجلس با بیان اینکه وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی فرمایشات امام و رهبر معظم انقلاب را در عمل پیاده کرده در شعار، گفت: «آقای حتی را باید پدر کشاورزی ایران نامید.»

آغاز روز سوم

سومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی برای بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم، صبح پنج‌شنبه به ریاست علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی آغاز شد. محمد حسینی، نماینده مردم تفرش در مجلس شورای اسلامی در ادامه بررسی صلاحیت

در توسعه تجارت با کشورهای همسایه روشن نیست. حسن بهرام‌نیا نماینده نیاوند در مجلس، با بیان اینکه «شریعتمداری» در دولت به عنوان وزیری کارآمد ایفای نقش کرده است، گفت: «ما نیازمند مدیری خلاق و کارا در حوزه صنعت و معدن کشور هستیم.» رسول خضری نماینده پیرانشهر و سردشت در مجلس نیز با بیان اینکه وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت توانمندی خوبی در حوزه صنعت و تجارت دارد، گفت: «آقای شریعتمداری دارای توانمندی خاصی در این حوزه است و این حوزه را به خوبی می‌شناسد.»

احتمال عدم رای آوری دو وزیر

بهروز نعمتی، نماینده مردم تهران و سخنگوی هیات‌رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه نشست علنی پارلمان با تشریح روند رای اعتماد به وزرای پیشنهادی گفت: «تجربه نشان داده معمولاً ممکن است یک یا دو وزیر نتوانند از مجلس رای اعتماد بگیرند.»

شریعتمداری: دنبال حل مشکلاتم

محمد شریعتمداری، وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت نیز در جلسه رای اعتماد در صحن علنی مجلس در بخشی از اظهاراتش گفت: «برنامه‌ام مبتنی بر اندیشه

نفوذ کلام اصول را قبول داشته باشد.» محمود صادقی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از اختصاص بودجه‌های فرهنگی به زمین خواری در شمال کشور، گفت: «آقای صالحی از توانمندی کافی مدیریتی برخوردار نیست و تجربه لازم در این زمینه را ندارد.» قاسم میرزایی نیکو نماینده مردم دماوند و فیروزکوه در مجلس خطاب به رئیس‌جمهور با بیان اینکه چیدمان کابینه شما حق مسلم شماست، گفت: «حمایت تمام‌قد اصلاح‌طلبان از جناب‌عالی را یادم نمی‌رود و شما صد درصد به تفکر ۲۴ میلیونی بدهکار هستید.» جمشید جعفرپور نماینده مردم لارستان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس به وزارت آقای صالحی رای مثبت می‌دهند، گفت: «از وزیر پیشنهادی ارشاد توقع داریم تا سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و منویات ایشان در حوزه فرهنگی را به‌طور جد مورد پیگیری قرار دهند.»

بهبود نسبی اقتصادی بخش هنر در دوره یازدهم

سیدعباس صالحی، وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در سخنانی با بیان اینکه یکی از دستاوردهای ما در دوره دولت یازدهم بهبود نسبی اقتصادی بخش هنر بوده است، گفت: «برنامه‌هایمان در وزارت فرهنگ و

تعاملی وی با سایر دستگاه‌ها گفت: «وزیر پیشنهادی کشور موضوع پدیده شاندیز را در اسرع وقت رسیدگی کرد.» ترتیبی‌نژاد نماینده گسرگان در مجلس با بیان اینکه وزیر پیشنهادی کشور توانست همکاری‌های امنیتی با کشورهای جهان را افزایش دهد، گفت: «رحمانی‌فضلی در دوران چهار ساله وزارت توانست پوشش حفاظتی شش هزار کیلومتر مرز خاکی و ۲ هزار کیلومتر مرز آبی با همسایگان را تکمیل کند.» نادری نماینده پاوه و روانسر در مجلس با بیان اینکه «رحمانی‌فضلی» دارای رویکرد مدیریت بحران است، گفت: «وزیر پیشنهادی کشور در هر شرایطی قدرت تصمیم‌گیری خاصی دارد و از پرتحرک‌ترین وزرای پیشنهادی دولت است.»

سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است

وزیر کشور هم در این جلسه در سخنانی گفت: «سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است و تعامل این دو ناگسستگی است؛ یک کشور منسجم، متعهد، توسعه‌یافته و مقتدر با مردم رضایتمندی می‌تواند پشتوانه محکمی برای سیاست خارجی باشد.»

حاشیه‌ای از بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی نفت

اما جلسه بررسی صلاحیت زنگنه با حاشیه‌هایی همراه بود. رئیس مجلس پس از آنکه نماینده مخالف وزیر نفت توضیح داد «منظورش از نمایندگان استخدام شده در وزارت نفت، کاندیداهای ناکام بوده‌اند»، گفت: «به اینها» «نمایند مجلس» نمی‌گویند بلکه داوطلبان نمایندگی هستند. ابطحی نماینده مردم خمینی شهر با بیان اینکه وقتی مدیریت خصوصی با مدیریت دولتی در یکجا شریک شد، «ظن فساد» می‌آورد، گفت: «روشن بگویید خودتان، معاونان و رئیس‌دفترتان در باشگاه خصوصی اندیشه‌ورزان نفت و نیروی ایرانیان چه می‌کنید؟» خادمی نماینده مردم ایذه و باغملک در مجلس با انتقاد از عدم اجرای وعده‌های زنگنه در چهار سال گذشته گفت: «فقط یک نفر را که از نظر شما ژنرال نفتی بوده و وارد نفت کرده‌اید، نام ببرید تا همه نفتی‌ها بدانند ژنرال کیست.» احمدی لاشکی نماینده نوشهر و چالوس در مجلس با اشاره به اینکه زنگنه ۲۶ سال تجربه وزارت را با خود همراه دارد و ۹ بار از مجلس رای اعتماد گرفته است، گفت: «انطباق برنامه‌های زنگنه با سیاست‌های رهبری کارنامه وی را درخشان‌تر کرده است.» نادری نماینده مردم پاوه در مجلس گفت: «زنگنه فردی نام‌آشنا در عرصه توسعه و آبادانی و فردی با سابقه شفاف از سلامت اقتصادی به اذعان مراجع قضایی و نظامی است.»

زنگنه: وزیر نمی‌تواند برنامه دهد

وزیر پیشنهادی نفت هم در سخنانی گفت: «وزیر شخصاً نمی‌تواند برنامه دهد و باید برای اجرای قوانین مصوب مجلس و بودجه سنواتی راهکار و راهبرد ارائه کند.» قره‌خانی نماینده مردم علی‌آباد کتول در مجلس گفت: «با آمدن زنگنه و بهره‌برداری از همه ظرفیت‌ها و افتتاح فازهای مختلف در پایان سال ۹۵ بر خورداری سهم ایران به ۵۷۵ میلیون متر مکعب در روز برابر با قطر افزایش پیدا کرد.» انارکی نماینده مردم فرسنگان گفت: «جای بسی تأسف است که با داشتن منابع نفت و گاز هنوز واردکننده بنزین هستیم، در حالی که با تبدیل همه نفت خام به فرآورده‌های نفتی می‌توانیم این فرآورده‌ها را صادر کنیم.» لاهوتی نماینده لنگرود در مجلس با اشاره به اینکه تا پایان سال جاری به خودکفایی در تولید بنزین خواهیم رسید، گفت: «به سمت خودکفایی در این محصول استراتژیک حرکت می‌کنیم که همواره یکی از ابزارهای فشار و تحریم علیه ما بوده است.»



ارشاد اسلامی در دولت یازدهم متکی بر اسناد بالادستی و برنامه ششم توسعه است.»

روز سخت رحمانی‌فضلی

اما عبدالرضا رحمانی‌فضلی همچنان که پیش‌بینی می‌شد روز سختی در مجلس داشت. او با انتقاداتی از سوی نمایندگان مواجه شد. در این جلسه نماینده مردم نور و محمودآباد در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مشکل امروز کشور ما فقدان مدیریت جهادی است، گفت: «آقای رحمانی‌فضلی عملکرد مجموعه تحت امرتان را در عمل به منویات مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی برای نمایندگان تشریح کنید.» اولادقباد نماینده مردم تهران در مجلس برگزاری پرشور و امن انتخابات ریاست‌جمهوری را از دستاوردهای رحمانی‌فضلی در وزارت کشور دولت یازدهم خواند و گفت: «تشکیل ستاد اربعین، راه‌اندازی خانه احزاب و برپایی ۳۰ کنگره احزاب از نقاط قوت این وزیر پیشنهادی است.» گودرزی نماینده ممسنی در مجلس با اشاره به اقدامات فراوان پیش‌بینی و پس‌بینی رحمانی‌فضلی برای برگزاری پرشکوه انتخابات ریاست‌جمهوری و روحیه

تولیدمحوری رقابتی در کشور و حل مشکلات از سر راه تولید رقابتی در ایران است.»

چالش‌های صالحی

بعد از شریعتمداری، این صالحی وزیر پیشنهادی ارشاد بود که زیر ذره‌بین نمایندگان قرار گرفت. علیرضا ابراهیمی نماینده مردم آزادشهر در مورد او گفت: «ما وزیری می‌خواهیم که خود بتواند اقتضانات فرهنگ را بشناسد و بشناساند.» وی گفت: «آقای صالحی یک روشنفکر تمام‌عیار دینی است و امروز جمهوری اسلامی به چنین شخصیت‌هایی نیاز دارد تا بتواند گسست‌هایی که به‌طور طبیعی در جامعه به وجود آمده را ترمیم کند.» خدیجه ربیعی نماینده مردم بروجن با بیان اینکه در برنامه ارائه شده توسط صالحی به چالش‌ها اشاره شده ولی راهکارهای عملیاتی ارائه نشده است، گفت: «در این برنامه در بخش‌های وظایف قانونی وزارتخانه و اجرای سیاست‌های کلی ابلاغیه مقام معظم رهبری خلأ وجود دارد.» فاطمه ذوالقدر نماینده مردم تهران در مجلس گفت: «مهمترین مسأله در موضوع فرهنگ گفت‌وگو، تعامل و اعتدال است؛ بنابراین فردی را می‌خواهیم که با

دولت تفاهمی

حسن روحانی طبقه ضعیف را بر طبقه متوسط در تشکیل کابینه ترجیح داد

مسعود ندافان

روزنامه نگار

کلیددار پاستور گام دوم خود را برای مدیریت کلان کشور آغاز کرد. حسن روحانی با معرفی کابینه دولت دوازدهم جهت گیری‌های نسبی فکری - سیاسی دولت آینده را ترسیم کرد. او با تمرکز بر نقطه ضعفش در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم ارتقای سطح زندگی اقشار فقیر جامعه را نخستین و مهم‌ترین راهبرد دولت دوازدهم دانست و گام‌های خود را برای تحقق عدالت اجتماعی فراموش شده چهار سال پیش برداشت. در این میان حسن روحانی از وعده‌های انتخاباتی مانند کاهش سن کابینه و جوان‌گرایی و استفاده از زنان در کابینه عقب‌نشینی کرد تا مطالبات اقتصادی قشر مستضعف جامعه بر مطالبات فرهنگی طبقه متوسط برتری داشته باشد. در آستانه شکل‌گیری رسمی دولت دوازدهم مأموریت مردان روحانی چگونه است؟ جبهه حامیان روحانی چه نقشی در پیشبرد یا ممانعت اهداف دولت دوازدهم دارند؟ بهارستان صدای مردم خواهد بود یا در جدال‌های جناحی لابی‌گری نقش آفرینی می‌کند؟

قدرت‌یابی حزب اعتدال و توسعه

سیاست‌ورزی حسن روحانی شاخه‌ای از آینده‌نگری هاشمی رفسنجانی است؛ او سیاستمداری محافظه‌کار است؛ پرخاشگری خارج از چارچوب او در هنگامه رزم است. حسن روحانی برنامه‌های خود را در یک فرآیند طرح‌ریزی می‌کند و نه مانند احمدی‌نژاد که رخداد محور است. تفاوت حسن روحانی و محمود احمدی‌نژاد در تفاوت تاکتیک و استراتژی است؛ بن‌بست فعلی احمدی‌نژاد شکست تاکتیک است و پیروزی حسن روحانی میراث طرح‌ریزی هوشمندانه استراتژی است. هاشمی ثانی تیم وفاداران خود را رهان نمی‌کند و بر جفاکاران دهه هفتادی هاشمی تکیه جدی نخواهد زد.

اعضای حزب اعتدال و توسعه نزدیک‌ترین افراد به حسن روحانی هستند؛ آنان با وجود کهنوت سن رئیس ستاد حسن روحانی در سال ۹۲، او را به پیروزی رساندند، هرچند سهم آنان از کابینه اندک بود؛ آنان در تکاپوی جبران هستند؛ سهم بیشتر از یک قدرت. افزایش دامنه قدرت برادر کوچک‌تر حتی خشم کارگزارانی‌ها را برانگیخته است. حزب اعتدال و توسعه که «اشاعه‌دهنده تفکر روحانی» است، در برابر فشار اصلاح‌طلبان خواهان آغاز صورت‌بندی گفتمان نیاوران هستند. حزب اعتدال و توسعه خواهان افزایش قدرت خود در کابینه دولت دوازدهم هست؛ آنان شورای شهر را به اصلاح‌طلبان سپردند و حالا خواهان ارتقای جایگاه خود در پاستور هستند و به همین دلیل افزایش مناسبات با فراکسیون مستقلین را در دستورکار قرار دادند که منجر به توازن بخشی و مدیریت مطالبات اصلاحات می‌گردد.

اصلاح‌طلبان این واقعیت را به درستی درک کردند؛ در همین راستا علیرضا علوی تبار اظهار داشت: «بیشتر دوستان حزب اعتدال و توسعه خیلی به راست محافظه‌کار نزدیک‌اند اما به آن طیفی از راست محافظه‌کار نزدیک هستند که مقتضیات زمان را درک کرده است. نباید از آنها انتظار زیادی برای دگرگونی داشت. این نیرو بسیار تعیین‌کننده است. می‌بینید در تحولاتی که در کابینه یا مجموعه اجرایی ریاست جمهوری صورت می‌گیرد این

هسته باقی می‌ماند ولو اینکه جابه‌جا شوند.» در برابر این وحدت استراتژیک میان حزب اعتدال و توسعه و یاران علی لاریجانی، کارگزارانی‌ها به صراحت بیشتری ضریب تقابل را بیان می‌کنند؛ مرعشی با جدیت از این ائتلاف سیاسی آشفته است و اظهار داشت: «آقای واعظی علاقه‌مند است جریان سوم در مجلس راه بیندازد و این جریان سوم، عملاً جریانی نمی‌شود جز اینکه در ائتلاف با اصولگرایان قرار می‌گیرد و امید را تضعیف می‌کند. این اشتباه سیاسی بخشی از دولت با محوریت آقای واعظی بود که بخشی از بدنه فراکسیون امید را تحت عنوان مستقلین جدا کرد و هدیه کرد به اصولگرایان.» بنابراین در دولت دوازدهم باید چگونگی نقش آفرینی اعضای این حزب را رصد کرد.

بهارستان؛ مدیریت از بیرون

سفلی نامناسب برخی از نمایندگان فراکسیون امید با موگرینی، تابیدن نورافکن شفافیت به ویژگی‌های شخصیتی نمایندگان مجلس دهم بود. بهارستان دهم حاصل گزینش احساسی رای‌دهندگان در پی «تکرارهای» عطش قدرت بود که مسئولیت تنزل خانه ملت بر دوش تشویق‌کنندگان به رای به لیست امید است. نقش آفرینی جدی «پارلمان در سایه»، عدم حضور نیروهای سیاسی فسادستیز جدی در پارلمان مانند توله‌کی، زا کانی و نادران و همین‌طور تنزل جایگاه نیروهای اصیل مانند محمدرضا عارف در مجلس منجر به اثرگذاری نیروهای سیاسی غیر اصیل شده است.

در این میان فراکسیون مستقلین حفظ و ارتقای جایگاه نیروی‌های نزدیک به رئیس مجلس شورای اسلامی را کار ویژه خود می‌داند و در اولین گام حفظ رحمانی فضلی در ساختمان خیابان فاطمی خط قرمز آنان است؛ خط قرمز فراکسیون رهروان ولایت عدم حضور نیروهای اصلی فتنه ۸۸ است که حسن روحانی با آنان هم‌نویی کرده است و آنان از این فرصت برای انتقاد به برخی از وزیران پیشنه‌های شاخص مانند ظریف استفاده خواهند کرد.

فراکسیون اصلاح‌طلبان مرثیه ناامیدی است؛ طیف‌های مختلف نمایندگان با اهداف بیرونی متفاوت که از سوی نژاد‌های «پارلمان در سایه» هدایت می‌شوند. محمدرضا عارف شکست سنکین در جنگ روانی زن خوب فرزندش خورده است و بار دیگر عزت‌نشین شده است؛ او تنها گلایه از دولت را عدم حضور وزیر زن در کابینه می‌داند و هیچ‌گونه مطالبه اصلاح‌طلبانه ندارد.

محمدرضا تابش از پیشگامان اصلاح‌طلبی در بهارستان، از پروژه خاص مخالفان دولت و اصلاحات خبر می‌دهد؛ به گفته او «برخی جریان‌ها، بی‌میل نیستند به دست خود اعضای فراکسیون امید، پروژه اصلاح‌طلب‌زدایی از دولت کلید بخورد» بنابراین «نباید از سر ناگاهی یا خدای نکرده مطالبات شخصی، از حساسیت‌های مقطع فعلی برای کمک به دولت و وزیران راستای غلبه بر مشکلات شایان توجه مردم غفلت کنند.» اما در میان فراکسیون چندپاره امید، محمود صادقی صریح‌تر سخن می‌گوید: «۵۰ درصد کابینه تغییر کرده است. در این میان از لیست ۷ نفر وزیر با عملکرد غیرقابل قبول از نظر فراکسیون، دو نفر در کابینه دوازدهم حضور دارند که قطعاً ارزیابی ملاک رای ما به این وزیر خواهد بود.»

موسوی، نماینده یازدهم به «اعتماد» می‌گوید: «در فراکسیون امید اغلب معتقد هستند خواسته ما از

کابینه برآورده نشده است و عناصر شاخص اصلاح طلب در لیست وزرا نیستند. فراکسیون امید ارزیابی قوی درباره وزرای دولت یازدهم به آقای روحانی داده بود که بر مبنای آن ۷ وزیر عملکرد غیرقابل قبولی داشتند. اما متأسفانه سه نفر از آن وزرا در کابینه فعلی هم حضور دارند.»

اصلاحات

اصلاح‌طلبان دومین گام برای شراکت سیاسی با گروه نزدیک به حسن روحانی را با تردید برداشتند؛ تلاش‌های حزب اعتدال و توسعه برای حذف نیروهای نزدیک به اصلاحات در هیات رئیسه مجلس دهم و کابینه با عدم حضور اصلاح‌طلبان شاخص نماد تقابل با یاران انتخاباتی است.

برخی از طیف‌های اصلاح‌طلبان رویکرد استراتژیک در قبال دولت را مدنظر دارند؛ آنان بقای سیاسی هرچند محدود را لازمه راهبرد نهایی خود تلقی می‌کنند؛ علیرضا علوی تبار جامعه‌گرایی را برتری اصلاح‌طلبان می‌داند و در تبیین مناسبات این جریان با دولت دوازدهم اظهار داشت: «در این میان، اصلاح‌طلبان سرد و گرم چشیده روزگار به حمایت بدون چشمداشت از روحانی پایبندند. آنان درصدد حفظ اتحاد و انسجام بین دولت و مجلس و اصلاح‌طلبان بیرون از قدرت‌اند. این رویکرد، رویکردی استراتژیک است که بزرگان اصلاح طلب به آن باور دارند. آنان با پذیرش واقعیت سیاست ایران با حداقل انتظارات پیش می‌روند تا در شرایط مساعدتر بتوانند گام‌هایی بزرگ بردارند. قطعاً این طرز سیاست‌ورزی در محدوده قدرت معنا می‌یابد.»

اما طیف تندرو اصلاح‌طلبان از هم‌اکنون معتقدند که دولت گام اول را منطبق با چینش این کابینه رای و نظر ۲۴ میلیون رای‌دهنده اعمال نکرده است و در حال تحریک عدم رضایتمندی میان بدنه اجتماعی رای‌دهنده به روحانی هستند؛ آنان اهرم فشار بر حسن روحانی را سران فتنه می‌دانند تا با این حربه صداقت انتخاباتی او را به چالش بکشانند؛ هرچند اعتصاب تقلیدی کوتاه‌مدت شویی از سیاست‌ورزی بدلی و دستوری بود.

مصلحت‌سنجی؛ الگوی جدید روحانی

حسن روحانی خاستگاه محافظه‌کاری دارد؛ او تاریخ و سرنوشت رئیس جمهوری‌های پیشین را به خوبی دیده است؛ او مرد حال نیست بلکه آینده‌نگر است، بنابراین الگوی سیاست‌ورزی‌اش را متناسب با اقدامات انتخاباتی تنظیم نمی‌کند، بلکه با اکت تغییر سیاسی بقا در ساختار را نمایش خواهد داد.

حسن روحانی کابینه دولت یازدهم را با اصلاح‌طلبان شاخص برای جدال با مجلس اصولگرا روانه کرد؛ جدال جدی در صحن بهارستان صورت گرفت ولی هنگامی که اصلاح‌طلبان بر کرسی بهارستان تکیه زدند خبری از اصلاح‌طلبان شاخص در کابینه نبود و حتی برخلاف وعده‌های پیشین مبنی بر حضور زنان در کابینه، نامی از زنان در دولت دوازدهم نیست. او در سخنانی غیر شفاف اظهار داشت: «سه زن را برای وزارت انتخاب کرده بودم اما به هر دلیلی نشد.» در حالی که پیش از این گفته بودند که «در معرفی ۱۷ وزیر تحت فشار هیچ جناح و حزبی نبودم» تا این تناقض‌ها نشان بدهد که حفظ مناسبات با برخی از افراد بانفوذ در قم برای حسن روحانی مهم‌تر از وعده‌های انتخاباتی باشد. حسن روحانی الگوی مصلحت‌سنجی سیاسی را در مناسبات آینده در دستورکار قرار داده است و اولین برآیند آن جدایی در انتخابات بهارستان یازدهم است و این اولین فرصت برای حسن روحانی است تا پرچم‌دار جریان سوم باشد. ▶



مشی جدید اصولگرایان

چرا اصولگرایان از کابینه دوم روحانی حمایت کردند؟

مطرح می‌شود. آقای کرباسیان مجرب و با تجربه در کارهای اقتصادی است اما رشته تحصیلی او مرتبط با حوزه اقتصاد و دارایی نیست. امیدواریم بتواند با تجربه‌اش از پس کار برآید.

آقای عباس صالحی معاون آقای امیری بود، بنابراین در سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فکر نمی‌کنم تغییری حاصل شود. آقای بیطرف هم به‌عنوان وزیر پیشنهادی نیرو به جمع اعضای کابینه اضافه شد. او مدیری مطمئن و مجرب است. البته آقای چیت‌چیان هم وزیر مجربی بود اما مثل اینکه خود او نخواست که در دولت بماند. آقای بیطرف باتوجه به تجربه وزارت و اینکه رشته تحصیلی‌اش هم نسبت به حوزه کاری‌اش تناسب دارد، به نظر می‌آید در کارش موفق شود.

آقای محمد شریعتمداری نیز وزیر صنعت، معدن و تجارت شد. او نسبت به آقای نعمت‌زاده وزیر جوان‌تری است، انرژی و توان بیشتری دارد. ضمن آنکه براساس مواضع صریحش اصلاح‌طلب محسوب می‌شود. در مجموع سابقه فعالیت اجرایی‌اش نیز موفق بوده است. البته آقای نعمت‌زاده نیز مجرب است اما باتوجه به افزایش سن در مسئولیت مشاور بهتر می‌تواند نقش ایفا کند.

برخی می‌خواهند کابینه را به سه دسته وزرای اصولگرا، وزرای اصلاح‌طلب و وزرای اعتدالی تقسیم کنند اما واقعا بحث اصولگرایی و اصلاح‌طلبی نیست، بلکه باید وزرا مشکلات مردم را حل کنند. سیاست و شعارهای آقای روحانی بر پایه اعتدال است پس دولت او هم اعتدالی محسوب می‌شود. در مجموع فضای دهمین دوره مجلس شورای اسلامی هنگام برگزاری جلسه رای اعتماد وزرای پیشنهادی کاملا متفاوت از مجلس نهم بود. سال ۹۲ در مجلس نهم هرچه موافقان و مخالفان وزرا هنگام طرح مباحث به موضوعات سیاسی اشاره می‌کردند و تحلیل کارشناسی برنامه‌های وزرا در حاشیه بود اما این دوره کاملا رویکرد نمایندگان سمت و سوی نقد تخصصی و کارکردی داشت. ▶

است که همراهی اصولگرایان در جلسه رای اعتماد وزرا تا سال ۱۴۰۰ با دولت ادامه خواهد یافت یا خیر؟ بالاخره اگر مشکلی به وجود بیاید تذکر، سوال و استیضاح خواهد بود اما در مجموع اول کار دولت می‌خواهند این پیام را بدهند که با دولت دوازدهم هستند و از خود همکاری هم در این زمینه نشان دادند و از دولت توقع دارند که برای مردم کار کند و مشکلات کشور رفع و رجوع شود.

پس به نظر من اصولگرایان در تعریف نسبت‌شان با دولت مشغول نمایش گذاشتن یک حرکت تاکتیکی نیستند بلکه واقعا اعتقادی دارند و براساس اعتقادشان این کار را انجام می‌دهند ولی اگر دولت خوب کار نکند آنها وارد پروسه سوال و استیضاح هم خواهند شد.

من زمان دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی، دولت آقای خاتمی، دولت آقای احمدی‌نژاد و دولت آقای روحانی در مجلس حضور داشتم، معتقدم اینکه امروز جریان اصولگرا نسبت به دولت آقای روحانی ساکت است، شرایط خاص کشور را می‌بیند و می‌داند رویکردهای تندروانه به منافع و مصالح ملی آسیب می‌رساند.

الان که بعد از چهار روز بررسی برنامه و صلاحیت وزرای پیشنهادی به پایان رسید، ان شاء الله آنها بتوانند در حوزه‌های مسئولیت خودشان موجب تعالی و رشد شوند و در راه رفاه و حل مشکلات مردم تلاش و کوشش نیرومندی داشته باشند. آنچه دغدغه امروز رهبری و مردم محسوب می‌شود، بحث توجه به رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری است، بنابراین تیم اقتصادی دولت وظیفه سنگینی به عهده دارد اما مجلس هم مسئول است تا مردم امنیت، رفاه و آسایش داشته باشند. درباره وزرای جدید کابینه دیدگاه‌های مختلف



۳ بررسی صلاحیت و برنامه‌های وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم از سه‌شنبه ۲۴ مرداد در دستورکار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و تا پایان شنبه ۲۸ مرداد وزرا نقد و نظرهای وکلای ملت را شنیدند، به‌عنوان کسی که از نزدیک مواضع رسمی و غیررسمی موافقان و مخالفان را شنیدم، می‌گویم فضای مجلس شورای اسلامی خوب بود و برآوردهای من هم حکایت از آن می‌کرد که همه وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور می‌توانند از مجلس رای اعتماد بگیرند و وارد دولت شوند.

اما اینکه چرا این دوره نسبت به دوره نهم اینقدر فضای مجلس شورای اسلامی در هنگام بررسی وزرای پیشنهادی آرام و بی‌تنش بود چون سال ۹۲ وقتی آقای روحانی هیأت وزیران خود را به مجلس معرفی کرد خیلی با چالش مواجه شد. معتقدم علتش این است که این دوره آقای روحانی بیشتر افراد معتدل را معرفی کرد و همه نمایندگان این اعتدال را در مشی و سابقه وزرای پیشنهادی دیدند و دیگر حساسیت زیادی نشان ندادند. اینکه مشی اصولگرایان به میانه‌روی سوق پیدا کرد و سعی کردند مسائل را سیاسی نبینند و مباحث را در شکل و قالب کارشناسی و تخصصی مطرح کنند، یکی از دلایلش آن بود که عواقب تندروی را در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و انتخابات شورای شهر پنجم دیدند. البته یک عامل دیگر آن بود که شرایط کشور و مملکت را درک کردند و متوجه شدند چه وضعیت خاصی وجود دارد. نکته‌ای که می‌تواند محل سوال باشد این

اشاره ای هم به فتنه سال ۸۸ داشت اما این دوره خیلی کم شاهد طرح این مطالب بودیم. البته فتنه خط قرمز نظام است و افراد قبلی که در دوره قبل وزیر پیشنهادی بودند با طرح همه آن مطالب بالاخره از مجلس رای اعتماد گرفتند اما افرادی که این دوره جدید معرفی شدند کمتر سابقه این نوع مسائل را دارند که لازم بود به آن اشاره شود.

در مجموع اینکه در مجلس دهم فراکسیون ولایی برعکس فراکسیون اصولگرایان مجلس نهم در بررسی برنامه‌ها و صلاحیت وزرای پیشنهادی نگاه سیاسی را اولویت نداد، این بود که امروز چالش اصلی ما در عرصه بین‌المللی، منطقه و داخل کشور افزایش عملکرد و کارکرد است، بنابراین اولویت اصلی مجلس روی کارآمدن دولت توانمند، پرکار، پرنشاط و موفق به لحاظ عملکردی است چون مشکل عمده کشور اکنون مسائل اقتصادی و اشتغال محسوب می‌شود. اینجا لازم است نکته‌ای را توضیح دهم و آن اینکه الان وقتی فراکسیون نمایندگان ولایی جلسه می‌گذارد همه وزرا بسیار مشتاق هستند در جلسات فراکسیون حضور پیدا کنند چون عموماً جلسات فراکسیون با ۷۰-۸۰ نفر تشکیل می‌شود. در حالی که فراکسیون‌های دیگر ۱۵-۱۰ نفر می‌نشینند و به نام فراکسیون جلسه برگزار می‌کنند. ویژگی دیگری که باید درباره فراکسیون نمایندگان ولایی اشاره کنم آن است که فراکسیون واقعا منطقی رفتار کرد، کینه‌ورزی نداشت، بلکه سیاست‌ورزی کرد. اگر هم روی موضعی می‌ایستد یا حمایت می‌کند دلایلش منطقی و مستدل است. برای همین بسیاری از وزرا خیلی تماس می‌گیرند، پیگیر هستند و استقبال می‌کنند که در جلسات فراکسیون ولایی حضور پیدا کنند.

برخی رسانه‌ها این تحلیل را دارند که اصولگرایان خط تقابل با دولت روحانی را به صورت خط جریانی دنبال نمی‌کنند و اگر انتقاد تندی هم مطرح می‌شود فردی و شخصی است اما من این دیدگاه را قبول ندارم. به نظر من تغییر رویکردی رخ نداده است. آن زمان هم که به صورت جریانی اعلام موضع می‌کردیم باز هم موفقیت دولت مدنظرمان بود و معتقد بودیم که باید دولت جمهوری اسلامی موفق شود. آنچه آن روز اصولگرایان نقد و انتقاد می‌کردند و به عنوان ضعف می‌گفتند امروز اثبات شده است. ما همچنان بحث‌مان کارکرد و توانمندی است اگر جایی انتقاد و ضعف‌ها را بیان می‌کنیم از سر دلسوزی است و می‌خواهیم دولت موفق شود.

امروز برخی این‌طور تحلیل می‌کنند که برای این اصولگرایان با شدت و حدت و ریزبینی به انتقاد از دولت نمی‌پردازند که استراتژی‌شان این است تا اختلافات میان اصلاحات و اعتدال بیشتر نمایان شود، حال که این‌طور نیست. اگر کارکرد و اثر سکوت اصولگرایان این باشد اما حداقل برنامه‌ریزی و سازماندهی شده‌نیست تا اصولگرایان با سکوت خودشان بخواهند در جبهه مقابل شقاق و اختلافی رخ دهد. هدف موفقیت دولت است؛ یک زمانی با نقد و مقابله و ایستادن در برابر انحرافات و مشکلات این هدف را دنبال می‌کنند و زمانی با نرمش قهرمانانه برای کمک به دولت همراهی نشان می‌دهند.

اما اینکه چرا وزرای دفاع، خارجه و اطلاعات بیشترین رای اعتماد را از مجلس گرفتند، علت آن بود که مجلس می‌خواست وزرایی که رای آوری آنها انعکاس و پیام برای عرصه بین‌المللی دارد آرای ولایی بیآورند. بر همین اساس نیز انتظار داشتیم وزیر دفاع آرای بالایی کسب کند. امروز در حوزه دفاع نیازمند آن هستیم که نشان دهیم همه پشت حمایت از حوزه دفاعی کشور ایستادیم. آقای ظریف و آقای علوی همین طورند. ما روی وزرای مربوط به حوزه کاری کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی تعصب داریم و انتظار هم بود آرای خوبی بیآورند، یعنی تلاش خودمان را انجام دادیم. ▶



با مجلس نهم متفاوت بودیم

نمایندگان چگونه با کابینه روحانی مواجه شدند؟

بود. من خودم اعتقاد دارم آقای شریعتمداری به لحاظ تجربه و تخصص بسیار انتخاب خوبی است. با حوزه غریب نیست و در دولت نفوذ دارد، کسی است که در دولت یازدهم معاون اجرایی رئیس‌جمهور بود.

آقای رحمانی فضلی را شخصیت برجسته و زحمتکشی است. در طول چهار سال گذشته تلاش‌ها و فعالیت‌های زیادی انجام داد اما نقدهای جدی هم به کار او وارد شد. سال ۹۲ سه وزیر پیشنهادی نتوانستند در ابتدای کار از مجلس رای اعتماد بگیرند، بر همین اساس از زمانی که آقای روحانی دومین کابینه خود را معرفی کرد این سوال مطرح بود که نسبت به سال ۹۲ تعداد وزرایی که رای اعتماد نمی‌گیرند بیشتر خواهد شد یا کمتر؟ نکته جالب اینکه در چهار روز برگزاری جلسه رای اعتماد شاهد بودیم که نگاه نمایندگان اصولگرا به کابینه دوازدهم مثبت‌تر نشان می‌داد و برعکس گویا سایر فراکسیون‌ها نگاه انتقادی پررنگتری داشتند. در واقع فراکسیون ولایی با رویکرد مثبت به کابینه می‌نگریست اما اخباری که از فراکسیون‌های دیگر شنیده می‌شد، مواضع آنها نسبت به وزرای پیشنهادی چالش‌برانگیزتر بود.

در مجموع از همان ابتدا که کابینه معرفی شد درباره چهار وزیر پیشنهادی چالش و حرف و حدیث فراوان بود. این چالش‌ها نیز جنبه و ماهیت سیاسی نداشت بلکه کاملاً کارکردی بود. معتقدم در این دوره، مجلس روی توانمندی، تخصص، تجربه، سلامت اقتصادی و مالی وزرای پیشنهادی تمرکز داشت.

در واقع کاملاً نگاه امروز مجلس دهم به وزرای پیشنهادی متفاوت از مجلس نهم در سال ۹۲ بود، یعنی بیشتر به سمت موضوعات تخصصی سوق پیدا کرد چون در آن سال هر موافق و مخالفی که صحبت می‌کرد

سید حسین نقوی حسینی

سخنگوی فراکسیون ولایی



۴ روند بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم در مجلس تمام شد اما آنچه نسبت به سال ۹۲ تفاوتش کاملاً مشهود و مشخص است روال برگزاری جلسات کم‌چالش و کم‌تشن بود. نمایندگان بیشتر به طرح مباحث کارکردی و تخصصی پرداختند که این مساله در نوع خود جالب توجه است. در مجموع نگاه نمایندگان اصولگرا به وزرای پیشنهادی مثبت بود حال آنکه به نظر می‌رسید صحبت‌های اعضای دو فراکسیون امید و مستقلان از نقد و انتقاد خالی نبود.

وقتی صحبت‌های موافقان و مخالفان در بررسی برنامه و صلاحیت وزرای پیشنهادی کابینه دوم آقای روحانی به پایان رسید و استماع شد، این سوال مطرح بود که کدام روز چالشی‌ترین روز شد؟ معتقدم در چهار روزی که بررسی اعضای کابینه به طول انجامید آخرین روز که برنامه و صلاحیت محمد شریعتمداری وزیر صنعت، معدن و تجارت، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور، بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت، حبیب‌الله بی‌طرف وزیر نیرو و مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش و جوانان مورد ارزیابی قرار گرفت، پرچالش‌تر بود.

البته صحبت من درباره پرچالش بودن روز آخر به مصداق بر نمی‌گشت، بلکه حوزه کاری مهم بود. مثلاً حوزه کاری وزارت صنعت، معدن و تجارت پاشنه آشیل خروج از رکود، اشتغال و افزایش صادرات کشور محسوب می‌شود، بنابراین نگاه به این وزارتخانه مهم و حائز اهمیت

مجمع جدید

آیت‌الله شاه‌رودی به‌عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب شد. علاوه بر رأس مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی نیز به این نهاد اضافه شدند؛ چرا که در طول مجمع ششم علاوه بر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله واعظ‌طیسی، حسن حبیبی و حبیب‌الله عسگرآولادی از اعضای این نهاد بدروید حیات گفتند.

فرصت دوباره برای احمدی‌نژاد

مثلت، تغییرات مجمع تشخیص مصلحت نظام را بررسی کرده است



سیدمحمد صدر: دیپلمات ایرانی، مشاور رئیس دولت اصلاحات و مشاور ارشد محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در دولت رجایی، دارای دکترای داروسازی از دانشگاه تهران. از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ در دوره وزارت سیدعلی اکبر محتشمی‌پور معاون سیاسی وزیر کشور ایران بود. وی در دولت اصلاحات معاون عربی-آفریقایی وزارت خارجه شد که به همراه محسن امین‌زاده دو مدیر ارشد وزارت خارجه در دولت بودند.

سیدمحمد میرمحمدی: (زاده ۱۳۲۷ در قم) نماینده مردم قم در دوره ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی. وی هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی هستند و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مدرک فوق لیسانس خود را در رشته اقتصاد بین‌الملل از دانشگاه تهران اخذ کردند. دکترای وی در رشته مدیریت با گرایش سیاستگذاری از دانشگاه تهران است. دکتر میرمحمدی از جمله سیاستمداران برجسته جمهوری اسلامی ایران و مفاخر دانشگاه علامه طباطبایی هستند که برخلاف بسیاری از سیاسیون و دولتمردان چندان اهل ارتباط با رسانه‌ها نبوده و در تمام این سال‌ها تلاش کرده تا از رسانه‌ها دوری کند. رئیس دفتر ویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری، عضویت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، رئیس دفتر رئیس جمهور وقت (آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی)، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان امور استخدامی و اداری کشور، نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، معاون نظارت و حسابرسی

سرلشکر باقری در این سمت، سیدحسن فیروزآبادی به عضویت حقیقی مجمع درآمد بود و این دوره نیز در همین جایگاه حضور دارد. به جای آیت‌الله رضوانی فقیه شورای نگهبان و از اعضای حقوقی مجمع، آیت‌الله شب‌زنده‌دار در این دوره از مجمع حضور دارد. در مورد اعضای جدید می‌توان به این جزئیات اشاره کرد:

آیت‌الله محسن مجتهد شبستری: امام جمعه سابق تبریز و نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی بود. وی نماینده مردم استان آذربایجان شرقی و سخنگوی کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان رهبری در دوره چهارم است. او در دوره‌های اول، دوم و سوم نیز نماینده مجلس خبرگان رهبری بوده و چهار دوره، نماینده مجلس شورای اسلامی از تهران نیز بوده است. او عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران نیز هست.

سیدابراهیم رئیسی: او دومین متولی آستان قدس رضوی، کاندیدای اصولگرایی دوازدهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری و دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت است. او پیش از این دادستان تهران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ بود. از آن سال تا ۱۳۸۳ ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد و پس از آن ده سال معاون اول قوه قضاییه بود و سپس از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ دادستان کل کشور بود. پس از فوت آیت‌الله واعظ‌طیسی، یکی از اعضای فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۴ با حکم رهبری به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شده است.

بعد از چندماه از درگذشت هاشمی‌رفسنجانی، رهبری معظم انقلاب با صدور حکمی رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را منصوب کردند. ایشان با این حکم آیت‌الله هاشمی‌شاه‌رودی را به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب کردند. این حکم البته نکات ویژه و قابل توجه دیگری هم دارد که می‌توان از میان آنها به انتصاب برخی اعضای جدید، تغییر وضعیت برخی اعضای قدیمی و البته ابقای محمود احمدی‌نژاد اشاره کرد.

اعضای جدید

علاوه بر رأس مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی نیز به این نهاد اضافه شدند؛ چرا که در طول مجمع ششم علاوه بر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله واعظ‌طیسی، حسن حبیبی و حبیب‌الله عسگرآولادی از اعضای این نهاد بدروید حیات گفتند. احمد توکلی، محمدباقر قالیباف، سیدابراهیم رئیسی، سیدمحمد صدر، سیدمحمد میرمحمدی و آیت‌الله مجتهد شبستری اعضای حقیقی هستند که به ترکیب مجمع اضافه شده‌اند. محمود احمدی‌نژاد و سعید جلیلی که ابتدا از جایگاه حقوقی یعنی ریاست جمهوری و دبیر شورای امنیت ملی در مجمع حضور داشتند و در دوره قبل بعد از پایان دوره خود به عضویت حقیقی مجمع درآمدند، این دوره نیز در ردیف چهره‌های حقیقی حضور دارند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح نیز پیشتر سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی بود که بعد از انتصاب

شخصیت ایشان قابل جبران نباشد. در مجمع هم همه افراد اظهار نظر می کردند و رئیس مجمع هم نظر خود را اعمال نمی کرد بلکه نظرات اعضا را جمع بندی می کرد. آقامحمدی ادامه داد: «اکنون هم شخصیتی مانند آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی از سوی مقام معظم رهبری به عنوان رئیس مجمع انتخاب شده است. به هر حال در سابقه ایشان دو دوره ریاست قوه قضاییه را می بینیم و علاوه بر این در قسمت های مختلف مدیریتی کشور حضور داشته اند. امیدواریم بتوانیم مجمع پرنشاط و جدی را داشته باشیم. شخصیت آقای هاشمی شاهرودی جامع الاطراف است و به راحتی می تواند همه جریان ها را پوشش بدهد و اعتدالی را برای کشور ایجاد کند.»

در خواست رهبری از اعضا چیست؟

اما رهبری همزمان با آغاز دوره تازه فعالیت مجمع تشخیص از رئیس و اعضای آن خواسته اند تا تغییراتی در ساختار و محتوای کار مجمع داشته باشند. از جمله سامان بخشیدن به مساله نظارت بر اجرای سیاست ها و سازوکار لازم برای ارزیابی کارآمدی و اثربخشی سیاست های مجمع تشخیص. موضوعی که آیت الله هاشمی هم چند ماه مانده به پایان عمر خودش دغدغه آن را داشت و بر همین اساس با توجه به ۱۰ ساله شدن عمر سیاست های کلی نظام در جلسات پایانی عمرش در مجمع، آن را مطرح کرد. این موضوع درست یک ماه قبل از درگذشت آیت الله هاشمی در جلسه مجمع تشخیص مصلحت مطرح شد و طی آن آیت الله هاشمی از رؤسای کمیسیون ها خواست تا نسبت به بازبینی مجدد سیاست های کلی که در مجمع تصویب شده است، اقدام کند.

او تاکید کرده بود که این بازبینی باید بر اساس شرایط روز و مقتضیات زمانی و مکانی صورت و با انجام حذفیات و اضافه های جدید، تقدیم مقام معظم رهبری شود. موضوعی که البته با درگذشت آیت الله هاشمی و تعویق شش ماهه انتخاب رئیس مجمع به تعویق افتاد اما حالا با این خواست رهبری مجدد به جریان افتاده است. نگاهی به لیست ۵۲ عددی سیاست های کلی تصویب شده در مجمع تشخیص مصلحت نظام نشان می دهد که تا پایان سال ۸۵ که ۱۰ سال پیش می شود حدود ۳۲ مجموعه از سیاست های کلی نظام به تصویب مجمع و تایید مقام معظم رهبری رسیده است.

سیاست هایی از جمله: «سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در مورد «امنیت اقتصادی» سیاست های کلی نظام در بخش اقوام و مذاهب، سیاست های کلی نظام در بخش امنیت قضایی، سیاست های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی، سیاست های کلی نظام در بخش امنیت ملی، سیاست های کلی نظام در بخش ارتباطات مخابراتی و پستی، سیاست های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست های کلی نظام در بخش مالی، سیاست های کلی نظام در خصوص وحدت و همبستگی ملی، سیاست های کلی نظام در خصوص مبارزه با مواد مخدر» از جمله سیاست هایی هستند که بیش از ۱۰ سال از تصویب آنها می گذرد و احتمالاً در لیست اصلاحات مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار خواهند گرفت. رهبری علاوه بر این از اعضای جدید خواسته تا در راستای ایجاد انسجام کامل در ساختار تشکیلاتی و مدیریتی و تمرکز برنامه ها بر اساس آیین نامه مصوب و چابک سازی تشکیلات و حذف بخش های موازی و غیر ضروری اقدام کنند و تغییرات اصلاحی دیگری را که لازم باشد اعمال کنند. با این تدابیر ظاهراً دور تازه ای از سیاست گذاری های مجمع تشخیص بعد از دوره ۲۷ ساله ریاست آیت الله هاشمی بر آن آغاز شده است. ▶

خواهیم بود. لازم می دانم یاد و خاطره حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی (رحمت الله علیه) که سال های متمادی مدیریت این نهاد مهم و موثر را با قابلیت و نبوغ سیاسی کم نظیر خود و تشخیص هوشمندانه مصلحت های نظام، صادقانه اداره و به خوبی هدایت کرد، گرامی دارم و برای جناب عالی توفیق هرچه بیشتر را از درگاه خداوند بزرگ مسألت نمایم. «واکنش مصطفی میرسلیم از اعضای قبلی مجمع که در این دوره هم عضویتش تمدید شده است هم در نوع خودش جالب است. او به ایستادگی گفته است: «بعد از دوران ریاست مرحوم هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت، کار ریاست بر این مجمع ساده نخواهد بود، به ویژه در جمع بندی نظریات. اما ما همکاری اعضا هدایت مجمع برای ریاست جدید موفقیتم آمیز می شود.» او همچنین گفته است: «البته وقت گذاری برای مجمع شرط مهمی است و امیدوارم آیت الله هاشمی شاهرودی سلامت کامل را باز یافته باشند و بتوانند فرصت لازم را برای امور مجمع تشخیص مصلحت صرف کنند.» در کنار اینها محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه هم در پیام هایی جداگانه خطاب به آیت الله هاشمی شاهرودی و سید محمد صدر، ریاست و عضویت آنها را در مجمع تبریک گفت. در میان اظهار نظر ها در مورد این حکم جدید می توان به اظهارات آقامحمدی اشاره کرد. علی آقا محمدی درباره ترکیب جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار کرد: «ترکیب مجمع از ابتدا بر اساس جناح های سیاسی نبوده است و همه جریان های کشور در مجمع عضو بودند.»

او درباره حضور صدر به عنوان چهره ای اصلاح طلب در مجمع تصریح کرد: «سید محمد صدر از شخصیت هایی است که در طول دوران انقلاب اسلامی فعال بوده و خدمات ارزنده ای در وزارت امور خارجه داشته است. حضور او در مجمع فرصتی مغتنم است.» آقا محمدی با اشاره به شخصیت سید محمد صدر افزود: «صدر دارای شخصیتی توانمند است که چارچوب ها را می شناسد و اصلاح اصلاحات را در داخل نظام به خوبی می فهمد. فرصت خوبی است که خود وی نقش بهتری ایفا کند و زمینه رفع انحرافات که در این زمینه پیدا شده است را فراهم کند.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره چابک سازی ساختار و فعالیت های مجمع که از مطالبات مقام معظم رهبری است، گفت: «در دوره های مختلف بخش هایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه شده است؛ بدون اینکه آن انسجام و یکپارچگی را داشته باشد. به طور مثال در دبیرخانه، حوزه ریاست و مرکز تحقیقات استراتژیک چه در زمان آقای روحانی و چه در زمان آقای رضایی کمیسیون هایی ایجاد شده است که اضافی هستند. همچنین این ها از نظر مکانی هم بسیار پراکنده هستند. بنابراین یکی از کارهایی اساسی این است در یک مکان مستقر شوند و نکته بعدی این است که ارکان مربوط به مجمع تحت یک فرماندهی واحد ادامه فعالیت می دهند.» وی ادامه داد: «با چابک سازی فعالیت ها و ساختار در مجمع همه کارها مرکزیت پیدا می کند و همه فعالیت ها هم راستا و فعالیت های تکراری حذف می شود و پرسنل کارآمد و موثر با مسائل برخورد می کنند و از پراکندگی در امور اجتناب می شود.» آقامحمدی درباره حذف نشدن احمدی نژاد از مجمع خاطر نشان کرد: «سیاست در مجمع این نبوده است که تا کسی حرفی می زند بخواد از مجمع حذف شود و در مورد آقای احمدی نژاد هم این چنین است. او نیز مانند بقیه افراد است و تاکنون در مجمع فعال بوده است و امیدواریم در دوره جدید مجمع فعال تر برخورد کند.»

وی یادآور شد: «شخصیت مرحوم آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی منحصر به مجمع نبوده است. زیرا ایشان نقش مهمی را در دوره های مختلف انقلاب اسلامی و سمت های مختلف ایفا کرد. بنابراین در سایر ابعاد شاید

دفعه مقام معظم رهبری به مدت چهارده سال و دبیرکل حزب تمدن اسلامی تنها بخشی از سوابق سیاسی و اداری دکتر میرمحمدی در سالیان گذشته است.

محمدباقر قالیباف: شهردار فعلی تهران که در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، یکی از کاندیداهای جریان اصولگرا بود نیز به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمده است. او در سابقه فعالیت های خود فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، نیروی هوایی سپاه پاسداران و نیروی انتظامی را بر عهده داشته است. قالیباف از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بوده و همچنین در چهار دوره از انتخابات های ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ به عنوان کاندیدا حضور داشته است و در سال ۱۳۹۶ از رقابت های انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم به نفع سید ابراهیم رئیسی کنار رفت.

احمد توکلی: او نماینده اصولگرای دوره اول نماینده مردم بهشهر و نماینده دور هفتم، هشتم و نهم مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است. توکلی سخنگوی دولت محمد علی رجایی و وزیر کار و امور اجتماعی کابینه اول میرحسین موسوی است و مدتی هم رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی بوده است. توکلی همچنین در رقابت های نهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شد اما به نفع قالیباف کنار رفت.

ماندگاری محمود احمدی نژاد

از جمله نکات قابل توجه این حکم باقی ماندن محمود احمدی نژاد در ترکیب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. او در شرایطی ایفا شده است که در چند ماه اخیر حاشیه های سنگینی داشته است. از ماجراهای ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری و حاشیه هایش تا قضایای بازداشت و آزادی حمید بقایی که با سخنان آنچنانی احمدی نژاد همراه شده بود. برخی معتقدند این حکم که نشانه صبر و بردباری نظام و حاکمیت است، فرصتی دوباره برای بازگشت احمدی نژاد است.

واکنش ها به ریاست هاشمی شاهرودی و اعضای جدید

هاشمی شاهرودی پس از انتصابش به این سمت پیام تشکر برای رهبری ارسال کرد. او در بخشی از این پیام آورده است: «اینجانب مراتب سپاسگزاری خویش از حسن اعتماد آن جناب در سپردن مسئولیت ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام به اینجانب را اعلام و خداوند متعال را بر این نعمت شاکرم. امید می رود که اینجانب در کنار سایر اعضای محترم مجمع که آنان نیز متفخر به جلب اعتماد حضرت تعالی گشته اند، این امانت را به بهترین وجه تحمل کرده و مسئولیت خطیر مشاورت مقام عالی ولایت امر در تعیین سیاست های کلی نظام و دیگر مسئولیت های قانونی مربوط را تحت ارشادات آن رهبر فرزانه ادا نمایند.» در میان پیام های تبریک به رئیس تازه مجمع تشخیص هم پیام رئیس رئیس جمهور به او جالب تر از همه بود. روحانی در پیام تبریکش یادی از آیت الله هاشمی کرده است. آن هم در شرایطی که بعد از مراسم تحلیف به خاطر نام نبردن از آیت الله هاشمی از طرف حامیانش مورد انتقاد بود. در بخشی از پیام تبریک روحانی به هاشمی شاهرودی آمده: «مجمع تشخیص مصلحت نظام از ارکان مهم کشور و مرکزی برای اثبات پویایی فقه شیعه و شریعت اسلام است که همواره از حمایت حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری برخوردار بوده است. با حضور شایسته جناب عالی در این جایگاه خطیر و بهره گیری مطلوب از توان و ظرفیت های فراوان و متنوع فکری جامعه، بیش از پیش شاهد افق های روشن در تقویت جایگاه مجمع

ریاست آیت الله

جانشین هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص معرفی شد

این دو شخصیت و الامقام پرورش یافته و سال هادر حوزه علمیه نجف اشرف از محضر شریفشان فیض برده است. آیت الله هاشمی از همان آغاز بازگشت به وطن اسلامی، ایران به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول و بیش از ۱۸ سال است که در تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم دستی دارند. وی همواره در کنار تدریس عهده دار مسئولیت های مهم و متعددی بوده که به خوبی از عهده انجام آنان برآمده و اکنون نیز علاوه بر تدریس در مسئولیت های رئیس قوه قضائیه، عضو سابق فقهای شورای نگهبان، عضو مجلس خبرگان رهبری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (عضو مجمع جهانی اهل بیت (ع) انجام وظیفه می نمایند. مهمترین مسئولیت شاهرودی طی سال های اخیر تأسیس موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت است که به فرمان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای تأسیس و ریاست این موسسه به وی واگذار شد.

درباره نگاه سیاسی او به وقایع سیاسی ایران می توان اشاره ای به اتفاقات چند سال اخیر او داشت. ماجراهای سال ۸۸ مقارن با پایان دوره ریاست شاهرودی بر قوه قضائیه بود. خودش درباره آن روزها گفته است: «در ماه های آخر مسئولیتیم بود. در مرداد ۸۸ دوره من تمام می شد. یک جلسه آقای موسوی و آقای هاشمی را به قوه قضائیه دعوت کردیم. آقای موسوی برای تظاهرات اعلامیه داده بود. گفتم آقا! این کار را نکنید و از این کار دست بکشید. گفتم اگر به نتایج انتخابات اعتراضی دارید، اقا قبول دارند و هیاتی را برای بررسی معین می کنند. گفت شرط لغو بیانیه این است که به من اجازه بدهند در صداوسیما صحبت کنم. گفتم می شود این کار را کرد. به دفتر آقا زنگ زدم. آقای جلیلی تازه دبیر شورای امنیت شده بود. به ایشان هم زنگ زدم و گفتم ایشان چنین شرطی دارد. گفتند ما ترتیب کار را می دهیم. گفتم باید به صداوسیما بگویید که زمان بگذارند که ایشان صحبت کند. بعد گفتم آقایان با شرط شما موافق اند، شما هم تظاهرات را لغو کنید. آنجا پیش ما قول داد این کار را بکنند و آنها هم واقعا حاضر بودند که به ایشان برای صحبت در تلویزیون وقت بدهند، اما از پیش ما که رفت، نمی دانم کدام خاستان ذهنش را عوض کردند و کار خودشان را کردند.»

درباره وضعیت جسمانی آیت الله شاهرودی در یکی، دو سال اخیر خبرهای مختلفی منتشر شده است. او اردیبهشت ماه گذشته در بیمارستان بستری بود. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان اما در واکنش به خبرهای منتشر شده درباره وضعیت سلامتی آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، عضو شورای نگهبان، گفته بود: به همراه آیت الله جنتی، دبیر شورای نگهبان از ایشان عیادت کردیم و احوالشان مساعد بود. در حال حاضر هم مشکلی وجود ندارد و ایشان به زودی از بیمارستان مرخص خواهد شد. «دفتر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی هم در اطلاعیه ای اعلام کرده بود: «به اطلاع امت حزب الله و همه ارادتمندان و شاگردان حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی دام ظلّه می رساند عمل جراحی معظم له به لطف خدا و دعای خیر ملت شریف ایران با موفقیت کامل انجام شده و به فضل الهی ایام کوتاه نقاحت به سرعت طی خواهد شد و معظم له با سلامت کامل در میدان علم و سیاست حضور خواهند یافت. بدیهی است شایعات منتشره در فضاهای مجازی که بعضا با مقاصد سوء همراه است، هرگز اساسی نداشته و ندارد.»

او اکنون جایگزین آیت الله هاشمی در مجمع تشخیص مصلحت نظام شده است. ▶

در حالی که هاشمی در سن جوانی بوده و هنوز ۳۰ سال از عمر شریف خود را سپری نکرده بودند این چنین از جانب استاد خود توصیف می شوند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج مبارزات مردم ایران به رهبری امام امت علیه رژیم ستم شاهی، رژیم بعث عراق در اقدامی مشابه در سال ۱۹۷۴م به حوزه علمیه نجف یورش برده و جمعی از علما به ویژه علمای ایرانی و شاگردان شهید صدر را دستگیر کرد و به زندان انداخت. در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و شورش مردم نجف اشرف، رژیم بعث ایشان را تحت پیگرد قرار داده که این بار بدلیل بازگشت وی به وطن اسلامی،

۲ حالا که آیت الله شاهرودی به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شده است شاید مهمترین سوال این باشد که او چه گرایش سیاسی ای دارد. به نظر می رسد علی اکبر ناطق نوری پاسخ خوبی برای این سوال دارد. او در خاطراتش نوشته است: «آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی نه جزو جناح راست یا چپ بوده و نه در یک فرآکسیون است.»

آیت الله سید محمود هاشمی فرزند مرحوم آیت الله سید علی حسینی شاهرودی از سلسله سادات حسینی شاهرود است که در مرداد سال ۱۳۲۷ ه. ش. در شهر نجف و در بیت علم و دانش دیده به جهان گشود.



ایران رژیم عراق موفق به دستگیری وی نشد. آیت الله هاشمی پس از ورود به ایران خدمت حضرت امام شرفیاب و با موافقت ایشان ارتباط میان نیروهای خارج از کشور به ویژه شهید صدر و حوزه علمیه نجف اشرف با امام خمینی را به عهده گرفت. وی در این راستا تلاش بی وقفه ای را آغاز و با بسیج نیروهای متعهد و مؤمن به انقلاب از هیچ کوششی دریغ نکرده و در اندک زمانی توانست با دستور حضرت آیت الله خامنه ای - که در آن زمان از سوی امام، مسئولیت نهضت های اسلامی را به عهده داشتند - تشکیلات جامعه روحانیت مبارز و مجلس اعلای اسلامی عراق را سازماندهی و مدیریت کند. در یکی از ملاقات های اعضای مجلس اعلای با حضرت امام با توجه به شناختی که امام از آیت الله هاشمی داشتند به وی خطاب کرده و از وی می خواستند تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر چیزی ترجیح داده و بررسی مسائل فقهی خصوصا در رابطه با احیای فقه حکومتی استوار بر ادله و استنباط صحیح جوهری را مشغول شوند.

نیز با توجه به توصیه استاد از همان آغاز ورود به کشور (اول فروردین ماه سال ۱۳۵۸) به تدریس خارج فقه و اصول پرداختند.

سید محمود هاشمی شاهرودی از شاگردان برجسته، از تربیت یافتگان حوزه فقهی - مبارزاتی شهید سید محمد باقر صدر و امام خمینی (ره) است که در حوزه درس خارج

مادر ایشان دختر مرحوم آیت الله حاج سید علی مددی موسوی قائینی از علمای بزرگ خراسان بوده است که سال های متعددی در شهر مقدس مشهد، به تدریس و تربیت طلاب حوزه علمیه و اقامه جماعت در حرم مطهر رضوی ثامن الائمه (ع) می پرداختند.

مرحوم والد آیت الله هاشمی از وارسنگان حوزه علمیه نجف و اولین کسی است که تقریرات بحث های فقهی - اصولی آیت الله خوئی را به رشته تحریر در آورد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علوی - که مخصوص ایرانیان مقیم نجف اشرف بود - به پایان برده و در همان سن نوجوانی تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. شاهرودی با حضور در محضر درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر (ره)، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خوئی، سال ها به کسب علم و دانش پرداخت. از آنجا که ایشان از جمله شاگردان برجسته و از نخبگان درس خارج حضرت امام، و شهید صدر بودند همواره مورد توجه ویژه استاد خود قرار داشتند. امام، به دفتر و مسئولین وقت شهریه نجف اشرف دستور داده بودند، نسبت به تأمین امور معیشتی و نیازهای مالی ایشان عنایت ویژه ای صورت گیرد. شهید صدر (ره) نیز با آنکه به کسی اجازه اجتهاد نمی داد و در این خصوص فوق العاده احتیاط می کردند، به آیت الله هاشمی اجازه اجتهاد داده و در خصوص وی تعابیر بسیار بلندی فرموده اند.

متفکران، صاحب‌نظران و نخبگانی است که از تمام کشور در اتاق‌های فکر مجمع تشخیص جمع شوند و سیاست‌های کلی مورد نیاز نظام را پیشنهاد دهند و یک بازنگری هم صورت بگیرد. ساختاری که الان مجمع تشخیص دارد جوابگوی این خواسته نیست. مرکز تحقیقات استراتژیک که احیاناً چند نفر صاحب‌نظر و محقق در آنجا بنشینند و کار کنند، شیوه‌ای جوابگو نیست. مجمع تشخیص مصلحت نظام به اتاق‌های فکر نیاز دارد. شاید بتوان همین کار را در دبیرخانه انجام داد و ادغام دبیرخانه و مرکز تحقیقات استراتژیک هم نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام را جمع و جور می‌کند و هم کارایی‌اش را افزایش می‌دهد.

با در نظر گرفتن فضای کنونی کشور، اولویت را در دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام چه می‌دانید و باید روی چه موضوعاتی نسبت به گذشته پرداخته شود یا چه موضوعاتی را در اولویت رسیدگی قرار دهند؟

▲ نکته بسیار مهم این است که مجمع باید دیدگاهش فراگیر باشد. یعنی همه مسائل و مصالح مورد نیاز کشور را پوشش دهد و مدنظر قرار بگیرد. البته اولویت‌ها به اقتضای شرایط و زمان باید رعایت شود که اولویت‌ها هم غالباً مسائل اقتصادی است. اما در عین حال با رعایت اولویت‌ها آنچه مهم است اینکه مجمع باید بازنگری کند، سیاست‌هایی که طی سه دهه وضع کرده و یک مقدار این سیاست‌ها را جمع و جور کند. الان یک انباشتگی سیاست‌گذاری پدید آمده که نوعی سردرگمی هم به وجود آورده. علاوه بر این باید یک نظارت قوی در اجرای سیاست‌ها داشته باشد. ما نیازمند وضع شاخص‌هایی هستیم که با آن شاخص‌ها، بتوانیم سه قوه را از نظر اجرایی کردن سیاست‌هایی که وضع و ابلاغ شده، ارزیابی کنیم.

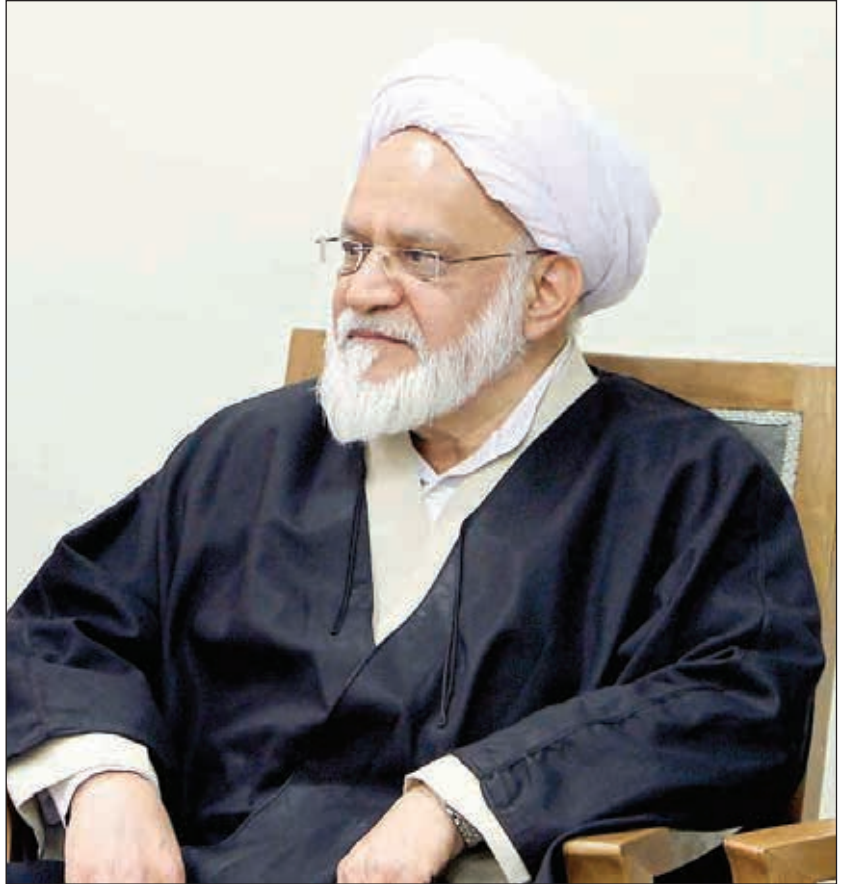
آیا مجمع تشخیص مصلحت نظام توانسته مجلس دوم نظام باشد؟ چون با چنین هدفی تشکیل شد. به نظر شما تا رسیدن به آن سطح چقدر فاصله دارد، ضمن آنکه تغییر ساختار مجمع باید در همین راستا نیز انجام شود یا خیر؟

▲ البته مبنای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام این نبوده که بخواد به عنوان مجلس دوم باشد. بلکه مبنای این بوده که کاستی‌هایی که در اثر نبود مجلس دوم پدید می‌آید را برطرف و جبران کند و اگر بنا باشد مجلس دومی داشته باشیم مجمع تشخیص مصلحت نظام باتوجه به تغییرات و تحولاتی که انجام شد این ظرفیت را دارد و زمینه برای این کار بیشتر فراهم شده است. به نظر می‌رسد در تجدیدنظر قانون اساسی باید به این مساله اندیشید که ما به جای داشتن یک پارلمان اساسی که جنبه عمومی دارد، نیازمند چیزی شبیه کنگره و سنا هستیم که بتواند پخته‌تر و با نگاه بلندمدت‌تر و باتبات‌تر مسائل را مورد توجه و تامل قرار دهد و هرچه در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، مجدداً در آنجا مطرح شود تا با یک نگاه عمیق‌تر و رفیع‌تری مسائل بررسی شود. ولی فعلاً مجمع تشخیص امکان چنین کاری را ندارد.

سوالی هم در مورد حضور آقای احمدی نژاد در دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام داریم که برای خیلی‌ها هم تعجب‌آور بود. نظر شما چیست؟

▲ مایل نیستیم که پاسخ دهیم. در مجموع خودتان فکری می‌کنید مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره جدید باتوجه به ریاست جدیدی که دارد، چه عملکردی خواهد داشت و در پایان دوره چطور در باره‌اش قضاوت خواهد شد؟

▲ پیش‌بینی می‌کنم باتوجه به تجربیاتی که از قبل بوده، در دوره جدید، مجمع تشخیص مصلحت نظام بتواند کارآمدتر نسبت به گذشته عمل کند. ▶



مجمع تغییر می‌کند

گفت‌وگویی مثلث با عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

امید کرمانی
خبرنگار

۳ غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از دوره جدید این رکن حاکمیتی می‌گوید و معتقد است: «شخصیتی مسئولیت مجمع تشخیص مصلحت نظام را برعهده گرفته که از نظر اعتبار علمی بسیار بالاست و از نظر جایگاه سیاسی هم جایگاهی فراجناحی دارد.» او به ضرورت اصلاح ساختار مجمع تشخیص هم تأکید می‌کند و یادآور می‌شود: «شاید بتوان دبیرخانه و مرکز تحقیقات استراتژیک را در هم ادغام کرد. این کار هم نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام را جمع و جور می‌کند و هم کارایی‌اش را افزایش می‌دهد.»

نظام را به دوش خواهند گرفت. ایشان شخصیتی بسیار عالم و باتجربه و از جایگاه رفیع فقاقت و عدالت برخوردار است. چنین شخصیتی از نظر سیاسی وابستگی به احزاب و گروه‌ها و جناح‌ها ندارد، بنابراین خیلی از این جهت انتخاب شایسته‌ای است. پیامش هم به نظرم برای همه این است که شخصیتی مسئولیت مجمع تشخیص مصلحت نظام را برعهده گرفته که از نظر اعتبار علمی بسیار بالاست و از نظر جایگاه سیاسی هم جایگاهی فراجناحی دارد.

مقام معظم رهبری اشاره‌ای هم به تغییر ساختار در مجمع تشخیص مصلحت نظام داشته‌اند. باتوجه به اینکه خودتان هم در مجمع حضور داشتید، در دور آینده باید در چه سطوحی این تغییرات ساختاری اعمال شود؟

▲ من تصور می‌کنم مجمع تشخیص مصلحت نظام باید اتاق‌های فکری داشته باشد تا آنچه را که از سوی دفتر مقام معظم رهبری به عنوان سیاست‌های کلان ارجاع می‌شود، بررسی و متناسب با موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و بهداشتی تولید سیاست کند. به عبارت دیگر ما نیازمند به سیاست‌گذاری در همه مسائل هستیم و این کار نیازمند

فعالان سیاسی هر دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب اذعان می‌کنند که در دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام ترکیب متنوعی از همه گرایش‌های سیاسی حضور دارند. شما خودتان به عنوان یک فعال سیاسی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام چه ارزیابی درباره این موضوع دارید؟

▲ رهبر معظم انقلاب از آغاز شکل‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام بنایشان بر این بود که اعضای مجمع را از شخصیت‌های باسابقه، نخبه و پخته هر دو جناح منصوب کنند و از این جهت مجمع همواره ترکیبی است. طبعاً کسانی که مشاوران عالی رهبری تلقی می‌شوند به گونه‌ای باید باشند که برآیند کار مجمع تشخیص، رعایت مصالح نظام و مجموعه افکار ملت باشد. از این جهت این تنوع در ترکیب همواره رعایت و سعی شده تا فراگیر باشد. همچنین علاوه بر این نسبت به حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در شرایطی که مجلس نظرش بر رعایت مصالح نظام است و بر مصوبه خود اصرار می‌کند، وجود این ترکیب اطمینان خاطر بیشتری را هم برای مردم به وجود می‌آورد. یعنی معلوم می‌شود آنچه از این مجمع تصویب و خارج می‌شود، واقعاً رعایت مصالح ملت است و دیدگاهی است که این دیدگاه خواست مصلحت عمومی را تأمین می‌کند. فارغ از اینکه چه خط و چه جناحی بخواد میداندار باشد.

ریاست آقای هاشمی شاهرودی را چطور ارزیابی می‌کنید و این انتصاب چه پیامی به فضای حاکمیتی و فضای سیاسی کشور ارسال کرد؟

▲ البته پیش‌بینی من همین بود که آقای هاشمی شاهرودی ریاست مجمع تشخیص مصلحت

آغاز دوران هاشمی دیگر

واکاوی مصلحت توازن سیاسی در هیات عالی مستشاری رهبر معظم انقلاب

مسعود ندافان

روزنامه نگار



سرانجام پس از گمانه‌زنی‌های فراوان در محافل سیاسی پس از فوت مرحوم هاشمی رفسنجانی، اعضای هفتمین دوره مجمع تشخیص مصلحت از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی منصوب شدند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در حکمی پنج‌ساله، آیت‌الله سیدمحمود هاشمی شاهرودی را به ریاست و دکتر محسن رضایی را به دبیری مجمع تشخیص مصلحت منصوب کردند. در متن حکم ایشان دو محور مهم، محورهای مدنظر برای تغییرات ساختاری و افزودن سیاستمداران جدید به مجمع مصلحت اندیشان نظام دارای مولفه‌های معنادار برای افکار عمومی است. در حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی با تاکید بر «آغاز دوره جدید» این مجمع تشخیص مصلحت، خواهان «تغییرات در ساختار و محتوا» این نهاد مهم در ساختار حاکمیتی کشور شدند. نقش آفرینی جدید مجمع تشخیص مصلحت متناسب با ارتقای جایگاه نظارتی بر سیاست‌گذاری کشور و افزایش کارآمدی با چابک‌سازی تشکیلات است. و در پنج محور، این تغییرات مدنظر قرار گرفته است که عبارتند از: «۱. سامان بخشیدن به مجموعه سیاست‌های کلی

و بازنگری در عناوین و نیز در فرآیند تعیین و تنظیم آن ۲. سامان بخشیدن به مساله نظارت بر اجرای سیاست‌ها ۳. سازوکار لازم برای ارزیابی کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها ۴. ایجاد انسجام کامل در ساختار تشکیلاتی و مدیریتی و تمرکز برنامه‌ها بر اساس آئین‌نامه مصوب ۵. چابک‌سازی تشکیلات و حذف بخش‌های موازی و غیر ضروری» آغاز دوران ریاست هاشمی دیگر بر مجمع تشخیص مصلحت، نمایان‌گر «مصلحت توازن سیاسی» که برآیند حاصل از رویکرد و نگرش سیاسی اعضای جدید و قدیم آن است.

و داع همیشگی با هاشمی

در ادوار گذشته مجمع تشخیص مصلحت و دانشگاه آزاد اسلامی یکی از مهم‌ترین مرکز برای تجمع نیروهای سیاسی و برنامه‌ریزی کنش‌های طیف‌های حامی مرحوم هاشمی رفسنجانی بود.

در حالی که مرحوم هاشمی رفسنجانی، گام‌های جدی برای رأی‌آوری آقای حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم برداشتند و پس از درگذشت ایشان تکاپوهای جدی برای یادگارسازی از آقای حسن روحانی در قامت هاشمی رفسنجانی ثانی صورت گرفت ولی آقای حسن روحانی در مراسم تنفیذ و تحلیف از مرحوم هاشمی رفسنجانی هیچ‌گونه یادی نکردند تا آغازی برای تکاپوی صورت‌بندی هویت مستقل در سپهر سیاست کشور باشد. عبور حسن روحانی از سایه سنگین مرحوم هاشمی با گلایه‌های شدید فرزند ارشد هاشمی رفسنجانی همراه شد به نحوی که فاطمه هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: «آقای هاشمی یک تفکر بود. یک جریان بود. با اسم بردن یا اسم نبردن، این جریان یا تفکر تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. ولی افرادی که این‌گونه رفتار می‌کنند شخصیت خودشان

را در این رابطه نشان می‌دهند، خصوصاً افرادی که با حمایت آقای هاشمی روی کار آمده‌اند.» و از تلاش‌ها برای حذف خاطره مرحوم هاشمی رفسنجانی ابزار گلایه کردند. این اقدامات در سطح پاستور نشان‌دهنده گام‌های اولیه برای صورت‌بندی گفتمان «نیوران» است. از سوی دیگر در فضای دانشگاه آزاد اسلامی شاهد تغییرات برخلاف ایده‌های هاشمی رفسنجانی در حال رخداد است که نیروهای سیاسی نزدیک به هاشمی رفسنجانی این اقدامات را «هاشمی‌زدایی» یاد می‌کنند. با این شرایط شاهد حذف تفکر هاشمی رفسنجانی در دو مرکز نشر تفکر وی هستیم.

هاشمی شاهرودی؛ مصلح روادار

هر چند کار ویژه‌ها ریاست مجمع تشخیص مصلحت متفاوت با موضع‌گیری‌های جناحی است ولی آیت‌الله هاشمی شاهرودی دارای شخصیت فرجانحی هستند و حضور ایشان در رأس این نهاد مانع از سوبه‌های اقدامات یک‌جانبه‌پیشین خواهد شد و از سوی دیگر در میان اعضای حاضر در مجمع، مصلحت «توازن سیاسی» حاکم خواهد کرد و در قامت یک مصلح روادار نقش آفرینی خواهد کرد.

آغاز حضور نواصولگرایان و تحول خواهان

یکی از مهم‌ترین نیازمندی‌ها برای بازسازی ساختاری در مجمع تشخیص مصلحت حضور کارگزاران جدید با



رویکردهای مختلف در این نهاد مهم است. حضور احمد توکلی، محمدباقر قالیباف، سیدابراهیم رئیسی در هفتمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نمایانگر افزایش وزن اصولگرایان مدرن نسبت به اصولگرایان سنتی است. احمد توکلی نماینده اصولگرایان و تحول خواهان است که سوبه‌های مبارزه با فساد و رانت در میان این طیف از اصولگرایان آشکار است؛ محمدباقر قالیباف از فرم با نواصولگرایی خبر می‌دهد و خواهان تکاپوی جوانان بر مولفه کارآمدی و اقدامات جهادی برای حل مشکلات مردم در غیاب دولت کارآمد خبر می‌دهد و حجت‌الاسلام رئیسی با اقبال طیف وسیعی از اصولگرایان نوگرا در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم حاضر شد و از کاربزمای مناسبی در جامعه ایرانی برخوردار است و هم‌چنین فاصله معناداری خود را با اصولگرایان سنتی حفظ کرده است. از سوی دیگر

حضور مجدد سعید جلیلی در کسوت عضو مجمع تشخیص مصلحت نیز دارای اهمیت است؛ هرچند در این میان سعید جلیلی با ایده دولت در سایه، فعالیت‌های خود را بدون همسویی به طیف‌های مختلف اصولگرایان انجام می‌دهد و اتحاد تاکتیکی با طیف‌های تحول‌خواه و نواصولگرا دارد.

استمرار قوت وزن سیاسی حامیان دولت

نزدیکان سیاسی مرحوم هاشمی رفسنجانی و احزاب حامی حسن روحانی و طیف‌های اردوگاه چپ‌نشینان سیاست، طیف حامیان دولت را تشکیل می‌دهند. حضور افرادی مانند آقایان ناطق‌نوری، حسن صاعی، امینی نجف‌آبادی در کنار دو اعضا حقوقی مجمع، وزن طیف حامیان دولت را معنادار می‌کند. هرچند این افراد پیش از این در زمره اصولگرایان دسته‌بندی می‌شدند ولی پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم هم‌نواایی با اصلاح‌طلبان را در پیش گرفتند و به سرعت برق، فاصله معناداری با اصولگرایان پیدا کردند.

از سوی دیگر وزن سیاسی جریان اصلاحات با افزوده شدن آقای میرمحمدی از نزدیکان مرحوم هاشمی رفسنجانی و آقای محمد صدر از مشاوران رئیس دولت اصلاحات ارتقا یافت و حضور مجید انصاری و محمدرضا عارف نیز تمدید شد تا فقدان مرحوم هاشمی رفسنجانی اصلی‌ترین کنشگر حامی این جریان جبران شود بنابراین وزن سیاسی حامیان دولت دوازدهم در دوره جدید به قوت خود باقی ماند.

آخرین فرصت

بار دیگر با وجود همه تذکرات نسبت به دوقطبی مذموم در فضای کشور، محمود احمدی‌نژاد و حلقه اطرافیان وی خواهان بازگشت به قدرت بودند؛ آنان برای فشار به نهادهای نظارتی حملات شدید را به شورای نگهبان آغاز کردند و حتی محمود احمدی‌نژاد برخلاف سخنان پیشین خود، دست در دست حمید بقایی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کرد تا دامنه فشارها به شورای نگهبان افزایش یابد؛ هرچند هر دو ناکام شدند و حلقه احمدی‌نژاد به حاشیه‌نشینی در کارزار رقابت سیاسی نزدیک شد. پس از آن حلقه احمدی‌نژادی‌ها گوی سبقت را از گروه‌های اپوزیسیون ربود و سخنان غیر چارچوب‌مندی را به نهاد‌های قضایی منتسب کردند و اوج آن در هنگام دستگیری و آزادی حمید بقایی صورت پذیرفت. در این شرایط گمانه‌زنی‌های جدی در محافل سیاسی مبنی بر عدم حضور احمدی‌نژاد در دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت مطرح بود.

هرچند این انتصاب آخرین فرصت برای بقای سیاسی پایدار احمدی‌نژاد محسوب می‌شود و باید واکنش‌های بعدی احمدی‌نژاد را رصد کرد؛ که آیا او ساختار گریزی را ادامه خواهد داد یا برای مدتی سکوت الهام‌بخش و حدت را در دستورکار قرار می‌دهد؛ احمدی‌نژاد اولین گام خود را با تبریک به رئیس مجمع تشخیص مصلحت آغاز کرد؛ در تبریک او برخلاف دیگران به صورت حضوری بود؛ در همین راستا سایت دولت بهار نوشت: «دکتر احمدی‌نژاد مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی رهبر معظم انقلاب در این دیدار انتصاب آیت‌الله هاشمی شاهرودی به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در انجام این مسئولیت خطیر را تبریک گفت و برای ایشان در انجام این مسئولیت خطیر آرزوی موفقیت کرد.» این اقدام بستر مناسبی برای تغییر در رفتارهای دو ماه اخیر احمدی‌نژاد است. ▶

تهران به کارگزاران رسید

محمدعلی نجفی و محسن هاشمی هر دو رئیس شدند یکی در شورا یکی در شهرداری. هر دو به یک شکل؛ تمام نامزدها انصراف دادند. حالا گویا این کارگزاران است که دست بالا را در میان اصلاح طلبان دارد.

سیاست

شهردار شدن محمدعلی نجفی و ریاست محسن هاشمی بر شورای شهر چه معنایی دارد؟

غلبه کارگزاران



محمدعلی نجفی بالاخره بعد از حرف و حدیث‌های فراوان؛ شهردار تهران شد. شهردار شدن او اگر در روز آخر بدون رقابت صورت گرفت واقعیت اما این است که این رخداد چندان هم ساده و بی‌حاشیه نبوده است.

او در شرایطی شهردار تهران شد که ۳ رقیب هم‌دوره‌ای اش، در دقیقه ۹۰ میدان رقابت را به نفع او ترک کردند. «اللهه کولایی»، در نامه‌ای زودتر از رای گیری‌ها، انصراف خودش را اعلام کرد، «حسین مرعشی» که پیش از رای گیری از الویری، رئیس سنی شورا خواست تا نام او را در رای گیری‌ها شرکت ندهند و در نهایت «محسن مهرعلیزاده» که در اوپسین ثانیه‌ها، خبر انصرافش، به یکباره شبهه یکدست شدن رای نجفی را بالا برد. افشانی هم که قبلا انصراف داده بود. البته خبر انصراف «کولایی» و «مهرعلیزاده» از داخل جلسه رای گیری که به شکل غیر علنی برگزار شد، بارها از سوی برخی اعضا توثیق شده بود.

با این حال گفته می‌شود که «مهرعلیزاده» در رای گیری‌ها شرکت کرد، اما به علت کسب تنها دورای، ترجیح داد خبر انصرافش، پررنگ‌تر از خبر شکستش باشد! البته نقل قول دیگری هم می‌گوید که برخی اعضا طی تماسی تلفنی، پیش از شمارش آرا از او خواسته بودند که تصمیم «ماندن» یا «رفتنش» را اعلام کند که او ظاهرا گزینه دوم را انتخاب کرده است! اما این کناره گیری‌های دیرهنگام، موجب شد تا وقتی درهای اتاق مسجدجامعی بعد از شمارش آرا پس از یک ساعت انتظار به روی خبرنگاران پشت در بسته باز شد، الویری، رئیس سنی شورا در برابر این دو اعتراض جدی خبرنگاران قرار بگیرد که چرا میل به انصراف در دقائق پایانی اتفاق افتاده و چرا باید برخلاف شعار شورای شفاف، نتیجه رای گیری از پشت درهای بسته اعلام شود. او البته به این دو سوال پاسخ روشنی نداد و سعی کرد با اعلام خبر برد «نجفی» در یک رقابت یک‌طرفه، جورا به سمت دیگری هدایت کند.

در این میان علی اعطا و احمد مسجدجامعی تاکید داشتند که فشار یا توصیه‌ای روی نامزدها وجود نداشته است. اعطا گفت: «رسیدن به نتیجه انصراف، نتیجه‌ای جمعی حاصل برآورد نظر همه اعضا بود.» مسجدجامعی هم تاکید کرد که افراد حاضر به عنوان نامزدهای شهرداری درباره حضورشان جدی بودند و نتیجه انصراف، نتیجه گیری خودشان بوده است. البته صراحتا ما درباره انتخاب آقای نجفی هم تاثیرگذار بوده است. حسن رسولی هم در کانال تلگرام خود نوشت: «قرار بود نامزد شهرداری با رای ۲۱ نفره انتخاب شود. آقایان مرعشی، دکتر مهرعلیزاده و سرکار خانم دکتر کولایی که کاملا تجهیز شده و مسئولیت پذیر وارد عرصه شده بودند، به عنوان اعضای مؤثر جامعه اصلاح طلب پایتخت هم‌دلانه با انصراف از رقابت و پس از مستحضر شدن از گرایش غالب شورا ما را در تحقق این وعده به بهترین وجه ممکن یاری دادند.» مرتضی الویری هم در توضیحی به رسانه‌ها با اشاره به مراحل انتخاب گزینه‌های نهایی برای اعلام برنامه شهرداری تهران، گفت: «آقای مهرعلیزاده نیز همانند آقای افشانی بعد از جلسه ارائه برنامه، استعفا دادند. مهرعلیزاده هم برای هم‌افزایی و اجماع با شورای شهر این کار را کرد تا منتخبان بتوانند به اجماع کامل برسند. همچنین خانم کولایی نیز با توجه به نظرات ایشان در نامزد برتری که شورا پیگیری می‌کند، از حضور در میان کاندیداها انصراف داد و در نهایت آقای محمدعلی نجفی با ۲۱ رای به عنوان شهردار شورای پنجم انتخاب شدند. زهرا نژادبهرام هم در حساب توئیتری خود با عکسی از نجفی و خطاب به او نوشت «انتخاب شما ثمره اعتماد مردم به لیست امید و اقبال همیشگی‌شان به جریان

اصلاحات است. چشم امید شهروندان تهران، ری و تجریش به ماست. حجت نظری، دیگر منتخب شورای پنجم، هم یک گام جلوتر از جلسات رسمی برگزار نشده شورا، به نجفی به عنوان شهردار آینده تهران تبریک گفت و در توئیتر خود نوشت: «پس از انصراف هر چهار رقیب مرحله پایانی، #محمدعلی نجفی شهردار آینده تهران شد.» محمدجواد حق شناس هم با فعلی قطعی در توئیتر خود نوشت: «با رای اجماعی و قاطع #شورای پنجم به #دکتر نجفی، شهرداری توانمند و لایق به بهشت راه یافت.»

زهرا نژادبهرام، یکی از اعضای شورای شهر منتخب پنجم در تشریح جو حاکم بر جلسه شورا برای انتخاب شهردار تهران گفت: «جلسه انتخاب شهردار، جلسه پر شور و نشاطی بود. تمامی گزینه‌ها با جدیت و علاقه برنامه‌های‌شان را ارائه می‌دادند. نوع سوالات و سخنان اعضای شورای شهر هم به گونه‌ای بود که نشان می‌داد حضاران برنامه‌های گزینه‌ها را به دقت مطالعه کرده‌اند و با آمادگی کامل در این جلسه حاضر شده بودند.» وی در خصوص انصراف دقیقه نودی ۳ گزینه نهایی شهرداری تهران نیز گفت: «۳ گزینه دیگر هم با هدف ایجاد اتحاد و انسجام در جریان انتخاب شهردار اصلاح طلب تهران، انصراف خود را اعلام کردند تا شهردار تهران با قاطعیت آرا یعنی ۲۱ رای از سوی ۲۱ عضو حاضر، به عنوان گزینه بی‌چون و چرای اصلاح طلبان انتخاب شود. اما چه فاکتورهایی باعث شد تا تمامی اعضای شورای شهر به نجفی رای اعتماد دهند؟ سوالی که نژادبهرام در پاسخ به آن گفت: «نجفی یک چهره و شخصیت ملی است. تجارب ارزشمندی هم در حوزه شهری و شورای شهر دارد. از سویی برنامه جامع و کاملی را نیز ارائه دادند و کاملا در مقابل سوالات اعضای شورای شهر پنجم در روز ارائه برنامه‌هایش، پاسخگو بودند. ضمن آنکه با توجه به سابقه‌ای که از حضور در شورای اول دارند، توجه ویژه‌ای به نقش و جایگاه و اهمیت شورا دارند که این مساله می‌تواند در تعامل بین شورا و شهرداری بسیار مثمرتر باشد. تمام این موارد به علاوه برداشت‌های شخصی اعضا، از برنامه‌ها و شخصیت وی باعث شد تا در نهایت، محمدعلی نجفی به عنوان شهردار جدید تهران انتخاب شود.»

درست چند دقیقه بعد از اعلام رسمی خبر انتخاب شدن نجفی به عنوان شهردار تهران ساعت حدود ۱۵:۳۰، نجفی در پیامی صوتی که به سرعت در فضای مجازی پخش شد خطاب به مردم تهران گفت: «به شهروندان

تهران تعهد می‌دهم تمام تلاش و قدرتم را برای ایجاد شرایط مطلوب‌تر برای زیست شهری آنها به کار خواهم گرفت.» وی در توئیتری با تشکر از شهروندان تهرانی و اعضای شورای شهر به خاطر اعتمادی که به او کرده بودند، نوشت: «به شهروندان تهرانی تعهد می‌دهم تمام توان و قدرتم را برای ایجاد شرایط مطلوب‌تر برای زیست شهری آنها به کار خواهم برد، ان شاء الله سعی خواهم کرد از تمام امکانات در شهرداری و خارج از آن استفاده کنم تا دو درخواست اصلی شهروندان محقق شود: یکی ایجاد آرامش که جنبه معنوی و روانی شهروندان در زندگی شهری را شامل می‌شود و دوم آسایش که جنبه‌های فیزیکی و مادی آنها را در برمی‌گیرد. تمام تلاش‌م را به کار خواهم گرفت تا نزد شهروندان تهرانی روسفید باشم و شرایطی را فراهم کنم که زندگی شهروندی آنها چهار سال دیگر به مراتب بهتر از امروز باشد.»

شوخی و جدی مرعشی

درست در همان روزی که محمدعلی نجفی، شهردار تهران شد، حسین مرعشی برنامه‌های خود را برای اداره شهر تهران ارائه کرده بود. او تاکید کرده بود که شهردار تهران اگر چه منتخب اصلاح طلبان است؛ اما باید شهردار همه مردم شهر تهران باشد. او گفت: «در ۱۲ سال اخیر جریان اصولگرایی رقیب کاملا خطی، غیرمنصفانه و تنگ‌نظرانه با جناح اصلاح طلب برخورد کرد؛ اما من معتقد به حذف اصولگرایان نیستیم؛ چرا که این طیف در تهران ۲۵ درصد رای آورده و باید به همین تناسب به سهم آنها در مدیریت توجه شود.» او به روند کسب درآمد شهرداری تهران اشاره کرد و گفت: «من هیاتی هستم؛ اما نمی‌توانم قبول کنم چطور شهرداری که به پیمانکار بدهکار است، برای کارهای مستحبی و کمک به هیات‌ها و خیریه‌ها پیشقدم است؛ چون این کار عملکرد خیریه‌ها را از بین می‌برد، در ادامه فرصت به سوال و جواب اعضا رسید و از میان سوال‌ها محمدعلی‌خانگی با سوالی کنایه‌دار رو به مرعشی گفت: «مشخص نیست شما جدی وارد این صحنه شده‌اید یا ما سرکاریم؟»

مرعشی در پاسخ گفت: «شما ما را سرکار گذاشته‌اید، ما را آوردید که برنامه بدهیم، آن وقت می‌خواهید به فرد دیگری رای بدهید.» این گفت‌وگو منجر به توضیح برخی از اعضا شد تا توضیح دهند که گزینه شهرداری تهران هنوز مشخص نیست، در نهایت هم مرعشی با این جمله که «در تمام مدت فعالیتیم به عنوان یک چهره سیاسی هر جا که برای یک پست،



با وجود ارائه برنامه پیش از رای گیری نهایی مهرعلیزاده استعفا داد و در نهایت محمدعلی نجفی با رای قاطع به عنوان شهردار انتخاب شد.



باتوجه به حضور آقای هاشمی انصراف دادم، برنامه‌های خود را از همان زمان تدوین کرده بودم که در این مدت با پیش‌شویه‌ها و اعداد و ارقام این برنامه پخته‌تر شد. امروز شهروندان تهرانی بیش از هر چیز به آرامش نیاز دارند و تحقق این مهم نیز شدنی است چرا که ما شهرهایی همچون توکیو را با ۲۳ میلیون جمعیت مشاهده می‌کنیم که از آرامش برخوردار هستند.»

وی تهران آرام و زیبا را شعار اصلی برنامه‌های خود خواند و افزود: «تهران به عنوان شهری که لایق پایتختی ایران اسلامی است باید همه استانداردهای زندگی مطلوب در جهان را داشته باشد، بنابراین در این مسیر باید از تجربه‌های جهانی استفاده کنیم و آرمان‌های اصلاح‌طلبی را نیز در پیشبرد کارهای شهرداری تهران به صورت عملی و کاربردی جاری کنیم. باید در تمام حوزه‌ها از جمله معماری و شهرسازی، اقتصاد شهری، فضای فرهنگی و اجتماعی شهر آرامش را ایجاد کنیم. باید به انسان محور بودن شهر توجه کنیم تا از این طریق زمینه‌ساز رشد اخلاق و ایجاد عدالت در شهر شویم. این کاندیدای شهرداری تهران با تاکید بر اینکه برنامه‌های خود برای تصدی پست شهرداری تهران را در چهار بخش چالش‌ها و فرصت‌ها، شهرداری، تهران و شهروندان پایه‌گذاری کرده است، ادامه داد: «در این برنامه روی چالش‌ها و فرصت‌های این چهار بخش متمرکز شدیم و در نهایت پس از بررسی آنها به راهکارهای مناسب رسیده‌ایم. ما در این برنامه تهران و شهروندان را در یک دسته و شهرداری را در دسته دیگر مورد بررسی قرار داده‌ایم. اهم چالش‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت در حوزه‌هایی همچون کیفیت زندگی، آلودگی هوا، ترافیک، فرونشست، زلزله و مهاجرت بود. امروز از میان ۲۱۵ شهر بزرگ دنیا، تهران در حوزه آلودگی هوا در جایگاه ۱۷۶ قرار گرفته است و در بعد حجم ترافیک نیز رتبه اول را به خود اختصاص داده است.»

همچنین این کلانشهر بیشترین میانگین سالانه غلظت آلاینده‌ها را به خود اختصاص داده است. از این حیث باید بدانیم که توجه ویژه به حوزه آلودگی هوای شهر تهران ضروری است. البته با وجود ارائه این برنامه پیش از رای‌گیری نهایی مهرعلیزاده استعفا داد و در نهایت محمد علی نجفی با رای قاطع به عنوان شهردار انتخاب شد. ▶

می‌دهد: «ما ۳ نفر بر اساس برآوردی که قبل از رأی‌گیری داشتیم، انصراف دادیم و شورا توانست نجفی را به اتفاق آرا انتخاب کند. من معتقدم در این روند، ضمن اینکه فرصت انتخاب افراد مختلف پیش آمد، اما با توافق نامزدها، فرآیندی منسجم و یکپارچه شکل گرفت. به هر حال فرآیند دموکراتیک، فرصت‌هایی را فراهم می‌کند که بتوان ایده‌ها و دیدگاه‌های متفاوت را در مورد مسأله مورد نظر، مطرح کرد. از نظر من حضور نامزدهای مختلف، مجال بود برای طرح دیدگاه‌های متفاوت درباره مدیریت شهری و اینکه هشدار بدهیم که مسأله انسان در ابعاد شهر دیده شود. بنابراین باید نگاه فرآیندی به این موضوع داشته باشیم و صرفاً به نتیجه نگاه نکنیم.» او درباره دلیل انصراف خودش هم می‌گوید: «وقتی شرایط را بررسی و مشاهده کردم که آرای که در شورا وجود دارد به تثبیت دیدگاه من در شهر منجر نمی‌شود، با کناره‌گیری خودم فرصت را برای اجماع روی یک نامزد و نمایش وحدت اصلاح‌طلبی فراهم کردم. هر چند عده‌ای سعی در شبهه افکنی داشتند.» کولایی درباره انتخاب نجفی هم می‌گوید: «بدون شک یک نفر قادر به حل و فصل مشکلات تهران نخواهد بود. ایشان با توجه به شدت بحران‌ها در تهران باید یک تیم قدرتمند از مدیران با تجربه شهر را به کار گیرد.»

«راه پاستور» را از «بهشت» نمی‌دانم

البته روز پنجشنبه محسن مهرعلیزاده پیش از استعفا برنامه‌هایش را در حضور اعضای شورا تشریح کرد و گفت: «برای خدمت به مردم راه «بهشت» را از «بهشت» می‌بینم. با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۲ نیز قصد داشتم به عنوان شهردار تهران کاندیدا شوم که بعداً

داوطلب دیگری وجود داشت، کاندیدا نمی‌شدم» به شکلی تلویحی انصراف خود را از ادامه این روند اعلام کرد.

اما مرعشی درباره این سوال که چرا انصراف او تا این حد طول کشیده است، این‌طور پاسخ می‌دهد: «بنده از اول هم گفته بودم که اگر کسی داوطلب جدی مسئولیت شهرداری باشد، بنده تمایلی به نامزد شدن ندارم تا اینکه وقتی متوجه شدم که نجفی تمایل به شهردار شدن دارد، از الویری خواستم تا بنده را در رای‌گیری شرکت ندهد.» او درباره اینکه چرا با نامزد شدن نجفی، از دور رقابت‌ها کنار نرفت و این انصراف را به دقایق پایانی موکول کرد، می‌گوید: «چون ممکن بود که در نیمه راه، کنار بکشند. من نمی‌خواستم دوستان را تنها بگذارم. دیروز هم برخی اصرار داشتند که من کنار نروم، ممکن بود رای من هم از نجفی بیشتر شود، اما گفتم مشروط به اینکه کسی نباشد و این مسئولیت را نپذیرد، شهردار خواهیم شد. معتقدم اگر کسی داوطلب مسئولیت باشد، باید مسئولیت روی دوش خود او گذاشته شود.»

مرعشی درباره توانمندی‌های نجفی هم این‌طور پاسخ داد: «ایشان مدیر جامعی است، تجربه شورا را هم داشته و مناسب این سمت هستند.»

او درباره اینکه احتمال دارد نجفی میانه راه کنار کشیده و محسن هاشمی جای او را بگیرد، هم گفته بود: «شورا از قبل هم تاکید داشت که کسی از داخل شورا شهردار نشود، وگرنه ما همه روی محسن هاشمی اصرار داشتیم و هنوز هم او را بهتر از هر کسی برای این پست می‌دانم. اگر چه خود او اعلام کرده، آمادگی شهردار شدن ندارد.» الهه کولایی، دیگر نامزد انصرافی شهرداری هم درباره اینکه آیا اعضا پیش از این روی گزینه نجفی اجماع کرده بودند، گفته است: «هیچ نمایی در کار نبود و فرآیند انتخاب شهردار هم طبق تصمیم منتخبان اجرا شد. از ابتدا هم چون آقایان «مرعشی» و «نجفی» دیدگاه کاملاً نزدیکی به هم داشتند، این تصور وجود داشت که مرعشی برنامه‌ای ارائه نخواهد داد. اما در مسیر، تحولاتی رخ داد که اعضا تصمیم گرفتند از بین ۵ نفر یک نفر را به عنوان شهردار انتخاب کنند و کار به مرحله سوم نرسد!» او درباره انصرافش در دقایق نهایی و صرف وقت زیاد برای بررسی برنامه‌اش از سوی منتخبان شورا هم این‌طور توضیح

در این میان علی اعطا و احمد مسجدجامعی تاکید داشتند که فشار یا توصیه‌ای روی نامزدها وجود نداشته است. اعطا گفت: «رسیدن به نتیجه انصراف، نتیجه‌ای جمعی حاصل برآورد نظر همه اعضا بود»

آقای خاص

نجفی گفته است آخرین دوره مدیریتی خود را طی می کند

بیرون آمد. بدین ترتیب نجفی توانست با ۹ سال حضور بر مصدر وزارت آموزش و پرورش، طولانی ترین دوره وزارت در این وزارتخانه را تجربه کند. علت استیضاح او در مجلس سوم، نارضایتی جمعی از فرهنگیان و اولیای دانش آموزان از عملکرد وزارت آموزش و پرورش و مشکلات جدی در امر تعلیم و تربیت اعلام شده بود.

نجفی البته چهره‌ای صرفاً علمی نبود؛ چه آنکه او به همراه مدیران ارشد دولت هاشمی رفسنجانی اقدام به تاسیس حزب کارگزاران سازندگی کرد. این حزب که با هدف تأثیرگذاری در انتخابات مجلس پنجم ایجاد شده بود، در ابتدا گرایش راست مدرن داشت اما هر چه زمان می گذشت به چپ‌هایی که بعدها خود را اصلاح طلب نامیدند، نزدیک تر شد؛ تا جایی که نقش غیر قابل انکاری در پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۷۶ داشت. ماجرا از این قرار بود که در آستانه انتخابات مجلس پنجم، جامعه روحانیت مبارز با حضور کاندیداهای مورد حمایت هاشمی رفسنجانی در فهرست مورد حمایت این تشکل روحانی مخالفت کرد؛ این گونه بود که در بهمن ماه ۱۳۷۴ شانزده نفر از وزیران، معاونان و نزدیکان هاشمی رفسنجانی رئیس دولت سازندگی در بیانیه‌ای با عنوان «خدمتگزاران سازندگی» اعلام کردند در انتخابات مجلس پنجم حضور فعال خواهند داشت و فهرستی از کاندیداهای مورد حمایت خود را معرفی خواهند کرد. این اقدام با واکنش منفی جناح راست مواجه شد و تا جایی پیش رفت که وزیران امضاکننده بیانیه به استیضاح تهدید شدند و حتی طرح بررسی کفایت رئیس جمهور در مجلس مطرح شد. این اختلاف در نهایت با تدبیر رهبر معظم انقلاب ختم به خیر شد؛ چه آنکه ایشان در دستوری صریح خواستار عدم حضور وزیران کابینه در این جمع شدند. هیات مؤسس کارگزاران با حذف ۱۰ وزیر، به یک جمع شش نفره کاهش یافت که شامل پنج معاون رئیس جمهور و شهردار تهران می شدند.

بدین ترتیب، حزب کارگزاران سازندگی ایران تاسیس شد؛ البته محمدعلی نجفی نیز علاوه بر این شش نفر، در جلسات هیات مؤسس شرکت می کرد. در این میان غلامحسین کرباسچی، محمد هاشمی، محسن نوربخش، عطاءالله مهاجرانی، رضا امراللهی، مصطفی هاشمی طبا، محمدعلی نجفی، فائزه هاشمی، علی هاشمی و حسین مرعشی اعضای هیات مؤسس این تشکل دولت ساخته بودند. افزون بر این چهره‌هایی همچون محمد هاشمی، غلامحسین کرباسچی، محمد علی نجفی، حسین مرعشی، سید محسن نوربخش، عطاءالله مهاجرانی، فائزه هاشمی، رضا امراللهی، مصطفی هاشمی طبا، علی هاشمی، محسن هاشمی، اسحاق جهانگیری، غلامرضا فروزش، رضا ملک زاده، محمد عطریانفر، هدایت‌الله آقایی، علی مصلحی، سیدحسین هاشمی، اسماعیل جبارزاده، عبدالناصر همتی، فاطمه رمضان زاده و یدالله طاهر نژاد اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران بودند. بدین ترتیب محمدعلی نجفی هم در هیات مؤسس کارگزاران عضویت داشت و هم در شورای مرکزی این تشکل، یک سال پس از پایان انتخابات مجلس پنجم، بحث انتخابات ریاست جمهوری هفتم فضای سیاسی کشور را گرفته بود. حزب کارگزاران نیز در این خصوص بی‌کار نبود؛ چه آنکه بسیاری از اعضای تأثیرگذار این تشکل منسوب به هاشمی رفسنجانی، به دنبال حمایت از کاندیدایی

دکتر ضرغامی و آقای دکتر بهزاد یاد کنم) موجب شد تا در پایان سال دوم تحصیل به رشته ریاضی تغییر رشته دهد. البته این تغییر رشته هم خلاف سنت مرسوم در دانشگاه آن روز بود (معمولاً دانشجویان از رشته‌های علوم پایه به مهندسی یا پزشکی می رفتند و نه بالعکس) و هم احتمال می رفت که به خاطر این تغییر رشته از نظر درسی با مشکل مواجه و مجبور شوم یک نیم‌سال تحصیلی بیشتر در دانشگاه بمانم.»

نجفی البته هم‌زمان با تحصیل، در فعالیت‌های انقلابی نیز حضور داشت. نجفی سپس راهی آمریکا شد؛ هدف او باز هم ادامه تحصیل بود. وی در موسسه تکنولوژی ماساچوست دوره کاشناسی ارشد را طی کرد. در دوران حضور در آمریکا نیز با مبارزان انقلابی همچون دکتر مصطفی چمران و نماینده آیت الله طالقانی در ارتباط بود. چندی بعد، برای حضور در مبارزات انقلاب اسلامی، دوره دکتری خود را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت.

او که در تابستان ۵۵ ازدواج کرده، دارای یک دختر است.

نجفی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ارتباط خود با دکتر چمران را حفظ کرد و حتی در دوره‌ای مشاور او شد. او پس از پیروزی انقلاب باز هم برای اخذ مدرک دکترای تلاش کرد؛ اما به دلیل اشغال لانه جاسوسی در تهران و انقلاب فرهنگی، این موضوع به تعویق افتاد.

او چندی بعد با حکم دکتر عارفی، وزیر وقت آموزش عالی رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان شد و بدین ترتیب فعالیت‌هایش را در دانشگاه ادامه داد؛ اما این بار در قامت یک مدیر دانشگاهی.

اما گویا دست تقدیر بر این بود که نجفی خود وزیر فرهنگ و آموزش عالی شود؛ چه آنکه مدتی بعد از سوی دکتر محمد جواد باهنر، نخست‌وزیر دولت محمدعلی رجایی به‌عنوان وزیر پیشنهادهی آموزش عالی به مجلس اول معرفی شد و توانست رای اعتماد نمایندگان را از آن خود کند. اما دولت انقلابی محمدعلی رجایی و محمد جواد باهنر، دولت مستعجل بود و در شهریور ماه ۱۳۶۰ با شهادت این دو عمر این دولت به پایان رسید. اینگونه بود که وزارت نجفی بر وزارتخانه فرهنگ و آموزش عالی در دولت آیت الله مهدوی کنی و میرحسین موسوی نیز ادامه یافت.

اما مجلس دوم، موافق ادامه حضور نجفی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی نبود و این مخالفت را با عدم رای اعتماد به او نشان داد. بدین ترتیب او بار دیگر راهی دانشگاه شد تا مشغول تدریس شود. نجفی البته در کنار تدریس، عهده‌دار معاونت آموزشی رسانه ملی هم بود.

اما در شهریور ماه ۱۳۶۷ در سال پایانی دولت میرحسین موسوی بار دیگر مسئولیت وزارت بر دوش نجفی گذاشته شد، اما این بار او با رای اعتماد نمایندگان مجلس سوم به وزارت آموزش و پرورش رفت.

حضور او در وزارت آموزش و پرورش در دولت هاشمی رفسنجانی هم ادامه یافت. او در شهریور ۱۳۶۸ توانست رای اعتماد مجدد نمایندگان مجلس سوم را کسب کند و تا مرداد ۱۳۷۶ در این سمت باقی بماند.

او در وزارت آموزش و پرورش اقدامات مختلفی انجام داد که بالطبع موافقان و البته مخالفانی داشت. از جمله این طرح‌ها، ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش بود. مخالفت‌ها با نجفی تا جایی پیش رفت که او یک بار در دام استیضاح گرفتار شد اما از این آزمون به سلامت

محمدعلی نجفی که حالا ۶۶ سال دارد، در ۲۳ دی ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد. او تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان مروی در خیابان ناصر خسرو به پایان رساند. نجفی وضعیت خانوادگی خود را در آن دوره این گونه روایت می کند: «در سال ۱۳۳۰ در خانه‌ای واقع در منطقه متوسط نشین تهران (خیابان سلسبیل یا رودکی فعلی، خیابان آریانا یا مالک اشتر فعلی، کوچه نیکزاد) متولد شدم. پدرم مرحوم احمدعلی نجفی فرزند یک روحانی تهی دست بود که در سال ۱۳۱۲ از روستایی واقع در کلات خراسان به تهران آمده و در ارتش استخدام شده بودند. مادر اصلالتی تهرانی و دارای کمی سواد هستند. دوران کودکی در محیط گرم و صمیمی خانواده ولی با مشکلات مالی و معیشتی سپری شد و در سال ۱۳۳۷ در دبستان خواجه‌نبت نام کردم. از آغاز تحصیل، خانواده و معلمان متوجه استعداد و هوش اینجانب شدند و مرا برای درس خواندن بیشتر تشویق می کردند. در سال ۱۳۴۳ گواهینامه ششم دبستان را در نظام قدیمی آموزش و پرورش با رتبه شاگرد اولی تهران کسب کردم. برای تحصیل در دبیرستان در مدرسه اسدآبادی واقع در میدان رشدیه ثبت نام کردم و تا سال پنجم متوسطه در همان جا تحصیل کردم. البته دبیرستان، دولتی و از نظر سطح تحصیلی نسبتاً ضعیف بود. سال ششم دبیرستان را در دبیرستان مروی (که آن زمان جزو بهترین مدارس دولتی تهران بود) گذراندم و در امتحانات نهایی با معدل ۱۹/۳۵ در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شدم و رتبه دوم امتحانات نهایی کشور را به دست آوردم. در طول دوران تحصیل در مدرسه، فعالیت‌های ورزشی و هنری مختصری هم داشتم و هیچ‌گاه به‌عنوان یک شاگرد منزوی و درس‌خوان به معنی مصطلح منفی میان دانش‌آموزان محسوب نمی شدم. در عین حال در هیات‌های مذهبی و جلسات عزاداری و عطف و... نیز شرکت داشتم و در ایام محرم در هیات جوانان محل که از سال ۱۳۴۲ پایه‌گذاری کرده بودیم (و تا امروز هم به فعالیت خود ادامه می دهد) فعال بودم و از افتخاراتم عشق به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت است.» او سپس در رشته ریاضی در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد و توانست مدرک کارشناسی را از این دانشگاه اخذ کند. نجفی در خصوص دوران تحصیلش در دانشگاه شریف چنین گفته است: «سال ۱۳۴۹ می توانستم بدون کنکور وارد دانشگاه صنعتی شریف شوم. ولی شهریه دانشگاه ده هزار تومان بود که پرداخت آن برای من آسان نبود. از طرف دیگر دانشگاه شریف کسانی را که در کنکور شرکت می کردند و رتبه اول هر رشته را کسب می کردند از پرداخت شهریه معاف می ساخت. بنابراین در واقع به یک ریسک دست زدم و از ورود بدون کنکور به دانشگاه چشم‌پوشی کردم و در کنکور دانشگاه‌ها شرکت و رشته مهندسی متالورژی دانشگاه صنعتی شریف را به‌عنوان انتخاب اول خود برگزیدم. خوشبختانه در همان رشته رتبه اول آزمون ورودی را به دست آوردم و بدین ترتیب هم به خواست خود مبنی بر ورود به دانشگاه صنعتی رسیدم و هم از پرداخت شهریه معاف شدم. تحصیل در دانشگاه شریف برای من خیلی خوشایند و لذت بخش بود و بخشی از بهترین دوران زندگی مرا به خود اختصاص داد. در همان سال اول تحصیل متوجه شدم که به مهندسی و به خصوص رشته متالورژی علاقه چندانی ندارم. تشویق استادان خوبی که در دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر تدریس می کردند (از جمله آنها باید از آقای

منصوب کرد. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴، حسن روحانی، رئیس‌جمهور، به پیشنهاد مسعود سلطانی فر، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، طی حکمی، محمدعلی نجفی را به همراه سه تن دیگر به عنوان عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری منصوب کرد. در نهایت محمدعلی نجفی روز ۱۹ مرداد ۱۳۹۶، توسط اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران به عنوان گزینه نهایی شهرداری تهران برگزیده شد. او در شهریور ماه با شروع به کار رسمی شورای شهر پنجم، رسماً به عنوان شهردار انتخاب و جایگزین محمدباقر قالیباف خواهد

شد. ▶

تهران و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام به جای وی به عنوان رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری منصوب شد.

حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در ۱۰ بهمن ۱۳۹۲ طی حکمی محمدعلی نجفی را به سمت مشاور رئیس‌جمهور و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی منصوب کرد. در دوره تصدی وی در ستاد هماهنگی اقتصادی بود که لایحه خروج از رکود دولت تدوین گردیده و تقدیم مجلس شد. حسن روحانی در ۲۹ مرداد ۱۳۹۳، پس از استیضاح رضا فرجی دانا، وزیر علوم، طی حکمی محمدعلی نجفی را به عنوان سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بودند که ادامه‌دهنده راه دولت‌سازندگی باشد. حتی در این میان عطاءالله مهاجرانی، معاون حقوقی و پارلمانی هاشمی‌رفسنجانی خواستار اصلاح قانون اساسی و تمديد دوره ریاست هاشمی بر دولت شد. البته این موضع مهاجرانی با واکنش‌های منفی سیاسیون مواجه شد. با نزدیک شدن انتخابات، حزب کارگزاران به احزاب حامی سیدمحمد خاتمی پیوست؛ به گونه‌ای که در پایین بسیاری از پوسته‌های انتخاباتی خاتمی نام «حزب کارگزاران سازندگی ایران» به چشم می‌خورد. سرانجام خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری هفتم پیروز شد و کارگزاران به عنوان یکی از حامیان اصلی او وارد کابینه شدند. محمدعلی نجفی یکی از این افراد بود.

اما همکاری نجفی با دولت خاتمی مدت زیادی به طول نینجامید؛ چه آنکه او در مرداد ۱۳۷۹ از دولت اصلاحات جدا شد و بار دیگر به دانشگاه رفت. این در حالی بود که شایعاتی مبنی بر اختلافات سیدمحمد خاتمی و محمدعلی نجفی به گوش می‌رسید؛ «در مرداد ماه ۱۳۷۹ و پس از سه سال خدمت در سازمان، با ادغام سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی، از مسئولیت کناره‌گیری کردم و مجدداً به گوشه دنج و آرام دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف پناه بردم. البته از آن زمان تا تشکیل دولت جناب آقای احمدی‌نژاد، همکاری‌های جنبی با دولت را ادامه دادم و از جمله به عنوان مشاور رئیس‌جمهور و مشاور وزیر صنایع و معادن (جناب آقای جهانگیری) به صورت نیمه‌وقت فعالیت داشتم.» در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ در حالی که اصلاح‌طلبان به دنبال کاندیدایی بودند که بتواند موجب اجماع آنها شود، نجفی به عنوان یکی از کاندیداهای احتمالی مطرح شد اما با حضور افرادی همچون مهدی کروبی، مصطفی معین و البته هاشمی‌رفسنجانی، از حضور در عرصه رقابت‌ها امتناع ورزید. این در حالی بود که چند سال بعد اغلب اصلاح‌طلبان اعلام کردند که آماده اجماع روی نجفی بودند. او که پس از پایان دولت اصلاحات از فعالیت‌های دولتی کناره‌گیری کرد، موفق شد در پاییز ۸۵ همراه احمد مسجدجامعی و مصوممه ابتکار از فهرست ائتلاف اصلاح‌طلبان به شورای شهر سوم تهران راه یابد.

بعد از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم، وی محمدعلی نجفی را به عنوان وزیر پیشنهادی جهت تصدی پست وزیر آموزش و پرورش در این دولت، به مجلس معرفی کرد. او تنها با ائتلاف یک رای از مجموع ۲۸۴ رای (۱۴۲ رای مثبت، ۱۳۳ رای منفی، ۹ رای ممتنع) موفق به حضور در وزارت آموزش و پرورش نشد.

دوروز بعد از رای عدم اعتماد مجلس به نجفی، حسن روحانی، وی را به معاونت رئیس‌جمهور و ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور منصوب کرد. نجفی، در اولین سفر حسن روحانی به نیویورک برای شرکت در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ از همراهان رئیس‌جمهور بود. هدف وی از این سفر مذاکراتی برای بازگرداندن سی هزار لوح گلی هخامنشی از موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو بود. در جریان این سفر، وزارت امور خارجه آمریکا، جام شیردال غار کلماکره را به عنوان نشان حسن نیت دولت آمریکا به مردم ایران هدیه کرد. این جام سال‌ها پیش از غار کلماکره در پلدختر لرستان به دست آمده و سپس از کشور خارج گردیده و در سال ۲۰۰۳ از سوی بخش مبارزه با قاچاق اشیای عتیقه آمریکا توقیف شده بود. نجفی پس از بازگشت به ایران در فرودگاه مهرآباد این جام را رونمایی کرد. اما محمدعلی نجفی در ۱۰ بهمن ۱۳۹۲ از سمت خود استعفا کرد و مسعود سلطانی فر، عضو شورای شهر





تغییر در لحظه آخر

محسن هاشمی رفسنجانی رئیس شورای شهر تهران می شود

۳ منتخبان شورای پنجم برای تعیین رئیس، نایب رئیس و منشی شورا صبح شنبه تشکیل جلسه دادند که بعد از انصراف الویری و مسجد جامعی تنها گزینه محسن هاشمی برای ریاست شورا باقی ماند. برای آرای گیری نهایی منتخبان شورای پنجم محسن هاشمی رفسنجانی منتخب اول مردم تهران به مدت یک سال به عنوان رئیس شورای شهر پنجم انتخاب شد. محسن هاشمی رفسنجانی به عنوان نامزد نهایی ریاست شورای پنجم انتخاب شده است و در اولین جلسه رسمی شورای پنجم تصمیم نهایی اعلام خواهد شد. اما برای اعضای شورای شهر، سیدابراهیم امینی به عنوان نایب رئیس شورای شهر، بهاره آروین و زهرا نژادبهرام به عنوان منشی و علی اعطا منتخب جوان پنجمین دوره شورای شهر تهران برای اعضا به عنوان سخنگوی این شورا تعیین شد. محسن هاشمی رفسنجانی گزینه نهایی ریاست شورای شهر پنجم پس از انتخابش به عنوان گزینه نهایی ریاست شورای شهر پنجم توسط منتخبان شورا در جمع خبرنگاران اظهار داشت: «ان شاء الله ما شورای بی حاشیه‌ای را در ۴ سال آینده خواهیم داشت. شورا و شهرداری هر کدام وظایفی را براساس قانون دارند، اما ما تا کید بر تعامل بین دو طرف داریم و شورا نظارت کافی و وفا را در شهرداری خواهد داشت. بعد از موضوع خدماتی که اولویت هر شورا و شهرداری است، بحث بسیار مهم دیگر در شهر تهران بحث آلودگی هوا و ترافیک است.

ما باید بتوانیم با همکاری شهردار آینده، دولت و سایر دستگاه‌ها مشکل آلودگی هوا را برطرف و شاهد یک حمل و نقل روان در شهر تهران باشیم.»

ازدواج و فرزندان

محسن هاشمی در ۲۴ مهر ۱۳۶۱ با اعظم هاشم‌پور، (که از بستگان مادری بود) ازدواج کرد. ثمره این ازدواج ۳ فرزند به نام‌های عماد، احسان و علیرضا است که از این سه تن عماد در گردآوری خاطرات آیت الله اکبر هاشمی نقش عمده‌ای داشت.

تحصیلات

محسن هاشمی در مدارس اسلامی ولی عصر (عج)

و علوی در تهران تحصیل کرد. وی در سال ۵۶ همزمان با روزهای مبارزه علیه رژیم شاه به انگلستان رفت. عفت مرغشی (مادر محسن هاشمی) در کتاب پا به پای سرو در صفحه ۲۹۸ عنوان می‌کند که تعدادی از بچه‌ها قرار بوده به صورت تور تابستانی برای یادگیری زبان انگلیسی به انگلستان اعزام شوند؛ «با پرداخت وجه ثبت نام، او را به انگلستان فرستادم».

با ترور ناموفق اکبر هاشمی در سال ۱۳۵۸، محسن برای ادامه تحصیل روانه بلژیک شده و سپس تحصیلات عالی خود را به جهت علاقه‌ای که به تولید و مسائل فنی داشت، در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه پلی‌تکنیک مونترال کانادا دنبال کرد و موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد گردید. وی در دوره فوق لیسانس، به توصیه پدر که فرماندهی دفاع مقدس را عهده‌دار بود، تحقیقاتی را در خصوص نحوه ساخت راکت‌های تاو انجام داد.

در سال ۱۳۵۸ در پی ترور ناموفق آیت الله اکبر هاشمی توسط گروه فرقان، محسن برای تحصیل به بلژیک رفت. سرانجام کانادا مقصد بعدی وی جهت ادامه تحصیل در رشته مکانیک بود.

مسئولیت‌ها و سوابق اجرایی

فعالیت‌های اجرایی محسن هاشمی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول

دورانی است که در زمان جنگ، از تحصیل فارغ و وارد کار اجرایی شد. در آن زمان به مدت پنج سال در بخش موشکی صنایع سپاه تا مقام معاونت هماهنگی موشکی سازمان صنایع دفاع فعالیت کرد و در نهایت عضو هیات مدیره سازمان صنایع دفاع شد.

دوره دوم

زمانی است که در دوران ریاست جمهوری آیت الله علی اکبر هاشمی، رئیس دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه ریاست جمهوری شد.

دوره سوم (دولت‌های اصلاحات، عدالت و اعتدال)

ریاست هیات مدیره و مدیرعامل شرکت متروی

تهران (۱۳ سال)
نایب رئیس اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل عمومی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
مدیریت موسسه انتشاراتی معارف انقلاب
ریاست هیات مدیره اتحادیه قطارهای شهری کشور
ریاست هیات مدیره انجمن مهندسی حمل و نقل ریلی ایران
معاونت عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی

ورود به صنایع موشک سازی

محسن هاشمی، از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ در خارج از کشور به تحصیل پرداخت. از آنجا که رشته اش مربوط به بدنه موشک سازی بود، پس از بازگشت، بلافاصله به یگان موشکی سپاه پیوست. کار موشکی وی از اواخر سال ۱۳۶۵ تا اواخر سال ۱۳۶۹ به مدت ۵ سال ادامه داشت. محسن ابتدا در بخش ساخت موشک‌های شبه تاو و سپس در قسمت موشک سوخت مایع و در بخش موشک‌های سوخت جامد فعالیت کرد.

معاون هماهنگی گروه موشکی

بعد از جنگ تحمیلی ایران و عراق در سال ۱۳۶۸، گروه‌های موشکی وزارت سپاه و صنایع دفاع، ادغام شدند و محسن هاشمی به عضویت هیات مدیره صنایع دفاع و معاونت هماهنگی گروه موشکی درآمد.

تاسیس بازرسی ویژه رئیس جمهوری

محسن هاشمی، از اواخر سال ۶۹ به مدت ۸ سال، مصادف با دوران ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی، به دفتر ریاست جمهوری رفت و بازرسی ویژه رئیس جمهوری را تاسیس و ریاست این بازرسی را بر عهده گرفت. وی در این دوران به بحث و بررسی درباره طرح‌ها و پروژه‌های ناتمام، افزایش تولید در کشور و حل مسائل بوروکراتیک و مشکلات پس از جنگ پرداخت.

ریاست دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام

در سال ۱۳۷۶، آیت الله علی اکبر هاشمی پس از رفتن به مجمع تشخیص مصلحت نظام، محسن هاشمی را به عنوان رئیس دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب کرد. وی مهر ماه سال ۱۳۸۸، در پی تصویب قانون عدم اشتغال همزمان اشخاص در پست‌های دولتی، از مسئولیت سرپرستی دفتر رسماً استعفا داد.

دوران مدیریت محسن هاشمی بر متروی تهران

مدیریت محسن هاشمی بر مجموعه متروی تهران، از سال ۱۳۷۶ تا اسفند سال ۱۳۸۹ به طول انجامید و در طول این سال‌ها، متروی تهران راه‌اندازی شد. محسن هاشمی، شرکت مترو را با حدود ۷۰۰۰ نفر پرسنل و مشکلات مختلف، بدون اینکه خطی از متروی تهران به بهره‌برداری برسد، تحویل گرفت. وی در یک اقدام اصلاحی، مترو را از وزارت کشور جدا و به شهرداری تهران ملحق کرد، تا از امکانات دولت و شهرداری برای راه‌اندازی مترو استفاده کند. محسن هاشمی، با اولویت‌بندی خطوط، همه توان کاری شرکت را بر یک بخش معطوف کرد و توانست به طور متوسط هر سال ۱۰ کیلومتر از خطوط حمل و نقل ریلی راه‌اندازی کند.

همکاری با مدیران شهرداری و روسای جمهوری

محسن هاشمی در طول ۱۳ سال خدمت در سمت ریاست هیات مدیره و مدیرعامل شرکت قطارهای شهری تهران و حومه، با مدیران شهری مختلفی از کرباسچی

فصل تازه سیاست‌ورزی

محسن هاشمی چه برنامه‌ای برای آینده سیاسی خود دارد؟

حسن قلی‌زاده

روزنامه‌نگار

برخوردار و البته با پذیرش‌هایی مواجه است.

۵- او البته یک ضعف مهم دارد؛ هرگز به عنوان یک سیاستمدار میان افکار عمومی شخصیت خود را عرضه نکرده است. به یک معنا شاید تصویری که از او وجود داشته فردی در قالب یک تکنوکرات بوده است. یک فن‌سالار که مدت زیادی را در متروی تهران بوده و اکنون نیز به جایی رفته که همسو با همین تجربه و تخصص اوست.

۶- او جایگاه خوبی در کارگزاران پیدا کرده است. تکنوکرات‌های دل‌داده آیت‌الله آغوش خود را برای او باز کرده‌اند تا محسن هاشمی به نام پدرش هم مشروعیتی دوباره به آنها بدهد و آنها را شریک در میراث آیت‌الله کند. اما خوب‌تر که نگاه کنی کارگزارانی‌ها چندان جنس‌شان با محسن جور نیست. یعنی بیشتر از اینکه در روش و منش یکی باشند در نام آیت‌الله مشترکند.

۷- محسن شاید این روزها یک حس ترکیبی داشته باشد. او هم دلخور است و هم امیدوار.

دلخور از اینکه اصلاح‌طلبان و حامیان دولت مشترکا بر سر شهردار شدن او مقاومت کردند و محمدعلی نجفی را به او ترجیح دادند. او اما امیدوار هم هست؛ گفته بود انتظار ندارد با این رای که آورده‌اند راتنها مسئول یک کمیسیون در شورای شهر کنند. او حالا رئیس شورای شهر تهران شده است. امیدوار است که در این سمت شخصیت تازه‌ای برای خود مهیا کند.

۸- حرف آخر اینکه به تردید محسن می‌خواهد از لاک تکنوکرات بودن خارج شده و به قامت یک سیاستمدار تمام‌عیار درآید. او می‌داند گذر زمان برای او بدون اینکه هیچ اتفاق مهمی رخ دهد چندان مطلوب نیست. او باید همین حالا تا یاد پدر این چنین زنده است به فکر برندینگ خود باشد.

اجازه دهید اندکی پیش‌بینی کنیم: «محسن هاشمی اگر رئیس شورای شهر تهران شود به ۱۴۰۰ هم فکر خواهد کرد.»

۴ او با سایر فرزندان هاشمی‌رفسنجانی تفاوت دارد. مانند مهدی و فائزه نگاهش به سیاست پرحاشیه نیست، حتی با فاطمه هم که این روزها و بعد از فوت پدر از کاراکتر قبلی‌اش فاصله گرفته، فرق‌هایی دارد. او شاید شبیه‌ترین فرد باشد به پدرش؛ سیاست را با حوصله دنبال می‌کند، محافظه‌کاری‌های خاص دارد و به وقتش در مواجهه با رقیب به بهترین شکل ممکن رفتار می‌کند. او بعد از درگذشت پدر شرایط ویژه‌ای پیدا کرده است. می‌توان در این باره نکاتی را مطرح کرد:

۱- محسن هاشمی‌رفسنجانی بعد از درگذشت پدر قبل از هر چیزی می‌بایست تلاش‌هایش روی کنترل حرف‌ها و حرکات برخی افراد در بیت آیت‌الله که ممکن بود حاشیه‌هایی را به وجود آورد متمرکز می‌کرد. اکنون با گذشت این زمان از فوت آیت‌الله می‌توان گفت محسن مدیریت خوبی در این زمینه داشته است.

۲- تفاوت او با دیگر فرزندان میل او به حضور در قدرت رسمی است. یعنی اگر دیگر فرزندان نمی‌توانند یا محدودیت‌هایی در این زمینه دارند، او یک چهره سفید محسوب می‌شود و حضورش در قدرت رسمی از قبل تا امروز امکان‌پذیر و مهیا بوده است.

۳- او در شرایط منحصر به فردی به سر می‌برد. پدرش در چند سال اخیر وضعیت خوبی در جامعه پیدا کرده بود. او در زمان درگذشت پدرش، یکی از محبوب‌ترین سیاستمداران ایرانی در سطح بدنه اجتماعی به شمار می‌آمد. نتیجه انتخابات‌شورها و میزان رای او در تهران نشان داد که او به خوبی از این میراث برجای‌مانده از پدر استفاده کرده است.

۴- او روابط خوبی با شخصیت‌ها و افراد مختلف در ساختار قدرت رسمی دارد. به یک معنا او هم در میان اصلاح‌طلبان و هم در میان اصولگرایان از ارتباطات خوب

(نهمین شهردار تهران در سال ۱۳۶۸ پس از انقلاب)، الویری (دهمین شهردار تهران در سال ۱۳۷۸ پس از انقلاب) و ملک‌مدنی (یازدهمین شهردار تهران در سال ۱۳۸۰ پس از انقلاب گرفته تا محمود احمدی‌نژاد و محمدباقر قالیباف همکاری کند. در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، هاشمی نه تنها وقتی محمود احمدی‌نژاد شهردار بود، بلکه در دوران ریاست‌جمهوری وی هم در کسوت مدیرعاملی مترو باقی ماند.

سرانجام محسن هاشمی، در ۱۳ اسفند ۱۳۸۹، با ارسال نامه‌ای به شهردار وقت تهران محمدباقر قالیباف از سمت ریاست هیات‌مدیره و مدیرعامل شرکت متروی تهران استعفا داد و به سمت مشاور شهردار و عضو هیات‌مدیره از سوی قالیباف منصوب شد.

محسن هاشمی در دولت یازدهم به ریاست‌جمهوری حسن روحانی به عضویت هیات‌مدیره شرکت مادر تخصصی حمل و نقل ریلی کشور نیز درآمد.

محسن هاشمی، گزینه اصلاح‌طلبان برای ریاست‌شهرداری تهران

شهریور ۱۳۹۲، پس از برگزاری جلسات منظم اصلاح‌طلبان شورای شهر تهران برای معرفی کاندیدای واحد برای تصدی پست شهرداری تهران، محسن هاشمی به عنوان گزینه نهایی انتخاب شد.

با آغاز کار چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، محسن هاشمی جدی‌ترین گزینه اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان برای شهرداری تهران بود و رقابت نزدیکی با محمدباقر قالیباف برای احراز این پست داشت.

در نهایت در روز ۱۷ شهریور ۱۳۹۲ در جریان انتخاب شهردار توسط شورای شهر تهران، در دور اول رای گیری، محمدباقر قالیباف و محسن هاشمی هریک موفق به کسب ۱۵ رای شدند و یک رای سفید به صندوق انداخته شد. در دور دوم رای گیری، سرانجام قالیباف با کسب ۱۶ رای در مقابل ۱۴ رای محسن هاشمی و یک رای سفید برای سومین دوره چهارساله، شهردار تهران شد.

معاونت عمرانی دانشگاه آزاد

۲۲ روز پس از اماندن محسن هاشمی از شهرداری تهران، در تاریخ ۸ مهر ۱۳۹۲، حمید میرزاده (سرپرست وقت دانشگاه آزاد اسلامی) وی را به عنوان معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی منصوب کرد. در ۲۷ فروردین ۱۳۹۳ محسن هاشمی در دومین جلسه شورای عالی معماری دانشگاه آزاد، به عنوان رئیس این شورا انتخاب شد.

محسن هاشمی و سیاست

محسن هاشمی را می‌توان از میان فرزندان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی محافظه‌کارتر از بقیه دانست. وی در طول دوران خدمت علاقه‌ای به دعوای سیاسی نداشت تا جایی که برای دادگاه فاطمه هاشمی در ۱۸ دی ماه ۱۳۹۲ همه فرزندان و حتی مادر خانواده هم در کنار فاطمه بودند اما وی ترجیح داد صبح آن روز را جای دیگری جز دادگاه انقلاب بگذراند.

محسن هاشمی کمتر خودش را اهل حاشیه نشان داده و بیشتر از خود، چهره‌ای میانه‌رو به نمایش گذاشت. در نتیجه، از وی به عنوان شخصیتی کم‌حاشیه بین فرزندان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یاد می‌شود. محسن هاشمی در ۸ بهمن سال ۱۳۹۱، در گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم در پاسخ به سوال خبرنگار مبنی بر ورود جدی‌تر شما به عرصه سیاست اظهار داشت: «طبیعی است که اگر فضا در جهت اعتدال باز شود، علاقه برای حضور بیشتر شود.»





چگونه به نجفی رسیدیم؟

گفت‌وگوی مثلث با عضو شورای شهر پنجم

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

▲ بالاخره همه افراد و اشخاص و شخصیت‌های کشور و شهروندان تهرانی قطعاً یکسری تفاوت‌هایی با هم دارند. برای ما فرق و تفاوت این آقایان که بخواهیم آن را احصا کنیم و بگوییم، مطرح نبود. بلکه دنبال شاخص‌هایی بودیم و گفتیم کاندیداهایی که با این شاخص‌ها تطبیق دارند، می‌توانند به آن سازوکاری که برای رسیدن به شهردار نهایی است، به‌عنوان کاندیدا وارد شوند و بنابراین براساس همین سازوکار منتخبان شورای شهر پنجم در ابتدا ۲۴ نفر را پیشنهاد دادند و در بین این افراد رای گیری شد و منتخبین شورای شهر پنجم براساس شاخصها افراد را تطبیق دادند و ۷ نفر به مرحله دوم راه پیدا کردند که دو نفرشان در ترکیب کابینه قرار گرفتند. آقایان مهرعلیزاده و نجفی هم جزو آن پنج کاندیدا بودند که به مرحله پایانی راه یافتند. نهایتاً ضمن اینکه اعتقاد داشتیم آقای مهندس مهرعلیزاده یکی از مدیران بسیار ممتاز و برجسته کشور است و سوابق بسیاری خوبی هم در گذشته در کارنامه خود دارد، برآیند نظر منتخبین شورای شهر پنجم این بود که آقای دکتر نجفی گزینه ایده‌آل تری برای نحوه اداره شهر تهران است.

خود شما عضو شورای شهر چهارم هستید و سال ۹۲ هم وقتی می‌خواستید انتخاب کنید بین آقایان مهرعلیزاده و محسن هاشمی، آقای محسن هاشمی را اصلاح طلبان شورای شهر چهارم انتخاب کردند. الان هم بین آقای نجفی

محمد سالاری، عضو شورای شهر چهارم و پنجم تهران نحوه رسیدن به نام محمد نجفی برای تصدی کرسی شهرداری تهران را در گفت‌وگو با نشریه مثلث تشریح کرد. او صریحاً اعلام کرد در انتخاب شهردار گرایش حزبی لحاظ نشده است و این انتخاب براساس معیارهایی بود که منتخبان دوره پنجم شورای شهر تهران احصا کردند و مطابق آن به گزینه نهایی رسیدند. وی بر این نکته تأکید کرد که انتخاب رئیس شورای شهر آینده نیز با اجماع همه اعضا انجام خواهد شد.

و اعتقاد به اجرای مصوبات شوراست. اما چرا شهردار تهران باید اصلاح طلب باشد؟ چون اساساً مردم تهران در انتخابات گذشته با انتخاب شان این پیام را دادند که نمایندگان اصلاح طلب می‌توانند در پارلمان شهری در عرصه تصمیم‌گیری‌ها کنشگری کنند. ما هم باید برای تحقق این پیام شهروندان تهرانی، شهرداری را انتخاب می‌کردیم که ضمن داشتن مشخصات و شاخص‌های لازم برای مدیریت بهینه، رویکرد اصلاح‌طلبی نیز داشته باشد و از کارنامه مشخصی در این زمینه برخوردار باشد. بنابراین دقیقاً ما به انتخاب آقای نجفی اقدام کردیم.

فرق آقای نجفی با آقای مهرعلیزاده چه بود که آقای نجفی را انتخاب کردید و آقای مهرعلیزاده انصراف دادند؟

شورای شهر پنجم تهران از هفته آینده کار خود را آغاز می‌کند اما آنچه مشخص است، مهمترین چالش خود را در آغاز کار پشت سر گذاشت که آن هم انتخاب شهردار تهران بود. در این رابطه بفرمایید که برای رسیدن به نام آقای نجفی چقدر تصمیم‌گیری اعضای شورا و چقدر کارکردهای حزبی موثر بود؟

▲ به هر حال رسانه‌های سیاسی همه می‌دانند که ترکیب شورای شهر پنجم تهران برآمده از جریان اصلاحات، یکی از جریان‌های سیاسی اصلی کشور است و این گفتمان سیاسی را نمایندگی می‌کند. آقای دکتر نجفی هم دارای کارنامه بسیار روشن، هم در حوزه مدیریت عالی کشور و هم در حوزه اعتدال است.

ما تصمیمات خودمان را به اطلاع مردم عزیز کشور و شهروندان عزیز تهرانی می‌رسانیم. بر همین اساس اعلام شد جدا از بحث توانمندی و اینکه باید شهردار تهران در تراز ملی از قبیل وزرا و معاون رئیس‌جمهور و نمایندگان شاخص مجلس باشد، اعضای شورای شهر پنجم ۱۷ مورد مشخصات و ویژگی‌های عمومی شهردار تهران را احصا کردند که از جمله آنها موضوعاتی مثل اصلاح طلب بودن، پاک‌دستی، برنامه‌محوری، اعتقاد به خرد جمعی

تهران این جزو اختیارات شهردار تهران طبق قانون است و اعضای شورای شهر تهران حق دخالت ندارند. برای ما به عنوان منتخبین شورای پنجم مهم این است که افرادی که در مناصب مختلف مدیریتی قرار می‌گیرند، اعم از شهرداران مناطق یا معاونت‌های شهردار و اعضای هیات مدیره شرکت‌ها، می‌توانند در راستای اجرای مصوبات شورا شامل اجرای طرح جامع، طرح تفصیلی، برنامه پنج‌ساله و رویکردی که منتخبین شورا جهت نحوه اداره شهر اتخاذ می‌کنند، موفق باشند.

اما اگر مدیرانی باشند که در حوزه تحقق استراتژی رویکرد شورای پنجم که منطبق بر قوانین است، مشکل داشته باشند، به عنوان استفاده از اختیارات نظارتی قطعاً در این خصوص ورود خواهیم کرد ولی اینکه این ورود به مفهوم انتصاب یا معرفی یک فرد باشد، خیر این اتفاق نمی‌افتد. به منظور موفقیت شهردار منتخب خودمان تلاش می‌کنیم و در عین حال هیچگونه رودربایستی نداریم چون جایگاه شورا اعم از جایگاه قانونگذاری و جایگاه نظارت بر عملکرد مدیریت شهری و مدیران شهرداری تهران خط قرمز است ولی تأکید بر این خطوط قرمز به مفهوم معرفی افرادی برای انتصاب توسط شهردار تهران نخواهد بود.

آیا کسانی مثل خانم کولابی، آقای مهرعلیزاده و دیگران که انصراف دادند تا آقای نجفی به شهرداری تهران برسد، در مسئولیت‌های مدیریت شهری به کار گرفته خواهند شد؟

▲ به هر حال اینکه آیا از توانمندی این دوستان در حوزه اجرایی و مدیریت شهری استفاده شود یا نه، جزو اختیارات شهردار محترم است. قطعاً یکی از اولویت‌های مهم شورای پنجم است که از مجموعه ظرفیت‌ها استفاده کند.

کاندیداهایی آمدند به صورت جدی نسبت به ارائه برنامه‌های شان اقدام کردند و انصافاً برنامه‌های بسیار خوبی ارائه دادند، نه تنها باید این برنامه‌ها را مورد توجه قرار داد بلکه از سایر دیدگاه‌هایی که در دانشگاه‌ها، فضاهای کارشناسی، جریان اصلاحات و اعتدال وجود دارد نیز باید استفاده شود. منتها اینکه آیا این افراد باید در شهرداری تهران مسئولیتی داشته باشند، از اختیارات شخص شهردار تهران است و خود ایشان باید به این سوالات پاسخ دهد. ▶

فردی و شخصی دارای سوابق مدیریتی قابل توجهی بودند و هستند.

در مورد انتخابات هیات رئیسه چطور رفتار خواهد شد؟ قبلاً این طور مطرح می‌شد که اگر آقای هاشمی به عنوان یکی از گزینه‌های مطرح برای شهرداری تهران ورود نکند، ریاست شورا را برعهده خواهد داشت. آیا اینجا هم به نفع جریان یا گزینه مطلوب حزب کارگزاران انتخاب خواهد شد؟

▲ اگر این را مفروض سوالات خودتان قرار دهید، فرض غلطی است و به رغم اینکه من عضو حزب کارگزاران نیستم و عضو یک حزب اصلاح طلب دیگری هستم ولی اعتقادم بر این است که همکاران ما فراتر از بحث حزبی بودن و حضورشان در حزب می‌خواهند در اداره شهر تهران موفق شوند. به هر حال آقای محسن هاشمی هم اخیراً عضو کارگزاران شده و رئیس شورای مرکزی کارگزاران است ولی آقای محسن هاشمی بالاخره فردی است که جدا از اینکه عضو حزب کارگزاران است یک شخصیت ملی و فراملی در کشور محسوب می‌شود. او در مجموعه مسئولیت‌هایی که در گذشته داشته، اساساً نگاه و دیدگاهش صرفاً حزبی نبوده، هر چند که کار حزبی هم انجام می‌دهد. بنابراین نمی‌توان شخصیت آقای محسن هاشمی را به حضورش در حزب سیاسی کارگزاران محدود کرد.

در مجموع ما هنوز در این خصوص تصمیمی نگرفته‌ایم و اساساً جلسه‌ای به صورت جدی در خصوص رئیس شورا و بقیه ارکان شورا نگذاشته‌ایم ولی قطعاً در اولین جلسه این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد. دوستان دیگر غیر از آقای هاشمی هم از همکاران ما دارای این ظرفیت برای حضور در منصب ریاست شورا هستند که مبتنی بر مصلحت شهر و شهروندان تصمیم خواهیم گرفت. مطمئن هستیم با توجه به فضای اجماعی که در بین منتخبین شورا است، نهایتاً از بین این افراد ان‌شاء‌الله روی ریاست یک نفر اجماع خواهیم کرد. مثل همان اجماعی که در خصوص شهردار تهران انجام شد.

در خصوص انتخاب مناصب شهرداری چطور رفتار خواهد شد؟ آیا با نظر شورای شهر اتفاق می‌افتد یا شهردار اختیار تام در این زمینه دارد؟

▲ اساساً در خصوص انتصاب مدیران شهرداری

و آقای مهرعلیزاده به آقای نجفی رای دادند. این اتفاقات باعث می‌شود این ایده در فضای رسانه‌ای شکل بگیرد که حزب کارگزاران خیلی در انتخاب گزینه نهایی شهردار، تأثیرگذاری دارد، شما که از نزدیک در هر دو پرسوسه حضور داشتید، بفرمایید آیا این طور است؟

▲ خیر، این مبتنی بر ذهنیت فکری برخی است که دارند. این قیاس اصلاً یک قیاس مع الفارق است. بالاخره آن زمان رقابت بین آقای هاشمی و آقای مهرعلیزاده و چند نفر دیگر از کاندیداها بود ولی الان وضعیت دیگری است. به هر حال منتخبین شورای پنجم در حوزه سیاسی اعتقاد به کار تخصصی و کارشناسی دارند و به هیچ عنوان برای مان موضوع حزبی و گروهی در اولویت نیست. بنابراین ما همه کاندیداهای شهرداری تهران از جمله آقایان مهرعلیزاده، مرعشی و نجفی و خانم کولابی را فراتر از نگاه حزبی مورد بررسی قرار دادیم.

کاندیداها از گروه‌های مختلفی بودند و ممکن است برخی هم به لحاظ دیدگاه نزدیک به یک حزبی باشند. هم دوستان کارگزاران و آقای نجفی خودش اعلام کرد که او یک زمانی عضو حزب کارگزاران بوده و الان ارتباط تشکیلاتی با این حزب ندارد.

آیا آقای نجفی را در سال ۱۴۰۰ در قامت نامزد ریاست جمهوری خواهیم دید؟

▲ این بحث‌هایی است که فکر می‌کنم الان نباید پاسخ بدهیم. ما آقای نجفی را به عنوان شهردار تهران انتخاب کرده‌ایم. ایشان هم در مصاحبه‌شان در حضور خبرنگاران اعلام کرد که چهار سال آخر دوره مدیریتم است و تمام سعی و تلاشم این است که در راستای حل مشکلات و اداره شهر تهران بتوانم با کمک شورا و مردم تهران موفق شوم. من فکر نمی‌کنم که آقای نجفی در برنامه‌های شان چشم‌اندازی برای انتخابات ریاست جمهوری تعریف کرده باشد. به‌ویژه اینکه این بحث‌ها الان اولویت ما نیست. اولویت ما همین است که شهردار منتخب و همه ذینفعان این شهر در راستای حل مشکلات شهر کام بردارند.

پس، اینکه تحلیل می‌شود کارگزاران با آوردن نجفی در قامت شهردار تهران و از آن طرف جهانگیری در قامت معاون اول رئیس جمهور، دست بالایی را برای انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری دارد، به نظر شما تحلیل درستی است یا اشتباه؟

▲ ببینید! این بحثی است که باید از خود دوستان کارگزاران سوال شود ولی تحلیل من این است، دوستانی که در کارگزاران حضور دارند اساساً ما هو خودشان، یعنی فرد آنها و تعداد قابل توجهی از اعضای حزب کارگزاران که البته به دهه‌های گذشته برمی‌گردد، جزو مدیران بنام و ارشد کشور بوده و هستند. بنابراین نمی‌توان گفت که صرفاً حضور آنها در حزب کارگزاران باعث شده که امروز آقای دکتر جهانگیری در قامت معاون اول قرار بگیرد و آقای دکتر نجفی به عنوان شهردار تهران یا آقای محسن هاشمی در شورای شهر تهران.

من فکر می‌کنم به هر حال اینکه امروز ما شاهد حضور برخی از اعضای فعلی و قبلی حزب کارگزاران یا سایر احزاب اصلاحات در بعضی از مسندهای عالی مدیریتی کشور هستیم، مبتنی بر ظرفیت فردی و شخصی و توانمندی‌های شخصی آنهاست تا اینکه صرفاً بحث حضورشان در حزب مطرح باشد. ضمناً همانطور که تشکیل یک حزب یا تشکل سیاسی کنشگری در حوزه رفتن به سمت قدرت و تأثیرگذاری در فرآیند مدیریتی کشور است، قطعاً این هم تأثیر داشته ولی افرادی که شما نام بردید، جدا از اینکه عضو حزب کارگزاران هستند به لحاظ



کاندیداها از گروه‌های مختلفی بودند و ممکن است برخی هم به لحاظ دیدگاه نزدیک به یک حزبی باشند. هم دوستان کارگزاران و آقای نجفی خودش اعلام کرد که او یک زمانی عضو حزب کارگزاران بوده و الان ارتباط تشکیلاتی با این حزب ندارد



کارگزاران اعمال نفوذ نکرد

گفت و گوی مثلث با حسن رسولی

مردم در شورای آینده، می‌توانستند سه نفر را که از نظر آنان حائز شرایط احراز بودند و قابلیت‌های لازم را مطابق با ویژگی‌های تدوینی دارند به عنوان لیست اولیه کاندیدا اعلام کنند. با توجه به همپوشانی‌هایی که در بین این جمع ۲۱ نفره یکدست وجود داشت، به یک لیست بلند ۲۱ نفره رسیدیم و بر اساس فرآیند توافق شده از بین این ۲۱ نفر در مرحله بعد به ۷ نفر رسیدیم. دو نفر از این دوستان به دولت پیوستند و از گردونه خارج شدند و از ۵ نفر باقیمانده در آخرین مراحل غربالگری، آقای دکتر افشانی استاندار محترم فعلی فارس انصراف داد و ۴ نفر باقیمانده از ۷ نفر، هفته گذشته طی دو روز در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه صبح و بعد از ظهر برنامه‌های خودشان را مطابق با اسناد بالادستی و انتظاراتی که شورای شهر آینده تهران، ری و تجریش از آنان داشت، ارائه کردند. ما مهمترین جلسات استماع را طی این دو روز صبح و بعد از ظهر داشتیم که به صورت شفاف همه مذاکرات از طریق فضای مجازی به سمع و نظر مردم شریف تهران رسید و در نهایت قرار گذاشته بودیم که شهردار آینده تهران از بین مدیران پاکدست، اصلاح طلب، مجرب و ملی به صورت اجماعی انتخاب شود.

در آخرین مراحل سرکار خانم دکتر کولایی، آقای دکتر مهرعلیزاده، جناب آقای مهندس نجفی و مهندس مرعشی برنامه‌های بسیار دقیق و کاربردی ارائه کردند، سپس با لحاظ کردن تحقق راهبرد اجماعی و کمک به انسجام شورا که این مهم، با پرهیز از برقراری رقابت بین آنان بیشتر میسر می‌شد، شرایطی فراهم کردند که جناب آقای دکتر نجفی از مدیران اصلاح طلب، مجرب،

سکان هدایت شهرداری تهران را بعد از ۱۴ سال دوباره یک اصلاح طلب به دست می‌گیرد اما در انتخاب محمدعلی نجفی برای این مسئولیت حرف و حدیث کم نیست، از عارضه قلبی او تا نقش کارگزاران و دولت روحانی در تحقق این مساله مورد نقد و تحلیل است. حسن رسولی از اعضای شورای شهر پنجم می‌گوید: «عارضه قلبی محمدعلی نجفی بر طرف شده است و ملاک انتخابش نیز به عنوان شهردار تهران اعمال نفوذ کارگزاران یا دولت روحانی نبود بلکه ملاک، سابقه و تجربه غنی مدیریتی او در سطح کلان کشوری بود.»

اصلاح طلبان تدوین گردیده بود، ۱۴ ویژگی و شاخص را برای انتخاب شهردار آینده به بحث گذاشتیم و به صورت توافقی آن ویژگی‌ها را نهایی کردیم. علاوه بر این معیارها و شاخصهای مربوط به شرایط احراز شهردار آینده تهران، فرآیندی را پس از انجام بررسی‌های کارشناسی مطرح و نهایی کردیم که چگونه از چه نقطه‌ای مساله انتخاب شهردار مبتنی بر این معیارها آغاز شود و طبق قانون شورای اسلامی شهرها و روستاهای کشور و آیین‌نامه مربوطه چه مسیری را باید طی کند تا به نقطه پایانی برسد. این فرآیندها نهایی شد و در مرحله چهارم که مقطع تطبیق مصادیق مورد نظر شورای ۲۱ نفره دوره پنجم شهر است، نامزدهایی را به صورت اجماعی معرفی کردیم و به طور مشخص هر کدام از نمایندگان

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

از اول شهریور یعنی چند روز آینده، پنجمین دوره شورای شهر اسلامی تهران کار خود را آغاز می‌کند، چقدر از برنامه‌هایی که برای شورای پنجم در نظر داشتید تا اینجای کار جامه عمل پوشانده شده است؟

▲ به نظرم چه از منظر یک شهروند اصلاح طلب رای داده به ۲۱ نفر و چه به عنوان یکی از منتخبین شورای پنجم که افتخار اعلام اعتماد شهروندان عزیز تهرانی را کسب کرده‌ام، هر چند تا به امروز هنوز با توجه به طولانی بودن دوره انتقال و بازه زمانی گذار، به طور رسمی کار شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش آغاز نشده است اما ظرف نزدیک به سه ماه گذشته، مجموعه ۲۱ نفره منتخبین مردم، بی‌وقه با هدف کسب آمادگی لازم به منظور ایفای وظایف و کالتی محوله توسط مردم شریف تهران فعالیت خود را آغاز کردند و تا الان قریب به ۳۰ جلسه رسمی به معنای حضور همه اعضا برگزار شد. ما منتخبان شورای شهر پنجم تهران اطلاعات پایه و اولیه مورد نیاز را برای دریافت تصویر از حوزه مدیریت شهری اعم از شورای اسلامی شهر و شهرداری دریافت و جمع‌بندی کرده‌ایم. برای انجام مهمترین ماموریت و وظیفه که انتخاب شهردار آینده پایتخت است، طی جلسات گوناگون متاثر از گفت‌وگو و راهبردهای جامعه اصلاح طلبان که توسط شورای عالی

با دولت نشدیم. ولی همانطور که گفتیم غرض ما از انتخاب یک چهره و شخصیتی مثل آقای دکتر نجفی این بود که نه تنها با دولت هماهنگ باشد بلکه بتواند با رفت و آمد آسان در تمامی کردیدورهای تصمیم‌گیری ساختار جمهوری اسلامی ایران، هم از دستاوردهای تعاملی این ارتباطات استفاده کند و هم اینکه از ایجاد فاصله بین حوزه مدیریت شهری و دولت جلوگیری کند و امیدوار هستیم و این قول را به مردم داده‌ایم که ان شاء الله آقای دکتر نجفی باتوجه به سوابق منتج و طولانی که در مدیریت کشور دارد، چون از سال ۶۰ عضو باشگاه مدیران ارشد و وزرای جمهوری اسلامی ایران بود، بلافاصله پس از شروع کار شورای اسلامی شهر تهران همانند دوره اصلاحات و با قصد و نیت هم‌افزایی و حداکثرسازی هماهنگی با دولت، کرسی شهرداری تهران را مجدداً در دولت دوازدهم به دست بیاورد و در جلسات دولت شرکت کند.

ظاهراً حزب کارگزاران در اینکه اعضای شورای شهر پنجم به سمت انتخاب آقای نجفی بروند، نقش کلیدی داشت. واقعا فعالیت حزبی و تشکل سیاسی چقدر در اینکه اعضا به این نتیجه برسند، موثر بود؟

▲ به نظر من آنچه که در فضای رسانه‌ای و در محافل سیاسی جریان دارد، ضمن اینکه قابل احترام است و بالاخره انتخاب شهردار برای پایتخت یک تصمیم بسیار مهم سیاسی بوده و حق تحلیلگران و احزاب و گروه‌ها هست که متناسب با تشخیص خودشان به این مورد بپردازند ولی من هم به عنوان یک فعال سیاسی و هم عضو شورا، براساس آنچه که شاهد و ناظر بودم، واقعا ما ۲۱ نفر فقط از اینکه کدام یک از ما به یکی از احزاب سیاسی نزدیکی بیشتری داریم، خودمان جمع ۲۱ نفره پیوسته‌ای داریم. من شخصا آقای دکتر نجفی را عضو حزب کارگزاران نمی‌دانم. او جزو موسسین کارگزاران بود اما به طور مشخص از سال ۸۸ به این طرف در هیچ کدام از کنگره‌ها و ارکان حزب کارگزاران شرکت نداشت. ما بیشتر آقای دکتر نجفی را به لحاظ بهره‌مندی از مدیریت‌های کلان و تجارب ارزنده ملی برگزیدیم. او شش سال وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و آموزش عالی بود. ریاست سازمان امور و برنامه بودجه را بر عهده داشت و جزو وزرای نسل اول انقلاب است و این قابلیت‌ها نقش اول را در کسب رای ۲۱ نفره اعضای شورای شهر پنجم داشت تا سایر وابستگی‌ها. ▲



بدون تعصب باید بگوییم که طی قریب به سه ماه گذشته، حتی در یک مورد ما در این جمع متکثر از لحاظ نسلی، سنی و جنسی با نقطه نظرات متفاوت کارشناسی، به کوچکتزین چالش و تشیی بر نخوردیم

من شخصا آقای دکتر نجفی را عضو حزب کارگزاران نمی‌دانم. او جزو موسسین کارگزاران بود اما به طور مشخص از سال ۸۸ به این طرف در هیچ کدام از کنگره‌ها و ارکان حزب کارگزاران شرکت نداشت

صادقانه و کارآمد ان شاء الله مدد کنیم تا بتوانیم این رسالت سنگینی را که شهروندان عزیز پایتخت بر دوش ما ۲۱ نفر گذاشته‌اند به نحو مطلوبی به سرمنزل مقصود برسانیم.

آقای نجفی که به عنوان شهردار تهران انتخاب شد، یکسری انتقادات متوجه اعضای شورای شهر آینده و خود آقای نجفی شد. عمده این انتقاد آن بود که او وقتی در دولت گذشته به عنوان معاون رئیس جمهور و ریاست سازمان گردشگری و صنایع دستی منصوب شد، بعد از چند ماه به دلیل عارضه قلبی اعلام استعفا کرد. الان سوال اینجاست که باتوجه به حجم کار زیادی که در شهرداری تهران هست و خود اصلاح‌طلبان اشاره کردند که باید کارهای زیادی در حوزه مدیریت شهری انجام شود، چطور آقای نجفی برای این مسئولیت انتخاب شد؟

▲ به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. در ملاقاتی که به نمایندگی از شورای دوره پنجم، من و آقای دکتر مسجدجامعی خدمت آقای نجفی قبل از هر نوع تصمیم‌گیری داشتیم، همین سوال را از ایشان کردیم و پاسخ او این بود که براساس نظریه پزشکی معالج خوشبختانه آن عارضه قلبی کاملاً برطرف شده و هیچ گونه مشکلی ندارد. حتی در جلسه صبح چهارشنبه هفته قبل مربوط به استماع برنامه‌های ایشان، از باب محکم کاری باز همین سوال در منظر و ملاوی عمومی و در جمع ۲۱ نفره از آقای نجفی پرسیده شد که باز پاسخ مثبت داد و من به شوخی خدمت او عرض کردم که کار شهرداری کار بسیار سنگینی است و ما از شما می‌خواهیم که قول بدهید این دفعه شما به پزشک محترمانه توصیه بفرمایید که از آن توصیه‌های سال ۹۳ که منجر به جداسدن‌تان از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شد، نکنند و ایشان این قول را به ما داد. مضاف بر اینکه قول دیگری هم که از آقای دکتر نجفی و از سه بزرگوار دیگری که نامزدهای ما بودند، گرفتیم این بود که طی دوره ۱۴ ساله قهر دولت با مدیریت شهری مردم شریف تهران در حد وثیقی متضرر شده‌اند و شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش برای دوره پنجم به دنبال انتخاب شهرداری است که فقط به شهرداری ببیند و باز تعبیری که به کار برده شد این بود که شهردار اصلاح‌طلب و پاکدست آینده تهران به تداوم این گزاره سیاسی که راه رسیدن به پاستور از بهشت می‌گذرد، پایان دهد که ایشان هم رسماً اعلام کرد که هیچگونه قصدی برای کاندیداتوری برای انتخابات ریاست جمهوری ندارد.

نکته دیگر در این مورد همین موضوعی است که شما بدان اشاره کردید. دولت چقدر در انتخاب آقای نجفی به عنوان شهردار نقش داشت و تاثیرگذار بود و چقدر این مهم بود که ایشان نقطه وصل دولت و مدیریت شهری تهران باشد؟

▲ ما به صورت مستقیم در این مورد وارد گفت‌وگو



پاکدست و شناخته شده سطح ملی کشور با ۲۱ رای کامل را به عنوان شهردار آینده تهران کسب کرد. الان طی این روزها علاوه بر اینکه در جزئیات با شهردار منتخب مان گفت‌وگو می‌کنیم، طی روزهای آینده و قبل از آغاز به کار رسمی شورای شهر، وارد مرحله پنجم کار خواهیم شد که آن هم تصمیم‌گیری در مورد ارکان شورا است. یعنی انتخاب رئیس، نایب رئیس، خزانه‌دار، سخنگو، روسای کمیسیون‌ها و سایر ارکانی که تشکیل دهنده ساختار شورا هستند. بدون تعصب باید بگوییم که طی قریب به سه ماه گذشته، حتی در یک مورد ما در این جمع متکثر از لحاظ نسلی، سنی و جنسی با نقطه نظرات متفاوت کارشناسی، به کوچکتزین چالش و تشیی بر نخوردیم. من با شناختی که از سایر دوستان کسب کردم، یقین دارم که همه این ۲۰ نفر بهتر از بنده به حساسیت نقش و جایگاه شورای دوره پنجم که پس از ۱۴ سال مجدداً به دست اصلاح‌طلبان افتاده است، واقف هستند و اهتمام جدی دارند و داریم که در عین حفظ این انسجام و همبستگی، در ابعاد سیاسی که لازمه پیشبرد اهداف اصلاح‌طلبان بر عهده مدیریت شهری است در سایر مسائل و موضوعات در ارائه نقطه نظرات متنوع کارشناسی و زمینه‌سازی برای تضارب هر چه بیشتر آرا و افکار مبتنی بر خرد جمعی یا ملاک قرار دادن گفت‌وگو میان اصلاحات و اخلاق اصلاح‌طلبانه ان شاء الله تلاش کنیم که انتظارات و مطالبات رای دهندگان به این ۲۱ نفر را برآورده سازیم. بنابراین براساس این ارزیابی که بدان اشاره کردم، عملکرد این دوره گذار را به خصوص در انتخاب آقای شهردار مثبت ارزیابی می‌کنم و کاملاً خوشبین و امیدوار هستم که با استعانت از عنایات حق تعالی و جلب همکاری همه ارکان نظام و گروه‌ها و همه مراجع و نهادهایی که در قانونگذاری و اداره پایتخت مستقیم و غیرمستقیم ذینفع هستند با تعامل مثبت،



سیطره روحانی بر اصلاحات

گفت و گو با مجتبی شاکری درباره شهردار شدن محمدعلی نجفی

امید کرمانی
خبرنگار

شما به عنوان کسی که سابقه حضور در دوره چهارم شورای شهر تهران را در کارنامه دارید بفرمایید، چطور شد که اعضای اصلاح طلب دوره پنجم روی نام آقای نجفی برای قرار گرفتن در جایگاه شهردار تهران اجماع کردند؟

▲ طبیعی است. البته واقعا برگزاری انتخابات شورای شهر پنجم تهران را دخل و تصرف به صورت نرم افزاری می دانم. مگر هم این را گفتیم ولی در آخر هم نه وزیر کشور و نه فرماندار حاضر نشدند حق کسانی را که شکایت کردند ادا کنند و انصافا حق الناس برگردن آنها است. یعنی عبارت صریح این است که باید ۱۰ درصد صندوق ها را می شمردند. این ۱۰ درصد در دوره قبل هم بود و عمل شد. در انتخابات ریاست جمهوری گذشته هم عمل شد اما اینها عمل نکردند. حتی ۵۰ صندوقی هم که قرار بود پیگیری کنند این پیگیری انجام نشد. دست آخر گفتند ۵ صندوق که همان ۵ صندوق را هم نشمردند. یعنی از هیچ کدام شکیان برای شمارش صندوق دعوت نشد. واقعا این حق الناس را برگردن دوستان وزارت کشور و فرمانداری می دانم. اما این وضعیت پیش آمده محصول یک شورای لیستی است که آمدند و حاکم شدند و از پشت صحنه این هماهنگی ها

صورت گرفت و نامزدهایی برای انتخاب شهردار از کارگزاران و اصلاح طلبان مطرح شدند. فکر می کنم در مجموع امتیازاتی که سرشماری کردند، به این ختم شد که آقای نجفی رای بیورد. چون آقای نجفی از کارگزاران تجربه شورای شهر سوم را هم دارد و در سازمان برنامه و بودجه هم زمانی مسئولیت داشت. همچنین مدتی هم ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را عهده دار بود و رابطه اش نیز با دولت خوب است؛ ضمن اینکه فکر می کنم استراتژی آقای روحانی پیمودن راه آقای هاشمی است. آقای هاشمی معتقد بود که باید کارگزاران را به کار گرفت و نباید از مشارکتی ها و اصلاح طلبانی از آن دست استفاده کرد چرا که آنها را تندرو می دانست و از به کارگیری آنها ابا داشت. یعنی حجاریان و دار و دسته آنها را خیلی قبول نداشت، بنابراین سعی می کرد که از آنها فاصله و کارگزاران را به کار گیرد. به نظر می رسد که اینجای نوعی سیطره آقای روحانی بر آقای خاتمی چربید و باز هم از کارگزاران برای مدیریت شهری انتخاب شد. البته کابینه خود آقای رئیس جمهور هم تقریبا همین طور است. یعنی سیطره کارگزاران اش قوی تر از سیطره مشارکتی اش است.

آقای نجفی اعلام کرد «من رای سیاست را از تن درآوردم و به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ فکر نمی کنم»، به نظر شما این حرف چقدر شعاری و چقدر واقعی است؟

▲ بعد از این سال ها، اعتقادات سیاسی آدم ها با مشی مدیریتی شان در هم تنیده و آمیخته می شود ولی این را قبول دارم که جنس بسیاری از مسائل مدیریت شهری، سیاسی نیست. حتی مصوباتی که در دوره چهارم داشتیم، واقعا بیش از ۹۵ درصد مصوبات مثل تعرفه طرح ترافیک را نمی توان به لحاظ جریانی تفکیک رای کرد. کسانی که بیرون از شورا هستند، خیلی سعی دارند نگاه جریانی را در شورا غالب کنند. یعنی کلیشه جریانی را بگذارند و نظر دهند ولی واقعیت امر در داخل شورا این طور نیست. البته نمی خواهم بگویم که آن ۵ درصد نگاه جریانی وجود ندارد.

به نظر شما آقای نجفی به ریاست جمهوری هم فکر خواهد کرد یا خیر؟

▲ درباره کسی از کسی دیگر پرسیدند و او گفت «ساعت چند است؟» گفتند «۸:۳۰». گفت «تا این ساعت من این مقدار از ایشان می دانم ولی نمی دانم ساعت ۸:۳۱ چه اتفاقی خواهد افتاد.» در دوران انقلاب اسلامی کسانی بودند که می گفتند به این عرصه نمی آیند و حتی رفتند استمراج هم کردند ولی باز هم بشر است و در یک وادی می افتد و ترغیب می شود که بیاید. پس این تصمیمات خیلی قابل اعتنا نیست.

بحث دیگری که وجود دارد این است که آیا آقای نجفی بر اساس نظر خود اعضای شورای شهر پنجم، شهردار تهران شد یا اعضای شورای شهر بر اثر اراده کارگزاران به این نتیجه رسیدند؟ به عبارت دیگر آیا حزب کارگزاران سازندگی در انتخاب آقای نجفی دخل و تصرف داشت؟ در حال حاضر نسبت حزب کارگزاران با اصلاح طلبان چطور تعریف می شود؟ آیا نقش برادر بزرگتر را ایفا می کند؟

▲ این خبری که خانم دانشور گفت و اعلام کرد ۲ میلیارد تومان برای یک صندوق فلان فرد مطالبه شده، به کجا رسید؟ ایشان برای جمع آوری فهرست چه کاره است؟ چه جایگاهی دارد؟ حتی دوستان این دوره شورا که از مجموعه طیف اصلاح طلبان هستند به مثابه یک آتش زیر خاکستر هستند و هنوز هم نمی پذیرند که به چه دلیل آقایان دنیامالی، دوستی، حقانی و حکیمی پور نتوانستند در لیست قرار گیرند؟ این تصمیم در کجا گرفته می شود؟ بنابراین شما خیلی به اینکه تصمیم گرفتند در شورای جدید، فلانی شهردار بشود یا نشود، اعتنا نکنید. خود این دوستان که آمدند بر اساس تصمیم چه کسی بود؟ کدام یک از اینها رزومه پر و پیمان شهری دارند؟ البته برخی از آنها دارند ولی اکثریت شان اصلا رزومه ای در مسائل شهری ندارند. نه اهل مناظره بودند، نه مقاله و پژوهش داشتند و نه تجربه مدیریتی. پس چه کسی تصمیم به حضور آنها در لیست گرفت؟ اما کسانی مثل آقایان دوستی، حقانی یا دنیامالی در فهرست نهایی نبودند؟ بنابراین کمی باید مساله را عمیق تر دید.

به نظر شما واقعا کارگزاران الان نقش پدرخواندگی را در جریان اصلاحات دارد؟

▲ الان آقای روحانی هم در خلوت و هم در اخبار بیرون می گوید «نهایتا اصلاح طلبان و جریان مشارکتی ها چقدر رای دارند؟» قبل از آنکه ثبت نام کند نیز گفت: «شما اصلاح طلبان و مشارکتی ها عددی نیستید، شما نهایتا بین ۳ تا ۴ میلیون بیشتر رای ندارید و رای مال خودم است.» رایزنی های فشرده ای که آقای خاتمی با آقای روحانی داشت، بالاخره موجب شد که آقای روحانی بپذیرد یک نفر دیگری مثل آقای جهانگیری هم در کنار او نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود. در واقع آقای روحانی با شرط و شروط سنگین حاضر به پذیرش آقای جهانگیری شد. به طوری که در ایام انتخابات آقای جهانگیری هیچ ستادی

قابل توجه است. اعضای شورای شهر پنجم تهران دچار یک نوع عمل زدگی هستند یعنی می‌خواهند شعارهای بسیار سنگین را در فاصله زمانی دو سال به نتیجه برسانند. در حالی که اشاره کردم دو سال آینده وضعیت به چه صورت است و این مساله دست و پای شان را می‌بندد و آنها را با یک وضعیت بی‌عملی مواجه می‌کند، حال آنکه داوری شهروندان تهران متوقف نمی‌شود. به نوعی همان اتفاقی می‌افتد که آقای روحانی با مشکلات بسیار توانست آن را زمان انتخابات پنهان کند. چون از سال ۹۲ تا ۹۶ با یک بی‌عملی مواجه بودیم اما آقای روحانی در همه مناظرات با ترفندهایی عبور می‌کرد که کاندیداها به آن نپردازند و آقای جهانگیری هم در این جهت خیلی به او کمک کرد. الان هم شورای شهر جدید گرفتار همین ماجرا می‌شود.

در واقع به نظر شما این مساله باعث می‌شود که آقای نجفی به نحوی کناره‌گیری کند؟

▲ آقای نجفی به خصوص از طرف همین شورای شهر جدید تحت فشار شدید قرار می‌گیرد چون آنها می‌خواهند کارهای چشم‌پرنکی انجام دهند که لازمه آن، این است که ردیف‌های بودجه‌ای را رعایت نکنند. در این صورت آقای نجفی کسی نیست که خلاف بودجه عمل کند و شعله این اختلاف بالاتر خواهد رفت.

یعنی شاید اصلا به کناره‌گیری ایشان قبل از پایان دوره پنجم شورای شهر بینجامد؟

▲ همه اینها نگران هستند. یعنی در داخل خود این مجموعه با دوستانی که صحبت کردم این نگرانی را دارند. بالاخره شهردار باید اعمال قدرت کند. این اعمال قدرت در عزل و نصب هاست.

این نگرانی ناشی از رها کردن مسئولیت توسط آقای نجفی در میانه راه است؟

▲ جسم ایشان یک نکته است و جایگاه شهردار بودن هم یک نکته دیگر. بالاخره ایشان باید بتواند مدیریت کند. اگر قرار شود جلوی اعمال مدیریت به هر دلیلی گرفته شود باید طوری عمل کند که طیف رای دهندگانش قوی باشند و فقیه خواسته‌هایشان را پایین بکشند یا اینکه بگویند من با فشار شما نمی‌توانم کار کنم. یعنی بین این دو امر معلق باقی بماند.

▲ پس نگرانی این وجود دارد که آقای نجفی به خاطر فشارها استعفا دهد؟

البته دو، سه نکته وجود دارد. مساله سلامت جسمی شان سر جای خودش باقی است. انتخاب همکاران بسیار در این قضایا موثر است چون فقط بسته شدن فهرست نبوده است بلکه باید بتواند جمعیت کثیری از کسانی را که در ستادهای عملیاتی بودند را مدیریت کند چون آنها انتظار دارند داخل شهرداری جایگزین شوند. اگر آقای نجفی به این خواسته تن دهد، یعنی باید مدیران لایق شهرداری را کنار بگذارد و افرادی را بیاورد که بخواهند تازه مشق مدیریت کنند و این مشق مدیریت برای آدم سابقه‌داری مثل آقای نجفی خیلی سنگین است. ایشان تحت فشار است که برایش دیگران کار کرده‌اند تا او شهردار شود و باید آنها را به کار بگیرد. در مجموع اگر با معیار مدیریت شهری بسنجیم آقای نجفی نباید جایگاه مدیران باتجربه شهرداری تهران را برای آن افراد مطالبه‌گر خالی کند ولی اگر با ملاک جریان‌نگاه کنیم، آن افراد معتقدند نجفی را آنها سر کار آوردند و او باید این جایگاه مدیریتی را خالی کند، در حالی که تجربه‌ای در حوزه مدیریت شهری ندارند.

در واقع شما پیش بینی می‌کنید که آقای نجفی در میانه راه کناره‌گیری می‌کند؟

▲ به نظرم کار بسیار سختی پیش رو دارد. ایشان اگر بخواهد بر مشی مدیریتی و سلامت مدیریتی‌اش باقی بماند تحت فشار شورا و حواشی شورا مجبور به کناره‌گیری خواهد شد. ▶



▼ **مجتبی شاکری، عضو فراکسیون اصولگرایان شورای شهر چهارم تهران به تاثیر کارگزاران و غلبه اراده روحانی بر تصمیمات اصلاح‌طلبان اشاره می‌کند و می‌گوید: «سیطره آقای روحانی بر آقای خاتمی چربید و باز هم از کارگزاران برای مدیریت شهری انتخاب شد.» عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران تاکید می‌کند: «نجفی اگر بر مشی مدیریتی و سلامت مدیریتی‌اش بخواهد باقی بماند، تحت فشار شورای شهر پنجم و حواشی شورا مجبور به کناره‌گیری از جایگاه شهردار تهران خواهد شد.»**

شما مدعی این چیزها بوده‌است. آیا الان جریان شما آقای نجفی را در این جایگاه قبول دارد؟ باز هم بر همان حرف‌ها هستید یا اینکه نه، الان دیگر از آن ادعاها و اعتراضات گذشته‌اید و عبور کرده‌اید؟ اگر شما می‌گفتید که تراکم و ماده ۱۰۰ فلان است حالا که آمده‌اید چقدر احکام ماده ۱۰۰ را اجرا می‌کنید؟ چقدر بافت فرسوده را می‌توانید احیا کنید و چقدر می‌توانید مطالبات تان را از دولت بگیرید؟ چقدر آسیب‌های اجتماعی را می‌توانید مهار کنید؟ من فکر می‌کنم که کار این شورا از چند جهت سخت است.

یکی به لحاظ اینکه همان دو سال را جبراً از دست می‌دهند اما مطالبه مردم فروکش نمی‌کند و سر جای خودش باقی می‌ماند چون حضور مردم در انتخابات خیلی جدی بود و از طرفی اگر اصلاح‌طلبان بخواهند بر آن اعتراضاتی که در زمان شهرداری آقای قالیباف مطرح می‌کردند باقی بمانند، باید یک آیین‌نامه، منشور یا میثاق سختگیرانه نسبت به مدیریت آقای نجفی بنویسند. در واقع دست و پای آقای نجفی را در عرصه مدیریت می‌بندند. اگر هم نخواهند آن آیین‌نامه را داشته باشند باز به همان عدم نظارت گرفتار می‌شوند. در حالی که اصلاح‌طلبان شورای شهر چهارم معترض بودند و می‌گفتند که شورا باید بر شهردار تهران نظارت دقیق انجام دهد اما الان شورای شهر پنجم چه نظارتی می‌خواهد داشته باشد؟ بنابراین اینها به یک پارادوکس جدی گرفتار هستند.

وقتی آقای نجفی، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در اوایل دولت آقای روحانی بود، به علت عارضه قلبی استعفا داد. فکر می‌کنید سختی کار شهرداری به جایی برسد که آقای نجفی در همین ماه‌ها یا سال‌های ابتدایی عطای جایگاه شهردار تهران را به لقایش بیخشد؟

▲ من بیش از آن بیماری ایشان که البته جدی هم هست، اختلاف درونی خود شورا را برای سلامت ایشان مضر می‌دانم. یعنی آقای نجفی جدا از قضاوت‌هایی که در چه طیف سیاسی قرار دارد، به لحاظ سلامت مالی مورد تأیید است. به لحاظ حساسی‌ها آدم دقیقی بوده و حساب‌کشی از همکاران‌شان را دقیق انجام می‌دهد. اینها ویژگی‌های مثبت آقای نجفی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر سلامت مالی و سلامت در انتخاب همکاران نکته‌ای

نداشت. در واقع آقای جهانگیری قرار شد که تمام ضربه‌ها و انتقاداتی را که به آقای روحانی وارد است بگیرد و به نوعی سپر بلای آقای روحانی شود که همین طور هم شد. در ایام تبلیغات انتخابات هم طوری عمل کرد که آرا به سمت او نرود، بلکه به طرف آقای روحانی سوق پیدا کند. بنابراین به نظر می‌رسد که آقای روحانی سوار بر جریان اصلاحات است و برای آنها تصمیم می‌گیرد، نه اینکه آنها برای آقای روحانی تصمیم بگیرند. آقای روحانی همان مشی آقای هاشمی را دارد و اعتمادش به کارگزاران بیشتر است و به نوعی مشارکتی‌ها را فراطی می‌داند.

شورای شهر اول که همگی اصلاح طلب بودند به اختلاف خوردند. فکر می‌کنید این شورای شهر که همگی آنها باز هم اصلاح طلب هستند، همان رویه را پیش می‌گیرند یا با توجه به انتخاب شهردار که سعی کردند کار بی‌حاشیه و کم‌حاشیه انجام شود، همین طور تا آخر جلو می‌روند؟

▲ شورای اول کسانی که حلقه اول اصلاح‌طلبان بودند، دور هم جمع شدند و هر کدام از اینها خودشان منشأ اختلافات متعدد بودند. الان این شورا که تشکیل شده، اصلا رمقی ندارد. اگر از یک اصلاح طلب امروز پرسیده شود که فهرست ۲۱ نفره شورای شهر پنجم را اسم ببرد، به نفر پنجم و ششم که می‌رسد بقیه را نمی‌شناسد. در حالی که تمام شورای اول را صاحب‌نام‌ها تصاحب کرده بودند. الان این شورا پر و پیمانی نیست و سرخط تصمیم نیستند اما شورای اولی‌ها سرخط تصمیم بودند. بنابراین به نظرم شورای دوره اول یا شورای دوره پنجم خیلی با هم تفاوت دارند و اصلا قابل قیاس نیستند.

فکر می‌کنید اعضای شورای شهر پنجم در انتخاب هیات‌رئیس‌ه هم بدون حاشیه عمل می‌کنند یا اینکه در آنجا هم دوگانه ریاست آقای محسن هاشمی - مسجدمجمعی پیش می‌آید، همان طور که برای انتخاب شهردار به نوعی تا مدت‌ها نام آقای هاشمی مطرح بود و یک عده هم در مقابلش می‌گفتند که ایشان نباید شورای شهر را ترک کند؟

▲ من فکر می‌کنم ماجرابی که در شورای اول بود که هر کدام‌شان خودشان را در جایگاه ریاست می‌دیدند، تکرار نشود. ولی اینها که الان هستند آمده‌اند که رزومه‌شان را پر کنند یعنی خیلی مدعی نیستند. ضمن اینکه من در جلسه مشترکی که با همین شورای جدید داشتیم، آنجا گفتم: «شما همین الان دو سال را از دست دادید. علتش این است که ما بر نامه سال ۹۶ را نوشتم و شما ننوشتید. شهرداری هم که لایحه داده، شهردار شما نیست. یعنی شهردار در حالی که لایحه سال ۹۶ نداد، الان برای اجرایش مستقر می‌شود. شورایی هم که اصلا هیچ اطلاعی ندارد می‌خواهد نظارت کند. پس سال ۹۶ رفت و تمام شد. بعد هم تا ببینید مستقر و با شهرداری آشنا شوید، موعده عزل و نصب‌ها می‌رسد، بعد دی ماه می‌شود و در دی ماه ۹۶ می‌خواهید بودجه ۹۷ را ببندید. یعنی باز هم در بستن بودجه مسلط نیستید و اصلا اشرافی بر مسائل ندارید. پس دو سال تان به این ترتیب رفت. سال طلایی تان همان سال سوم است. یعنی سال ۹۶ و ۹۷ را از دست داده‌اید و سال ۹۸ سال طلایی و سال ۹۹ هم سال خداحافظی شما خواهد بود، پس فرصتی در این رابطه ندارید، ضمن اینکه گذشتگان شما یعنی آن کسانی که اصلاح‌طلبان فعلی شورا هستند، انتقاداتی به شهردار وقت کردند که توسط خبرنگاران ثبت شده است.

یعنی یک حقوقی را به عنوان نظارت مطالبه کردند که اینها ثبت شده است. الان به محض اینکه شورای پنجم مستقر شود، خبرنگاران از آرشینو اینها را در می‌آورند که جریان

تغییر رویکرد؟

به دنبال ولیعهدی محمد بن سلمان در عربستان سعودی شاهد برخی تغییر و تحولات در رویکرد سیاست خارجی ریاض هستیم که برخی نگاه خوشبینانه و برخی نیز نگاه منفعل به این تحولات دارند. نگاه خوشبینانه معتقد است با توجه به شرایط عربستان در شورای همکاری در ارتباط با قطر، عدم وصول به اهداف در یمن و تزلزل در شرایط داخلی آمریکا، احتمالاً ریاض می‌خواهد تغییراتی در سیاست منطقه‌ای خود ایجاد کند و نگاه منفعل و نه چندان خوش بینانه نیز بر این اساس استوار است که در برهه پیش رو یا عربستان به سمت تداوم منازعات پیش خواهد رفت و یا سیاست خوشبختنداری را در پیش می‌گیرد.



فصل عمل‌گرایی؟

آیا عربستان رویکرد خود را در قبال ایران تغییر داده است

خودداری کنند و به سمت یک روابط عادی و نه لزوماً گرم با ایران حرکت کنند.

منطق این تفکر بر این مبنا استوار است که لزومی برای دمیدن بیشتر در این آتش وجود ندارد، چون اولاً دورنمای روشنی برای آن قابل تصور نیست و ثانیاً ایران بازبگری ضعیف و تسلیم‌پذیر نیست، بلکه قدرتمند و دارای توانایی برای پاسخگویی متقابل است. بنابراین عادی‌سازی گام به گام و کاهش تنش در روابط دو جانبه به خصوص در آستانه پادشاهی محمد بن سلمان ضرورتی است که باعث می‌شود تا هم هزینه‌های انتقال قدرت کاهش پیدا کند و هم دوران صدارت بن سلمان در یک فضای دور از تنش محقق شود.

در واقع محمد بن سلمان که هم‌اینک عنوان نائب پادشاه سعودی را در غیاب ملک سلمان بر عهده دارد، در حال آماده‌سازی زمینه‌های پادشاهی خود در داخل است. راضی کردن طیف وسیعی از شاهزادگان، نصب و عزل امیران و افراد نزدیک به خود که در دو سال اخیر در چندین مرحله صورت گرفت، امری زمان‌بر و ظریف است که طبیعتاً باید در فضای آرامش و ثبات صورت بگیرد.

بنابراین اشتغال به این امور از یکسو باعث می‌شود تا فرصتی برای جنجال‌آفرینی وجود نداشته باشد و از سوی دیگر ضرورتی نیز برای پرداختن به آن دیده نمی‌شود، چون محقق ساختن نقل و انتقال قدرت باید در شرایط به دور از

صرفاً در سطح تاکتیکی و نه راهبردی قابل ارزیابی است. به عبارت بهتر، تغییر اولویت بندی و تخفیف دادن بحران در روابط دو جانبه با تهران باعث شده تا پادشاه و ولیعهد سعودی به سمت این تغییر حرکت کنند و همچنان اختلافات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در روند الگوی رفتار سیاست خارجی عربستان سعودی به قوت خود باقی است.

در این چارچوب که هیات‌های دیپلماتیک دو کشور در بجه‌ت تنش‌ها و قطع ارتباطات، فرصت پیدا کرده تا برای ارزیابی مسائل مربوط به سفارت و حج به عنوان دو موضوع مهم اختلافی تحقیق و تفحص کنند، گام مهمی است که طبیعتاً در چارچوب نگاه جدید دو کشور به خصوص عربستان قابل درک و تحلیل است.

بنابراین در پاسخ به این فرضیه که آیا تغییر ملموسی در رویکرد و رفتارهای ولیعهد جدید سعودی در قبال ایران اتفاق افتاده است، باید به دو متغیر اصلی اشاره کرد: عامل اول؛ کاهش تنش و عادی‌سازی روابط پس از تنش‌آفرینی‌های مقامات سعودی و در رأس آنها ولیعهد عربستان سعودی مبنی بر لزوم مقابله با ایران که ابتدا خود را در قطع روابط سیاسی و اقتصادی و سپس جنجال‌آفرینی‌های رسانه‌ای نشان داد، به نظر می‌رسد که با نشانه‌ها و گشایش‌هایی که اخیراً در روابط بروز کرده است، مقامات سعودی در یک حرکت تاکتیکی به این نتیجه رسیده‌اند که از تنش‌آفرینی بیشتر در روابط دو جانبه

کامران کریمی

کارشناس مسائل خلیج فارس

نشانه‌های تغییر در رویکرد عربستان به ایران در یک ماه اخیر در حال افزایش است. حضور حجاج ایرانی در حج ۹۶ دیدار و مصافحه ظریف و عادل الجبیر در حاشیه نشست سازمان همکاری اسلامی در استانبول، صدور ویزای هیات‌های دیپلماتیک دو کشور و موضوع میانجیگری عراق در روابط دو کشور، برخی از این نشانه‌های تغییر در رویکرد مقامات سعودی نسبت به ایران است که ناظران، آن را تمایل ریاض به تنش‌زدایی با تهران می‌دانند. اینکه چگونه مقامات سعودی حاضر شده‌اند در مدت کوتاهی در اولویت‌های خود به خصوص پس از اظهارات بن سلمان در خصوص کشاندن جنگ به داخل مرزهای ایران، تجدیدنظر کنند، ابهامی است که تحلیلگران آن را ناشی از منطقی شدن تصمیمات ولیعهد سعودی در شرایط بحران می‌دانند.

فارغ از صحت و سقم این دیدگاه اما آنچه منطقی‌تر و عیان‌تر است، این موضوع است که نشانه‌های مثبت اتفاق افتاده در رویکرد عربستان نسبت به ایران، اگرچه موضوعی مهم در بجه‌ت تنش‌ها میان دو کشور محسوب می‌شود، اما این تغییر

آشتی یا خصومت؟

بررسی چشم‌انداز سیاست خارجی ریاض در قبال تهران



تقابل فزاینده

پیونگ یانگ در دوراهی قرار گرفته است



پایان صبر استراتژیک
آیا تداوم الگوی بازدارندگی
بومی برای مهار کره شمالی
پاسخگو است؟

تغییر اولویت‌های دیپلماسی عربستان

عراق برای میانجیگری بین تهران و ریاض ظرفیت‌هایی دارد

منتقد رویکرد مداخله‌جویانه ریاض در کشورشان بودند. اما اینکه آیا عربستان توجه بیشتر را نسبت به آینده تحرکات سیاسی در عراق حال چه انتخابات و چه موضوعاتی همچون همه‌پرسی در کردستان عراق یا ارتباط بیشتر با گروه‌های شیعی در این کشور مدنظر دارد یا خیر، یک نکته قابل تامل است.

در این بین بحثی که از سوی وزیر کشور عراق مبنی بر درخواست عربستان از عراق برای میانجیگری میان ایران و طرح و سپس تکذیب شد، نیز جای بحث و بررسی دارد.

اول اینکه اگر واقعا عربستان بخواهد لحن خود را نسبت به ایران تغییر داده و در صدد گشایش روابط با تهران باشد، این خود یک موضوع و پرسش است. باید توجه داشت که حل و فصل یا گذر از تنش‌های ساختاری میان ایران و عربستان، نیاز به بازاندیشی جدی دارد که این موضوع می‌تواند دو طرف را در مسیر عادی‌سازی روابط حرکت دهد.

دوم اینکه اگر فرض بر انجام میانجیگری در این روابط مطرح باشد، این سوال پیش می‌آید که آیا عراقی‌ها ظرفیت لازم را برای انجام این مسئولیت دارند یا خیر؟ در عرصه منطقه‌ای اگر نگاهی به بازیگران و کشورهای منطقه بیندازیم، در حوزه عربی خلیج فارس، حتی کشوری مانند کویت نمی‌تواند برای عربستان آن میزان تاثیرگذاری را که بتواند از آن بهره بگیرد داشته باشد. اما در ارتباط با عراق این احتمال مطرح است که باتوجه به اینکه روابط مقام‌ها، مسئولان، رهبران و گروه‌های عراقی با ایران روابط حسنه‌ای است ممکن است این مساله به عنوان عامل موثری برای انتخاب عراق به عنوان میانجیگر باشد. حتی شاید عربستان نیز در آینده عراق را گزینه مناسبی برای میانجیگری با ایران ببیند.

البته بحث میانجیگری میان تهران و ریاض بارها مطرح شده است و کشورهایمانند پاکستان، عراق، کویت و آلمان نیز به این منظور با پیش گذاشته‌اند.

اما اکنون مساله اینجاست که میانجیگری در چه سطحی و با چه هدفی انجام گیرد؛ منظور از میانجیگری آن است که طرف سوم بخواهد در ارتباط با دو طرف مورد مناقشه و دارای تنش، اقداماتی را با هدف کاهش سطح تنش‌ها انجام دهد. هدف میانجیگر آن است که فضا را متعطف به انجام مذاکرات و تغییر لحن طرفین کند. در خصوص مورد عراق این درست است که عراق خود درگیر بحران‌های داخلی و خارجی است اما باتوجه به فضای مناسبی بغداد با تهران و ریاض شاید عراق گزینه مناسبی جهت پاسخ‌گویی به تنش‌ها باشد.

همچنین صرف نظر از اینکه عراق نقش میانجی داشته باشد یا خیر، زمان آن رسیده است که عراق از جلد درونی خارج و تحرک جدیدی در نقش منطقه‌ای و دیپلماسی خارجی انجام دهد. ▶

سیامک کاکابی

کارشناس مسائل عراق



۲ هفته گذشته اخبار ضدونقیضی از میانجیگری عراق میان عربستان و ایران مطرح شد؛ در واقع قاسم الاعرجی، وزیر کشور عراق در دیدار با همتای ایرانی خود از درخواست محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی از دولت عراق برای میانجیگری بین تهران و ریاض سخن گفت و کمتر از یک روز بعد، سخنان خود را پس گرفت و گفت که عربستان چنین درخواستی مطرح نکرده است. پیش‌تر نیز ابراهیم جعفری، وزیر خارجه عراق از تلاش‌هایی برای بهبود روابط تهران-بغداد خبر داده بود. اکنون باتوجه به اخباری که بعضا از بحث میانجیگری عراق یا دیگر کشورها برای بهبود روابط ایران و عربستان مطرح می‌شود، این سوال پیش می‌آید که آیا اصلا دو کشور در برهه فعلی شرایط لازم را برای عادی‌سازی روابط دارند و اینکه آیا کشوری چون عراق ظرفیت‌های لازم را برای میانجیگری بین دو کشور قدرتمند در منطقه دارا است یا خیر؟

در پاسخ به این مسائل باید گفت سیاست خارجی عربستان در منطقه خاورمیانه باتوجه به چالش‌هایی که در مناطق پیرامونی و در کلیت با آنها مواجه شده با نوعی تنگنا، روبه‌رو شده است.

در یک سو، وضعیت بحران در حوزه عربی خلیج فارس و تنش‌هایی که با قطر ایجاد شده را شاهد هستیم و در سمت دیگر دلخوری‌هایی که با ترکیه پیدا کرده و همچنین بیچیدگی شرایط سوریه برای عربستان قابل ارزیابی است.

در عرصه داخلی عربستان نیز تغییرات در ساختار هرم قدرت و جابه‌جایی در هرم قدرت باعث شده تا این کشور در صدد تغییراتی در اولویت‌های سیاست خارجی‌اش در خاورمیانه برآید.

پیش از این در ماه‌های گذشته، راهکار عربستان افزایش همکاری‌های نظامی و غیره با آمریکا بود و در این چارچوب قراردادهای کلان نظامی و از جمله خرید تجهیزات و جنگ‌افزار را با این کشور به امضا رساند.

اما در عرصه خاورمیانه به نظر می‌رسد که عربستان به دنبال افزایش وزن منطقه‌ای خود است و از حدود یک سال پیش رفته‌رفته روابط عربستان با برخی کشورها چون عراق رو به بهبودی رفته است.

بعد از آنکه عربستان سفارت خود در عراق را باز کرد و پس از سال‌ها سفیر به این کشور اعزام کرد، به نظر می‌رسد که ریاض افزایش روابط با سطوح مختلف سیاسی در عراق را مدنظر دارد و حتی در این خصوص دیدارهایی میان برخی رهبران گروه‌های عراقی با مقامات سعودی انجام شده است.

یک جنبه این تلاش به افزایش نفوذ ریاض در عراق بازمی‌گردد؛ زیرا پیش از این عراقی‌ها همواره

عامل دوم؛ تمرکز و فشار بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران

اما آنچه این تغییر رویکرد را صرفا در حد یک حرکت تاکتیکی باقی می‌گذارد که پس از مدتی قابلیت بازگشت خواهد داشت، عدم تغییر نگاه عربستان به الگوی رفتار منطقه‌ای ایران است. در واقع سعودی‌ها با تفکیک در روابط دو جانبه و منطقه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که به جای تنش‌آفرینی در ارتباط مستقیم با ایران باید سیاست فشار را در سطح منطقه و در چارچوب یک ائتلاف و اجماع عربی-غربی محقق سازند.

استفاده از ظرفیت‌های دولت جدید آمریکا، خریدهای تسلیحاتی انبوه، تلطیف روابط با اسرائیل، شکل‌دهی به ناتوی عربی و ارتباط‌گیری با گروه‌ها و گروهک‌هایی که دارای تضاد یا اصطکاک منافع با ایران هستند، از جمله ابزارهایی است که پروژه فشار بر ایران در سطح منطقه را محقق می‌سازد. بنابراین تمرکز بر این سطح و تاکید بر مسائل مربوط به حضور ایران در پایتخت‌های عربی، اتهام حمایت از تروریسم، اتهام حقوق بشری و آزمایش موشکی به عربستان این امکان را می‌دهد تا در یک رویکرد فراگیر منطقه‌ای-بین‌المللی، سیاست فشار بر تهران را دنبال کند.

به عبارت دیگر، عدم تغییر در الگوی رفتار سیاست خارجی عربستان و راهبرد این کشور در سطح منطقه این نظر را تایید می‌کند که تغییر ذهنیت و رویکرد مقامات عربستان سعودی نمی‌تواند به‌سادگی اتفاق افتد و آن همه هزینه‌ای که برای کشاندن ترامپ به عربستان مصرف شد، باید یک ارزش افزوده‌ای داشته باشد که بتواند میلیاردها دلار خرید تسلیحات و شکل‌دهی به یک اجماع منطقه‌ای را توجیه کند.

جمع‌بندی

بنابراین باتوجه به تبیین دو متغیر اصلی در متن که ناشی از تغییر برخی رویکردهای ریاض در شرایط کنونی است، برخی گشایش‌های رخ داده اخیر نه راهبردی، بلکه تاکتیکی برای تخفیف دادن اثرات بحران و تنش در روابط دو جانبه است و تغییری در اولویت‌های راهبردی عربستان در سطح منطقه به خصوص در ارتباط با ایران مشاهده نمی‌شود و سیاست ریاض همچنان مبتنی بر فشار بیشتر در یک چارچوب فراگیرتر است و نباید نسبت به تغییر الگوی رفتار این کشور نسبت به تهران در شرایط کنونی خوشبین بود، چون حجم تنش‌ها و اختلافات منطقه‌ای دو کشور به میزانی است که تخفیف و قرار دادن آن در یک فرآیند مذاکراتی نیازمند زمان طولانی است.

بنابراین اگر قائل به تمایل عربستان به تنش‌زدایی با تهران باشیم، این تغییر در گام اول در سطح روابط دو جانبه و بازگشایی سفارتخانه‌های دو کشور قابل معنا است و در صورت حل و فصل مسائل دو جانبه، می‌توان به گشایش در صحنه منطقه‌ای نیز خوشبین بود. ▶

از سوی دیگر در رابطه با بهبود روابط تهران و ریاض باید توجه داشت که بحث تنش زدایی در مسائل منطقه‌ای خیلی دشوار است. زیرا هم تعارض منافع زیاد است و هم بازیگران دیگری حضور دارند که لزوماً موافق حل و فصل مسائل به شکلی که ایران و عربستان به آن تمایل دارند، نباشند. به نظر می‌رسد که بدین منظور در وهله نخست در سطح روابط دو جانبه باید یک سری گشایش‌هایی ایجاد شود و روابطی میان طرفین آغاز شود. یعنی میانجی‌گری‌هایی صورت بگیرد تا سپس تهران و ریاض وارد رایزنی درباره حوزه‌های دیگر شوند. رویکردی که عربستان در خصوص عراق طی چند ماه اخیر داشته نسبت به آنچه ریاض از سال ۲۰۰۳ به بعد دنبال می‌کرد، خیلی متفاوت است. یعنی ما یک تغییر رویکرد جدی عربستان در عراق را شاهد هستیم که شاید این تغییر رویکرد به منزله سرآغازی برای کاهش رقابت‌ها و تخاصم در حوزه‌های بحرانی منطقه و رسیدن به یک توازن و تعادل تلقی گردد. تعاملات و سفرهای قابل توجهی میان مقامات عربستان و عراق را طی چند ماه اخیر شاهد بودیم که از بسیاری از این تعاملات به عنوان یک تهدید یاد می‌کنند و معتقدند این مساله می‌تواند برای ایران تهدیدزا باشد. اما به نظر می‌رسد که عراق می‌تواند به عنوان پلی برای روابط بهتر با جهان عرب باشد و باید به رهبران عراق این فرصت داده شود تا روابطشان با ریاض را ترمیم کنند. در واقع در این صورت عراق می‌تواند به عنوان یک پل و نقش میانی در روابط ایران با جهان عرب از جمله عربستان ایفای نقش کند.

این طور می‌توان گفت که این درک میان مقامات ایران نیز وجود دارد؛ همچنانکه تا به امروز تهران و مقامات بغداد این مساله را به خوبی مدیریت کرده‌اند. بنابراین پذیرش عراق جدید از سوی عربستان می‌تواند تحول مهمی در سطح مسائل منطقه‌ای و موضوعاتی که بین تهران و ریاض در جریان است، تلقی شود.

از دیگر موضوعات مهم منطقه، یمن است که ایران و عربستان می‌توانند وارد یک روند همکاری و توافق در خصوص این موضوع شوند. یمن یک معضل خیلی جدی برای عربستان است؛ هزینه‌های زیادی برای این کشور تاکنون داشته و می‌تواند منبع تهدید محسوب شود. بنابراین در این رابطه نیز دو طرف می‌توانند به سمت یک توافق و همکاری پیش بروند. حوزه‌های دیگری مانند سوریه هم وجود دارد که البته همکاری و تفاهم در حوزه سوریه، با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های بیشتری همراه است.

همچنین برای بررسی رویکرد آتی ریاض در قبال منطقه باید به نگاه و مواضع محمد بن سلمان نیز توجه داشت. بن سلمان تا به امروز نشان داده که فرد بسیار جاه طلبی است و این جاه طلبی‌های او در بسیاری از موارد به سیاست خارجی عربستان شکل داده و هزینه‌ها و مسئولیت‌های زیادی برای این کشور ایجاد کرده است. اما اگر بپذیریم که بن سلمان نیز مانند دیگر سیاستمداران ممکن است بعد از یک مدت زمان چندساله‌ای به واقع بینی بیشتری برسد، این نگاه می‌تواند با توجه به عنصر عملگرایی وی، منجر به آن شود که سطح قدرت و اهداف عربستان را واقعی‌تر تعریف کند و اشتباهات سیاست خارجی و رفتارهای تهاجمی را نیز کاهش دهد. این رویکرد می‌تواند در نهایت باعث بهبود وضعیت عربستان و کاهش هزینه‌های این کشور در یمن، قطر، سوریه و حوزه‌های دیگر شود. اگر ما شاهد کاهش جاه طلبی‌های بن سلمان باشیم این کاهش جاه طلبی در کنار عملگرایی می‌تواند به عربستان کمک کند تا با مسائل منطقه با رویکرد واقع‌گرایانه‌تر و عمل‌گرایانه‌تر برخورد کند که این رویکرد ریاض به کل کشورهای منطقه و امنیت منطقه نیز کمک کند. ▶



گام دشوار تنش زدایی

بن سلمان عربستان را به چه سمتی خواهد برد؟



علی اکبر اسدی

کارشناس مسائل خاورمیانه

شاید بتوان گفت ریشه بسیاری از این رفتارهای تهاجمی و تنش‌زای عربستان در دوره اخیر، تلاش‌های بن سلمان برای رسیدن به سطوح بالاتر قدرت و کنار گذاشتن رقبا بوده است. اما امروز با تثبیت نسبی جایگاه بن سلمان در عرصه قدرت این طور به نظر می‌رسد که وی از این پس به این سمت گام خواهد برداشت که بتواند از منظر رهبری که می‌خواهد برای چندین دهه عربستان را هدایت کند وارد عرصه شود و هزینه‌ها و تنش‌های پیرامونی را کاهش دهد. بر این اساس و طبق این دیدگاه، بن سلمان با ثبات خویش در ساختار قدرت داخلی می‌تواند در راستای کاهش تنش به خصوص در روابط با ایران اقدام کند. چرا که محمد بن سلمان دیگر مرحله صعود به رأس هرم قدرت را طی کرده و اکنون به عنوان شخصی که در بالای هرم قدرت قرار گرفته نیازمند آن است که وضعیت را تثبیت کرده، تنش‌ها را کاهش دهد و هزینه‌های عربستان سعودی را نیز کمتر کند.

در این میان یکی از نقاط تنش‌زا برای ریاض، یمن است. عربستان، زمانی که وارد یمن شد یک سری اهدافی را برای خود تعیین کرد که امروز بعد از گذشت چند سال هنوز نتوانسته به آن اهداف دست یابد و جنگ یمن به یک جنگ فرسایشی و پرهزینه برای عربستان تبدیل شده است. بنابراین در حال حاضر سعودی‌ها به دنبال یک راه خروج آبرومندانه از بحران یمن هستند تا ضمن آنکه پرستیژ منطقه‌ای عربستان حفظ شود در عین حال بتوانند به جنگ یمن نیز پایان دهند. بر این اساس احتمال آنکه عربستان از گزینه‌های نظامی فاصله بگیرد و به سمت گزینه‌ها و راه‌حل‌های سیاسی متمایل شود، بالاست.

۳ در خصوص روابط تهران و ریاض از زمانی که دوره پادشاهی ملک سلمان در عربستان آغاز شد، ما شاهد بودیم که تنش‌ها و تخاصم در روابط دو کشور به شدت افزایش پیدا کرده است. مسائل مختلف و رقابت‌های دو کشور در سطح منطقه، عامل کلیدی و تاثیرگذاری در تشدید تنش‌ها در روابط بود. همچنین یکی از عواملی که بدان خیلی اشاره می‌شود بحث کادر رهبری جدید در عربستان است که اکنون آن را شخص محمد بن سلمان تشکیل می‌دهد. در واقع بن سلمان آغازگر مرحله جدید در سیاست خارجی عربستان و سطح منطقه بوده که حمله به یمن و بحران قطر از جمله مهمترین ابعاد این سیاست خارجی است. اما تحول مهمی که در چند ماه اخیر شاهد هستیم ولیعهدی بن سلمان در عربستان است. با ولیعهدی بن سلمان، یکی از دیدگاه‌هایی که در ایران قوت گرفت این بود که با قدرت گرفتن بن سلمان، ولیعهدی و احتمال رسیدن وی به مسند پادشاهی طی ماه‌ها یا سال‌های آینده، مواجهه و تنش بین دو کشور سیر صعودی پیدا خواهد کرد.

اما اخیراً نشانه‌هایی بروز داده شده که بر اساس آن می‌توان حتی یک روند معکوس یعنی روند کاهش تنش‌ها در تنش‌های بین دو کشور را در آینده انتظار کشید. بر این اساس یک دیدگاه مقابلی نیز مطرح است بر این اساس که

سناریوهای محتمل در آینده پژوهی روابط ایران و عربستان

تداوم منازعات یا خویشتنداری؟



پژوهشگر مطالعات استراتژیک
سید جواد صالحی

روابط ایران و عربستان را اگر از منظر تاریخی نگاه کنیم، چند مقطع قابل تشخیص است که این مقاطع عمدتاً مربوط به دوره بعد از انقلاب می‌شود. این در حالی است که طی سال‌های اخیر ظهور منابع تعارض میان دو کشور افزایش یافته است که در بحث سوریه، یمن، لبنان و بحرین کاملاً شاهد چنین فضاهایی هستیم. همچنین طی دو، سه سال اخیر و به خصوص دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، الگوهای تعارض از وجه نرم افزاری به وجه سخت افزاری افزایش پیدا کرده است. حمله به کنسولگری، تشدید جنگ تبلیغاتی و دخالت در موضوعات و متغیرهای حکمرانی دولت‌ها در اشکال دوگانه کاملاً قابل مشاهده است. حال در شرایطی که تصاعد بحران در منطقه کاملاً خود را آشکار کرده و همه از آن با عنوان منازعه بزرگ نام می‌برند آیا نشانه‌هایی از عقبگرد قابل مشاهده است؟ یا اتفاقاتی مانند حل و فصل مشکلات مربوط به اعزام حجاج، ویزای مهاجرت، مصافحه وزیر خارجه ایران و عربستان در ترکیه یا اقدام مقتدی صدر در سفر به عربستان را می‌توان نشانه‌های کاهش بحران یا کاهش منازعه نام برد؟ من شخصاً خیلی خوش بین نیستم. حداقل در تحلیل‌ها و متغیرهایی که در متون بین‌المللی و منطقه‌ای شاهد هستیم، دو دیدگاه به چشم می‌خورد؛ یک، دیدگاهی که بر این باور است سطح تعارض ایران و عربستان بسیار گسترده است و با وجود این گسترده‌گی، صرفاً چند عامل و نشانه ظاهری را خیلی نمی‌توان تحت عنوان بازگشت، عقبگرد یا تمایل به بهبود روابط ارزیابی کرد.

اما دیدگاه دیگر بر این باور است که به واسطه اتفاقاتی که در عربستان واقع شده محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی تمایل دارد که بهبود روابط آشکار شود. در دیدگاه خوش‌بینانه بر این باور هستند که ریاض در حوزه بحران سوریه، در بحث جایگاه و منزلت در اتحادیه عرب، در بحث تشنج روابطش با ایران و حوزه بحران قطر و جنگ یمن، دچار مشکلات عدیده‌ای است و عدم موفقیت در رسیدن به یک نتیجه

کرده که می‌تواند این دیدگاه را عملی کند که البته این مساله خیلی جای بحث دارد. در حوزه خوش‌بینانه اگر بخواهیم تحلیل کنیم باید بگوییم که عربستان وارد مرحله‌ای از کاهش بحران در حوزه عراق با ایران شده است و دولت عراق در این خصوص باتوجه به پازل‌ها و معماهایی که در حل سیاست خارجی خود در نسبت تعامل همکاری‌هایش با ایران، آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای دارد، سعی کرده به عربستان نزدیک شود. در این رابطه می‌توان گفت که دولت ریاض می‌تواند از سوءتفاهم‌هایی که تا امروز عامل بحران در روابط ایران و عربستان بوده، بکاهد و با اطمینان دادن‌های طرفین به یکدیگر، به سمت کاهش بحران حرکت کند.

در نهایت اگر بخواهیم از نگاه آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان را بررسی کنیم باید این مساله را در یک قالب تاریخی تحلیل کرد که از این منظر چند سناریو قابل استخراج است. نخست سناریوی تداوم منازعات به سمت تصاعد بحران است؛ این سناریو می‌تواند منطقه را به سمت یک برخورد بزرگ سوق دهد که نشانه‌های آن را در خصوص بحث یمن، بحرین، سوریه، عراق و برجام شاهد بودیم. این نگرانی و اندیشه در خصوص پیوند دادن عربستان با رژیم اسرائیل و آمریکا، در حقیقت نشان‌دهنده یک تصادم و منازعه بزرگ در منطقه بود. دومین سناریو این است که تحولات فعلی در روابط ایران و عربستان به سمت مدیریت بحران حرکت کند؛ باتوجه به شرایط عربستان در شورای همکاری در ارتباط با قطر، عدم وصول به اهداف در یمن، تزلزل در شرایط داخلی آمریکا و فقدان قدرت محاسبه در خصوص اطمینان موثر از مداخله واشنگتن به نفع ریاض در بحران‌های منطقه‌ای، می‌توان پیش‌بینی کرد که عربستان نوعی احتیاط و خویشتنداری را در رفتارهایش در حوزه سیاست خارجی به نمایش بگذارد. سومین سناریو می‌تواند بحث کاهش منازعات را شامل شود که این یک دیدگاه بسیار خوش‌بینانه است. طبیعتاً این کاهش منازعات می‌تواند بر اساس تجربه‌های میدانی، عدم وصول به خواست‌ها و حسن نیت‌های مشاهده شده از ناحیه ایران و میانجیگری‌های صورت گرفته از سوی کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. اما من شخصاً اعتقاد دارم در وضعیت آتی، عمده روابط عربستان و ایران در حوزه سناریوی اول و دوم تداوم خواهد یافت. ▶

مشهود و ملموس باعث شده که تصمیم به بازگشت برای بهبود روابط بگیرد و از سطح منازعات بکاهد. دیدگاه دوم سطح تحلیل را از نقطه دیگری آغاز می‌کند؛ آنها بر این باورند که نوعی جابه‌جایی در اولویت‌ها در عربستان مطرح شده و محمد بن سلمان، همفکران و به خصوص پدر او ملک سلمان تصمیم دارند که بحث جانشینی و انتقال قدرت را در عربستان حل کنند و چون این امر مستلزم چالش‌هایی اساسی در حوزه داخلی عربستان و منازعه قدرت در میان خاندان سعودی است، بنابراین با این هدف اقدام می‌کنند که چالش‌های بیرونی را کاهش دهند تا بتوانند به خواسته‌شان در عرصه داخلی نیز دست یابند. اما من بر این باورم باید از یک سطح دیگر نیز صحبت به میان آورد؛ درست است که اخیراً نشانه‌هایی از رفتارهای معمول و دیپلماتیک در روابط ایران و عربستان مثل بحث صدور ویزا، دست دادن‌های دیپلماتیک و رفت و آمدهای زوار را شاهد هستیم اما از منظری دیگر به بدبینی آن نیز باید توجه داشت. من اعتقاد دارم که به فرض اگر امروز صحبت وزیر خارجه عراق مبنی بر درخواست میانجیگری میان تهران و ریاض تکذیب نشده بود، این مساله خیلی منطقی به نظر نمی‌رسید. زیرا من اعتقاد دارم عراق در شرایط فعلی بیش از آنکه میانجی بحران بین ایران و عربستان باشد، یکی از علل بحران میان دو کشور بوده و هست. اما اینکه این متغیر را چگونه بتوان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد جای بحث دارد. این مساله را می‌توان از نگاه خوش‌بینانه و بدبینانه تفسیر کرد. نگاه بدبینانه بر این اساس مبتنی است که عربستان در شرایط فعلی در حوزه سیاست خارجی احساس می‌کند که رقابت‌های منطقه‌ای به یک مرز یاریگری در حال حرکت است و در این سیاست همراه‌سازی، ایران توانسته از عنصر شیعه بودن، استفاده موفق به عمل آورد، بنابراین در صدد آن است که این یک‌دستی، وحدت و همراهی را دچار خدشه کند. بنابراین ریاض به ظن خود تلاش دارد بین جبهه‌های شیعی در خاورمیانه شکاف ایجاد کند؛ سعودی‌ها با تفکیک شیعه ایرانی از شیعه عربی یا پیوند دادن قومیت شیعه عرب عراقی به مرزهای هویتی جهان عرب سعی دارند از آن به عنوان ابزاری علیه ایران استفاده کنند. عربستان با شناخت از شخصیت افرادی مانند مقتدی صدر که بعضاً رفتارهای سینوسی دارند و نزدیک شدن به آنها، احساس



آشتی یا خصومت؟

بررسی چشم‌انداز سیاست خارجی ریاض در قبال تهران

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



این روزها، این پرسش که «روابط ایران و عربستان در حال حاضر چه سیری را در پیش گرفته و به چه سمت و سویی حرکت می‌کند؟» ذهنان بسیاری را به خود مشغول داشته است و این بدان خاطر است که از جانب عربستان، سیگنال‌های متعددی مبنی بر تجدیدنظر کلی در سیاست‌های منطقه‌ای این کشور و همچنین نشانه‌هایی دال بر تمایل به عادی‌سازی روابطش با ایران، منتشر شده و انتظاراتی را در این خصوص به وجود آورده است.

پیدااست که پاسخ به این پرسش و آگاهی از سمت و سویی مناسبات ریاض و تهران، نه تنها برای تحلیلگران و دست‌اندرکاران حوزه روابط بین‌الملل، بلکه برای بسیاری از کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و بزرگترین شرکت‌های اقتصادی که با منطقه غرب آسیا مراداتی دارند، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است و به همین دلیل، هر حدس و گمان در این باره و هر فرضیه‌ای که روند موجود در روابط دو کشور را تبیین کند، مورد توجه بسیار قرار می‌گیرد. البته علت این اهمیت و علاقه‌مندی، به تفاوتی بازمی‌گردد که میان روابط خوب ایران و عربستان و روابط خصمانه دو کشور وجود دارد و در صورت تحقق هر یک، نتایج متفاوت و پیامدهای کاملاً متضادی حاصل می‌شود که به تبع آن نیز معادلات منطقه‌ای، تحت الشعاع تأثیرات مختلفی قرار می‌گیرد. چنانکه اگر روابط دو کشور، روند عادی یا دوستانه‌ای را در پیش گیرد، نه تنها راهبردهای سیاسی و نظامی ایران و عربستان به‌عنوان بزرگترین و ثروتمندترین کشورهای منطقه، تغییر می‌یابد، بلکه تمامی معادلات و موازین منطقه‌ای که ده‌ها کشور در گوشه و کنار جهان با آن مرتبط هستند نیز به ناگزیر تحولاتی را تجربه می‌کند. اما چنانچه این روابط همچنان به سوی خصومت و دشمنی حرکت کند، معادلات منطقه‌ای و منافع هر یک از مرتبطین با کشورهای منطقه هم، به تناسب، تغییرات دیگری را در ادامه روند کنونی تجربه می‌کند.

است که از میان مجموعه بزرگی از موضوعات خشنودکننده و نگران‌کننده، دو موضوع بیش از دیگر موضوعات، تصمیم‌گیری‌های ریاض را در عرصه سیاست خارجی تحت تأثیر قرار داده و انگیزه‌های آنها را برای تجدیدنظر در سیاست‌های گذشته، تقویت کرده است.

موضوع نخست بی‌ثمیری و شکست فاحش و فضاحت بار سیاست‌های مداخله‌جویانه و جنگ‌افروزانه در منطقه است که عربستان را به مهره‌ای ضعیف و بازیگری ناتوان در معادلات حاکم بر غرب آسیا تبدیل کرده و بازتاب سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی اجتماعی این سیاست‌ها در داخل این کشور، موجب پیدایش فضایی انفجاری شده است. در این باره شکست نظامی در یمن، به بن‌بست رسیدن در سوریه، عراق و لبنان و همچنین ناراضیاتی اقتصادی مردم عربستان و اغتشاشات در منطقه شیعه‌نشین اومیه، از جمله مصادیق به‌شمار می‌روند.

موضوع دوم عطش و اشتیاقی است که ولیعهد جدید (بن سلمان فرزند پادشاه) برای قرار گرفتن در بالاترین مرتبه قدرت، از خود نشان می‌دهد و بدین منظور در صدد تغییر عوامل از جمله عوامل دیپلماتیکی است که راه را برای پادشاهی او هموار سازد.

شاهدیم که نشانه‌ها و سیگنال‌های دریافتی از عربستان دلالت زیادی بر این دو موضوع (مورد اشاره) دارند، کم‌اینکه اظهار تمایل غیرمستقیم برای پایان جنگ علیه یمن، افزایش مرادوات با مقامات عراقی و عقب‌نشینی از انتشار تبلیغات بسیار خصمانه علیه ایران و به‌طور مشخص تر موافقت با تمامی شروط ایران در مناسک حج و دیدار غیرمترقبه عادل الجبیر با ظریف، انگیزه‌های پنهان ریاض را آشکار می‌کند.

البته نکته بسیار مهم در این خصوص آن است که سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس تا چه اندازه با این گونه تحولات و کاهش خصومت‌های موجود در روابط ایران و عربستان موافق هستند و در این خصوص به مقامات سعودی، چراغ سبز نشان داده‌اند. چرا که به‌طور معمول ارزیابی و تأیید تصمیمات گرفته شده در ریاض، باید به وسیله این دو سفارتخانه صورت بگیرد؛ به ویژه آنکه پای موضوع راهبردی چگونگی روابط با ایران در میان باشد و از این لحاظ، منافع این دو کشور غربی در گرو ادامه خصومت‌ورزی تعریف و مشخص گردد. روشن است که چنین مکانیسمی در تدوین سیاست خارجی عربستان به معنی در سایه قرار داشتن قدرت پادشاه و ولیعهد او نیز هست. ▶

به هر حال آنچه سبب شده است تا مجموعه‌های وسیعی از محافل سیاسی، نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای، بیش از پیش در صدد ارزیابی تازه‌ترین تحولات دیپلماتیک کشورهای منطقه باشند و رفت‌وآمدهای منطقه‌ای را با دقت بیشتری رصد کنند، تحولات غیرمنتظره و بی‌مقدمه‌ای است که مقامات ریاض به خصوص شخص «بن سلمان» از خود نشان داده و در چند هفته اخیر و در غیاب پادشاه سعودی، تصاویر متفاوتی را از خود در صحنه‌های بیرونی ارائه کرده‌اند؛ تحولات و تصاویری که در عرصه‌های تحلیل و تفسیر و نزد تحلیلگران و مفسرین، به صورت معمای مطرح شده و برای یافتن حلقه‌های ناپیدا و مفقوده آن، فرضیاتی نیز ارائه شده است. پیدااست چنانچه سیاست خارجی و منطقه‌ای عربستان، توسط اتاق فکری‌های متعارف، تدوین و تنظیم می‌شد و افراد دست‌اندرکار این اتاق فکر، افرادی کارآمد و شناخته‌شده بودند، معمای مورد اشاره این قدر پیچیده نبود و درک و پیش‌بینی حرکت‌های دیپلماتیک طرف عربستانی، دشواری و مشکلات امروز را نداشت. اما شاهدیم که حکومت ریاض، فاقد اتاق فکر و مرکز تصمیم‌گیری مشخصی با ویژگی‌های ضروری است و چنانچه مشورت‌هایی هم با کارشناسان صورت گیرد، سرانجام این رای پادشاه و ولیعهد اوست که تصمیم‌گیرنده سیاست‌ها و اعلام‌کننده دستورالعمل‌هاست. بنابراین در این عرصه، ناگزیر باید به مکانیسم و فرمول فکری پادشاه و ولیعهد او دسترسی پیدا کرد و در واقع به این امر واقف شد که این دو شخص (در حال حاضر که پادشاه در مرخصی است، شخص بن سلمان) برای ارتقای روابط عربستان با دیگر کشورها یا تقلیل و تنزل این روابط، چه چیزی را جست‌وجو می‌کنند و به اصطلاح چه موضوعی باعث رنجش و چه موضوعی باعث خشنودی آنها می‌شود.

طبیعی است که موضوعات زیادی وجود دارد که می‌تواند، پادشاه و ولیعهد او را از عادی‌سازی روابط با ایران خشنود کرده یا نگران کند و همچنین موضوعات فراوان دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند این دو فرد را از ادامه خصومت‌ورزی علیه ایران راضی و خرسند نگه دارد. در این حال، شاهد موجود در داخل و خارج عربستان حاکی از آن



تغییر رویکرد ولیعهد؟

محمد بن سلمان پس از گرفتن قدرت متفاوت با قبل است

هراس درباره تغییر بازی قدرت در منطقه افزایش پیدا کند و این موضوع سعودی‌ها را بسیار حساس کرده است. از سویی نیز ریاض هزینه‌های هنگفتی را در سوریه، عراق، پاکستان، افغانستان، یمن و... پرداخت کرده اما تناسبی میان دستاوردهای و هزینه کرد آن وجود ندارد؛ همین امر موجب بازبینی سیاست‌های گذشته عربستان شده است.

همچنین تحریم قطر و گذر تقریباً آرام این کشور از میانه تحریم‌ها در مقایسه با آنچه سعودی‌ها انتظار آن را داشتند با کمک و ورود دو بازیگر منطقه‌ای و رقیب عربستان یعنی ایران و ترکیه موجبات تعدیل و بازبینی نگرش‌ها را ایجاد کرده است. اگرچه عربستان همچنان بر اجبار قطر بر پذیرش قدرت خویش اصرار دارد اما این تجربه به عربستان نشان داد کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که تا گذشته تصور می‌شد سیاست خارجی مستقلاً ندارند و محل ورود دیگر بازیگران به حوزه جغرافیایی او نخواهند بود، می‌توانند سناریوها را برهم زنند و جاه‌طلبی‌های خویش را با کسب حمایت دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرمانقله‌ای پاسخ گویند. به تعبیر بهتر عربستان در یافته است قطع روابط با ایران در حوزه‌های مختلف، هزینه‌های بسیاری را برایش ایجاد کرده که در صورت گفت‌وگوهای مستقیم، این اتفاق به این شکل نمی‌افتاد و برای نمونه در بحران قطر دیگر هراس از نزدیکی قطر به ایران را به دل راه نمی‌داد.

همچنین همان گونه که ذکر شد، محمد بن سلمان با تکیه بر مسند ولیعهدی و قول‌اندن جایگاه خود بر بزرگان قومی و شیوخ عربستانی دیگر نیازی به نمایش قدرت نمی‌بیند و در جهت حفظ قدرت و دوری جستن از بازی‌های تنش‌آفرین و خارج از کنترل کام برخواهد داشت. البته پیشران‌های بسیاری در منطقه وجود دارند که این سناریو را می‌توانند در نظر بگیرند اما چهره امروز عربستان نشانه‌های بسیاری برای تأیید این ادعا در خود جای داده که محل تأمل است. به باور من شناخت، فهم و پیش‌بینی سیاست‌های احتمالی و آینده محمد بن سلمان حلقه مفقوده تمامی سناریوهای پیش روی ما برای تبیین آینده روابط ریاض و تهران است و رسانه‌ای شدن سفر شخصی نظیر مقتدی صدر به ریاض را نیز در همین راستا می‌توان تبیین کرد. ▶

و ریاض سطح تنش را در منطقه بالاتر برده و از این روتا امروز مقاماتی از عراق، پاکستان، ترکیه، کویت و دیگر کشورهای منطقه نسبت به آغاز گفت‌وگوها میان دو کشور ابراز تمایل کرده‌اند.

به نظر می‌رسد در روزهای اخیر چند حادثه نظیر دست دادن وزرای خارجه ایران و سعودی، فراهم شدن شرایط سفر حجاج ایرانی به عربستان و گشوده شدن بقیع روی شیب‌های ایرانی حاوی نشانه‌هایی از کاهش سطح تنش و گفت‌وگوهای پشت پرده میان دو کشور برای آغاز فعالیت‌های رسمی دیپلماتیک بوده که در باب دلایل آن سخن و تحلیل بسیار است. چرا که تمامی تلاش‌ها برای نزدیکی دو کشور در ماه‌های گذشته از سوی طرف عربستانی با پاسخ منفی مواجه شده و به نظر می‌رسد اتفاقات تازه‌ای در منطقه یا در داخل عربستان این چرخه را دگرگون ساخته است.

به طور قطع، ولیعهدی محمد بن سلمان، یکی از دلایل اصلی این ماجرا یعنی تغییر احتمالی رویکرد ریاض به مسائل منطقه است. بسیاری او را فردی جاه‌طلب و تندرو توصیف می‌کنند اما به باور من میان محمد سلمان، پیش و پس از ولیعهدی باید تفاوت بسیاری قائل شد. پیش از ولیعهدی، او به دنبال اثبات خود و تغییر ماجراچویانه سیاست‌های پیشین عربستان بود و نیاز به شناسایی خود در عرصه جهانی و منطقه‌ای داشت اما اکنون با کسب قدرت به طور قطع محافظه کارتر، خویشتر دارتر و محاسبه‌گرتر شده است و مقدرات و محذورات محیط را با دقت بیشتری دنبال می‌کند؛ به طوری که زرمه‌های خروج عربستان از یمن نیز شنیده می‌شود. روانشناسی قدرت نیز این باور را می‌پذیرد که در سیستم‌هایی که افراد سالخورده و باتجربه حاکم هستند افراد جوان‌تر برای اثبات خود و اجبار سیستم به پذیرش خود دست به اقدامات التهایی و نمایش قدرت‌های گاه نامایشی می‌زنند که این تحلیل با تصویری که از محمد بن سلمان در سال‌های اخیر داریم، همخوانی دارد.

از سوی دیگر حوادث در منطقه به سمتی می‌رود که عربستان را مجبور به تغییر سیاست‌های منطقه‌ای خویش کرده است؛ برای نمونه پیش‌فرض‌هایی در مورد چارچوب‌ها و زوایای احتمالی سیاست‌های منطقه‌ای ترامپ در قبال سوریه و عراق سبب شده گمانه‌زنی‌ها و

سمیه مروتی
کارشناس مسائل خاور میانه



طی چند سال اخیر، روابط ایران و عربستان سعودی در ادامه مجموعه حوادثی نظیر فاجعه منا، بحران بحرین، جنگ یمن، بحران سوریه و عراق و نهایتاً حمله به سفارت عربستان در تهران وارد دوره رکود شده است و تصویری از پایان بحران و عادی‌سازی روابط در آینده نزدیک را نمی‌توان به راحتی متصور بود. اما چندی است که سیگنال‌هایی مشاهده می‌شود که شاید نویدبخش بهبود روابط دو کشور بزرگ مسلمان منطقه باشد. در واقع تغییر در رویکرد سیاست خارجی عربستان با ولیعهدی ملک سلمان، پادشاه کنونی آغاز شد؛ تصمیمات او در قبال یمن و بحرین، تحلیل‌های گذشته در باب محافظه کاری را دستخوش تغییر ساخت. بنابراین عربستان تبدیل به بازیگری مداخله‌گر و با ماجراجویی‌های منطقه‌ای در رقابت با دیگر قدرت‌های منطقه نظیر ایران و ترکیه شد. اگرچه پیش‌تر نیز این رقابت وجود داشت اما خویشنداری و تعمق در نگاه مقامات این کشور هیچ‌گاه رقابت با این بازیگران را به تنش در سطح مقامات ارشد و قطع رسمی روابط سوق نداده بود.

دلایل بسیاری برای تغییر نگرش بین‌المللی در باب بازیگری عربستان در منطقه وجود دارد که بحران یمن و حوادث سوریه آن را تقویت کرده است. رویارویی ایران و عربستان در مناطق و موضوعات مختلف منطقه‌ای باب بسیاری از تنش‌ها را گشوده و جنگ نیابتی عربستان با ایران در مناطق مختلف و حمایت از گروه‌های معترض خرد در این کشورها موجب گسترش بحران و قدرت‌گیری نیروهای هویتی و قومی شده است. همچنین ادامه تنش میان دو کشور، سطح بحران، جنگ و خشونت در سطح جوامع خاورمیانه‌ای را افزایش می‌دهد که بسیاری از تحلیلگران نظامی و امنیتی بر آن صحنه می‌گذارند. از همین رو، پایان بحران و آغاز روابط میان تهران و ریاض، اصلی جدایی‌ناپذیر در سناریوهای موجود برای حل بحران و بازگشت امنیت به منطقه است. طرفداران این نگاه باور دارند که مسدود بودن کانال‌های گفت‌وگو میان تهران

وحشت در اقیانوس آرام

چندی است که لفاظی های میان پیونگ یانگ و واشنگتن شدت گرفته است؛ پس از آن که رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد، کشورش به تهدیدهای کره شمالی پاسخ خواهد داد، دولت پیونگ یانگ به این اظهارات واکنشی جدی نشان داد و اعلام کرد، به دنبال هدف قرار دادن مناطقی در نزدیکی تأسیسات نظامی استراتژیک آمریکا در جزیره گوام در اقیانوس آرام با موشک های بالستیک میان برد است. اکنون تمام چشم ها به جزیره گوام خیره است؛ آیا کره شمالی این منطقه را هدف قرار می دهد و اگر چنین کند که بعید است، واکنش آمریکا چه خواهد بود؟ همچنین آیا تهدیدات دو کشور فقط لفاظی است یا در نهایت به گزینه نظامی ختم خواهد شد؟

ES



خصومت بی پایان

آیا گوام به محل تقابل واشنگتن-پیونگ یانگ تبدیل می شود؟

ساناز رضایی
روزنامه نگار

نام جزیره کوچک و ناشناخته گوام از زمانی بر سر زبان ها افتاد که کره شمالی در واکنش به اظهارات توأم با «خشیم و آتش» دونالد ترامپ اعلام کرد که هر لحظه آماده پرتاب موشک به سوی این جزیره است. «گوام» که در ۱۶۰۰ کیلومتری کره شمالی قرار دارد از این منظر بسیار مهم و حساس است که در آن چندین پایگاه نظامی آمریکا قرار دارد و میزبان بیش از ۶ هزار سرباز آمریکایی است. خصومت کره شمالی و آمریکا به سال های دور بر می گردد؛ شبه جزیره کره از سال ۱۹۴۵ که به دنبال شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم از سلطه و اشغال این کشور آزاد شد، عملاً به دو کشور تقسیم شد. قسمت شمالی آن به اشغال شوروی و قسمت جنوبی آن به اشغال آمریکا درآمد. در سال ۱۹۴۶ حزب کمونیست

کره شمالی با حمایت شوروی تشکیل و کیم ایل سونگ رهبر آن شد. در سال ۱۹۴۸ جمهوری دموکراتیک خلق کره اعلام موجودیت کرد. در سال ۱۹۵۰ بخش جنوبی شبه جزیره کره اعلام استقلال کرد که متعاقب آن مورد حمله بخش شمالی قرار گرفت و به این ترتیب جنگ دو کره آغاز شد. جنگ کره به مدت سه سال تا ۱۹۵۳ به طول انجامید. پایان جنگ با انعقاد قرارداد آتش بس بین دو کره تحقق یافت، البته تاکنون توافق برای صلح پایدار به طور رسمی بین دو کشور صورت نگرفته است. بر اساس این قرارداد، دو طرف (از جمله آمریکا که در جنگ به نفع کره جنوبی وارد شده بود) مجاز بودند که به گشت زنی در داخل منطقه حائل (غیر نظامی) بپردازند. همچنین نیروهای ناظر آتش بس سازمان ملل در منطقه حائل بین دو کشور مستقر شدند و وظیفه نظارت بر اجرای مقررات قرارداد مزبور را به عهده گرفتند. فروپاشی اتحاد شوروی موجب شد که کره شمالی

بزرگترین و مهمترین حامی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را از دست بدهد. نهایتاً هر دو کره در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱ همزمان به عضویت سازمان ملل پذیرفته شدند. با از دست رفتن حمایت مسکو از پیونگ یانگ، پکن به صورت تنها متحد و حامی حکومت کمونیستی کره شمالی درآمد. موضع تهاجمی واشنگتن از بدو تأسیس کره شمالی، واشنگتن موضع تهاجمی نسبت به این کشور داشته و نقش اساسی در انزوای آن در سطح بین المللی ایفا کرده است. در سپتامبر ۱۹۵۶ آمریکا تصمیم گرفت که برخلاف بند ۱۳ (د) قرارداد آتش بس کره، تسلیحات هسته ای در خاک کره جنوبی مستقر کند. این تصمیم در مراحل مختلف طی سال های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ به اجرا درآمد. تلاش های شوروی و هم پیمانانش در سازمان ملل برای جلوگیری از تصمیم

استتکاف کره شمالی از ذکر فعالیت‌های گذشته خود بود. با تلاش و فشار سیاسی چین، سرانجام کره شمالی در تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۰۸ گزارش خود را به آژانس ارائه کرد.

با اینکه محتوای این گزارش آشکار نشد اما رسانه‌های غربی ادعا کردند که گزارش کامل و صحیحی نبوده و از ذکر همکاری کره شمالی با کشورهای مثل سوریه خودداری کرده است. نهایتاً در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۰۸ کره شمالی از لیست تروریسم حذف شد و در مقابل قبول کرد که مذاکرات در مورد از کارانداختن تاسیسات هسته‌ای اش آغاز شود. متعاقباً گروه شش در دسامبر ۲۰۰۸ در پکن تشکیل جلسه داد تا در مورد نحوه راستی‌آزمایی در خصوص از کارانداختن تجهیزات و تاسیسات هسته‌ای کره شمالی مذاکره شود. این مذاکرات به دلیل حساسیت زیاد به نتیجه‌ای نرسید.

دومین آزمایش هسته‌ای

سال ۲۰۰۹ آرامشی در بحث هسته‌ای کره شمالی به ارمغان نیاورد. پرتاب راکت به فضا از سوی کره شمالی در مارس ۲۰۰۹ جنجال زیادی ایجاد کرد. آمریکا، ژاپن و کره جنوبی این اقدام کره شمالی را نقض قطعنامه شورای امنیت و تعهدات این کشور خواندند. کره شمالی هم در پاسخ به این اعتراضات، برخلاف توافقات حاصله در گروه شش، بازرسان آژانس را اخراج و به بازسازی مجتمع یونگیون مبادرت کرد. در ۲۵ مه ۲۰۰۹ کره شمالی دست به دومین آزمایش هسته‌ای خود زد. این اقدام واکنش تند جامعه بین‌المللی را به دنبال داشت. از جمله واکنش شورای امنیت که مبادرت به صدور قطعنامه ۱۸۷۴ کرد. در اقدامی تلافی‌جویانه، کره شمالی اعلام کرد که غنی‌سازی اورانیوم را از سر می‌گیرد و به میز مذاکرات شش‌جانبه باز نمی‌گردد و به توافقات قبلی پایبند نیست.

تنش بین دو کره در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ادامه یافت. در مارس ۲۰۱۰ کره شمالی به یک کشتی کره جنوبی حمله و آن را غرق کرد که موجب کشته شدن ۴۶ سرنشین آن شد. البته کره شمالی رسماً مسئولیت این حمله را به عهده نگرفت. در نوامبر همین سال کره شمالی به جزیره یون پیونگ کره جنوبی حمله کرد که تعدادی کشته بر جای گذاشت.

در مارس ۲۰۱۱ کره شمالی اعلام کرد که حاضر است به مذاکرات شش‌جانبه بدون قید و شرط بازگردد، اما در همان زمان منابع غیررسمی گزارش دادند که کره شمالی در حال تکمیل تأسیسات هسته‌ای خود است و موفق شده تا پایان این سال تعداد ۲۰۰۰ سانتریفیوژ پی ۲ را در یونگ پیون نصب کند. مرگ کیم جونگ ایل در دسامبر ۲۰۱۱ امیدها را برای احیای مذاکرات شش‌جانبه زنده کرد. اما پس از گذشت اندک زمانی این امیدها به ناامیدی تبدیل شد. پیونگ یانگ در دوران رهبری کیم جونگ ایل نیز در کنار چندین آزمایش موشکی دو بار در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ آزمایش هسته‌ای انجام داد.

اکنون تنش‌ها میان پیونگ یانگ و واشنگتن به نقطه اوج رسیده است به گونه‌ای که ساکنان گوآم برای برقراری صلح دست به دعا برداشته و همگان بر خوب‌شدن طرفین تأکید می‌کنند؛ در این میان برخی بر این باورند با وجود اینکه ترامپ به عنوان شخصی خودسر، بی‌باک و غیرقابل پیش‌بینی شناخته می‌شود، اما تاکنون تهدیدها میان کره شمالی و آمریکا فراتر از لفاظی‌ها پیش نرفته اما سوال این است که آیا ترامپ به واقع می‌داند کجا باید این لفاظی‌ها را متوقف و از وقوع یک جنگ تمام‌عیار جلوگیری کند؟ ▶

مذاکرات به حالت تعلیق درآمد. در آوریل ۲۰۰۳ بنا به پیشنهاد چین، مذاکرات سه‌جانبه‌ای بین آمریکا، چین و کره شمالی با هدف پایان دادن به بحران هسته‌ای کره شمالی در پکن صورت گرفت که در نهایت به مذاکرات شش‌جانبه (شامل کره شمالی، کره جنوبی، آمریکا، روسیه، چین و ژاپن) تبدیل شد. اولین دور این مذاکرات در اوت ۲۰۰۳ برگزار شد و سپس در فوریه و ژوئن ۲۰۰۴ ادامه یافت ولی به دلیل تنش بین کره شمالی و آمریکا برای یک سال متوقف شد تا اینکه مجدداً در ژوئیه ۲۰۰۵ از سر گرفته شد. سرانجام در سپتامبر ۲۰۰۵ مذاکرات شش‌جانبه به نتیجه رسید و گروه شش با امضای سندی تحت عنوان «بیانیه اصول» از گسترش بحران کره جلوگیری کرد.

بر اساس این سند، کره شمالی تعهد کرد که برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد و به آن پی‌تی بازگردد و بازرسان آژانس را بپذیرد. در مقابل، آمریکا اعلام کرد که قصد حمله هسته‌ای یا غیرهسته‌ای به کره شمالی ندارد و تسلیحات هسته‌ای در کره جنوبی مستقر نمی‌کند. طرفین همچنین بر تنفیذ و اجرای «بیانیه مشترک هسته‌ای زدایی از شبه جزیره کره» تأکید کردند. مشکلی که بر سر اجرای این بیانیه به وجود آمد تفسیر متفاوت آمریکا و کره شمالی در مورد تعهدات یکدیگر و اقدامات متناقض آنها با مفاد بیانیه بود. با این ترتیب، مذاکرات شش‌جانبه و «بیانیه اصول» برای مدت ۱۸ ماه به دست فراموشی سپرده شد.

نخستین آزمایش موشکی

در طول سال ۲۰۰۶ بحران هسته‌ای کره شمالی عمق بیشتری یافت. در اکتبر این سال، کره شمالی مبادرت به نخستین آزمایش هسته‌ای خود کرد. شورای امنیت سازمان ملل بلافاصله واکنش نشان داد و با صدور قطعنامه ۱۷۱۸ تحریم‌هایی را علیه کره شمالی وضع و اعمال کرد. در این میان، چین تلاش دیپلماتیک فشرده‌ای به کار برد تا اینکه گروه شش در دسامبر ۲۰۰۶ در پکن تشکیل جلسه داد. این جلسه نتیجه‌ای نداشت. مجدداً در فوریه ۲۰۰۷ گروه شش تشکیل شد که در پایان از آن به عنوان مذاکرات موفق نام برده شد.

در این اجلاس طرف‌های مذاکره‌کننده بر سندی توافق کردند که عنوان «اقدامات مقدماتی برای اجرای بیانیه مشترک» را یدک می‌کشید. بر پایه این سند، کره شمالی موافقت کرد تا به تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود پایان دهد، برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد، به آن پی‌تی ببیند و پادمان‌های آژانس را بپذیرد؛ به طوری که همه این اقدامات ظرف مدت ۶۰ روز صورت گیرد. در مقابل، بسته تشویقی شامل کمک‌های اقتصادی و انرژی به کره شمالی ارائه شود.

همچنین آمریکا تعهد کرد که ۲۵ میلیون دلار از دارایی‌های کره شمالی را که در یکی از بانک‌های ماکائو ضبط شده بود، آزاد کند. بانک مزبور بعداً اعلام کرد که به دلیل تحریم‌های آمریکا قادر نیست دارایی‌های کره شمالی را آزاد کند. همین مسأله باعث شد تا روسیه پادرمیانی کند و با انتقال دارایی‌های مذکور به یکی از بانک‌های آن کشور، از بی‌اثر شدن نتیجه مذاکرات شش‌جانبه جلوگیری کند.

بعد از توافق فوریه ۲۰۰۷، کره شمالی مبادرت به تعطیلی و بستن تاسیسات هسته‌ای خود کرد و به بازرسان آژانس اجازه داد از محل‌های مورد نظر بازرسی نمایند. در دور بعدی مذاکرات شش‌جانبه، «برنامه عمل دوم» مورد توافق قرار گرفت که به موجب آن کره شمالی موظف شد گزارش صحیح و کاملی از فعالیت‌های هسته‌ای خود تا آخر دسامبر ۲۰۰۷ ارائه کند. این تاریخ سپری شد و گزارشی از سوی کره شمالی ارائه نشد که دلیل آن



آمریکا به جایی نرسید. متقابلاً کره شمالی اقدام به ایجاد تاسیسات عظیم زیرزمینی تسلیحات متعارف در نزدیکی منطقه حائل کره به طوری که نیروهای کره جنوبی و آمریکایی در تیررس این تسلیحات قرار گرفتند. در سال ۱۹۶۳ کره شمالی از شوروی درخواست کمک کرد تا بتواند به تکنولوژی و تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کند؛ اما این درخواست پذیرفته نشد. با این وجود شوروی موافقت کرد که به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کره شمالی از جمله آموزش کارشناسان این کشور کمک کند. بعدها چین هم با درخواست مشابه کره شمالی مخالفت کرد.

مذاکرات شش‌جانبه

در این میان، مذاکرات شش‌جانبه کره شمالی، آمریکا، روسیه، ژاپن، کره جنوبی و چین در اوت ۲۰۰۳ شروع شد و در سال‌های بعد به طور نه‌چندان منسجم ادامه یافت و در نهایت نیز با خروج کره شمالی از این

تقابل فزاینده

پیونگ یانگ در دوراهی قرار گرفته است

طهمورت غلامی

کارشناس مسائل آمریکا



۲

بحران کره شمالی حول دو محور اصلی فعالیت اتمی و موشکی شکل گرفت؛ در دسامبر ۱۹۸۵ کره شمالی NPT را در آوریل ۱۹۹۲ موافقت‌نامه پادمان را امضا کرد. اما به‌رغم تعهد به عدم پیگیری سیاست دسترسی به سلاح هسته‌ای، در ژانویه سال ۱۹۹۴ سیا ادعا کرد که کره شمالی احتمالاً ۱ یا ۲ بمب اتمی ساخته است. از این زمان بود که موضوع اتمی کره شمالی به یک بحران بین‌المللی بدل شد. تلاش برای حل مسالمت‌آمیز بحران با محوریت آمریکا منجر به اعلامیه توافق شد.

عدم پایبندی ایالات متحده به تعهدات خود در اعلامیه توافق از یک سو و نگرانی و بدبینی کره شمالی نسبت به تعهدات آمریکا از سوی دیگر سبب شد که اجرای اعلامیه توافق با چالش مواجه شود. به دنبال گزارش آژانس از فعالیت‌های اتمی کره شمالی، پیونگ یانگ در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ از NPT خارج شد.

بعد از آزمایش اتمی کره شمالی، مذاکرات ۶ جانبه به منظور جلوگیری از گسترش بحران آغاز شد که در فوریه ۲۰۰۷ به توافق‌نامه «طرح اقدام» منجر شد. طبق این توافق کره شمالی در ازای تعطیلی رآکتور اتمی خود، کمک‌های غذایی دریافت می‌کرد. عدم پایبندی دو طرف به توافق یادشده سبب شد، در ۲۵ مه ۲۰۰۹ کره شمالی دومین بمب اتمی خود را آزمایش کند. هرچند در سال ۲۰۱۲ بار دیگر طبق توافق نامۀ Leap Day بر مفاد طرح اقدام تأکید شد اما کره شمالی در سال ۲۰۱۳ علاوه بر سه آزمایش موشکی، سومین آزمایش اتمی خود را نیز انجام داد. پس از این آزمایش، کره شمالی اعلام کرد اکنون به سلاح‌های هسته‌ای کوچک شده و سبک‌تری دست یافته است که می‌تواند به وسیله موشک، سلاح هسته‌ای را پرتاب کند.

علاوه بر این، آنچه ماهیت برنامه هسته‌ای

کره شمالی را بیش از پیش پیچیده کرده اصلاحیه قانون اساسی این کشور و اعلام این موضوع است که کره شمالی اکنون یک کشور دارای سلاح هسته‌ای و قدرت نظامی تزلزل‌ناپذیر است. اهمیت این موضوع از آن جهت بود که پیونگ یانگ برای توافق‌های بعدی این پیش شرط را قائل بود که این کشور باید به‌عنوان یک کشور هسته‌ای شناخته شود. سیاست صبر استراتژیک باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در قبال بحران کره شمالی سبب شد طی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ هیچ‌گفت‌وگویی در رابطه با بحران کره شمالی انجام نگردد. در ژانویه و سپتامبر ۲۰۱۶ کره شمالی دو آزمایش اتمی و چند آزمایش موشکی انجام داد.

در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ و یک روز قبل از مراسم تحلیف دونالد ترامپ، کره شمالی اعلام کرد که آماده آزمایش دو موشک بالستیک قاره‌پیما است. به دنبال این، در ماه‌های فوریه و مارس کره شمالی آزمایش‌های موشکی خود را انجام داد که منجر به حضور نظامی سنگین آمریکا در شبه‌جزیره کره و استقرار سیستم دفاعی موشکی موسوم به تاد در کره جنوبی و ژاپن شد. در ماه می کره شمالی دو موشک بالستیک پیشرفته به سمت آب‌های ژاپن شلیک کرد که آزمون موفق بود. تداوم اقدامات کره شمالی منجر به قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه کره شمالی و واکنش پیونگ یانگ مبنی بر شلیک چهار موشک بالستیک به سوی جزیره گوآم در اقیانوس آرام شد که واکنش تند ترامپ را به دنبال داشت. موضع ترامپ حاکی از این است که کره شمالی از یک تهدید بالقوه در دهه ۱۹۹۰ به یک تهدید جدی برای آمریکا در شرایط فعلی تبدیل شده است. با اولین آزمایش هسته‌ای کره شمالی تهدید این کشور برای متحدین آمریکا جدی‌تر شد. تداوم آزمایش‌های هسته‌ای در کنار ارتقای توانمندی‌های موشکی که می‌توانست متحدین بیشتری از آمریکا را در شرق آسیا مورد هدف قرار دهد، سبب شد که آمریکا بیش از پیش نسبت به تغییر معادلات قدرت در شرق آسیا نگران باشد. همچنین از طرفی متحدین آسیایی آمریکا نیز انتظار داشتند که این کشور به اقدامات کره شمالی پاسخ مناسب دهد. هرچند چالش‌های ناشی از برنامه اتمی و موشکی کره شمالی ابتدا

تهدیدی برای متحدین آسیایی آمریکا بود اما به موازات توسعه توانمندی‌های هسته‌ای و انجام آزمایش‌های اتمی پیشرفته‌تر از یک سو و توسعه توانمندی‌های موشکی و از جمله موشک‌های بالستیک (کوتاه برد، میان برد و قاره‌پیما) از سوی دیگر، به نظر می‌رسد چالش کره شمالی به تهدید مستقیم علیه ایالات متحده آمریکا نیز تبدیل شده است. با توجه به اینکه برآورد و ارزیابی کارشناسان و مقامات ایالات متحده از برنامه موشکی و اتمی کره شمالی دقیق نیست، آنها در ارتباط با کره شمالی بدترین سناریو را در نظر می‌گیرند. بنابراین آمریکا دو گزینه سیاسی و نظامی برای حل بحران پیش روی خود دارد.

در گزینه سیاسی، ایالات متحده به دنبال آن است که از طریق متحدین منطقه‌ای خود در شرق آسیا از یک سو و همراه کردن چین و روسیه از سوی دیگر، کره شمالی را تحت فشار و محاصره قرار دهد تا این کشور را مجبور به تغییر سیاست‌های خود نماید. هدف نهایی از اعمال فشار بر کره شمالی این است که پیونگ یانگ بر سر دوراهی انتخاب حفظ بقای نظام سیاسی بدون برخورداری از توانمندی اتمی یا در معرض خطر بودن بقای نظام سیاسی در صورت اصرار بر برخورداری از توانمندی اتمی قرار گیرد. هرچند این سناریو به دلیل کم‌زینه بودن گزینه مطلوب برای ایالات متحده است اما وجود برخی محدودیت‌های جدی مانند شکست تجربه توافق‌های پیشین در مسیر این گزینه، سبب شده است که آمریکا گزینه غیر سیاسی (نظامی) را نیز منتفی نداند. به نظر می‌رسد شرایط زیر سبب می‌شود که در دستورکار قرار دادن گزینه نظامی تسریع شود:

۱- پیشرفت کره شمالی در توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی

۲- رسیدن ژاپن و به‌ویژه آمریکا به این ارزیابی که کره شمالی قادر است به دنبال توسعه و پیشرفت‌های حاصل شده در توانمندی‌های موشکی خود، خاک این دو کشور را مورد هدف قرار دهد.

۳- حرکت کره شمالی به سمت باج‌گیری از آمریکا و متحدین آن با اتکا به ارتقای توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی.

آمریکا هم‌اکنون بر گزینه سیاسی و تحمیل فشارها و تحریم‌های جدید بر کره شمالی تأکید دارد که یک تفاوت اساسی با رویه‌های پیشین واشنگتن در قبال بحران کره شمالی دارد؛ بدین معنی که در برهه فعلی تلاش می‌کند تا دولت‌هایی مانند روسیه و به‌ویژه چین را نیز تحت فشار قرار دهد که آمریکا را همراهی کنند. ▶





از سوی دیگر در خصوص بحران کره شمالی باید به رویکرد شخص ترامپ نیز توجه داشت؛ زیرا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری است که در شروع کارش با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است. ترامپ در خصوص مسائل داخلی دو وعده عمده مبنی بر لغو سیستم «اوپاما کر» و اصلاح قانون مالیاتی را داده بود که در مورد گزینه اول ناکام بود و درباره گزینه دوم نیز هیچ پیشرفتی نداشته است. تنها موضوعی که ترامپ در آن تا حدودی موفقیت داشته افزایش فرصت‌های شغلی در آمریکا و کاهش نرخ بیکاری است. این موضوعات باعث شده که میزان تأیید و رضایت مردم از ترامپ کاهش پیدا کند. در ایالات متحده آمریکا به‌طور مرتب نظرسنجی‌هایی برای تعیین رضایت مردم از عملکرد رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد که طی هفته‌های اخیر، میزان رضایت مردم آمریکا از عملکرد ترامپ کمتر از ۴۰ درصد بوده است. این میزان رضایت برای رئیس‌جمهوری که در سال اول ریاست‌جمهوری‌اش به سر می‌برد خیلی پایین است. زیرا اغلب روسای جمهور در سال اول حضورشان در کاخ سفید، بالای ۵۰ درصد رضایت مردم را کسب کرده‌اند.

این موضوع باعث شده است که برخی از بحران‌های خارجی در عین حالی که برای آمریکا مضر است اما برای شخص ترامپ اتفاقاً خوب و مثبت باشد. زیرا اولاً باعث می‌شود که افکار عمومی داخل آمریکا از ناکامی‌های ترامپ در عرصه داخلی به سمت مسائل خارجی منحرف شود و ثانیاً ترامپ برخلاف مسائل داخلی که دستاوردی در تحقق شعارهای انتخاباتی‌اش نداشته اما در مسائل خارجی می‌تواند ژست‌های محکمی به خود بگیرد با این مضمون که برخلاف باراک اوپاما که رئیس‌جمهور ضعیفی بود او آمریکا را مجدداً قدرتمند کرده است. البته این قدرتمندتر کردن آمریکا فقط در حد حرف است و او راه‌حل جدی و عملی برای این مسئله ندارد ولی این موضع سفت و سخت و تهاجمی دونالد ترامپ میان حامیان او و حامیان حزب جمهوریخواه خریدار دارد. در عین حال باید توجه داشت که این رویکرد دولت آمریکا برای ایران ضرورتاً خوب نیست زیرا ممکن است در آینده و چنانچه شکست‌های ترامپ در داخل ادامه داشته باشد، کاخ سفید به سمت ایجاد یک بحران ساختگی در خصوص ایران حرکت کند. ▶

تداوم بحران

گزینه مطلوب ترامپ در برابر کره شمالی چیست؟



حامد موسوی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

میلیون نفر در کره جنوبی و ژاپن کشته خواهند شد و تلفات چنین جنگی بسیار بالا خواهد بود.

در این بین این مساله که ممکن است کره شمالی بتواند با موشک‌هایش خاک آمریکا را هدف قرار دهد نیز مدنظر کارشناسان است. بنابراین گزینه برخورد نظامی به‌رغم تاکید آمریکا مبنی بر روی میز بودن آن، اما به هیچ وجه گزینه مورد نظر و مطلوب کاخ سفید نیست. چرا که اگر گزینه مطلوبی برای واشنگتن بود تا الان از آن استفاده کرده بود. از سوی دیگر ژاپن، کره جنوبی و چین نیز به شدت به آمریکا فشار وارد می‌آورند که به سمت این گزینه گام برندارد. زیرا علاوه بر آسیب‌پذیری کره شمالی و آمریکا، این سه کشور نیز در صورت وقوع جنگ، آسیب‌های جدی خواهند دید.

گزینه دیگری که پیش روی بحران پیونگ‌یانگ و واشنگتن قرار دارد، گزینه دیپلماسی است؛ این گزینه نیز مطلوب آمریکاییست زیرا آنها بعید می‌دانند که بتوانند مانند دفعه پیشین کره شمالی را قانع کنند تا برنامه هسته‌ای‌اش را کنار بگذارد. زیرا اولاً از یک سو، طی مذاکرات قبلی، کره شمالی به آنچه می‌خواست و آمریکا قول داده بود، دست نیافت و از سوی دیگر امروز برنامه اتمی و موشکی کره شمالی وارد یک فاز جدید شده که غربی‌ها آن را اصطلاحاً Game Changer یعنی آنچه به‌بازی را تغییر می‌دهد، می‌نامند.

به همین دلیل اصلاً منطقی نیست که پیونگ‌یانگ بخواهد ابزار جدید بازدارندگی را به راحتی کنار بگذارد. بنابراین در گزینه دیپلماسی نیز آمریکا به آسانی به اهدافی که در پی آن است، دست نخواهد یافت.

از سوی دیگر در پشت‌صحنه این تحولات، اتفاقاتی در حال رخ دادن است که کمتر در رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود و بیشتر به لفاظی‌ها و تهدیدات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اشاره می‌شود. در واقع چند روز پیش خبرگزاری آسوشیئد پرسیز افشا کرد که چند ماه است مذاکراتی در پشت‌پرده میان آمریکا و کره شمالی در نیویورک در حال پیگیری است. این گفت‌وگوها میان جوزف یون، فرستاده وزارت امور خارجه آمریکا در امور سیاستگذاری کره شمالی و پاک سونگ ایل، دیپلمات ارشد کره شمالی در سازمان ملل صورت گرفته است. بنابراین همزمان با تشدید لفاظی‌ها میان رهبر کره شمالی و رئیس‌جمهور آمریکا، در پشت‌صحنه نیز یک روند دیپلماسی در حال انجام و پیگیری بوده است که در خود آمریکا به آن کانال نیویورک می‌گویند. چرا که مذاکرات در شهر محل استقرار سازمان ملل در نیویورک انجام می‌شود. البته این مذاکرات چند ماهه، تاکنون به هیچ نتیجه‌ای نائل نشده است.

با در نظر گرفتن این سه گزینه یعنی جنگ، دیپلماسی و مذاکرات پشت‌پرده می‌توان گفت که واشنگتن در این بازی، گزینه مطلوب و ایده‌آل ندارد و بازی خیلی سخت‌تر از گذشته شده است.

در نتیجه به نظر می‌رسد محتمل‌ترین گزینه آن باشد که این بحران به شکل کنترل‌شده‌ای تداوم یابد. یعنی در عین حال که بحران ادامه دارد اما از طریق مذاکرات و کانال نیویورک، دو طرف تلاش خواهند کرد که بحران از حد و حدود فعلی خارج نشود زیرا ممکن است در این صورت به جنگ ختم شود. بنابراین محتمل‌ترین گزینه برای چشم‌انداز بحران کره شمالی و آمریکا، یک بحران ادامه‌دار اما کنترل‌شده است.

بحران در روابط آمریکا و کره شمالی وارد فاز جدیدی شده است؛ بدین مفهوم که در برهه فعلی کره شمالی موفق به تست موشک‌های بالستیک شده که قاره‌پیما هستند و این احتمال جدی وجود دارد که بتواند خاک آمریکا را مورد هدف قرار دهد. مساله دیگر آنکه چند روز پیش روزنامه واشنگتن پست فاش کرد که اواخر جولای یعنی حدود دو هفته پیش، جامعه اطلاعاتی آمریکا به این جمع‌بندی رسیدند که کره شمالی موفق شده یک کلاهک اتمی کوچک‌شده در حدی که درون موشک قرار بگیرد را بسازد.

البته پیونگ‌یانگ پیش‌تر موفق به تولید بمب اتم شده بود اما این مساله که بتواند این قدرت تکنولوژیک را پیدا کند که بتواند این بمب‌های اتم را در حدی کوچک کند که قابل حمل توسط موشک باشد یک قابلیت جدید است. وقتی این دو مساله را در کنار هم قرار دهیم نتیجه آن می‌شود که کره شمالی این توانایی را دارد خاک آمریکا را توسط موشک اتمی مورد هدف قرار دهد. این مساله، نگرانی‌هایی را در واشنگتن ایجاد کرده و اگر چنین اتفاقی بیفتد، معادلات را عملاً برهم خواهد زد.

بنابراین بر این اساس است که می‌گوییم معادلات در روابط واشنگتن و پیونگ‌یانگ پیچیده شده است. اکنون پرسش اینجاست که ایالات متحده آمریکا چه راهکارهایی را برای خروج از این وضعیت و جلوگیری از اقدام احتمالی پیونگ‌یانگ در حمله اتمی به جزیره گوام مدنظر دارد.

حقیقت امر این است که آمریکا هیچ گزینه ایده‌آلی برای برخورد با این موضوع ندارد. به بیان دیگر یکی از گزینه‌ها، گزینه برخورد نظامی است که احتمال وقوع آن خیلی اندک است. زیرا حتی خود کارشناسان نظامی آمریکا می‌گویند اگر جنگی بین آمریکا و کره شمالی صورت بگیرد، طی چند ساعت نخست جنگ، بین چند صد هزار نفر تا چند





کره شمالی می خواهد آمریکا را پای میز مذاکره بکشاند

گفت و گوی مثلث با کارشناس مسائل شبه جزیره کره

دکتر بشری! در ابتدا کمی راجع به پیشینه اختلافات میان کره شمالی و آمریکا و دلایل روی آوردن پیونگ یانگ به ساخت سلاح هسته ای توضیح دهید.

پیشینه اختلافات میان واشنگتن و پیونگ یانگ خیلی طولانی است و به مسائلی که در شبه جزیره کره اتفاق می افتد، بازمی گردد. از آنجایی که کره شمالی احساس می کند بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با تهدیداتی روبه رو بوده و ممکن است به سرنوشته دیگر کشورهای بلوک شرق مواجه شده و رژیمش ساقط شود، گزینه روی آوردن به سمت سلاح هسته ای و ایجاد نوعی بازدارندگی را انتخاب کرده است.

در این بین وقتی کشوری سلاح هسته ای می سازد باید وسیله حمل کننده آن را نیز داشته باشد؛ شاید بین سه وسیله حمل کننده بمب شامل هواپیمای بمب افکن، زیردریایی و موشک، آسان ترین و وسیله، موشک باشد زیرا کم هزینه تر و قابل دسترس تر است. بنابراین کره شمالی نیز به این سمت حرکت کرد. کره شمالی آزمایش های زیادی در سال های اخیر انجام داده است؛ قسمتی از این موضوع برمی گردد به نوع برخوردی که با کره شمالی انجام می شود.

از یک طرف تحریم های سنگین علیه کره اعمال شده و این کشور با مشکلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم می کند و از سوی دیگر فحطی و کرسنگی هر از گاهی باعث تلفات مردم این کشور می شود؛ بخش قابل توجهی از این مشکلات به دلیل تحریم هایی است که علیه کره شمالی اتخاذ شده است. قاعدتا این تحریم ها به پنهان آزمایش ها و فعالیت های موشکی و هسته ای است؛ همچنین کره ای ها بارها عنوان کرده اند که ابر قدرتی مانند آمریکا اعتماد ندارند و کشورهای همسایه خود غیر از چین را نیز دشمن خود می دانند.

از این رو این موضوع را عنوان می کنند که برای بازدارندگی نیاز به سلاح هسته ای و حمل کننده این سلاح که موشک بالستیک است، دارند و فعالیت خود را

به حالت بالفعل در پیاید و پایگاه هوایی آمریکا در جزیره گوآم مورد اصابت قرار بگیرد، واشنگتن این حمله را بی پاسخ نخواهد گذاشت و نتیجه چنین رودررویی برای شبه جزیره کره اسفبار خواهد بود. یعنی این تقابل می تواند به شدت کره شمالی، جنوبی، چین و ژاپن را درگیر کند. بنابراین باتوجه به این شرایط به نظر می رسد که این تهدید از حالت تهدید کلامی خارج نشود و جنبه عملی به خود بگیرد. اگر کره شمالی به پایگاه هوایی آمریکا در گوآم حمله کند، دست به خودکشی زده است و به نظر من، پیونگ یانگ تا بدین حد به استیصال نرسیده که بخواهد دست به خودکشی بزند. زیرا این اقدام کره شمالی، ضربه ای به آمریکا وارد نخواهد کرد، بلکه منجر به نابودی خود پیونگ یانگ خواهد شد. بعد از اینکه تهدیدات عملی شود چه هدف زده شود چه نشود، آمریکا اقدام تلافی جویانه ای را انجام خواهد داد. اگر واشنگتن بخواهد اقدام تلافی جویانه انجام دهد ممکن است تعداد زیادی موشک کروز به تاسیسات حیاتی کره پرتاب کند که این موشک ها می تواند ضربات مهمی را به آنها وارد کند.

حل و فصل تنش کنونی به واسطه گزینه دیپلماتیک و مذاکره را چقدر محتمل می دانید؟

از آنجایی که تلاش هایی توسط مجامع جهانی مانند سازمان ملل متحد یا چین، روسیه و کشورهای اروپایی صورت گرفته است تا آتش این تنش را کاهش دهند و دو طرف را متقاعد کنند که با یکدیگر به مذاکره بنشینند، در شرایط کنونی گزینه مذاکره میان کره شمالی و آمریکا با وساطت مجامع جهانی محتمل تر از دیگر گزینه ها است.

چرا تنش ها در کره شمالی باره حل دیپلماتیک تاکنون راه به جایی نبرده است؟

طی این سال ها، همواره کش و قوس هایی میان کره شمالی و کشورهای همسایه اش و قدرت های جهانی وجود داشته و آنها تلاش های بسیاری کردند تا پیونگ یانگ دست از فعالیت های هسته ای و تسلیحاتی اش بردارد و در عوض کمک های مالی و اقتصادی به آن ارائه دهند تا به وضعیت خود سامان دهد. اما هیچ گاه دو طرف نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند؛ نه کره شمالی از مواضع خود عقب نشینی کرد و نه دیگر کشورهایی که به کره شمالی وعده کمک داده بودند، تمام و کمال به وعده های شان عمل کردند. بنابراین اختلافات میان کره شمالی و قدرت های منطقه ای و جهانی همچنان باقی مانده است و مذاکرات راه به جایی نبرده است.

آیا ممکن است شخصیت ماجراجو و بی ثبات رهبران کره شمالی و آمریکا، این دو کشور را به سمت جنگ و گزینه نظامی سوق دهد؟

باید توجه داشت که در آمریکا کنترل همه مسائل در اختیار رئیس جمهور نیست. یعنی اگر دونالد ترامپ بخواهد دست به اقدام نظامی شدید علیه کره شمالی بزند باید مجوز کنگره را داشته باشد. در کره شمالی نیز در ظاهر امر، رهبر این کشور حرف آخر را می زند؛ اما نباید فراموش کنیم که یک نوع عقلانیت در هیات حاکمه کره شمالی وجود دارد که اجازه ندهد چنین تهدیدی، عملیاتی شود زیرا در غیر این صورت با یک وضعیت غیر قابل بازگشت مواجه خواهد شد.

در نهایت محتمل ترین گزینه را در قبال بحران فعلی میان واشنگتن و پیونگ یانگ چه می دانید؟

به نظر می رسد که رهبر کره شمالی با تهدیداتش می خواهد قدرت های جهانی را پای میز مذاکره بنشاند و با مطرح کردن شلیک موشک به پایگاه آمریکا در گوآم، در واقع می خواهد به نوعی با دست پر در مذاکرات حاضر شود تا بتواند منافع بیشتری کسب کند. ▶



اسماعیل بشری، کارشناس مسائل شبه جزیره کره در گفت و گویی با هفته نامه مثلث به بررسی تشدید لفاظی ها و تنش ها میان آمریکا و کره شمالی مبنی بر تهدید

پیونگ یانگ در خصوص حمله به پایگاه آمریکا در جزیره گوآم پرداخت و گفت اگر کره شمالی به این پایگاه هوایی آمریکا حمله کند، دست به خودکشی زده است. این کارشناس معتقد است که رهبر کره شمالی با تهدیداتش می خواهد قدرت های جهانی را پای میز مذاکره بنشاند و با مطرح کردن شلیک موشک به پایگاه آمریکا در گوآم در واقع می خواهد به نوعی با دست پر در مذاکرات حاضر شود تا بتواند منافع بیشتری کسب کند.

این گونه توجیه می کنند.

چرا امروز شاهد تشدید لفاظی ها و تهدیدات کره شمالی در قبال برخی کشورهای منطقه و آمریکا هستیم؟

از آنجایی که در اثر تحریم های وضع شده اقتصاد کره شمالی به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است، اکنون این کشور تصمیم گرفته دست به تهدیدات عملی بزند. یعنی اگر پیش تر این کشور فقط آزمایش موشکی انجام می داد اما امروز تهدید کرده که موشک هایی به سمت پایگاه هوایی آمریکا در گوآم پرتاب خواهد کرد. قاعدتا چنین تصمیمی و تهدید کردن یک ابر قدرت جهانی با دارا بودن تمامی امکانات، خیلی منطقی به نظر نمی رسد.

امکان دارد که پیونگ یانگ تهدیداتش را عملی کند یا در حد لفاظی باقی خواهد ماند؟

توجه داشته باشید که اگر این تهدید از حالت بالقوه

آیا تداوم الگوی بازدارندگی بومی برای مهار کره شمالی پاسخگو است؟

پایان صبر استراتژیک



محمد زارع

پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

از زمان مطرح شدن مساله هسته‌ای کره شمالی در دهه ۱۹۹۰، این موضوع همواره برای چین و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار بوده و سیکلی از تنش و آرامش را در محیط امنیتی شرق و شمال شرق آسیا ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که این سیکل، امروزه و به خصوص با انجام آخرین تست موشکی کره شمالی، بیش از هر زمان دیگری به چرخه تنش و بحران نزدیک‌تر شده است. پس از مرگ کیم ایل سونگ در سال ۱۹۹۴ بسیاری در غرب بر این باور بودند که کره شمالی را باید پایان یافته تلقی کرد. به عنوان شاهدهی بر این مدعا می‌توان به پیش‌بینی سازمان سیا آمریکا در سال ۱۹۹۶ اشاره داشت که بیان داشته: «کره شمالی در دو یا سه سال آینده فرو خواهد پاشید». از زمان بیان این پیش‌بینی تاکنون تقریباً دو دهه می‌گذرد و کره شمالی نه تنها همچنان به بقای خود ادامه می‌دهد بلکه این کشور در سال ۲۰۰۵ خود را یک قدرت هسته‌ای اعلام کرد. در سال ۲۰۰۶ اولین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد؛ در سال ۲۰۰۹ و با روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا، دومین آزمایش هسته‌ای و در سال ۲۰۱۳ نیز سومین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد. انجام آزمایش جدید این کشور در قالب انفجار بمب هیدروژنی در سال ۲۰۱۶ و نهایتاً پنجمین آزمایش اتمی این کشور در همین سال، پیچیدگی‌های امنیتی در شرق و شمال شرق آسیا را افزایش داده و تست‌های جدید موشکی سال ۲۰۱۷ که بالغ بر ۲۰ تست موشکی است، بیش از پیش این محیط امنیتی را به مرز شکنندگی نزدیک کرده است. برخلاف انتظارات و تصورات جامعه بین‌الملل مبنی بر اینکه مرگ کیم جونگ ایل و روی کار آمدن فرزندش که تحصیل کرده غرب است، می‌تواند کره شمالی را به سمت اصلاحات و آزادی بیشتر سوق دهد، کره شمالی به رهبری کیم جونگ اون رفتارهای متعارضی را ارائه داد و روی کار آمدن وی نه تنها به تخفیف تنش‌های منطقه‌ای

منجر نشد بلکه حجم و دامنه این تنش‌ها را نیز گسترش داد. واقعیت آن است که پرونده کره شمالی یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی است که از ابتدای روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، بیشترین انرژی را از سیاست خارجی این کشور گرفته است. شاید به جرات بتوان یکی از مناطقی را که استراتژی آمریکا تلاش دارد تا چارچوب مشخصی یابد، منطقه شرق و شمال شرق آسیا دانست و آنچه که تاکنون از رفتارهای این کشور برمی‌آید آن است که «احیای الگوی بازدارندگی بومی» برای فریز کردن قدرت کره شمالی، مهم‌ترین نقطه کلیدی سیاست این کشور بوده است. آمریکایی‌ها تاکنون تنها دو بار از واژه و اصطلاح حمایت صددرصدی استفاده کرده‌اند و آن دو بار هم نسبت به کره جنوبی و ژاپن بوده است. همانگونه که مشخص است این کشور اقدام به استقرار سامانه تاد در کره جنوبی کرد و همچنین ناوگان دریایی خود را به جزیره کره فرستاد تا بتواند تصویر آمریکای غیر قابل پیش‌بینی را که از زمان روی کار آمدن ترامپ بسیار نضج گرفت را هم برای چین و هم برای کره شمالی تئوریزه نماید. در این بین توسل کره شمالی به انجام تست‌های موشکی بیشتر نشان از عدم موفقیت این تلاش آمریکا بود. حال سؤال اساسی این است که با افزایش سطح تهدید کره شمالی آیا تداوم «الگوی بازدارندگی بومی» برای مهار کره شمالی پاسخگو است یا خیر؟

این مساله را می‌توان در چند سطح مطرح کرد: اولین سطحی که می‌توان برای این مهم قائل شد آن است که تعریفی که بوروکراسی ملی کره شمالی برای موفقیت و قدرت‌یابی برای خود تعریف کرده و تقریباً سه دهه است برای آن هزینه کرده در حال رسیدن به موفقیت است. طبیعتاً اگر این پروژه بتواند این مسیر موفقیت را تکمیل کند برای اولین بار پس از جنگ سرد است که ریز بازیگری مانند کره شمالی توانسته است مسیر متفاوتی از دیگر بازیگران برای قدرت‌یابی (مخالف با الگوهای نظم مستقر) و جایابی منطقه‌ای برای خود برگزیند. در این سطح و سناریو، هم آمریکا و هم متحدان منطقه‌ای این کشور باید زندگی با کره شمالی هسته‌ای را بیاموزند.

سطح یا سناریوی دوم را می‌توان به پایان صبر استراتژیک آمریکا و توسل به اقدام نظامی علیه کره شمالی

مربوط دانست. اگرچه باید گفت که یک سطح بندی خاصی از تهدیدات در میان تصمیم‌سازان آمریکایی وجود دارد و کره شمالی هم در اولویت‌های سوم یا چهارم این تهدیدات قرار دارد، لیکن به نظر نمی‌رسد حداقل تا آینده قابل پیش‌بینی آمریکایی‌ها تمایلی به مهار کره شمالی از طریق حمله نظامی داشته باشند. سطح یا سناریوی سوم را می‌توان به افزایش ترس هستی‌شناختی بازیگران منطقه‌ای به خصوص کره جنوبی، ژاپن، استرالیا و گوآم از آزمایش‌های موشکی کره شمالی و هسته‌ای شدن این کشور مربوط دانست. هر چند ممکن است چنین ترس هستی‌شناختی، بازیگران را وادار نماید که کنشی انتحاری انجام دهند لیکن این نکته را باید مورد توجه قرار داد که هیچ کدام از این کشورها بازیگرانی نیستند که بخواهند به عقب برگردند. اساساً مدل اقتصاد و توسعه این کشورها توسل به سیاست‌های ریسکی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد و طبیعتاً این مساله در مشورت این کشورها با آمریکا و انتخاب استراتژی برخورد با کره شمالی موثر است. از این رو می‌توان گفت که انتخاب منطقه‌ای این بازیگران هم نسبتی با جنگ ندارد. سطح و سناریوی نهایی که می‌توان در این زمینه بیان داشت، متغیر چین است. هر چند رویکردهای متفاوتی در میان سنت‌گرایان، استراتژیست‌ها و همچنین کسانی که به دنبال رهاسازی کره شمالی هستند در جامعه تحلیلی چین وجود دارد، لیکن حفظ کره شمالی به عنوان یک سرمایه استراتژیک هنوز برای چینی‌ها یک اولویت مهم است. حتی اگر این مفروض را هم بپذیریم که چین، کره شمالی را در معامله با آمریکا خواهد کرد، بوروکراسی ملی چین هنوز به ارزیابی دقیقی از مابه‌ازاهای این مساله و همچنین اینکه آیا امکان محقق شدن این مابه‌ازاها وجود دارد یا خیر، نرسیده است. بنابراین حفظ کره شمالی به عنوان یک سرمایه استراتژیک، سرمایه‌ای که حتی با توجه به برخی نافرمانی‌ها نهایتاً در بازی و میدان توازن قوای چین بازی خواهد کرد و موضع خواهد گرفت، اولویت اورژانسی پکن است. از طرف دیگر و همان‌گونه که برژینسکی هم بیان داشته است اولویت اول آمریکا برای حل بحران کره شمالی همکاری با چین است. حتی اگر این مساله را هم نپذیریم، عبور از چین و اتخاذ سیاست یکجانبه توسط آمریکا زمان زیادی را خواهد گرفت. ▶



پاسخ به واشنگتن

چنانچه انتظار می‌رفت، سرانجام طرح مجلس شورای اسلامی برای مقابله با اقدامات سلبی کنگره آمریکا و کاخ سفید علیه کشورمان، به صحن علنی بهارستان رفت و مورد حمایت اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان کشورمان قرار گرفت. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز یکشنبه هفته گذشته، کلیات و جزئیات طرح یک فوریتی مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا را مورد بحث و بررسی قرار داده و به تصویب رساندند. کلیات این طرح در ۹ بخش و ۲۷ ماده تنظیم شده است.

سیاست خارجی

تیتریک



شوک به واشنگتن

تهران به نقض‌های مکرر برجام واکنش عملی نشان داد

ماجراهای ترامپ و روح برجام
خیز کاخ سفید برای خروج از توافق هسته‌ای



ژست فریبنده دموکرات‌ها
چه کسانی مدافع برجام در آمریکا شده‌اند؟



طرح مجلس تقابلی با برجام ندارد
حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با مثلث

طی روزهای اخیر، شاهد تشدید تقابل ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران بر سر توافق هسته‌ای هستیم. ترامپ مانند اواما همچنان به بدعهدی‌های خود علیه برجام ادامه می‌دهد و اخیراً نیز مدعی شده است که ایران به هیچ عنوان نسبت به «روح برجام» پایبند نبوده است. برخی منابع خبری نیز از احتمال خروج ترامپ از برجام در کمتر از سه ماه آینده خبر داده‌اند. برکناری رکنس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا از کمیته بررسی برجام این احتمال را تقویت کرده است. در مقابل، اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی ایران در تصویب طرح مقابله با اقدامات تروریستی آمریکا در منطقه، به مثابه پاسخی قاطعانه در مقابل اقدام اخیر کنگره آمریکا و کاخ سفید علیه کشورمان و وضع تحریم‌های غیر هسته‌ای و ضد برجامی از سوی آنها، مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است.

▶▶ ترامپ در گزارش ماه اکتبر چه خواهد گفت؟

اظهارات اخیر دونالد ترامپ در تقابل دوباره با توافق هسته‌ای، احتمال خروج ایالات متحده آمریکا از این توافق را تقویت کرده است. بر این اساس، ممکن است دولت ترامپ در اقدامی یکجانبه و بدون در نظر گرفتن اراده دیگر اعضای ۵+۱، از برجام خارج شود. در این صورت، عمر کوتاه توافق هسته‌ای به پایان خواهد رسید. در این خصوص شبکه ۲۴ به نقل از منابع آگاه در کاخ سفید مدعی شد که ترامپ در گزارش ماه اکتبر از توافق هسته‌ای خارج خواهد شد. بنابر گزارش رسانه‌های آمریکایی، ترامپ در گزارش سه ماه قبل نیز با اصرار و زاری خارجه و دفاع این کشور قانع شده که تأیید کند ایران به توافق هسته‌ای پایبند بوده است.

ترامپ که در دوران رقابت‌های انتخاباتی خود برجام را به عنوان بدترین توافق تاریخ آمریکا دانسته و قول داده بود آن را پاره می‌کند، اخیراً نیز گفته است که برجام فراتر از تعهدات هسته‌ای، یک «روح» داشته که ایران آن را نقض می‌کند. بر اساس گزارش رویترز، وی که با مدام جمعه در یک باشگاه خصوصی گلف در نیوجرسی با خبرنگاران سخن می‌گفت، ابتدا از عدم پایبندی ایران به برجام سخن گفت ولی سریعاً گفته خود را بر اساس ادبیات دولتمردانش تصحیح کرد و گفت که منظورش «روح برجام» بوده است! رئیس‌جمهور آمریکا در این خصوص گفت: «فکر می‌کنم که این توافق وحشتناکی است. آنها به این توافق پایبند نیستند و مطمئناً به روح آن هم پایبندی ندارند.»

▶▶ از سکوت اروپا تا تأسف روس‌ها

این اظهارات ترامپ در حالی صورت می‌گیرد که ایالات متحده آمریکا هم در دوران ریاست جمهوری اواما و هم در دوران ریاست جمهوری ترامپ، چندین بار به صورت رسمی و عینی توافق هسته‌ای را نقض کرده و با وضع تحریم‌های جدید علیه ایران، بر خلاف مفاد ۲۶ تا ۲۹ برجام گام برداشته است. در این خصوص، رویکرد کشورهای اروپایی نیز نسبتاً منفعلانه بوده است. تا کنون، کشورهای اروپایی نه تنها در مهار سرکشی‌های پسابرجامی آمریکا ناموفق بوده‌اند، بلکه در مواردی نیز اقدامات خلاف برجام آمریکا را معیار با توافق هسته‌ای ندانسته‌اند! اگرچه فدریکا موگرینی، مسئول کمیته بررسی برجام و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سفر اخیر

به کشورمان، بار دیگر حمایت خود از توافق هسته‌ای را اعلام کرده است، اما به صورت صریح در مقابل کارشکنی‌های اخیر ایالات متحده و مخصوصاً وضع تحریم‌های جدید علیه کشورمان سخنی به میان نیاورده است.

از سوی دیگر، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اعلام کرد مایه تأسف است که دولت آمریکا به ریاست «دونالد ترامپ» درباره توافق هسته‌ای ایران، شک ایجاد می‌کند. به نوشته خبرگزاری «اینترفکس» لاوروف از اینکه دولت ترامپ درباره چنین توافقی موفق حول برنامه هسته‌ای ایران تشکیک می‌کند، ابراز تأسف کرد.

▶▶ تصویب کلیات و جزئیات طرح مقابله با اقدامات آمریکا در منطقه

چنانچه انتظار می‌رفت، سرانجام طرح مجلس شورای اسلامی برای مقابله با اقدامات سلبی کنگره آمریکا و کاخ سفید علیه کشورمان، به صحن علنی بهارستان رفت و مورد حمایت اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان کشورمان قرار گرفت.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز یکشنبه هفته گذشته، کلیات و جزئیات طرح یک فوریتی مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا را مورد بحث و بررسی قرار داده و به تصویب رساندند. کلیات این طرح در ۹ بخش و ۲۷ ماده تنظیم شده است. وکلای ملت کلیات طرح مذکور را با ۲۴۰ رأی موافق و یک رأی ممتنع از ۲۴۷ نماینده حاضر در صحن علنی، به تصویب رساندند. عنوان این طرح، مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه است. پس از تصویب کلیات طرح مقابله با اقدامات تروریستی و ماجراجویانه آمریکا در منطقه با ۲۲۸ رأی موافق، یک رأی مخالف و دو رأی ممتنع از مجموع ۲۴۲ نماینده حاضر در جلسه جزئیات آن را تصویب کردند.

در بخش اول یا همان کلیات طرح آمده است که با عنایت به اینکه رفتارهای دولت آمریکا همچنان امنیت منطقه را به مخاطره انداخته و از طرف دیگر این دولت همچنان به سیاست‌های خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، ادامه می‌دهد و با تداوم اقدامات ماجراجویانه در منطقه، تفرقه‌افکنی، شعله‌ور کردن فرقه‌گرایی و حمایت از تروریسم و افراطی‌گرایی خشن در صدد به مخاطره انداختن صلح و ثبات منطقه و دشمنی با منافع برحق دولت و اتباع جمهوری اسلامی ایران است...

همچنین مطابق ماده سوم این طرح، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی با رعایت سلسله مراتب نیروهای مسلح و با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی موظف است ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون نسبت به تهیه و ارائه برنامه راهبرد جامع مقابله با تهدیدات آمریکا و فعالیت‌های ایذایی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های سلطه‌جویانه، تروریستی و تفرقه‌افکنانه مداخلات امنیتی و نظامی غیرقانونی در منطقه، حمایت نظامی و اطلاعاتی آمریکا از تروریسم و افراطی‌گرایی و سیاست‌های سلطه‌طلبانه دولت آمریکا در سطح منطقه و جهانی، اقدام

و سالانه نسبت به پیشبرد این راهبردها به مجلس شورای اسلامی گزارش ارائه نماید.

▶▶ مجازات آمریکا به دلیل حمایت از تروریسم

همچنین در بخش چهارم این طرح آمده است، نظر به حمایت پنهان و آشکار دولت آمریکا و نیروهای نظامی و اطلاعاتی آن کشور از گروه‌های تروریستی و اعتراف مکرر برخی از مقامات آمریکایی (از جمله وزیر امور خارجه سابق آمریکا) به ایجاد گروه‌های تروریستی و حمایت همه‌جانبه از آنها از جمله ایجاد گروه تروریستی داعش، از نظر جمهوری اسلامی ایران مجموعه نیروهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا حامیان گروه‌های تروریستی در منطقه شناخته می‌شوند، بنابراین اشخاص ذیل مشمول مجازات‌های مندرج در بخش ششم این قانون قرار می‌گیرند:

۱- سازمان‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا و فرماندهان و مقامات ارشد که در تأمین مالی، اطلاعاتی، نظامی، تسلیحاتی، پشتیبانی و آموزشی از گروه‌های تروریستی و افراطی در منطقه از جمله داعش و جبهه النصره نقش موثر داشته‌اند.

۲- اشخاص آمریکایی که در فعالیت‌های نیروهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا مذکور در بند ۱ این ماده مشارکت موثر دارند.

۳- اشخاص آمریکایی که در سازماندهی، تأمین مالی، راهبری یا ارتکاب اقدامات تروریستی علیه منافع دولت یا اتباع جمهوری اسلامی ایران مشارکت موثر دارند.

۴- اشخاص آمریکایی که از گروهک تروریستی منافقین یا سایر گروه‌های افراطی و تروریستی از جمله داعش و جبهه النصره به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از جمله از طریق ارائه هرگونه کمک‌های مالی، سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی، تسلیحاتی و اطلاعاتی حمایت می‌کنند.

۵- اشخاص آمریکایی که از تروریسم دولتی از قبیل آنچه توسط رژیم صهیونیستی علیه مردم منطقه به خصوص فلسطین و لبنان انجام می‌شود، حمایت کرده و نقش موثری در آن داشته‌اند.



سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اعلام کرد مایه تأسف است که دولت آمریکا به ریاست «دونالد ترامپ» درباره توافق هسته‌ای ایران، شک ایجاد می‌کند

یکی از بخش‌های مهم این طرح، بخش هفتم (مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا) است. در این خصوص آمده است که دولت موظف است همکاری‌های اقتصادی خود را با کشورهای جهان با اولویت همسایگان و کشورهای دوست در ابعاد مختلف گسترش داده و همچنین همکاری اقتصادی خود را با کشورهایی که با تحریم‌های غیرعادلانه از سوی آمریکا مواجه هستند افزایش دهد.

همچنین در ماده ۱۸ این طرح آمده است که به منظور تأمین و حراست از منافع اقتصادی کشور در برابر تحرکات و تحریم‌های خصمانه آمریکا، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف مدت حداکثر سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، برنامه جامع مقابله با تحریم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای پیشگیری و کاهش آثار ناشی از آن را با محوریت عملیاتی سازی هر چه دقیق‌تر و موثرتر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی و امور اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید و پس از آن هر شش ماه یک بار اقدامات خود را به کمیسیون‌های مزبور گزارش نماید.

همچنین وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و امور خارجه مشترکاً موظفند تمهیدات اقتصادی، سیاسی و حقوقی و بین‌المللی لازم برای حمایت از اشخاص و شرکت‌های ایرانی که به تبع و بهانه فعالیت‌های اقتصادی خود مورد تحریم آمریکا قرار گرفته‌اند، اتخاذ کرده و اقدامات لازم را انجام دهند و نتیجه را به کمیسیون‌های اقتصادی، امنیت ملی و سیاست خارجی و قضایی و حقوقی گزارش نمایند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز موظف است با هماهنگی وزارت امور خارجه، عملکرد کشورها و شرکت‌های خارجی را از حیث تبعیت از تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران رارصد کرده و در تنظیم برنامه‌ها و تعاملات تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شرکت‌هایی اولویت دهند که این گونه تحریم‌ها را تبعیت نمی‌کنند.

حمایت از تابع ایران و مقابله با اقدامات حقوق بشری ایالات متحده آمریکا از موارد دیگری است که در این طرح مورد توجه قرار گرفته است.

حمایت وزارت امور خارجه از طرح مجلس شورای اسلامی

طرح تصویب شده در مجلس شورای اسلامی با عنوان طرح مقابله با اقدامات آمریکا در منطقه، با حمایت



عراقچی در این خصوص تأکید کرده است: «جهت‌گیری‌های این طرح در راستای دشمنی‌های آمریکا است و این طرح بخشی از اقداماتی است که هیات نظارت بر برجام پیش‌بینی کرده و در مقابله با اقدامی است که کنگره آمریکا انجام داده است»

وزارت امور خارجه کشورمان مواجه شده است. سیدعباس عراقچی، معاون حقوقی وزارت امور خارجه با حمایت از طرح مجلس مبنی بر مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه، اظهار داشت: «به اعتقاد ما این طرح پاسخی مناسب و خردمندانه به خصومت‌ها و دشمنی‌های آمریکاست.»

عراقچی در این خصوص تأکید کرده است: «جهت‌گیری‌های این طرح در راستای دشمنی‌های آمریکا است و این طرح بخشی از اقداماتی است که هیات نظارت بر برجام پیش‌بینی کرده و در مقابله با اقدامی است که کنگره آمریکا انجام داده است. به اعتقاد ما این طرح از طرح کنگره آمریکا قوی‌تر است، چرا که نه تنها اتباع این کشور، بلکه دولت آمریکا را نیز در بر می‌گیرد، از طرفی جنبه حمایتی از نیروهای مسلح کشور و دیگر وزارتخانه‌هایی که درگیر این موضوع هستند را دارد. همچنین از اتباع ما که مورد تحریم واقع شده‌اند، حمایت می‌کند. این طرح با احتیاط و هوشمندانه تدوین شده که اجازه نقض برجام را نمی‌دهد.»

وی ادامه داد: «اظهارهای مقابله ما با اقدامات آمریکا طیف وسیعی از این اقدامات را شامل می‌شود. ما قانون الزام دولت به اقدام متناسب که مجلس در زمان تأیید برجام تصویب کرد را هم داریم که در صورتی که آمریکا برجام را نقض کند و ایران به این نتیجه برسد که نقض فاحش برجام صورت گرفته، می‌تواند از این قانون نیز برای راه‌اندازی مجدد برنامه هسته‌ای طبق برنامه زمان‌بندی که پیش‌بینی شده، استفاده کند.»

هشدار رئیس دولت دوازدهم به کاخ سفید

سرانجام در جلسه بررسی کابینه پیشنهادی رئیس دولت دوازدهم، آقای روحانی مواضع شفاف‌تری را در خصوص عهدشکنی‌های اخیر ایالات متحده آمریکا و دولت ترامپ اتخاذ کرد. حسن روحانی در این خصوص عنوان کرده است: «ایران برجام را نه تهدید علیه کشورها و نه تسلیم در برابر قدرت‌ها، بلکه توافقی برد-برد و متوازن می‌داند که مسیر همکاری و اعتمادسازی را با جهان گشوده است.

علت بهانه‌جویی‌ها و عهدشکنی‌های دولت جدید آمریکا، توفیق ایران در انجام تعهدات و احقاق حقوق خود و شکست آمریکا در زیاده‌خواهی‌هاست. ایران به تعهدات خود پایبند است و هر تخطی را از جانب دیگران به جد پیگیری خواهد کرد و به تناسب پاسخ خواهد داد. آنها که تلاش می‌کنند مجدداً به زبان تحریم و تهدید بازگردند، زندانی او‌ها هم گذشته خود هستند.

کسانی که در ماه‌های اخیر از پاره کردن برجام سخن می‌گفتند، اخیراً به توصیه برخی مشاورین خود که چنین اقدامی را باعث انزوای آمریکا در صحنه جهانی می‌دانند، ایران را به نقض روح برجام متهم می‌کنند. این در حالی است که هشت گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجرای کامل برجام توسط ایران را تأیید کرده است.

دولتمردان آمریکایی باید بدانند که تجربه شکست خورده تحریم و تحمیل، دولت‌های گذشته‌شان را در نهایت به پای میز مذاکره کشاند و اگر مایل باشند به آن تجربه‌ها برگردند، یقیناً ایران در مدت زمان کوتاهی - نه در مقیاس هفته و ماه، بلکه در مقیاس ساعت و روز - به شرایطی بسیار پیشرفته‌تر از زمان شروع مذاکرات باز خواهد گشت. برجام الگوی تفوق صلح و دیپلماسی بر جنگ و یکجانبه‌گرایی است و اگرچه این، ترجیح جمهوری اسلامی ایران است ولی تنها گزینه کشور نبوده و نخواهد بود.»



حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



«یکی از بدترین توافقات تاریخ!» این عبارتی است که ترامپ در جریان رقابتهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا در قبال برجام به کار برد. بدون شک، هیچ کس تردیدی در تقابل ترامپ با توافق هسته‌ای ندارد. بی‌دلیل نبود که وی در جریان رقابتهای انتخاباتی سال گذشته در آمریکا، وعده پاره کردن برجام را داده بود.

با این حال ترامپ متعاقب ورود به صحنه قدرت، دریافته است که خروج یکجانبه از توافق هسته‌ای به سود منافع ایالات متحده نیست. از سوی دیگر، ترامپ به خوبی می‌داند که در این صورت، وضع تحریم‌های چند جانبه علیه ایران (با مشارکت دیگر اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد) آسان نخواهد بود!

در چنین شرایطی ترامپ به دنبال بهانه‌ای علیه برجام می‌شود تا بتواند با استناد به آن، از توافق هسته‌ای با ایران خارج شود یا تهران را وادار به خروج از این توافق

مسئله، کار ترامپ و تیم وی را دشوارتر کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا به خوبی می‌داند که بهانه‌های احتمالی وی در خصوص عدم پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به برجام، هیچ عقل سلیمی را قانع نخواهد کرد.

از سوی دیگر، چنین معادله‌ای یک طرفه نخواهد بود! در آن سو، جمهوری اسلامی ایران با استناد به عهدشکنی‌های آشکار ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما و ترامپ، واشنگتن را نسبت به نقض برجام متهم کرده است. اگرچه ترویکای اروپایی ترجیح می‌دهند از کنار این موضوع نیز به صورت آرام عبور کنند، اما فدریکا موگرینی و دیگر مقامات اروپایی خود نیز نسبت به نقض عهد آمریکا در قبال توافق هسته‌ای آگاه هستند. در چنین شرایطی کار برای ترامپ و مخالفان توافق هسته‌ای در آمریکا بسیار دشوار شده است.

چندی پیش، انتشار گزارش رکس تیلرسون وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در تایید پایبندی ایران به برجام، منجر به نارضایتی دونالد ترامپ شد. این مناقشه، در نهایت منجر به برکناری تیلرسون از تیم بررسی کننده توافق هسته‌ای در دولت این کشور شد.

به عبارت بهتر، ترامپ حتی حضور شخص اول دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورش در تیم بررسی کننده برجام را نیز برناتافته است. برکناری رکس تیلرسون از تیم بررسی کننده برجام در آمریکا نشان می‌دهد که ترامپ به اندازه‌ای در این مسیر به بیراهه رفته است که وزیر امور خارجه افراطی دولت او نیز در این خصوص احساس خطر کرده است. تقابل ترامپ و تیلرسون، از نوع تقابل یک طرفدار و یک مخالف توافق هسته‌ای نبوده، بلکه از جنس تقابل دو مخالف برجام است. هنوز مواضع سلبی تیلرسون در قبال برجام فراموش نشده است. وی در جلسه استماع سنا (که برای رای اعتماد به وی تشکیل شد)، وعده داده بود که توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ را بار دیگر مورد بازبینی قرار دهد.

بار دیگر به مواضع اخیر ترامپ در تقابل با توافق هسته‌ای باز می‌گردیم. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به صورت رسمی و علنی، جهت خروج از توافق هسته‌ای با ایران خیز برداشته است. برکناری تیلرسون از تیم بررسی کننده برجام در آمریکا و مواضع اخیر ترامپ در خصوص عدم پایبندی ایران به روح برجام، مقدماتی برای رفتار نسنجیده رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. تدریجاً باردیگر یادآور می‌شویم که ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا وعده داده بود توافق هسته‌ای با ایران را در نخستین روز حضور خود در کاخ سفید پاره خواهد کرد. این وعده ترامپ (و معاون وی مایک پنس)، مورد استقبال لابی آپیک در ایالات متحده آمریکا قرار گرفت.

با این حال ترامپ پس از حضور در کاخ سفید دریافت که مقدمات لازم برای نقض فوری برجام از سوی آمریکا وجود ندارد. با همه این اوصاف، حتی ترامپ در چشمت مقدمات لازم برای این کار نیز ناشیانه عمل کرده است.

بدیهی است که خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱، هزینه‌های زیادی برای کاخ سفید به همراه خواهد داشت. هزینه‌هایی که مسلماً دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و اطرافیان وی در کاخ سفید و همچنین سناتورهای مخالف توافق هسته‌ای از آن عهده آنها بر نخواهند آمد... ▶



ماجرای ترامپ و روح برجام

خیز کاخ سفید برای خروج از توافق هسته‌ای

اسلامی ایران به نص برجام است. ترامپ مدت‌ها است در کاخ سفید به دنبال تحقق چنین هدفی است. وی در این خصوص تیمی را تشکیل داده است تا بتواند مستنداتی را جمع‌آوری کند. با این حال، به نظر می‌رسد تیم مورد نظر ترامپ در این خصوص نتوانسته است اقدامی صورت دهد! انتشار شش گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که جملگی پایبندی کشورمان به برجام را تایید کرده‌اند، ترامپ را در موقعیت دشواری قرار داده است.

از سوی دیگر، دیگر اعضای ۵+۱، یعنی روسیه، چین و ترویکای اروپایی معتقدند که توافق هسته‌ای در مسیر صحیح خود پیش می‌رود و هیچ‌گونه نقض عهدی از سوی ایران شکل نگرفته است. همین

کند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا برای دومین بار طی روزهای اخیر مدعی شده که جمهوری اسلامی ایران مطلقاً به روح برجام پایبند نبوده است. مساله اصلی اینجاست که ترامپ در جملات سلیبی خود علیه ایران از واژه «روح برجام» استفاده می‌کند؟ آیا رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا هدف خاصی را از این موضوع دنبال می‌کند؟ پاسخ این سؤال مثبت است!

ترامپ اظهارات اخیر خود علیه برجام را به صورتی کاملاً هدفمند بیان کرده است. او در این میان، با عباراتی مانند «روح برجام» و «اصل برجام» بازی می‌کند. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که ترامپ خود و کابینه‌اش را برای خروج از توافق هسته‌ای آماده می‌کند.

وی در این خصوص دست به مقدمه‌چینی‌هایی زده است که طرح ادعای عدم پایبندی ایران نسبت به روح برجام یکی از آنها است. ترامپ به خوبی می‌داند که در برهه فعلی، هیچ عقل سلیمی ادعای وی مبنی بر عدم پایبندی ایران نسبت به متن برجام را قبول نخواهد کرد. در چنین شرایطی، وی به «روح برجام» متوسل شده است.

بدون شک، گام بعدی دونالد ترامپ در تقابل با توافق هسته‌ای، طرح ادعای عدم پایبندی جمهوری

چندی پیش، انتشار گزارش رکس تیلرسون وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در تایید پایبندی ایران به برجام، منجر به نارضایتی دونالد ترامپ شد. این مناقشه، در نهایت منجر به برکناری تیلرسون از تیم بررسی کننده توافق هسته‌ای در دولت این کشور شد.

چه کسانی مدافع برجام در آمریکا شده‌اند؟

ژست فریبنده دموکرات‌ها

نمایندگان آمریکا نیز تنها ۳ نماینده با وضع تحریم‌های جدید علیه ایران، روسیه و کره شمالی موافقت کردند که هر سه آنها به حزب جمهوریخواه تعلق داشتند.

به عبارت بهتر، آتش‌نمایندگان حزب دموکرات در وضع تحریم‌های جدید علیه ایران از جمهوریخواهان نیز تندتر بوده است. در چنین شرایطی نه تنها تفاوتی میان دو حزب اصلی آمریکا در تقابل با برجام وجود ندارد، بلکه حزب دموکرات عملکردی بدتر از جمهوریخواهان در این معادله داشته و دارد.

اگر هم اکنون هیلاری کلینتون در کاخ سفید حضور داشت، او نیز قطعاً تحریم‌های تازه علیه ایران را مورد تأیید قرار می‌داد. از این رو پیروزی یا شکست دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و کنگره، تأثیری بر تقابل مقامات آمریکایی با توافق هسته‌ای و بدعهدی آنها در این خصوص ندارد.

ابراز نگرانی برخی از اعضای دولت اوباما در خصوص نحوه اجرایی شدن برجام و بدعهدی‌های دولت ترامپ در این خصوص، صرفاً نوعی ژست سیاسی با مصرف داخلی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود و کمترین ارزشی برای ملت ایران ندارد. در چنین شرایطی ارسال توثیق‌ها و پیام‌هایی از قبیل پیامی که از سوی بن‌رودز مخابره شده است، منجر به تیره‌بازی دولت اوباما در بدعهدی‌های پس‌برجامی آن نخواهد شد. زمان ترسیم دوگانه کاذب «دموکرات-جمهوریخواه»

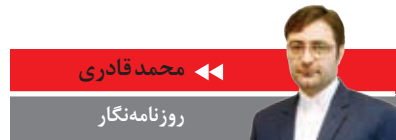
برای مخاطبان توافق هسته‌ای مدت‌هاست به پایان رسیده است. اتفاقاتی که در دوران پس‌برجام رخ داد، از جمله همراهی اکثریت قریب به اتفاق دموکرات‌ها در وضع تحریم‌های جدید علیه ایران، نشان داد که میان کپوت‌ها و بازهای آمریکایی در مسیر تقابل با ملت ایران کمترین تفاوتی وجود ندارد. از سوی دیگر، بدعهدی‌های هر دو حزب اصلی آمریکا در قبال تعهدات بین‌المللی خود کاملاً مسبوق به سابقه بوده است.

در نهایت اینکه هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در ایالات متحده آمریکا مواجهه با برجام را در دستورکار خود قرار داده‌اند. بدعهدی آمریکا در قبال برجام، به مثابه تصویری است که پازل‌ها و قطعات آن به صورت مشترک توسط دونالد ترامپ و باراک اوباما چیده شده است. در این معادله، تفاوتی میان افرادی مانند بن‌رودز، ریس تیلرسون، مایک پنس، هیلاری کلینتون، اوباما و ترامپ وجود ندارد. بی‌تعهدی و اشناسنگن در قبال توافق هسته‌ای، حقیقتی است که افکار عمومی دنیا نسبت به آن آگاه شده است. ▶

اعضای حزب دموکرات آمریکا در قبال برجام است. نخستین سوال، به بدعهدی دموکرات‌ها در دوران ریاست جمهوری اوباما (در قبال برجام) بازمی‌گردد. همان گونه که اشاره شد، برجام در طول یک سال پایانی دولت اوباما حداقل سه بار به صورت عینی نقض گردید. به راستی چرا در آن زمان، شاهد ارسال پیام‌های تویتری در حمایت از توافق هسته‌ای از سوی بن‌رودز و دیگر مقامات دولت اوباما نبودیم؟! آیا بن‌رودز و دیگر مقامات دولت اوباما عهدشکنی‌های دولت خود در قبال برجام را فراموش کرده‌اند؟ آیا بن‌رودز مواضع سلبی جل‌لو وزیر خزانه‌داری دولت اوباما را در قبال بانک‌ها



و شرکت‌های تجاری که با ایران همکاری می‌کردند فراموش کرده است؟! بر هیچ کس پوشیده نیست که بدعهدی‌های دولت فعلی ایالات متحده آمریکا، در امتداد بدعهدی‌های دولت اوباما قابل تعریف و تفسیر است. در معادلات شکل گرفته در دوران پس‌برجام، اساساً تفاوتی میان جمهوریخواهان و دموکرات‌ها وجود ندارد. در جریان رای‌گیری اخیر در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، همه سناتورها و نمایندگان دموکرات (به غیر از برنی سندرز) به وضع تحریم‌های جدید علیه کشورمان رای دادند. به راستی بن‌رودز و دیگر مقامات دولت سابق آمریکا در راستای مهار دموکرات‌های بدعهد در کنگره آمریکا چه اقدامی صورت دادند؟ آیا بن‌رودز و مقامات دولت سابق آمریکا نمی‌دانستند که وضع تحریم‌های جدید علیه ایران، نقض عینی مفاد ۲۶ تا ۲۹ برجام محسوب می‌شود؟! به راستی چرا مقامات دولت اوباما، اقدامی در راستای جلوگیری از وضع تحریم‌های جدید غیر هسته‌ای علیه کشورمان صورت ندادند؟ چرا هشداری مانند برنی سندرز در این خصوص مورد توجه قرار نگرفت؟ نکته جالب توجه اینکه در مجلس



محمد قادری

روزنامه‌نگار

این روزها، مقامات حزب دموکرات آمریکا صراحتاً رفتار ترامپ در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده را مورد انتقاد قرار می‌دهند. آنها معتقدند اقدامات سلبی ترامپ در قبال مسائلی مانند برجام برای سیاست خارجی کشورشان به شدت هزینه‌بر است.

در این میان، برخی مقامات دولت اوباما نیز به ترامپ در خصوص خروج از برجام و تقابل با توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ هشدار داده‌اند. این در حالی است که کارنامه سیاه دولت اوباما در قبال برجام را نمی‌توان فراموش کرد! لازم به یادآوری است که برجام سه بار در دوران ریاست جمهوری اوباما و حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید نقض شد؛ یکی در جریان وضع محدودیت‌های صدور ویزا برای کسانی که به ایران سفر می‌کنند، دیگری در زمان تمدید قانون ضد ایرانی ایسا توسط کنگره و سوم در جریان سنگ‌اندازی وزارت خزانه‌داری آمریکا در مسیر رفع تحریم‌های بانکی ایران. از این رو اعضای دولت سابق آمریکا نمی‌توانند خود را به عنوان افرادی ملتزم به برجام مورد شناسایی افکار عمومی ایران و دنیا قرار دهند. با این حال، مواضع اخیر اعضای دولت

سابق آمریکا در خصوص برجام قابل تأمل است!

در این میان، اظهارات اخیر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر عدم پایبندی جمهوری اسلامی ایران به توافق هسته‌ای، با واکنش برخی مقامات دولت قبلی این کشور رو به رو شده است. یکی از این افراد، معاون پیشین مشاور امنیت ملی آمریکا است. بن‌رودز در توثیقی ضمن دروغ خواندن ادعاهای رئیس‌جمهور فعلی آمریکا اعلام کرده است: «دولت ترامپ خود تا کنون بارها تأکید کرده است که ایران به توافق عمل می‌کند.»

نام بن‌رودز برای کسانی که تحولات مربوط به برجام را در دولت اوباما دنبال می‌کردند بسیار آشناست! او بارها در کسوت معاون مشاور امنیت ملی آمریکا (سوزان رایس)، مدعی اجرای صحیح برجام توسط کاخ سفید شده بود. آنچه مسلم است اینکه در صحت اظهارات بن‌رودز در دروغ بودن ادعای ترامپ دال بر نقض برجام از سوی ایران و عدم پایبندی کشورمان نسبت به توافق هسته‌ای کمترین شک و شبهه‌ای وجود ندارد. با این حال، آنچه مورد مناقشه است، ژست برخی از



طرح مجلس تقابلی با برجام ندارد

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با مثلث

آن نیز قطعنامه‌ای در شورای امنیت علیه ایران صادر شود و در نتیجه، مذاکراتی را به ایران با هدف بازنگری در برجام تحمیل کند. بنابراین، هدف اصلی ترامپ، بازنگری در توافق هسته‌ای است.

جمهوری اسلامی ایران و خصوصاً دستگاه دیپلماتی و سیاست خارجی کشورمان در مواجهه با این رویکرد دولت ترامپ باید چه اقداماتی صورت دهد؟

▲ جمهوری اسلامی ایران تاکنون عملکرد خوبی در خصوص توافق هسته‌ای داشته است. نباید فراموش کرد که نگاه ما نسبت به برجام، نگاهی سیاسی نیست. نگاه ما نسبت به توافق هسته‌ای، نگاهی راهبردی است. بدیهی است که ایران نمی‌خواهد پرونده توافق هسته‌ای با اعلام عدم پایبندی سایر اعضا تمام شود. بر همین اساس ایران برجام را به صورت کامل اجرا کرده و در این مسیر تخطی هم نداشته است. پایبندی جمهوری اسلامی ایران به توافق هسته‌ای، از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بارها مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین با توجه به پایبندی ایران به انجام تعهداتش در برجام اگر آمریکا موضوع عدم پایبندی ایران را مطرح کند، باز هم نمی‌تواند بازگشت تحریم‌ها را فراهم کند. در چنین شرایطی اگر دولت ترامپ بخواهد به دنبال صدور قطعنامه جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران برود، با مخالفت اروپا، چین و روسیه مواجه خواهد شد و نخواهد توانست فضای روانی منفی دیگری را علیه کشورمان ایجاد کند. بنابراین، همان‌گونه که در ابتدا اشاره کردم نباید در زمینی که ایالات متحده آمریکا طراحی کرده بازی کنیم و در عوض، باید ضمن استفاده از برجام و ظرفیت‌های آن، بخش‌هایی مانند توان موشکی که آمریکا به دنبال مواجهه با آن است را تقویت کرد.

جمهوری اسلامی ایران تعهدات خود بر اساس برجام را عملی و اجرایی کرده و هم‌اکنون نوبت طرف‌های غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا که تعهدات خود، یعنی شکستن تحریم‌ها را اجرا کنند. در چنین شرایطی اگر ایران توافق هسته‌ای را کنار بگذارد به آمریکا و سایر کشورهای غربی که به تعهداتشان در برداشتن تحریم‌ها عمل نکرده‌اند، کمک کرده است که از فشار بین‌المللی فرار کرده و از انجام تعهدات خود سر باز زنند. ▶

۴ سرانجام مجلس شورای اسلامی طرح مقابله با اقدامات ایالات متحده آمریکا در منطقه را با اکثریت قریب به اتفاق آراء به تصویب رساند. تقویت توان دفاعی و امنیتی ایران و مقابله با اقدامات واشنگتن در منطقه و مواردی از قبیل مقابله با اقدامات ضد حقوق بشری آمریکا و حمایت کاخ سفید از تروریسم، در این طرح لحاظ گردیده است. این اقدام، واکنشی نسبت به کنش اخیر کنگره آمریکا و کاخ سفید در وضع تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه کشورمان محسوب می‌شود. در این خصوص گفت‌وگویی با دکتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:

دیگری را نیز مورد توجه قرار دهیم. براساس توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ و همچنین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اگر یکی از طرف‌های توافق هسته‌ای بخواهند برجام را اجرا نکنند، مشمول بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ می‌شوند. این بندها از همان ابتدا نقطه ضعف و به عبارت بهتر پاشنه آشیل برجام محسوب می‌شد. براساس این بندها اگر یکی از طرفین مدعی باشند که طرف دیگر پایبندی در اجرای برجام ندارد، عملیات تحریم‌ها به قبل از امضای برجام برمی‌گردد. یعنی یکی از طرفین طرف‌های حداکثر ۳۰ روز درخواست صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت برای عدم پایبندی آن طرف به انجام تعهداتش می‌کند. این همان هدفی است که دولت جدید ایالات متحده آمریکا دنبال می‌کند.

هدف اصلی دولت دونالد ترامپ از مواجهه با برجام و زمینه‌چینی برای خروج از توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ چیست؟

▲ وزیر امور خارجه ترامپ دو بار مجبور شده است پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تعهداتش را به کنگره اعلام کند. با این حال ترامپ هم‌اکنون به دنبال مسیری برای اعلام عدم پایبندی کشورمان نسبت به برجام است تا بتواند تحریم‌ها را به شرایط قبلی بازگرداند و پس از

مجلس شورای اسلامی طرح مقابله با اقدامات ایالات متحده آمریکا در منطقه را با اکثریتی قاطع مورد تصویب قرار داد. شما نیز به عنوان یکی از موافقان این طرح و در دفاع از آن سخنانی را در صحن علنی مجلس مطرح کردید. نظر کلی شما در خصوص مصوبه اخیر چیست؟

▲ آنچه مسلم است اینکه هدف از تصویب طرح مقابله با اقدامات ایالات متحده آمریکا در منطقه، تقابل با توافق هسته‌ای یا دیگر بازیگران دخیل در برجام نیست. هدف از این طرح، مقابله با اقدامات تروریستی و ماجراجویانه واشنگتن است. اخیراً شاهد بودیم که مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، در مصوبه خود تمام تحریم‌های غیرهسته‌ای ایران را در یک مجموعه آوردند، زیرا توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ دست آمریکا را بازگرداندن تحریم‌هایی مانند تحریم‌های نفتی بسته است. ایالات متحده آمریکا قصد دارد ایران را وارد بازی در زمین خود کند. این در حالیست که نباید وارد میدان بازی آمریکا شد. طرح مقابله با اقدامات آمریکا در منطقه طرحی کاملاً قابل دفاع است زیرا در آن ما اختلافات با آمریکا را مشخص کرده‌ایم و در عین حال ما می‌خواهیم با دنیا کار کنیم. این همان نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفیذ نیز به رئیس‌جمهور توصیه کرده‌اند. در جزئیات این طرح نیز بر تقویت برنامه‌های دفاعی و موشکی ایران و سپاه قدس تأکید شده است چون تمامی دغدغه موجود، دفاع از منافع ملی و امنیت ملی است.

اشاره کردید که ایران نباید در زمین ایالات متحده آمریکا بازی کند و یکی از اهداف مهم واشنگتن، نقض برجام توسط ایران است. در این خصوص بیشتر توضیح دهید.

▲ واقعیت امر این است که هدف واشنگتن، کنار گذاشتن برجام از سوی ایران است. از این رو از افرادی که معتقدند ایران باید توافق هسته‌ای را کنار بگذارد بداند این کار خدمت به آمریکاست. دلیل این مسأله کاملاً مشخص است. در چنین شرایطی ایالات متحده آمریکا به راحتی از انجام تعهدات بین‌المللی خود وفق سند برجام، مخصوصاً در برداشتن تحریم‌ها سر باز خواهد زد و در این پروسه، ایران را مقصر جلوه خواهد داد. در این خصوص لازم است نکته

ورزش

خطای دو فوتبالیست

پس از صحبت‌های محمدرضا داورزنی، معاون وزیر ورزش و حواشی که پیرامون موضوع مسعود شجاعی و احسان حاج صفی پیش آمده، وزیر ورزش در این خصوص موضع خود را اعلام کرد. مسعود سلطانی فر ضمن تأکید بر اینکه هنوز اظهار نظر رسمی در این راستا انجام نشده است، گفت: «هم‌اکنون منتظر هستیم اطلاعات کامل جمع‌آوری شده و توضیحات دو ورزشکار را بشنویم و بعد تصمیم بگیریم اما مجدداً تأکید می‌شود در خصوص رویارویی مستقیم تیمی یا فردی تکلیف روشن است.»



فعلا خبری از پشیمانی نیست

شجاعی و حاج صفی متن‌هایی را در فضای مجازی منتشر کردند

اتفاقی که دو ملی‌پوش ایرانی رقم زده‌اند، حالا به مسأله‌ای سیاسی تبدیل شده است که احتمالاً سرنوشت آنان را متفاوت از قبل خواهد کرد. اتفاقی که اگر با اندکی هوشمندی بیشتر، جلوی آن گرفته می‌شد حالا رسانه‌های بیگانه و البته وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی از این دو بازیکن قهرمان نمی‌ساخت.

با این حال واکنش‌ها به محرومیت احتمالی دو ملی‌پوش ایرانی به دلیل بازی در برابر تیم اسرائیلی ادامه دارد. هفته گذشته از زوربخ خبر رسید که فدراسیون بین‌المللی فوتبال، فیفا، خواستار توضیح مسئولان فدراسیون فوتبال ایران در مورد کنار گذاشته شدن مسعود شجاعی و احسان حاج صفی از تیم ملی می‌شود.

طبق مقررات فیفا دخالت دادن سیاست در ورزش از سوی فدراسیون‌های کشورهای عضو مجاز نیست و فدراسیون‌ها با مجازات تعلیق روبه‌رو می‌شود. یکی از سخنگویان فیفا در ایمیلی به خبرگزاری رویترز با تأکید بر لزوم مستقل بودن فدراسیون فوتبال کشورهای عضو از حکومت‌های متبوع اطلاع داده که فیفا در حال رصد این موضوع است و از مسئولان فدراسیون فوتبال ایران خواهان ارائه توضیحات بیشتری خواهد شد. او اضافه کرده است که فیفا در حال حاضر نمی‌تواند درباره این موضوع اظهار نظر کند.

این هشدار در حالی نگرانی‌ها را در داخل تشدید کرده که در پی حضور این دو بازیکن باشگاه پانیونیوس یونان در بازی برگشت مقابل تیم مکابی اسرائیل، محمدرضا داورزنی معاون وزارت ورزش ایران با محکوم کردن این

حضور در تیم ملی ایران و زمانی که برای تیم ملی جوانان آلمان بازی می‌کرد، با وجود تمام جنجال‌های رسانه‌ای و تهدیدهای رئیس فدراسیون این کشور، از بازی در برابر تیم صهیونیستی سر باز زد و وقتی نشریه آلمانی «Stern» دلیل این حرکت را از او پرسید، گفته بود: «در رگ‌های من بیشتر خون ایرانی جاری است تا آلمانی، باید این مسأله را پذیرفت. والدین من ایرانی هستند و ایران، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد.»

اما غیر از صفحه رسمی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی، حرکت شجاعی و حاج صفی موافقان و ذوق‌زدگان دیگری هم داشت. رفتار برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز در مقابل این حرکت و در حالی که در تمام بازی‌های ملی مسعود شجاعی، حضور او را در ترکیب به یاد انتقاد می‌گرفتند ناگهان در پی مواضع اخیر او درباره فوتبال زنان، آسیب‌های اجتماعی در ایران و البته بازی کردنش مقابل صهیونیست‌ها، تلاش کردند او را به قهرمانی مردمی، مدنی و سیاسی تبدیل کنند. این وضعیت در حالی شرایط را برای این دو بازیکن تیم ملی سخت کرده که برخی اظهار نظرهای غیرمسئولانه اخیراً از سوی چهره‌های ورزشی باعث شده تا جنجال شجاعی و حاج صفی همچنان ادامه داشته باشد. این چهره‌های فوتبالی و البته چند تن از هنرمندان سرشناس از جمله مهناز افشار، ترانه علیدوستی و... با پست‌های اینستاگرامی، حمایت خود را از شجاعی و حاج صفی اعلام کرده‌اند و حضور قابل تامل آنان مقابل حریف اشغالگر را به دلیل «تعهد کاری به باشگاه» دانسته‌اند.

ماجرای انتشار ترکیب اولیه تیم‌ها در مسابقه‌های برگشت مرحله حذفی راهبایی به «یورولیگ» آغاز شد؛ آنجا که نام دو ملی‌پوش ایرانی تیم «پانیونیوس» یونان هم در لیست اولیه برای مسابقه با تیم «مکابی» رژیم صهیونیستی، روی خروجی سایت‌های خبری قرار گرفت و حالا مدتی است واکنش‌ها نسبت به این اتفاق ادامه دارد. تصمیمی که بلافاصله با واکنش‌های مختلف رسانه‌های ایرانی و کاربران شبکه‌های اجتماعی مواجه شد. وقتی عکس‌ها، فیلم‌ها و خبرهای حضور دو بازیکن تیم ملی فوتبال ایران مقابل نماینده رژیم صهیونیستی منتشر شدند، موج بعدی واکنش‌ها آغاز شد. واکنش‌هایی که چند ساعت بعدتر، رسمی هم شد و به یکباره، هنجارشکنی فوتبالیست‌های ایرانی، به خبر اول خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ورزشی تبدیل شد. اتفاقی که پیش از این، بی‌سابقه بود و تنها یک بار در زمین ورزش، آن هم به صورت غیرمستقیم رخ داده بود. این بار اما قضیه کاملاً متفاوت بود. آن قدر متفاوت که پای وزارت خارجه رژیم صهیونیستی هم به ماجرا باز شد. «آفرین به مسعود شجاعی و احسان حاج صفی که تا بوی مسابقه ندادن با ورزشکاران اسرائیلی را شکستند.» این ذوق‌زدگی توییت رسمی وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی از رفتار دو بازیکن ایرانی باشگاه یونانی بود. پیش از شجاعی و حاج صفی، ورزشکاران ایرانی بارها در مسابقه‌های ورزشی، مقابل حریفان خود از رژیم اشغالگر قدس حاضر نمی‌شدند. حتی «اشکان دژاگه» ملی‌پوش دو تابعیتی تیم ملی فوتبال ایران نیز، حدود ۹ سال پیش، قبل از

منتظر سلطانی فر
اشتباه وزارت ورزش را اصلاح کند
گفت وگویی مثلث
با سید مهدی هاشمی



پای یک زن خوب به فوتبال باز شد
قرارداد پر ابهام سازمان لیگ با شرکت
برهان مبین



زن خوب در قرارداد ترکمانچای
چرا فدراسیون مقابل کنایه سنگین
عادل سکوت کرد؟

اقدام از محرومیت این دو بازیکن از عضویت در تیم ملی خبر داده بود.

هر چند این دو بازیکن با پرچم ایران که روی میچ خود بسته بودند در زمین حاضر شدند. حتی طبق نوشته سایت خبری باشگاه پانینوس، بغض شجاعی پس از باخت شکست و بازیکنان و سرمربی تیم او را دلداری دادند.

به نظر می‌رسد فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش سعی دارند با نگاهی ورزشی تر به این اتفاق، نسبت به آن واکنش نشان دهند اما گویا حراست وزارت ورزش نظری متفاوت دارد و خیلی سریع محرومیت این دو بازیکن را از حضور در تیم ملی پیش بینی کرده است. محمد جواد عیاباف، مدیرکل حراست وزارت ورزش و جوانان درباره سرنوشت احسان حاج صفی و مسعود شجاعی گفته بود: «به هیچ عنوان این حرکت را تایید نمی‌کنیم و مسلما طبق مقررات با آن برخورد می‌شود. به احتمال بسیار زیاد شجاعی و حاج صفی از بازی‌های آینده تیم ملی محروم می‌شوند.»

با این همه نگرانی‌هایی هم در مورد دخالت مراجع غیر فوتبالی و به دنبال آن احتمال تعلیق فدراسیون فوتبال به وجود آمده است. برخی از منتقدان وزارت ورزش می‌گویند؛ اگر این دو بازیکن به دلیل بازی محروم از اسرائیل از سوی نهاد های غیر فوتبالی در ایران محروم شوند، فیفا ممکن است واکنش نشان دهد و احتمال تعلیق فدراسیون فوتبال ایران و به خطر افتادن حضور ایران در جام جهانی هم وجود خواهد داشت. شاید به همین دلیل سخنگوی فیفا نیز نسبت به محرومیت احتمالی شجاعی و حاج صفی از تیم ملی واکنش نشان داد. سخنگوی فیفا با اشاره به بررسی محرومیت دو بازیکن ایرانی اعلام کرد که فدراسیون فوتبال ایران باید درباره این محرومیت توضیح دهد. هفته گذشته یکی از سخنگو های فیفا در رابطه با همین موضوع با خبرنگاری رویترز به صحبت پرداخت و درباره اظهارات مسئولان وزارت ورزش و جوانان ایران درباره مسعود شجاعی و احسان حاج صفی گفت: «ما موضوع را به دقت بررسی می‌کنیم و از فدراسیون فوتبال ایران خواسته ایم که درباره این موضوع به ما توضیح دهد. در حال حاضر هیچ اظهار نظری نمی‌خواهیم انجام دهیم و منتظر پاسخ فدراسیون فوتبال ایران خواهیم ماند. در اساسنامه فیفا هرگونه دخالت دولتی در امور فدراسیون ها ممنوع اعلام شده و در صورتی که چنین اموری مشاهده شود، تمهیداتی در نظر گرفته شده است. ایران اکنون توانسته جواز حضور در جام جهانی را به دست بیاورد ولی اگر ثابت شود که دخالت دولت در امور فدراسیون فوتبال صورت گرفته، باشگاه‌ها و تیم‌های ملی ایران حق شرکت در رقابت‌های بین‌المللی را نخواهند داشت.»

اما واکنش فدراسیون فوتبال این بار سریع بود. فدراسیون فوتبال ایران در پاسخ به نامه‌ای که فیفا هفته گذشته ارسال و خواستار توضیح درباره خبر محرومیت مسعود شجاعی و حاج صفی شده بود، اعلام کرد که این دو بازیکن محروم نشده‌اند.

فیفا از فدراسیون فوتبال کشورمان پرسیده بود که آیا شجاعی و حاج صفی محروم شده‌اند یا نه؟ فدراسیون فوتبال نیز در پاسخ به این نامه اعلام کرد که این دو بازیکن را محروم نکرده است و خبرهای مربوط به این موضوع درست نیست.

به نظر می‌رسد اظهارات محمد رضا داورزنی، معاون وزیر ورزش و جوانان مبنی بر اینکه شجاعی و حاج صفی،

دو بازیکن ایرانی تیم پانینوس یونان به دلیل بازی مقابل مکا بی رژیم صهیونیستی دیگر به تیم ملی دعوت نمی‌شوند، بازتابی جهانی داشته است. همین مساله باعث حساسیت فیفا نیز شده بود و آنها به همین دلیل از فدراسیون فوتبال خواستار توضیحاتی در این باره شدند. جنجال و حاشیه در این زمینه تا جایی پیش رفت که مجلس نیز دست به کار شد. عضو فدراسیون ورزش مجلس شورای اسلامی در واکنش به حضور حاج صفی و شجاعی در برابر تیمی از رژیم صهیونیستی گفت: «فراکسیون ورزش مجلس قطعا به این پرونده رسیدگی می‌کند.»

سید کاظم دلخوش، عضو فدراسیون ورزش مجلس شورای اسلامی در این باره گفت: به هر حال ورزشکاران ما در عرصه‌های بین‌المللی باید حرمت مردم ایران را حفظ کنند، چرا که حمایت‌های مردمی است که ورزشکاران را در سطح جهانی به شهرت می‌رساند. ما نیز به عنوان فدراسیون ورزش مجلس قطعا به این اتفاق رسیدگی خواهیم کرد، چرا که نه تنها فراکسیون ورزش، بلکه نمایندگان مجلس به عنوان نمایندگان مردم نسبت به این گونه اتفاقات بی‌تفاوت نخواهند بود.

علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی که در اینستاگرام و کانال تلگرام خود منتشر کرد به بازی کردن مسعود شجاعی و احسان حاج صفی مقابل نماینده رژیم صهیونیستی اینگونه واکنش نشان داد: «بازی آقایان مسعود شجاعی و احسان حاج صفی دو بازیکن ایرانی تیم باشگاهی یونانی در مقابل تیم باشگاهی اشغالگران فلسطین قابل توجیه نیست؛ باید مانند آقای علیرضا جهانبخش در سال گذشته که در بازی رفت و برگشت حاضر نشده، عمل می‌کردند. هر دو، ملی پوش خوب ما هستند. خوب است قول بدهند که تکرار نمی‌کنند، تا غائله ختم شود.»

موضع وزیر ورزش درباره شجاعی و حاج صفی

پس از صحبت‌های محمد رضا داورزنی، معاون وزیر ورزش و حواشی که پیرامون موضوع مسعود شجاعی و احسان حاج صفی پیش آمده، وزیر ورزش در این خصوص موضع خود را اعلام کرد. مسعود سلطانی فر ضمن تاکید بر اینکه هنوز اظهار نظر رسمی در این راستا انجام نشده است، گفت: «هم اکنون منتظر هستیم اطلاعات کامل جمع آوری شده و توضیحات دو ورزشکار را بشنویم و بعد تصمیم بگیریم اما مجددا تاکید می‌شود در خصوص رویارویی مستقیم تیمی یا فردی تکلیف روشن است.» او با اشاره به اینکه مواردی در حوزه ورزش وجود دارد که بر اساس آن نامه‌ای به منظور ارائه به شورای عالی امنیت ملی تهیه شده تا تعیین تکلیف صورت بگیرد، یادآور شد: «مثلا در یک مسابقه دو سرعت از هشت شرکت کننده، یک نفر از تیم رژیم صهیونیستی است بنابراین در این موارد تکلیف روشن نیست و این موارد در ورزش‌هایی مانند تیراندازی هم که رویارویی مستقیم وجود ندارد، مشاهده می‌شود.» سلطانی فر گفت: «فدراسیون فوتبال از ابتدای چنین موضوعی آن را محکوم کرد اما تصمیم گیری نهایی و اظهار نظر رسمی پس از دریافت اطلاعات کامل انجام خواهد شد.»

این اظهار نظر نشان می‌داد که وزیر ورزش سعی در عادی کردن ماجرا دارد. چه او در نخستین واکنش خود

قاطع تر از فاز دوم واکنش خود درباره شجاعی و حاج صفی سخن گفته بود. با تاکید که ایران بر محروم نبودن شجاعی و حاج صفی کرده است، شاید به نظر برسد این موضوع به پایان رسیده اما بعید است که فیفا فقط به این نامه اکتفا کند. نه تنها فیفا که همه رسانه‌ها که در این چند روز محرومیت این دو بازیکن را به خاطر بازی نکردن در مقابل تیم اسرائیلی برزنگ کرده‌اند، منتظر بازی ایران و کره جنوبی هستند. ایران و کره در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸، نهم شهر یور در بازی برگشت مقابل هم قرار می‌گیرند. اگر شجاعی و حاج صفی به تیم ملی دعوت نشوند، شاید دوباره فیفا روی این موضوع حساس شود.

طبیعی است که فدراسیون بعد از مذاکره با مسئولان رده بالاتر، پاسخ نامه فیفا را داده باشد زیرا مسعود سلطانی فر، وزیر ورزش بعد از ارسال این نامه گفته است که فدراسیون فوتبال وضعیت این دو بازیکن را پیگیری می‌کند. شاید منظور سلطانی فر اعلام محرومیت این دو در خفا باشد اما در شرایطی که فیفا روی وضعیت این دو بازیکن زوم کرده است، محرومیت این دو در هر شرایطی چالش برانگیز است. غیبت این دو در بازی با کره، به هر دلیلی هم باشد، می‌تواند جنجال ساز باشد. به نظر می‌رسد بهترین راه یا عذر خواهی رسمی این دو بازیکن این دعوت نکردن کی‌روش از این دو بازیکن است. مسئولان وزارتخانه فعلا از موضع قبلی شان عقب نشینی کرده‌اند اما اینکه آنها اجازه بدهند تا این دو به تیم ملی دعوت شوند یا نه، مشخص نیست. بحث دیگر هم کارلوس کی‌روش است. او بارها تاکید کرده در دعوت بازیکنان به تیم، فقط مسائل فنی را در نظر می‌گیرد. کی‌روش در این چند ساله نشان داده که فقط خواسته‌های خودش را در تیم ملی اعمال می‌کند. حالا مدیران فوتبال خود را در چالش بزرگی می‌بینند. آنها از سویی سعی دارند خود را به شعارها و خط

قرمزهای نظام پایبند معرفی کنند و از سویی دیگر برخی مصلحت‌اندیشی‌ها به آنها اجازه نمی‌دهد در خصوص اقدام عجیب حاج صفی و شجاعی دست به اقدامی جدی و قاطع بزنند. شاید زمان مشخص کند که آنها کدام راه را برای حل این بحران برگزیده‌اند. فعلا که مهدی تاج‌روش سکوت را برگزیده. در جدیدترین فعل و انفعال این دو بازیکن متن‌هایی را در شبکه مجازی نوشته‌اند که البته از آن کمتر احساسا پشیمانی مشاهده می‌شود. متن‌هایی دیپلماتیک که نشانی از عذر خواهی در آن نیست. ▶



مسعود سلطانی فر: «هم اکنون منتظر هستیم اطلاعات کامل جمع آوری شده و توضیحات دو ورزشکار را بشنویم و بعد تصمیم بگیریم اما مجددا تاکید می‌شود در خصوص رویارویی مستقیم تیمی یا فردی تکلیف روشن است.»

منتظرم سلطانی فر اشتباه وزارت ورزش را اصلاح کند

گفت‌وگوی مثلث با سیدمهدی هاشمی



آیا وزارت ورزش به سیدمهدی هاشمی اجازه بازگشت به فدراسیون تیراندازی را خواهد داد؟ آیا سلطانی فر نسبت به اجرای قانون و حکم قطعی دیوان عدالت اداری تمکین خواهد کرد؟ هر چه هست به نظر می‌رسد که سیدمهدی هاشمی با پیگیری موضوع تخلف در انتخابات فدراسیون تیراندازی دیوان را مجاب کرده است که در این مورد حق دارد.

داشتند که انتخابات باید باطل شود. من همان موقع هم گفتم که نباید دست به چنین اشتباهی بزنید چون ابطال انتخابات نه در حیطه اختیارات وزارت ورزش است و نه در حوزه اختیارات دیوان عدالت اداری. به حرف ما توجه نکردند. من مستندات این موضوع را در نشست خبری خودم اعلام کردم.

شما چند سالی از فدراسیون تیراندازی دور ماندید. این دوره را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ دو سال از بهترین سال‌های فعالیت‌م را از من گرفتند. سالی که به المپیک منتهی می‌شد و تیراندازی می‌توانست شرایط بسیار خوبی را سپری کند. اما آقایان اجازه فعالیت ندادند. بخش قابل توجهی از انرژی‌شان به این موضوع اختصاص پیدا کرد که هاشمی را از تیراندازی دور کنند و این مساله کاملاً مورد حمایت وزارت ورزش قرار گرفت. این یک سناریوی هماهنگ شده بود. اساسنامه که مبنای کار است به خوبی راهنمایی می‌کند که فدراسیون متولی انتخابات است و برابر رای اساسنامه انتخابات برگزار شد. دیوان عدالت اداری از منظر قوانین، اختیار ابطال انتخابات را نداشته و ندارد.

آقای داورزنی به‌عنوان معاون وزارت ورزش درباره حکم بدوی صحبت‌هایی داشتند. خودتان در این مورد توضیح می‌دهید؟

▲ موضوع اصلی این است که وزارت ورزش از رای دیوان ابطال انتخابات را برداشت کرد. اگر انتخابات ابطال می‌شود، رای‌های آن انتخابات در مورد رئیس، دبیر، خزانه‌دار، خیره ورزشی و سایر پست‌ها نیز باطل می‌شود. چرا بعد از ابطال انتخابات فقط رئیس برکنار شد و بقیه سرجای خود هستند؟ اگر برگزارکننده انتخابات، وزارت ورزش است علناً اعلام کنند. طبق اساسنامه، برگزاری انتخابات با فدراسیون است و وزیر یا معاون رئیس مجمع است. بعد از رای بدوی که وزارت ورزش اعتراض نکرد و ما اعتراض کردیم، آقای سجادی که هر جا هست سلامت باشد، رای بدوی را به فدراسیون جهانی فرستاد و نظر آنها را خواست. اول اینکه چرا رای را به مراجع خارجی فرستادید، ثانیاً اگر فرستادید چرا رای بدوی را فرستادید و رای تجدیدنظر را نفرستادید؟

استدلال وزارت ورزش این است که به دلیل حکم دیوان عدالت اداری برای فدراسیون تیراندازی سرپرست تعیین کرده است. در این باره چه صحبتی دارید؟

▲ نه. وزارت ورزش همان طوری حکم دیوان عدالت

فدراسیون تیراندازی این روزها حاشیه‌ساز شده است. خیلی‌ها از رای دیوان عدالت اداری و واکنش وزارت ورزش صحبت می‌کنند. خودتان در این باره صحبت می‌کنید؟

▲ به نظرم مسائلی که برای فدراسیون تیراندازی اتفاق افتاد، به نوعی بحران خودساخته است. وزارت ورزش در راس این موضوع قرار دارد و متأسفانه نمی‌خواهد ببیند که اشتباه کرده است. از سه سال پیش این موضوع را مطرح کردند که هاشمی دوشغله است. با این جنگ روانی سعی کردند من را تحت فشار قرار دهند. در صورتی که این موضوع کاملاً سیاسی بود. قبلاً هم عده‌ای سعی داشتند این مساله را مطرح کنند. حتی موضوع را به دادگاه کارکنان دولت ارجاع دادند اما تلاش‌شان بی‌نتیجه بود. من، علی‌آبادی، کرباسیان، قدمی و خسروی وفا رفتیم و از خودمان دفاع کردیم و مساله حل شد. دادگاه مستندات ما را پذیرفت. این مساله وقتی به نظرم سیاسی جلوه می‌کند که در آن مقطع ما مشغول داشتیم اما نتوانستند ما را محکوم کنند، حال آنکه در دوره جدید شغل دولتی هم نداشتیم و آقایان نمی‌دانم با چه استدلالی وارد این بازی شدند.

دوشغله بودن شما خیلی مورد توجه قرار گرفت.

▲ در واقع دوشغله بودن بنده در انتخابات فدراسیون تیراندازی موضوعی قدیمی بود و همان طور که عرض کردم چندین بار با شدت و ضعف مطرح شد و در انتخابات دوباره در بحث بررسی صلاحیت کاندیداها مطرح و به همین دلیل انتخابات دچار وقفه شد و در نهایت با تأیید صلاحیت همه ۱۷ داوطلب انتخابات برگزار شد. البته در روند صلاحیت‌ها ایراداتی هست که باید اصلاح شود. در انتخابات که با جلسه معاون وزیر، آقای شعبانی بهار برگزار شد هم این موضوع مطرح شد که معاون وزیر توضیحات لازم را دادند. در موضوع شغل بودن نماینده مجلس، اگر ابهامی بوده که البته این ایراد وارد نیست، نمایندگی پست سازمانی نیست و با مدت مشخص است و حقوق به معنای متداول ندارد. نظریه شورای نگهبان در مورد رئیس فدراسیونی اظهار نظر شده و ریاست فدراسیون شغل نیست، برای همین هم در اساسنامه فدراسیون‌ها ریاست پاره‌وقت است. این شبهه برای استفاده ابزاری همچنان وجود دارد. شغل سه ویژگی دارد. یکی اینکه پست سازمانی داشته باشی، دوم اینکه تمام وقت باشی و سوم حقوق و مزایا داشته باشی. من به‌عنوان نماینده مجلس دو شرط از این سه شرط را نداشتم. بعضی‌ها حقوق می‌گیرند و بعضی‌ها نمی‌گیرند. من نمی‌گرفتم. بنابراین رقیب من که نتوانست با وجود همه لایه‌های وزارت ورزش و شخص خودش به پیروزی مقابل من دست پیدا کند سعی کند تازه بعد از یک سال با حمایت دوباره وزارتخانه به دیوان عدالت اداری شکایت کرد و حکم اولیه را بابت ابطال انتخابات گرفتند و بعد که رفتیم و اعتراض کردیم که دیوان نمی‌تواند در امور فدراسیون‌ها دخالت کند این فدراسیون بود که موفق شد. اما آنها به‌طور ناصحیح رای را تفسیر کردند و اصرار

اداری را تفسیر کرد که دلش می‌خواست. در صورتی که این تفسیر اشتباه بود. من کتاب هم این موضوع را به وزارت ورزش اعلام کردم. به وزارت ورزش گفتم من آدمی نیستم که موضوع را به محاکم بین‌المللی بکشانم اما این کار شما تخلف است و در مراجع داخلی موضوع را پیگیری کردم. دیوان اتفاقاً موضوع را پیگیری کرد و بر اساس قانون حکم خود را صادر کرد.

انتظار شما از وزارت ورزش چیست؟

▲ همه ما در معرض امتحان و مکلف به اجرای قانون هستیم. هر چند به دفعات این امتحان پیش آمده ولی در این موضوع ما یک بار امتحان پس دادیم و به‌رغم اینکه حق با من بود و رای صادره ایراد و اشکال داشت به صورت منطقی با موضوع کنار آمدم و طبق قانون عمل کردم. الان نوبت دیگران است. آنهاپی که صدای شعارشان گوش فلک را هم کر کرده است اما متأسفانه به صورت گزینشی با موارد برخورد می‌کنند. عملکرد متناقض‌شان در مورد انتخابات فدراسیون‌ها البته امری روشن است. قضاوت در این موضوع با مردم است و امیدوارم به نحوی عمل شود که با گفتار ما یکی باشد.

شکایت در مورد انتخابات به نهادهای خارجی چه معنایی دارد؟

▲ این یعنی ما اساسنامه را قبول نداریم. اگر قبول

من را خواستند و من هم برای اینکه زمان از دست نرود به صورت موردی پیگیری کردم. از نظر قوانین داخلی هم هرکسی بعد از ۱۸ تیر که حکم آمده اگر امضایی کرده باشد چه مبنی، چه دادگر و هر کس دیگر باید پاسخگو باشد؛ امضای آنها تصرف غیرمجاز در اموال و مسئولیت هاست به خصوص اگر شاکي وجود داشته باشد. باز هم می گویم که اساسنامه مبنای کار است. سرپرست و انتخابات مغایر اساسنامه است و یک بام و دو هوا هم که نمی شود. اساسنامه روش برگزاری مجمع و انتخابات را مشخص کرده است. وزیر در حکم سرپرستی براساس حکم دیوان عمل کرده است و الان آن حکم نقض و در آن تصریح شده انتخابات سال ۹۳ درست بوده و صحت و ابقای آن اعلام می شود. یعنی دوره مدیریت یک فرد ۴ سال است. حالا یک مقطعی بین این ۴ سال حبس شده و این باید به دوره مدیریت اضافه شود اما اکنون این موضوع جای بحث نیست. اگر قرار است مجمع برگزار شود روش آن مشخص است. فعلا بحث اجرای حکم مهم است. عزل استعفا یا انتخابات مجدد در اساسنامه مشخص است. اینکه بعد از اجرای حکم چه تصمیمی می گیرم مورد ثانویه است.

اما آقای هاشمی! ضرب الاجل دیوان برای اجرای حکم به پایان رسیده است. شما نگران نیستید که به فدراسیون تیراندازی برنگردید؟

▲ من پیگیری کردم و گفتند حکم اجرا می شود. اینکه چه زمانی باشد مشخص نیست. بحث رأی اعتماد وزیر و بررسی اجرای حکم را مطرح می کنند. به صورت غیررسمی صحبت هایی گفته شده و اگر قرار بود شرط و شروطی را قبول کنم قبلا این کار را می کردم. براساس ماده ۳۵ قانون مستنکفین از رأی محاکم، عدم اجرای حکم عواقبی دارد که شامل انفصال، جبران خسارت و... است که در کشور ما سابقه در حد معاون وزیر هم داشته است.

شما مدت قابل توجهی از فدراسیون دور شدید. شما از چه خسارت هایی صحبت می کنید؟

▲ بعد از اینکه در انتخابات رأی نیاوردند ۱۰ ماه بعد شکایت و با ششماه ای که ایجاد کردند رأی اولیه ابطال انتخابات را از دیوان گرفتند. اینکه این رأی با حمایت چه مرجعی صادر و چگونه این فرد شکایت کرد در جای خود قابل بحث است. حمایت برخی کارکنان وقت وزارت ورزش باعث شد در آن مقطع دو سال و الان هم ۳ سال، تیراندازی درگیر چالش باشد و دو سال از مهم ترین زمان برای آمادگی المپیک از دست رفت. کمبود منابع و عدم حمایت باعث شد تا اسپانسرها را تردید از فدراسیون حمایت کنند و این دوره مدیریت را مستحکم ندانند و دود آن هم به چشم ورزش رفت. بالاخره خسارت های قابل توجه جبران ناپذیری به فدراسیون وارد شده است. برخی با تمهیداتی قابل جبران است و برخی از این خسارت هانه. امیدوارم اهتمام بورزند که اشتباهات شان را جبران کنند. هر چند حکم دیوان به نفع بنده صادر شده است و از این به بعد هر امضایی تبعات خاص خودش را خواهد داشت. امیدوارم با این قضیه به طور قانونی و منطقی برخورد کنند تا عقب افتادگی تیراندازی جبران نشود. نمی دانم وزارت ورزش چرا مقابل اجرای قانون تا این حد مقاومت می کند و هزینه ای سنگین می پردازد.

آیا امیدوار نیستید که سلطانی فر مناقشه فدراسیون تیراندازی را ختم کند؟

▲ من فکر می کردم که آقای سلطانی فر منطقی تر از وزرای پیشین برخورد خواهد کرد اما متأسفانه مهم ترین چالش و تنش در دوره مدیریتی ایشان به وجود آمده است؛ اما امیدوارم آقای سلطانی فر در مقام جبران و اصلاح این اشتباه برآیند و آب به آسیاب اغیار نریزند. ▶

▲ بله اما با تغییر وزیر ورزش این مساله شدت بیشتری گرفت. ۱۸ دی ماه سال ۹۵ نامه ای به آقای سلطانی فر نوشتم و موضوع را شرح دادم و خواستم برای تعیین تکلیف نسبت به این موضوع اقدام کنند تا در محاکم داخلی رسیدگی شود. گفتم اگر این مساله را قبول ندراید بنده مجمع فوق العاده بگذارم و در آن جلسه نظر اعضای مجمع را بخواهیم. اگر اعضای مجمع ابطال انتخابات را خواستند من استعفا می کنم و اعضا بپذیرند تا از سوی مجامع جهانی بحث دخالت دولت وجود نداشته باشد و چالشی ایجاد نشود اما علاوه بر بی قانونی ها و بی اخلاقی ها از سایت وزارت ورزش فهمیدم که سرپرستی برای فدراسیون تعیین شده است.

به نظر می رسد یک نوع شتابزدگی برای برکناری شما از فدراسیون تیراندازی نزد وزارت ورزش وجود داشته و دارد. خودتان چه نظری دارید؟

▲ اگر وزیر الزام و اجباری برای کاری دارد می تواند به راحتی پاسخگو باشد، نمی دانم چرا عجولانه تصمیم گرفتند. در حکم سرپرست هم تاکید کردند به دلیل ابطال انتخابات از سوی دیوان این تغییر انجام شده است. من در نامه به وزیر نوشتم که این حق را برای خودم قائم که در محاکم داخلی پیگیری کنم. قبل از آن هم نامه ای به رئیس دیوان نوشته بودم و ایرادها و ابهامات رای را عنوان کردم. به وزیر گفته بودم رسیدگی به موضوع وقت گیر است ولی توجه نکرد. من از ماده ۲۹ دیوان عدالت اداری استفاده کردم. وقتی پرونده به دادگاه همپراز ارسال شد یعنی حکم قبلی نقض می شود. به بنده و وزارت ورزش اعلام شد که در جلسه رسیدگی شرکت کنند اما وزارت ورزش بلافاصله با تغییر آیین نامه ثبت نام را آغاز کرد، حتی زمانی را اضافه کردند تا دو نفر دیگر هم ثبت نام کنند. برگزاری و ابطال انتخابات در اختیار وزارت ورزش و دیوان نیست اما وزارت ورزش انتخابات را برگزار کرد. یک ماه واندی قبل از انتخابات جلسه دادگاه با حضور نماینده وزارت برگزار شد و مشخص شد که حکم قبلی نقض شده ولی باز هم روند انتخابات ادامه داشت. ۱۸ تیر حکم صادر شد ولی وزارت ورزش ۲۰ تیر انتخابات را برگزار کرد و گفت حکم به دستش نرسیده در حالی که رسانه ها حکم را منتشر کرده بودند. در نهایت فردی ناآشنا به این رشته و با فشار به برخی از هیات ها در انتخاباتی که وجهت قانونی نداشت انتخاب شد.

آیا تعیین سرپرست برای فدراسیون اقدامی غیرقانونی بود و تبعات خاصی خواهد داشت یا خیر؟

▲ در زمان سرپرستی مبنی از سوی وزارت ورزش به اسم فدراسیون و به صورت جعلی با عنوان فدراسیون ایران با فدراسیون جهانی مکاتبه می شد. براساس قانون اساسی ما کنوانسیون ها و قراردادهایی که به تصویب مجلس رسیده باید اجرا شود ولی مغایر با آن اقدام شده است. در قانون ما فدراسیون ها تابع اساسنامه خودشان هستند اما برخلاف آن عمل می شود. متأسفانه گزینشی با احکام برخورد شد و بسیاری از مشکلات ناشی از همین روند است. روشن است که ضرر مادی، معنوی و هتک حیثیت شخص بنده و مشکلاتی که برای فدراسیون ایجاد شده قابل پیگرد است. کسانی که بعد از اعمال ماده ۲۹ در این بخش عمل کردند، می توانند مورد پیگرد قرار گیرند و من این حق را برای خودم قائل هستم.

باتوجه به نامه کمیته ملی المپیک حضور دادگر در فدراسیون چه تبعاتی دارد؟

▲ فدراسیون جهانی تا من مکاتبه می کرد و مستندات هست که برای موضوعات متعدد امضای

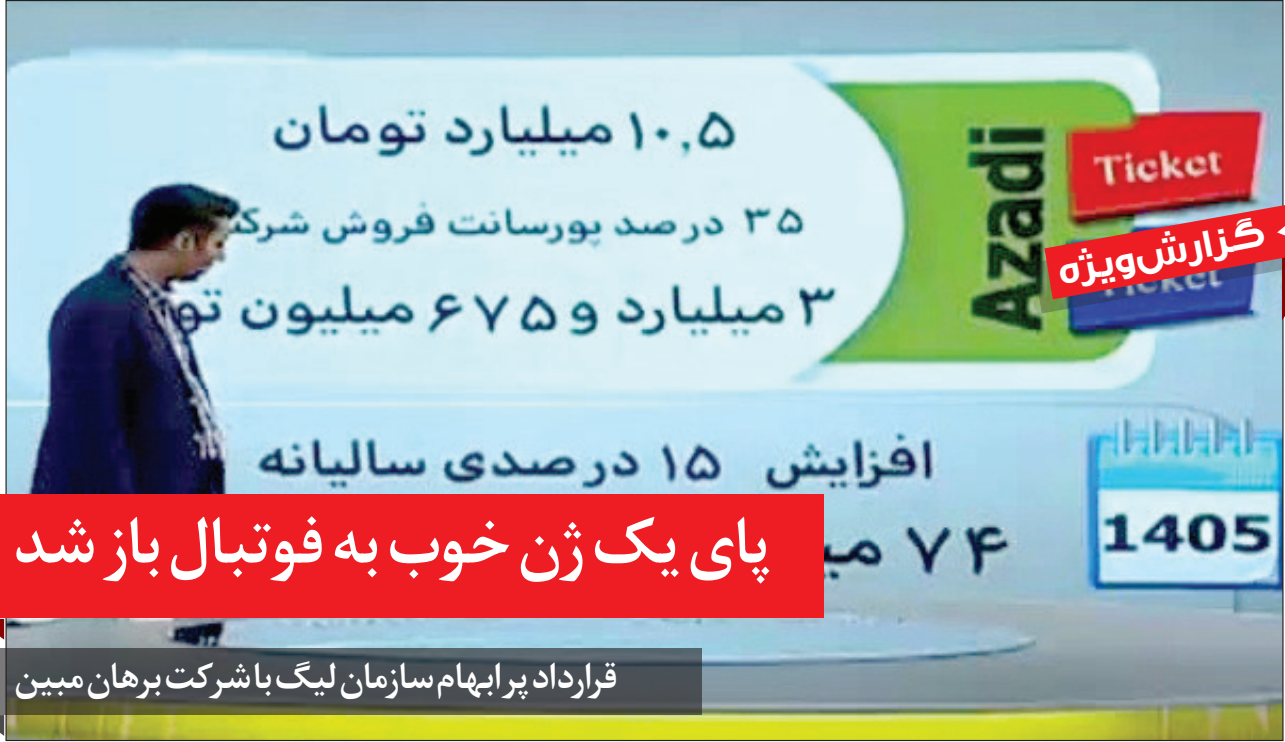


داشتند باید در داخل و براساس آن عمل می کردند. به رغم اینکه در دیوان حکم علیه فدراسیون و وزارت ورزش وارد شد، وزارت ورزش نه تنها از خودش دفاع نکرد ولی از کاندیدای شاکي که با وجود خواست وزارت ورزش رای نیاورده بود حمایت کرد. این رای به طرفیت فدراسیون صادر شده بود و دیوان همچنین گفته بود صلاحیت ورود به فدراسیون ها را ندارد اما ایرادی به وزارت ورزش وارد کرده بود که با شکیبه در این بخش وزارت ورزش به نفع خود سود برد. جای سوال است که براساس اساسنامه برگزار کننده انتخابات کیست؟ طبق اساسنامه، فدراسیون برگزار کننده است.

بنابراین خود وزارت ورزش این موضوع را با فدراسیون جهانی در میان گذاشت و به نوعی حساسیت آنها را برانگیخت.

▲ دقیقاً همین طور است. اگر قرار بود کسی اقدام کند، این من بودم که باید اقدام می کردم. من هم معتقد بودم قوانین داخلی به قدری کافی است که نیازی به مجامع بین المللی نیست. متأسفانه طرح این مساله در مجامع جهانی از سوی وزارت ورزش انجام شد و فدراسیون جهانی هم از کمیته ملی المپیک ایران این اتفاقات را پیگیری کرد.

بارفتن آقای گودرزی انتظار می رفت این مناقشه حل شود. خود شما این طور فکر نمی کردید؟



پای یک ژن خوب به فوتبال باز شد

قرارداد پر ابهام سازمان لیگ با شرکت برهان مبین

برای هواداران پرسپولیس در فصل گذشته ۵۱۲ هزار و ۶۴۸ نفر بوده است. به هر حال در این هفته قرارداد با شرکت برهان مبین را فسخ می‌کنیم چرا که من اصلا این قرارداد را قبول ندارم.»

وی سپس به این نکته اشاره کرد که باشگاه‌ها به سازمان لیگ بدهکار هستند و مبلغ حاصل از بلیت فروشی پس از کسر این بدهی‌ها به آنها پرداخت می‌شود. اما واکنش مدیرعامل شرکت برهان مبین واکنش تندی نسبت به انتقادات از خود نشان داد.

وی در ابتدا برای فردوسی پور و برنامه‌اش ابراز تاسف کرد که چرا اتهامات را مطرح کرده‌اند و در زمانی نامناسب به شرکت وقت پاسخ داده شده است.

علیرضا بیهقی، مدیرعامل شرکت برهان مبین توضیحاتی را درباره بلیت فروشی رقابت‌های لیگ برتر و مستندات این شرکت برای دریافت سهم ۳۵ درصدی از فروش بلیت ارائه کرد. او اعتقاد داشت این شرکت ۴۵ میلیارد برای ورزشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کرده که ۲ میلیارد آن مربوط به ورزشگاه آزادی است. همچنین بیهقی عامل تصمیم سازمان لیگ مبنی بر قطع همکاری با این شرکت را برنامه ۹۰ قلمداد کرد!

قائم مقام این شرکت همچنین مدعی شد که از سوی این شرکت بیش از دو میلیارد تومان در ورزشگاه آزادی هزینه شده است که مجری ۹۰٪ از وی خواست هفته آینده به همراه گزارشگر این برنامه به آزادی بروند و به طور مستند نشان دهند که دو میلیارد مذکور به کدام بخش‌ها هزینه شده است. بیهقی همچنین اعلام کرد ارقام منتشر شده درباره درآمد این شرکت از بلیت فروشی‌ها صحت ندارد.

همه این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که مردم در نظرسنجی برنامه ۹۰ قضاوت خود را آشکار کرده‌اند. نظرسنجی برنامه هفته گذشته ۹۰٪ نیز به سوالاتی درباره موافقت یا مخالفت با واگذاری بلیت فروشی به باشگاه‌ها اختصاص داشت که بیش از ۹۲ درصد موافقت خود با واگذاری به باشگاه‌ها را اعلام کردند.

اما نکته این مناقشه آنجایی بود که بهاروند به سوال فردوسی پور مبنی بر اینکه آیا پای ژن خوب و آقا‌زاده‌ها در عقد این قرارداد وسط بوده پاسخ روشنی نداد و اعلام کرد که بی‌خبر است. در سوی مقابل این عادل فردوسی پور بود که چند بار با مطرح کردن این کنایه سنگین خاطره نه چندان دور اظهارات عجیب پسر دکتر عارف‌رادر اذهان عمومی زنده می‌کرد. آیا واقعا پای یک ژن خوب در میان است؟ ▶

۹۵ میلیون تومان درآمدزایی داشتیم که به دلیل گردش آن در فدراسیون و سازمان لیگ تراز مالی مان منفی شده در غیر این صورت تراز باشگاه پرسپولیس مثبت است. مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در ادامه به تشریح درآمد این باشگاه از بلیت فروشی و ابهام‌های موجود در این زمینه پرداخت.

واکنش سازمان لیگ

حیدر بهاروند اما در واکنش به انتقادهایی که درباره بلیت فروشی مطرح می‌شود تاکید می‌کند: «سازمان لیگ درباره ابهام‌های مربوط به بلیت فروشی مسابقات گفت که در اول آذر ۸۹ قراردادی بین فدراسیون فوتبال با فناوری ریاست جمهوری و نهادی وابسته به دولت امضا شد. در واقع تفاهم‌نامه‌ای بین معاون فناوری ریاست جمهوری و سازمان تربیت بدنی به امضا رسید و سایر کارها هم به صورت دولتی انجام شد.»

او ادامه می‌دهد: «براساس این قرارداد معین شد شرکت برهان مبین در ازای بلیت فروشی بازی‌ها به تجهیز و رفع مشکلات ورزشگاه آزادی، یادگار امام تبریز، نقش جهان اصفهان، ثامن الائمه مشهد و غدیر اهواز اقدام کند که البته این کار انجام نشد. هدف این قرارداد، احترام به هواداران و فروش بلیت به شکل اینترنتی بوده اما به جز تجهیز ورزشگاه آزادی اقدام دیگری انجام نشده است.»

بهاروند درباره اینکه قرارداد مذکور به امضا مهدی تاج و علی کفاشیان رسیده، تاکید می‌کند: «زمانی که به سازمان لیگ آمدم، متوجه شدم ۳۵ درصد مبلغ بلیت فروشی به شرکت برهان مبین تعلق می‌گیرد اما از آنجایی که این درصد زیاد است و درآمد خاصی هم به باشگاه‌ها نمی‌رسد، مخالف قرارداد بودم.»

سرپرست سازمان لیگ در مورد ناتوانی هواداران برای خرید بلیت‌های گران نیز می‌گوید: «از زمان حضورم در سازمان لیگ در بیش از ۵۰ مکاتبه اشتباهات مسیر بلیت فروشی را ذکر کردم. طبق نشست با وزارت ورزش قرار است در روزهای آینده قرارداد برهان مبین لغو شود. این شرکت در سال ۸۹ قرارداد بست که قرارداد مذکور در سال ۹۲ مجدداً امضا شد.»

او در مورد ابهام در آمار ارائه‌شده از سوی سازمان لیگ درباره تماشاگران پرسپولیس نیز اینگونه توضیح می‌دهد: «دلیل ابهام این است که در هر مسابقه بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بدون بلیت وارد ورزشگاه می‌شوند. آمار دقیق

بلیت فروشی یکی از آن مواردی است که طی سال‌های اخیر بارها راجع به آن صحبت شده است. باشگاه‌ها و سازمان لیگ فدراسیون فوتبال همواره در این خصوص با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. مدیرعامل باشگاه‌ها همگی بر این نظر استوارند که سازمان لیگ درباره بلیت فروشی حق باشگاه‌ها را نادیده گرفته و هیچ‌گاه در موعد تعیین شده پولی به باشگاه‌ها پرداخت نکرده است. پولی که اتفاقاً حق باشگاه‌ها است و هواداران به خاطر دیدن بازی‌های تیم محبوب شان پرداخته‌اند. هفته گذشته عادل فردوسی پور با پرداختن به این موضوع فضا را به سمتی برد که خیلی‌ها درباره کنایه سنگین فردوسی پور دست به رمز گشایی زدند.

عادل فردوسی پور با مطرح کردن این موضوع که سازمان لیگ حق باشگاه‌ها را به آنها پرداخت نمی‌کند تلویحاً از این شأنه سخن گفت که پای «ژن خوب» در قرارداد سازمان لیگ با شرکتی که اسپانسر بازی‌ها است در میان بوده و مدیران فوتبال باید در این زمینه پاسخگو باشند.

فردوسی پور ابتدا در این مورد انتقادهای صریح خود را مطرح کرد. او در گفت‌وگو با بهاروند به اینکه سهم باشگاه‌ها در زمان مقرر به باشگاه‌ها پرداخت نمی‌شود و در انتهای سال این کار صورت می‌گیرد انتقاد از این سوال را مطرح کرد که سود پول‌های ذخیره‌شده کجا می‌رود که پاسخ روشنی هم دریافت نکرد.

این در حالی است که علی اکبر طاهری، مدیرعامل باشگاه پرسپولیس نیز اخیراً در این مورد نکات مهمی را مطرح کرده است. او گفته است: «قرارداد بلیت فروشی در تیر ۹۴ منعقد شده اما چند ماه در مذاکراتی که در دفتر حراست وزارت ورزش برگزار شد ثابت کردم در سال ۹۰ تفاهم‌نامه‌ای برای تاسیس شرکت در امر بلیت فروشی بین ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس با شرکت افق سبز منعقد شده است. با توجه به مشکلات درآمدزایی از دیدار پرسپولیس و استقلال خوزستان در لیگ چهاردهم طبقه دوم ورزشگاه آزادی را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان اجاره کردیم که این امر در ادامه سبب شد تا آمار هواداران به شکل قابل توجهی افزایش پیدا کند.»

در این میان آنچه به پرسپولیس از بلیت فروشی فصل اخیر چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بوده که در مقابل این مبلغ سازمان لیگ هزینه‌هایی را به حساب باشگاه منظور کرده که در نهایت سبب شده حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون بدهکار شویم. البته ۲ میلیارد و



طارمی توپ طلایش را به موزه امام رضا (ع) هدیه کرد

مهدی طارمی در اقدامی ارزشمند نشان توپ طلای خود را به موزه آستان قدس رضوی (ع) اهدا کرد. برترین بازیکن لیگ برتر کشور پس از اهدای جایزه اش به موزه امام رضا (ع) گفت: «از کودکی مثل هر مسلمان شیعه‌ای به ائمه متوسل بودم و از شما مردم هم می‌خواهم هر چه می‌خواهید از ائمه اطهار بخواهید و قدر پدر و مادرتان را هم بدانید. نمی‌دانم چگونه زحمات و محبت‌های مادرم را جبران کنم. دعای مادر می‌تواند آدم را از فرش به عرش برساند.»

طارمی با اشاره به خاطره اش از جلسه‌ای که با سرمربی پرسپولیس داشت، گفت: «برانکو به من گفت تو باید آقای گل شوی و پرسپولیس هم قهرمان شود. بعد از جلسه با برانکو، من این حرف را به همبازیانم در تیم گفتم. اینکه می‌خواهم هم آقای گل شوم و هم بهترین بازیکن فوتبال ایران و امروز هم که به این مقام رسیدم، جایزه ام را تقدیم موزه امام رضا (ع) می‌کنم. برای رسیدن به آقای گلی از امام رضا (ع) و امام حسین (ع) و سایر ائمه اطهار کمک گرفتم، شما هم هر وقت چیزی می‌خواهید از ته دل از ائمه اطهار بخواهید. برای همسایه و پدر و مادرتان هم دعا کنید. البته این جایزه‌ای که من گرفتم متعلق به تمام بازیکنان و مربیان پرسپولیس و همچنین هواداران است که من از سوی آنها این جایزه را به موزه امام رضا (ع) تقدیم می‌کنم.»

ژن خوب در قرارداد ترکمانچای چرا فدراسیون مقابل کنایه سنگین عادل سکوت کرد؟



مهدی ربوشه

روزنامه‌نگار

میان سازمان لیگ با شرکت برهان مبین از شفافیت لازم برخوردار نیست. عادل هر چقدر در این باره از حیدر بهاروند پرسید به جواب نرسید. مثل همه ما که بیننده نود بودیم و توضیحات رئیس سازمان لیگ درباره بلیت‌فروشی و همچنین قرارداد سازمان لیگ با شرکت برهان مبین ابدأ برای مان قانع کننده نبود. حتی خود عادل هم از این وضعیت به هم ریخته بود. جوابش را نمی‌گرفت و باز سولش را تکرار می‌کرد و باز جواب‌هایی می‌گرفت که اصلاً قانع کننده نبود.

رئیس سازمان لیگ در پاسخ به این سوال فردوسی پور که به نظرتان در قراردادی که میان سازمان لیگ و شرکت برهان مبین بسته شده پای ژن خوب در میان نیست، سکوت کرد. عادل اصرار داشت که احتمالاً پای یک آقازاده در میان است اما بهاروند پاسخ عجیب‌تری داد.

پاسخی که به شخصه آن را اصلاً نمی‌فهمم. بهاروند تاکید کرد که از زمان حضورش در رأس سازمان لیگ پیگیر جزئیات این قرارداد بوده است اما خبر ندارد که پای آقازاده‌ای در بین هست یا خیر؟ واقع پاسخ عجیبی است. مگر می‌شود رئیس سازمان لیگ باشی و خبر نداشته باشی که در قراردادی که نه تنها فردوسی پور بلکه بسیاری از باشگاه‌ها آن را از قرارداد ترکمانچای هم بدتر ارزیابی می‌کنند، پای منافع چه کسی یا چه کسانی در بین است؟

مگر می‌شود شما ندانید که شرکت برهان مبین و

به نظرم نباید از کنار کنایه عادل فردوسی پور به راحتی عبور کنیم. من سال‌ها پیش با عادل همکاری داشته‌ام و روحیه اش را تا حد زیادی می‌شناسم. جدا از اینکه او انسانی دوست‌داشتنی است عادل هم هست. همواره سعی می‌کند عدالت جو باشد. برخی اوقات یا بهتر بگویم بیشتر مواقع این روحیه او به مذاق خیلی‌ها خوش نیامده است بنابراین سعی کرده‌اند به تندترین شکل ممکن از خجالت او در بیایند. حتی کار یک بار به جایی رسید که یک مربی فوتبال به او برچسب دلال زد اما چه کسی است که این حرف‌ها را در مورد عادل باور کند؟ حتی آنهایی که از نزدیک او را نمی‌شناسند هم به این برچسب‌ها می‌خندند. اما جدا از روحیه عدالت‌جویی عادل فردوسی پور بر سر برخی مسائل حساسیت خاصی دارد. مثلاً اینکه یا حرفی را در برنامه اش که پربیننده‌ترین برنامه تلویزیونی است به زبان نمی‌آورد یا از صحت آن اطمینان حاصل می‌کند.

همه اینها را گفتم که به کنایه عادل برگردم. وقتی از ژن خوب حرف زد. ژن خوب را پسر دکتر عارف اولین بار مورد استفاده قرار داد. ترکیبی که خیلی زود با واکنش‌های مختلف روبه‌رو شد و از او چهره‌ای جنجالی ساخت. هفته گذشته اما بحث بر سر این موضوع بود که چرا قرارداد

حلقه مدیریتی این شرکت از طرف چه کسانی یا چه جریانی مورد حمایت قرار می‌گیرند؟ شاید اصلاً عیبی هم در کار نباشد اما همین که قرار است افراد ذینفع در پشت پرده این ماجرا تبدیل به حلقه‌های مفقوده شوند، بار گرانی است بر دوش فوتبال. آنجا که قرار نیست حق بسیاری از باشگاه‌ها را صرفاً با توجه‌هایی غیر حرفه‌ای بدهیم. آنجا که قرار است رئیس فدراسیون فوتبال و همراهانش ساکت بمانند و هیچ توضیحی درباره قرارداد جنجالی سازمان لیگ با شرکت برهان مبین ارائه نکنند.

سازمان لیگ امروز اساساً پاسخ منطقی برای باشگاه‌ها ندارد. در واقع سازمان لیگ از کیسه باشگاه‌ها حاتم‌بخشی کرده و سهم ۳۰ درصدی برای آنها در نظر گرفته است. آن هم در قراردادی عجیب و غریب که هیچ کدام از تشریفات قانونی در آن رعایت نشده است؛ نه آگهی منتشر شده و نه مزایده‌ای برگزار شده است.

سازمان لیگ مدعی شده که قرارداد بین دو ارگان دولتی فدراسیون با شرکتی زیرمجموعه مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری‌های ریاست جمهوری امضا شده که هر دو دولتی هستند و احتیاجی به مزایده نبوده است. ادعایی که از هر دو سو غلط است. چرا که اولاً فدراسیون فوتبال ارگانی دولتی محسوب نمی‌شود و دوم اینکه شرکت طرف قرارداد شرکتی دولتی نیست. چقدر تلخ است.

اینکه فدراسیون فوتبال در حالی به دنبال حق پخش تلویزیونی است که خود حق باشگاه‌ها را زیر پا می‌گذارد. فقط می‌توان به حال چنین وضعیتی تاسف خورد. کاش باشگاه‌ها در این مورد خاص بیش از پیش با یکدیگر همراه شوند و حق واقعی‌شان را مطالبه کنند. ▶

... و خدایی که در این نزدیکی است

معرفی چند مسجد تاریخی ایران

بیست و یکم اوت هر سال که مصادف با ۳۱ مرداد است، روز جهانی مساجد نامگذاری شده است. در سال ۱۳۴۸ در چنین روزی مسجد اقصی که قبله اول مسلمین جهان است توسط صهیونیست‌ها به آتش کشیده شد. یک جریان مسیحی صهیونیستی در آمریکا شکل گرفته که اعتقاد دارد ویرانی مسجد اقصی و ساخت معبد سوم سلیمان شرط ظهور حضرت مسیح (ع) است و الا ظهور نمی کند. بر پایه این اعتقاد مسجد اقصی توسط اشغالگران صهیونیست به آتش کشیده شد. ماجرا از این قرار بود که ساعت هفت صبح پنجشنبه روزی جنایتکاری اسرائیلی به نام دنیس مایکل ولیمروهان، آستان مسجد اقصی مسقف را به آتش کشید. در این آتش سوزی، مساحتی نزدیک به ۱۵۰۰ مترمربع از مسجد در آتش سوخت. به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران و تصویب اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در سی امین نشست این سازمان، این روز به نام روز جهانی مسجد نامگذاری شد. پیامبر گرامی اسلام (ص) پایه گذار اولین مسجد است. او مکانی را پایه گذاری کرد که علاوه بر عهده دار بودن نقش روحانی و معنوی، کانون فعالیت‌های اجتماعی مسلمانان نیز به شمار می رفت. به همین دلیل مسجد در طول تاریخ اسلام از ویژگی برجسته‌ای برخوردار بود. در گذشته همه امور مسلمین در ابعاد مختلف، از جمله عقاید و فعالیت‌های فرهنگی، عبادی، سیاسی و اقتصادی در مساجد انجام می شد. به همین مناسبت چند مسجد زیبا و تاریخی ایران را که از قطب‌های گردشگری کشور محسوب می شود، معرفی می کنیم.



جامع اصفهان

مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین ابنیه مذهبی ایران است. این مسجد مجموعه تاریخی وسیعی را به ابعاد ۱۷۰ در ۱۴۰ متر در شمال شرقی اصفهان و کنار میدان کهنه نشان می دهد و امروز شامل قسمتهای مختلفی است از قبیل گنبد نظام الملک، گنبد تاج الملک، ضمن چهار ایوانی شبستان‌ها، مدرسه مظفری محراب الجایتو که هر یک نمایانگر سیر هنر معماری اسلامی در دوره‌ای خاص هستند. بنا بر شواهد تاریخی، مسجد جامع اصفهان روی ویرانه‌های مسجد قدیمی تری ساخته شده که اعراب ساکن قریه طهران در اصفهان در قرن دوم هجری در یهودیه بنا کرده بودند. مسجد اولی بر خرابه‌های ابنیه‌ای مربوط به اواخر دوره ساسانی برپا شده بود. سیما و اسکلت کلی و فعلی این مسجد عمدتاً مربوط به معماری دوره سلجوقی است اما تعمیرات و الحاقات آن به دوره‌های بعد از آن به خصوص عصر صفویه بر می گردد. مسجد دارای ورودی‌های متعددی است که هر یک فضای مسجد را به بخش‌هایی از بافت پیرامون آن مربوط می کند. این ورودی‌ها همه در یک زمان ساخته نشده‌اند و هر یک در مقطعی از تاریخ و در ارتباط با ساختمان درون و بیرون بنا به وجود آمده‌اند. گذرها و معابری که در گرداگرد مسجد وجود دارند بیانگر ارتباط گسترده‌ای است که مسجد با بافت قدیم شهر دارد.

گوهر شاد مشهد

مسجد جامع گوهر شاد اثر تاریخی به جامانده از دوره تیموری و از مساجد معروف ایران است. این مسجد هم‌اکنون جزئی از حرم رضوی محسوب می شود. قدمت تاریخی، سبک معماری و زیبایی‌های هنری، مسجد گوهر شاد را یکی از جاذبه‌های مذهبی تاریخی و فرهنگی مورد توجه و بازدید باستان‌شناسان، جهانگردان و دیگر علاقه‌مندان کرده است. قیام مردم علیه سیاست‌های فرهنگی رضاخان در این مسجد و وقایع بعد از آن را نیز می توان از دلایل شهرت این مسجد دانست. تاریخ بنای مسجد گوهر شاد در سه نقطه از ایوان جنوبی «ایوان مقصوره» دیده می شود؛ یکی در پایان کتیبه بایسنقری در سمت چپ ایوان مقصوره، دیگری در کتیبه سمت راست ایوان به خط ثلث و سوم در قسمت داخل پایه شرقی ایوان. نام معمار مسجد نیز در سمت چپ پایه ایوان جنوبی مسجد ایوان مقصوره زیر کتیبه بایسنقری نوشته شده است. بنای عظیم مسجد، به شیوه معماری مشرق زمین به صورت حجیم سازی و سازه چهار ایوانی با آجرها و مصالح ساختمانی قرن نهم ساخته شده است و می توان گفت یکی از شاهکارهای معماری دنیاست. طاق‌های گنبدی شکل مسجد و مناره‌های آن با ویژگی و تزئینات خاص و با استفاده از سبک مقرنس، همچنین نقوش و خطوط دیوار روی زمینه گچی و معرق کاری ممتاز عصر تیموری، جلوه‌های بی نظیری از هنر ایرانی را در قلب حرم مطهر به نمایش گذاشته است.



جامع شیراز

مسجد جامع عتیق یا مسجد جمعه یا مسجد جامع یا مسجد آدینه، از کهن ترین مساجد قدیمی شیراز است که در مشرق شاهچراغ قرار دارد. این مسجد دو ایوانی، در سال ۲۸۱ ه. ق. به دستور عمرولیت صفاری ساخته شد. ساختمان مسجد که اولین هسته تاریخی شهر شیراز است مشتمل بر بنایی مرتفع است که دارای چندین حجره و شبستان و برخی قسمت های آن دو طبقه است. این مسجد دارای ۶ در ورودی و خروجی بوده است. یک در در ضلع شمالی، یک در در ضلع جنوبی، دو در در ضلع غربی و دو در در ضلع شرقی. امین احمد رازی تذکره نویس و ادیب ایرانی قرن یازدهم هجری صاحب کتاب چهار جلدی هفت اقلیم که در سال ۱۰۱۰ هجری قمری در بخشی از کتاب هفت اقلیم خود که در مورد حافظ شیرازی است، مسجد عتیق را مسجدی می داند که حافظ شیرازی خود را ملزم کرده بوده که هر شب جمعه به این مسجد بیاید و به تلاوت قرآن بپردازد. مسجد جامع عتیق مرور زمان و در اثر زلزله های متعدد در دوره های متعدد روبه ویرانی نهاده که تاکنون نیز چندین بار مرمت شده است.



جامع خرمشهر

مسجد جامع خرمشهر از قدیم یکی از مراکز اصلی شهر خرمشهر بوده و حتی پس از پایان جنگ ایران و عراق و تخریب کامل شهر خرمشهر و بازسازی دوباره، این مرکزیت را حفظ کرده است. در مقابل این مسجد، بازارچه بزرگی وجود دارد که اصناف گوناگون در آن به کسب و کار مشغول هستند. مسجد جامع خرمشهر نه قدمت چندانی دارد، نه معماری خاصی و نه حتی وسعت قابل ملاحظه ای. با این حال این مسجد جزو معروف ترین مسجدهای ایران است. مسجد جامع خرمشهر یکی از تنها ساختمانهایی بود که در این شهر، پس از بازپس گیری به صورت نیمه سالم باقی مانده بود و همچنین چون این مسجد در زمان مقاومت (قبل از اشغال) مرکز فرماندهی و تدارکات و گردهمایی مدافعان شهر بود، لقب نماد مقاومت را به خود گرفت که در حال حاضر نیز بین بازماندگان جنگ و علاقمندان به تاریخ جنگ ایران و عراق به همین عنوان شناخته می شود.



جامع یزد

مسجد جامع یزد به مثابه ایوانی در دل کویر است که در طول ۱۰۰ سال و سه دوره بنا شده است. این مسجد بزرگ با ۲ مناره بلند و منحصر به فرد، هر سال گردشگران بسیار زیادی را از نقاط مختلف دنیا به سوی خود جذب می کند. از امتیازات هنری و معماری این مسجد می توان به قدرت و استواری کاشیکاری های نفیس و زیبای لاجوردی آن اشاره کرد. در زیر گنبد این مسجد بخشی قرار دارد که به آن تابستانه می گویند، این سردخانه دارای پنجره های آجری مشبک و در داخل این تابستانه محرابی قرار دارد که دارای کاشیکاری زیبایی است. شبستان مسجد دارای ۲ قسمت است که یکی در زمستان و دیگری در بهار و پاییز مورد استفاده قرار می گیرد. درهای مشبک شبستان پاییزی با شیشه های رنگی مزین شده است. سرد رفیع و زیبای آن با ۲۴ متر ارتفاع از دیگر ویژگی منحصر به فرد مسجد است. سبک معماری در ساخت این ایوان نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند و وجود طاق نماهای کم عرض در ۲ طرف طاق یا دهانه قوسی و وجود ۲ مناره زیبا بر بالای ایوان از دیگر ویژگی های مسجد جامع کبیر یزد است. اصیل ترین بخش های هنر معماری بی نظیر ایرانی در گچکاری، شستمان، صحن، گنبد، کاشی کاری و مناره های برافراشته آن جلوه گر است. زیباترین بخش این بنا را می توان مجموعه ایوان و گنبدخانه و فضای پیرامون آن نام برد. نمای ایوان بلند با مجموعه ای از زیباترین تزئینات کاشی معرق و نقوش اسلیمی و گیاهی همچنین گره چینی پوشانده شده است.



ماه عسل در پاریس

نیمار در فرانسه خوشحال است



«سخت بود. ما پول زیادی نداشتیم اما هیچ وقت گرسنه نمی ماندیم و پدرم همیشه همه چیز فراهم می کرد. این داستانی بود که همیشه به مادرم می گفتم که اگر روزی ثروتمند شوم، یک کارخانه کلوچه سازی می خرم تا بتوانم هر وقت که دلم می خواهد کلوچه بخورم.» حالا همان پسرک آن قدر پولدار است که می تواند یک شهر پر از کارخانه های کلوچه سازی بخرد، نیمار گران قیمت ترین قرارداد جهان فوتبال را امضا کرد، قراردادی که جهان فوتبال هنوز هم نمی تواند آن را به راحتی فراموش کند و باشگاه پاری سن ژرمن هنوز هم دارد در مورد واژه هایی مثل فیرفیلی مالی جواب می دهد. از انتقال ۱۰۰ میلیون یورویی پل یوگبا، هافبک فرانسوی سابق یوونتوس به منچستریونایتد، آرسن ونگر، سرمربی آرسنال مدعی شد که به زودی شاهد انتقالی با مبالغ گزاف تر و غیر قابل باورتر خواهیم بود.

حال حدود یک سال پس از آن انتقال، نیمار برزیلی با رقم خیره کننده ۲۲۲ میلیون یورو از بارسلونا به پاری سن ژرمن فرانسه پیوسته است. رقمی که شاید در هنگام عقد قرارداد با این بازیکن برزیلی، سران بارسلونا هرگز فکر نمی کردند تیمی قادر یا راغب به پرداخت آن برای جذب این بازیکن باشد.

پاری سن ژرمن اما این کار را کرد و اکنون انگار از این خرید هم بسیار راضی است، حالا هیچ فرقی نمی کند منتقدانی مثل ژاوی بگویند: «عجیب است که بازیکنی نخواهد در بارسا باشد. این اتفاق خیلی نادر است. ۱۷ سال بود که چنین اتفاقی رخ نداده بود یعنی از زمانی که فیگو به رئال مادرید رفت. او هیچ توضیحی در مورد جدا شدنش به هواداران بارسا نداد و حتی حاضر نشد برای خدا حافظی با هواداران در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کند. البته در حال حاضر بارسا مسی که بهترین بازیکن دنیاست و سوارز که بهترین مهاجم دنیاست را در اختیار دارد. بوسکتس، اینستا و پیکه هم در پست های شان بهترین ها هستند.»

پاریس راضی

خرید نیمار توسط پاری سن ژرمن را باید یکی از زودبازده ترین خریدهای تاریخ این باشگاه و شاید حتی تاریخ فوتبال دانست. بعد از زدن یک گل و دادن یک پاس گل به ادینسون کاونی در اولین بازی اش برای پاری سن ژرمن، نیمار حالا از بعد مالی هم سود قابل توجهی را به تیم پاریسی رسانده است. با اینکه کمی بیشتر از یک هفته از رفتن نیمار به پارک دوپرنس می گذرد، رکورد فروش پیراهن او به طرز خیره کننده ای بالاست به نحوی که فروش پیراهن او در همین چند روز با رکورد فروش پیراهن آنخل دی ماریا در تمام طول سال گذشته برابری می کند. طبق آمار اعلام شده، تاکنون بیش از ۲۰ هزار

دی ماریا، موتا و آلوز آسان است. ما سعی می کنیم شناخت بهتری از یکدیگر پیدا کنیم تا در زمین موفق تر شویم. با حضور در اینجایه باقیم به حقیقت پیوست. برای تاریخ سازی به اینجا آمدم.»

به نظر می رسد پدر نیمار هم راضی است. پدر نیمار پس از این انتقال اعلام کرد فرزندش هرگز نمی خواسته با مسی رقابت کند تا جایگاه مسی را در نیوکمپ بگیرد اما به این مساله نیز متذکر شد که علت پیوستن نیمار به پاریسی ها، بردن توپ طلای اروپا نبوده است: «نیمار تصمیمش را گرفته و باید برای تجربه چالش جدید آماده باشد. او همیشه به مسی احترام گذاشته است اما حالا او راه خودش را می رود. نیمار می توانست به تیم های دیگر برود و همیشه مورد توجه رسانه ها باشد اما او نمی خواهد برترین بازیکن یک تیم باشد. او ریسک بزرگی کرده است. آیا پاریسن ژرمن می تواند تضمینی دهد که نیمار توپ طلا برود؟ قطعاً خیر.»

قطر راضی

سایمون کوپر را همه با کتاب فوتبال علیه دشمن با ترجمه عادل فردوسی پور می شناسند. او در مقاله ای درباره این انتقال نوشت: «قطر یکی از کشورهای کوچک جهان است که بزرگترین صادرکننده گاز محسوب می شود، بنابراین پرداخت ۲۲۲ میلیون یورو برای شان کار سختی نیست. در سال ۲۰۱۵ نیک هریس سرمایه گذاری این کشور روی جام جهانی ۲۰۲۲ را بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار عنوان کرد که این ۷۶۳۴ برابر پول خرید نیمار است. جنبه دوم این خرید، دهن کجی به کودتایی بود که علیه این کشور به راه افتاده است.»

قطر از سوی عربستان سعودی و دیگر همسایگان به بهانه حمایت از تروریسم تحریم شده و در این مقطع بیش از هر زمان دیگری به دوستانش نیاز دارد. فرانسه برای قطر یک دوست قدیمی بوده و از آنجایی که امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه خودش هوادار مارسی و طرفدار فوتبال است، بیگبر خرید نیمار بود. او پس از این انتقال به مالک قطری پاری سن ژرمن تبریک گفت. در واقع نیمار بخشی از هدیه قطر به فرانسه بود. حالا قطری ها امیدوارند تا هدیه بزرگتری به فرانسه بدهند؛ قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا. پاریسی ها از یک جهت نگرانی شان کم شده چرا که دیگر نیامری در بارسا وجود ندارد تا آنها را از اروپا حذف کند. او در شش بازی مقابل PSG هفت بار گلزنی کرد و در واقع مغز متفکر آن شکست ۱-۰ تحقیرآمیز در نیوکمپ بود. او حالا در بازی های لیگ قهرمانان اروپا به مراتب نقش مهمتری نسبت به ۳۸ بازی لیگ فرانسه دارد. نیمار می تواند پاریسی ها را به یک شام متشخصانه در حوالی شانزلیزه با یک حال خوب دعوت کند.»

هوادار پاری سن ژرمن پیراهن این تیم را با شماره ۱۰ و نام نیمار خریداری کرده اند و انتظار می رود که این رقم بعد از درخشش زود هنگام او در بازی اولش برای PSG افزایش پیدا کند. یک مقام مسئول در باشگاه پاری سن ژرمن به رادیو RMC گفت: «۹۰ درصد پیراهن هایی که می فروشیم پیراهن نیمار است. در حال حاضر دیگر تعداد زیادی از این پیراهن برای ما باقی نمانده است.» زمانی جذابیت مهاجم برزیلی برای هواداران پاری سن ژرمن فراتر از این ها جلوه می کند که بدانید این باشگاه تنها در روز اول پس از عقد قرارداد با نیمار رقمی بالغ بر ۵۰۰ هزار یورو از فروش پیراهن این بازیکن ۲۵ ساله که او را ۲۲۲ میلیون یورو از بارسلونا خرید، درآمد داشته که این آمار فوق العاده ای محسوب می شود. علاوه بر این، از زمان ورود نیمار میزان بازدید سایت پاری سن ژرمن به ۷ برابر در روز افزایش پیدا کرده و تعداد کاربرانی که در شبکه های اجتماعی اخبار مربوط به PSG را دنبال می کنند به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده است. حضور ۲۰۰ خبرنگار برای پوشش اولین بازی نیمار در ترکیب پاری سن ژرمن نشانه ای دیگر از افزایش اهمیت بازی های این تیم بعد از جذب ستاره پیشین بارسلونا بود و نکته جالب درباره این اتفاق آن است که جایگاه خبرنگاران ورزشگاه پارک دوپرنس تنها ۸۰ نفر ظرفیت دارد. همچنین از زمان ورود نیمار رغبت هواداران پاری سن ژرمن برای تماشای بازی های این تیم در ورزشگاه پارک دوپرنس بیشتر از قبل شده است. پیش از قطعی شدن پیوستن نیمار، اعلام شده بود که تخمین زده می شود جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر اولین بازی فصل پاریسی ها در پارک دوپرنس برابر آمین را از نزدیک تماشا کنند اما با قطعی شدن پیوستن نیمار و اعلام اینکه او پیش از بازی به ورزشگاه خواهد رفت تا به هواداران معرفی شود، پارک دوپرنس ۴۸ هزار نفری پر از تماشاگر شد.

نیمار راضی

نیمار که در جریان پیروزی ۳-۰ پاری سن ژرمن مقابل گنگام در نخستین بازی اش با پیراهن این تیم موفق به زدن یک گل و ارسال یک پاس گل شد پس از بازی بار دیگر بر درستی تصمیمش مبنی بر ترک بارسلونا تاکید کرد. نیمار پس از بازی به شبکه Canal Plus فرانسه گفت: «آرام هستم. می دانستم ترک بارسلونا خیلی سخت است اما در پاریس خیلی خوشحالم. مردم فکر می کنند ترک بارسا به معنای پایان زندگی است اما اینطور نیست. من زنده تر از همیشه هستم.»

من خیلی خوشحالم. کشور، شهر و تیمم را عوض کردم اما فوتبال همان است. خوشحالم که به عنوان بهترین بازیکن میدان انتخاب شدم اما مهمترین چیز کسب پیروزی بود. بازی در کنار بازیکنانی چون وراتی، کاوانی،

خاطرات عباس روایتی از جبهه‌های سومار

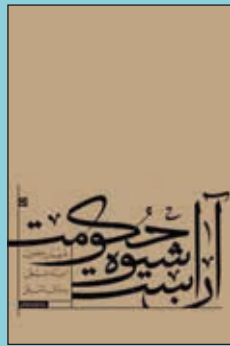
خاطرات جبهه‌های سومار، بازی دراز و فتح‌المبین به خط سردار شهید عباس رحمانی در کتابی با عنوان «خاطرات عباس» به همت مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه الغدیر استان یزد چاپ و منتشر شد. عباس رحمانی با آغاز جنگ تحمیلی، درس را رها کرد و پس از آموزش مقدماتی در یزد، برای اولین بار به عنوان تک‌تیرانداز به جبهه سومار اعزام شد. بار دوم به منطقه غرب اعزام و در سمت مسئول دژبانی در سرپل ذهاب مشغول شد. عباس به همراه چندین نفر از رزمندگان یزدی در کنار سردار شهید محسن وزوایی فاتح قله‌های بازی دراز شد و در این عملیات مجروح شد. بعدها به عضویت رسمی سپاه درآمد. همراه با گروهان ویژه پاسداران یزد در عملیات فتح‌المبین شرکت کرده و حماسه آفرید. پس از آن در عملیات بیت المقدس شرکت کرد. مدتی به عنوان راننده سردار مرتضی قربانی در تیپ ۲۵ کربلا خدمت کرد. پس از آن به تیپ نجف ملحق شد و مسئولیت فرماندهی گروهان دو، از گردان امام علی (ع) را در عملیات رمضان برعهده گرفت و سرانجام در تیرماه ۱۳۶۱ در حالی که بیست‌مین سال از عمرش را می‌گذراند، در منطقه عملیاتی رمضان بر اثر اصابت ترکش به سینه به شهادت رسید. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «آن شب تا صبح عراق خمپاره می‌زد در شهر و این اولین نوزوی بود که من در جبهه بودم. بعد از آن، یک شب دیگر هم به علامت خوشحالی تیراندازی کردند که عراق فکر کرده بود حمله‌ای در پیش است و تا صبح فقط آتش می‌ریخت روی شهر و آن قدر توپ و خمپاره سینه کوه و قبرستان تنگه زده بود که همه می‌گفتند که این عراق می‌ترسد مرده‌ها زنده شوند که این طور روی قبرها می‌کوبد.»

حماسه هویزه خاطرات تنها بازمانده از یاران شهید علم‌الهدی

«بازمانده حماسه هویزه» عنوان کتابی است که راوی آن حاج باقر مارانی است؛ تنها بازمانده از یاران شهید حسین علم‌الهدی است و ناگفته‌های حماسه هویزه را بازگو می‌کند. «بازمانده حماسه هویزه» داستان مردی است کوچک سال که پیش به جبهه و جنگ باز شد. رزمنده میدان جنگ شد و تا پای جان از خود ایثار و شهامت نشان داد. باقر مارانی روزی در خرمشهر کوهچه به کوه در مقابل دشمنان اسلام ایستاد و در سوسنگرد در کنار دوستان شهیدش، دشمنان را از شهر بیرون راند و در هویزه در کنار شهید حسین علم‌الهدی تا آخرین لحظه، مقاومت کرد و شاهد پیر شدن یاران حسین در دشت هویزه بود. مارانی تنها بازمانده هویزه است که آنچه در سینه او نهفته بود و بعد از سال‌ها بر صفحات سفید کاغذ به نگارش درآمده، صحنه‌هایی است که فقط او در آن معرکه با چشم خود دیده است. اگرچه سال‌ها بر این راز، مهر سکوت زده بود اما سرانجام واقعیت خیانت بنی صدر در عملیات هویزه توسط این رزمنده کوچک سال آن زمان، بر ملا شد. در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم: «قبل از ورود بنی صدر به هویزه این شهر زیر آتش دشمن بود و بعد از ورودش شهر آرام شد. آن روز بین حسین علم‌الهدی که فرمانده سپاه هویزه بود و بنی صدر درگیری لفظی پیش آمد و با هم بحث کردند. آن زمان می‌توانستیم به راحتی بنی صدر را بکشیم ولی این کار را انجام ندادیم. به او گفتیم که به ما مهمات بده، در جوابمان گفت: «مهمات نداریم، خودتان بجنگید و به غنیمت بگیرید.» وقتی که بنی صدر متوجه شد که حسین و دانشجویان پیرو خط امام خمینی (ره) اینجا هستند، گفت: «شماها آمدید و در خطوط جبهه هم رسوخ کرده‌اید!»

شیوه حکومت

ترجمه سیدمهدی شجاعی از فرمان امام علی (ع)



بدلی از منظر تعالیم پیامبر اکرم (ص) بهترین معیار و مبنای برای این شناخت اسلام علوی فرمان امام علی به مالک اشتر است که تمام ویژگی‌های یک حکومت اسلامی در آن ذکر شده است. در بخشی از مقدمه شجاعی بر این کتاب آمده است: «حاکمیت پس از ارتحال پیامبر، ناگزیر است که حتی الامکان ظواهر دین اسلام را در ویرترین حکومت حفظ کند و اساس منبر و محراب پیامبر را داعیه اسلام و مسلمانی در اختیار بگیرد. هر چند که قلبا و عملا کمترین اعتقاد و التزامی به آن نداشته باشد. پس پرده این نفاق و تظاهر در زمان حکومت یزیدین معاویه به آشکارترین شکل خود می‌رسد و یزید حقایقی را از این نوع حکومت اسلامی بر ملامی کند که نه قبل و نه بعد از او هیچ حاکمی جرأت و جسارت بیان آن را پیدا نمی‌کند.»

وی در بخش دیگری می‌نویسد: «فرمان حضرت امیر به مالک اشتر هنگام سپردن حکومت مصر به او از این جهت حائز اهمیت است که مرانامه‌ای تمام و کمال برای اداره یک کشور محسوب می‌شود. اصول و قواعد حکومت علوی را که تاکنون مجال تحقق عملی آن فراهم نشده، تعریف و تبیین می‌کند و تصویری از آنچه باید باشد را پیش چشم مردم قرار می‌دهد و ما به این دلیل، امروز و اکنون بیش از هر زمان دیگری، نیازمند مطالعه و دانستن و فهمیدن این اصول و قواعدیم که با حکمتی به اسم اسلام مواجهیم و برای شناختن اصل از بدل و سره از ناسره، چاره‌ای جز رجوع به یک محک و ترازو یا ملاک و میزان نداریم. فرامین حضرت امیر برای حکومت و باید و نبایدهای او در اداره مملکت، بهترین ترازو یا سرمشق و الگوست برای اینکه جزء گناترها و رفتارهای حکومت اسلامی را با آن مقابله کنیم و به عبار اصلی یا بدلی بودن آن پی ببریم و از آن مهمتر اینکه عملکرد این حکومت اسلامی را عینا عملکرد مقرر و مطلوب اسلام تلقی نکنیم و آن را مبنای قضاوت در مورد اسلام و فرامین آن قرار ندهیم.»

کتاب «آن است شیوه حکومت» تازه‌ترین اثر سیدمهدی شجاعی از سوی انتشارات کتاب نیستان منتشر شد، این کتاب ترجمه شجاعی از عهدنامه یا همان نامه معروف امام علی (ع) به مالک اشتر است که در نهج البلاغه نیز آمده است. شجاعی در این کتاب نظر به اهمیتی که برای این فراز از نهج البلاغه به عنوان منشور و آیین‌نامه حکومت اسلامی قائل بوده است، آن را به صورت مجزا در قالب کتابی آورده است.

شیوه ترجمه این متن ارائه همزمان متن با ترجمه است. شجاعی در صفحات این کتاب متن فارسی و به دنبال آن و در کنارش، متن عربی این نامه را قرار داده است و سعی کرده با استفاده از ساده‌ترین و شیوا ترین عبارات از عهده ترجمه این اثر برآید. نکته قابل توجه در این ترجمه آهنگین بودن آن و تلاش برای ارائه متنی است که بی‌آنکه به دنبال روایتی شاعرانه در ترجمه باشد توانسته آهنگی حماسی به خود بگیرد و به شکلی خاص عبارات را در پی هم و به منظور ترجمه قرار دهد.

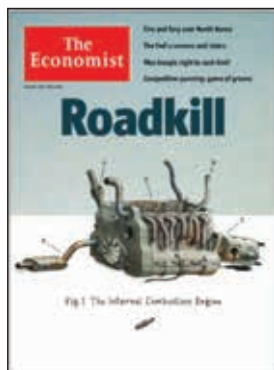
شجاعی هم‌چنین مقدمه‌ای مفصل بر این فرمان نوشته است. این کتاب که به صورت دوزبانه فارسی و عربی نگاشته شده است، در قطع بیادبی و در ۱۷۵ صفحه منتشر خواهد شد.

شجاعی در مقدمه این کتاب به ضرورت ترجمه و توجه به فرمان امام به مالک اشاره کرده است، از نظر شجاعی با توجه به اینکه بعد از پیامبر اکرم (ص) مسیر اسلام اصیل دستخوش مخاطرات و انحرافات شد، برای شناخت اسلام علوی و تشخیص آن از اسلام

پیشخوان جهانی



روای آلپ،
تیترا اصلی
اشپیگل



اکونومیست
به مساله
موتورهای
حمل و نقل
پرداخته است



آخرین امید
ترامپ
از نگاه تایم

کسب رتبه نخست کوثر در اولین المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی



دکتر عیسی رضایی، مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر کسب رتبه نخست اولین المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی را به نخبگان کوثری تبریک گفت.

وی در متن تقدیر از نخبگان اولین المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی بیان داشت: «به ثمر نشستن زحمات خانواده بزرگ کوثر در کسب رتبه اول نخستین المپیاد علمی کارکنان بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی مایه افتخار و مباهات است. افتخار بزرگ را به تمامی معاونین، مدیران و کارکنان ساعی و پرتلاش موسسه اعتباری کوثر تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

شایسته است مراتب تجلیل خالصانه خود را از تلاش‌های ارزنده نخبگان کوثری و زحمات پرتلاش معاونت مدیریت و توسعه منابع انسانی که با دانش، تخصص و تعهد خود نقش بسزایی در دستیابی به این مهم ایفا کردند، صادقانه ابراز نمایم. بر این باورم تحصیل چنین افتخاری غرور انگیز حاصل نمی‌شد مگر با حسن تدبیر و تلاش صادقانه همکاران شرکت کننده در این المپیاد علمی.

این موفقیت بزرگ و نتایج درخشان کسب شده که برگ زرین دیگری بر افتخارات موسسه اعتباری کوثر افزود، جلوه‌ای از تلاش و امید است که برای فتح قله‌های افتخار توسط نخبگان کوثر، به نمایش گذاشته شد و یقیناً

با وجود چنین نخبگانی باور داریم که «آینده از آن ماست.» براساس اعلام رسمی کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی، موسسه کوثر با امتیاز ۷۶۹/۵ از مجموع هزار امتیاز حائز رتبه اول، در میانگین نمرات انفرادی رتبه‌های اول و دوم و در دروس حقوق بانکی، بانکداری داخلی و مبارزه با پولشویی رتبه اول را کسب نماید.

این گزارش می‌افزاید؛ میلاد نوید و نرگس حیدری از موسسه اعتباری کوثر توانستند بالاترین میانگین نمرات فردی را در کل دروس المپیاد از آن خود کنند و رتبه اول و دوم بین ۱۴۰ نخبه شرکت کننده در المپیاد را به دست آورند. بر اساس این گزارش از مجموع تیم شرکت کننده موسسه اعتباری کوثر در این المپیاد علمی، نرگس حیدری و میلاد نوید رتبه اول در بانکداری داخلی، سعید قدری و عطیه مرتضایی رتبه اول در حقوق بانکی محمدرضا سرپازی و سپیده لیمویی در مبارزه با پولشویی حائز رتبه اول شدند. سیدهادی هاشمی، معاون توسعه و مدیریت سرمایه‌های انسانی کوثر با تبریک این موفقیت بزرگ به خانواده بزرگ کوثر گفت: «نخستین المپیاد بانکی کارکنان بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی کشور با پیشنهاد اولیه این موسسه کلید خورد و در ادامه پس از تشکیل کمیسیون آموزش در کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد.»

وی افزود: «جهت حفظ مالکیت معنوی این رویداد علمی به نام موسسه، تاریخچه المپیاد تدوین و در سایت

المپیاد بانک‌ها ثبت گردیده که این سابقه علمی به صورت دائمی در تاریخچه برگزاری المپیادهای بانک‌های خصوصی کشور به نام کوثر باقی خواهد ماند.

اسامی ۱۵ نخبه موسسه اعتباری کوثر شرکت کننده در اولین دوره برگزاری المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی عبارتند از:

- ۱- حامد بهروزی
- ۲- نرگس حیدری فرد
- ۳- میثم رشیدی منش
- ۴- محمدرضا سرپازی
- ۵- عطیه مرتضایی
- ۶- مریم قهرمانی
- ۷- سعید قدری
- ۸- سپیده لیمویی
- ۹- میلاد نوید
- ۱۰- الناز حلیمی
- ۱۱- سهیل عبداللهی
- ۱۲- مصطفی جعفری
- ۱۳- مصطفی جعفری
- ۱۴- الهام رجبی
- ۱۵- رضا علیزاده

شایان ذکر است؛ در اولین دوره برگزاری المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی ۱۴ بانک و موسسه اعتباری در تاریخ ۱۲ مرداد ماه به رقابت پرداختند.

افتتاح سپرده پس انداز ویژه قرعه کشی بدون نیاز به مراجعه به شعبه و از طریق سایت بانک انصار میسر شد

افتتاح سپرده پس انداز، از طریق سایت

افتتاح حساب کنند. این قابلیت می‌تواند حجم ورودی مشتریان جدید را به بانک افزایش داده و با مدیریت صحیح و مشتری‌مداری همکاران گرامی در شعب، مشتریان جدید با سایر محصولات و خدمات بانک آشنا شده و از خدمات مطلوب بانک انصار استفاده کنند.

این گزارش می‌افزاید، باره‌اندازی این امکان جدید که برای اولین بار در شبکه بانکی توسط بانک انصار ایجاد شده است، بخش اعظمی از فرآیند مراجعه اولیه به شعبه و تشریفات افتتاح حساب تسهیل شده و متقاضیان می‌توانند به راحتی از طریق بستر اینترنت، در بانک انصار

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، با ایجاد این قابلیت در سایت بانک متقاضیان افتتاح سپرده قرض الحسنه پس انداز می‌توانند نسبت به افتتاح سپرده برای خود و یا سایر اعضای خانواده، صرفاً با اطلاع از مشخصات شناسنامه‌ای و کارت ملی این افراد، اقدام کنند.



پس انداز اشخاص حقوقی، پس انداز ارزی، پس انداز تسری، پس انداز پرداخت حقوق، پس انداز کودک، پس انداز دانش آموز، قلم الکترونیک دانش آموزان، کارت شهروندی و... است که واجدین شرایط سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز، با رعایت حداقل موجودی ۲۰۰ هزار ریال در طول دوره قرعه کشی و حفظ آن در روز قرعه کشی در این مرحله شرکت داده خواهند شد. با توجه به صدور مجوز برگزاری قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بانک انصار از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، هموطنان عزیز می‌توانند برای افتتاح سپرده یا افزایش موجودی جهت شرکت در قرعه کشی، بر خورداری از اجر معنوی و صدها هزار جایزه به شعب سراسر کشور یا سایت بانک انصار به آدرس www.ansarbank.ir مراجعه نمایند.



بر اساس مجوز بانک مرکزی

شیوه‌نامه ارزیابی و شرایط برگزاری هشتمین مرحله قرعه کشی سراسری سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بانک انصار ابلاغ شد

سفر به عتبات عالیات هر یک به ارزش ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۳۳۷۱۳۸ جایزه نقدی ۲۰۰/۰۰۰ ریالی است. این گزارش می‌افزاید، حداقل مبلغ جهت افتتاح سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز ۲۰۰ هزار ریال بوده که به ازای هر ۲۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز به سپرده تخصیص می‌یابد و با افزایش موجودی و ماندگاری در سپرده، اقبال بیشتری برای صاحبان سپرده‌ها جهت برنده شدن جوایز قرعه کشی میسر می‌گردد. لازم به ذکر است این قرعه کشی شامل سپرده‌های پس انداز عادی، پس انداز اختیاری، پس انداز همیاری،

بر اساس مجوز بانک مرکزی، هشتمین مرحله قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه بانک انصار در مهرماه سال جاری برگزار می‌گردد. به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، جوایز این مرحله قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز قریب به ۲۰۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است که این جوایز شامل ۱۰۰ جایزه هزار میلیون ریالی، ۱۰۸ کمک هزینه خرید خودروی داخلی هر یک به ارزش ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، ۱۱۸ کمک هزینه خرید صنایع دستی هر یک به ارزش ۲۰ میلیون ریال، ۱۲۸ کمک هزینه



بانک دی موفق به کسب رتبه دوم المپیاد بانکی شد

معاون اداره حسابداری کل بانک دی نیز موفق به کسب رتبه ۳ میان ۱۴۰ شرکت کننده حاضر در المپیاد شد. در این دوره از مسابقات سید عرفان رضوی، محمد پرویزی، رسول سعیدی، رامین قاسمی، ایمان رضایی، نازنین میرزایی، فاطمه حاجی لو، مهدیه محبی، فاطمه عساری و مرجان غلامی اعضای تیم المپیاد بانک دی را تشکیل داده بودند. همچنین محمدرضا قربانی، مدیر عامل بانک دی، نیز در پیامی این موفقیت را به اعضای تیم المپیاد و همکاران خانواده ارزش آفرین دی تبریک گفت.

مبارزه با پولشویی و شناسایی مشتریان خارجی، بانکداری داخلی ۱ و ۲ یا یکدیگر به رقابت پرداختند که تیم المپیاد بانک دی موفق شد در دروس «بانکداری داخلی ۲» و «دستورالعمل‌های منتخب بانک مرکزی» حائز رتبه اول و در دروس «دستورالعمل‌های مبارزه با پولشویی و شناسایی مشتریان خارجی»، «حسابداری بانکی» و بانکداری داخلی ۱ حائز رتبه دوم و در مجموع با کسب امتیاز ۷۲۷/۲۵ از ۱۰۰۰ حائز رتبه دوم تیمی شود. همچنین در این دوره از مسابقات سید عرفان رضوی،

به گزارش روابط عمومی بانک دی، تیم المپیاد بانک دی در اولین دوره المپیاد بانکی، که به همت کانون بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری برگزار شد، موفق به کسب رتبه دوم بین چهارده بانک خصوصی و موسسه اعتباری شد. در این المپیاد علمی که در روز ۱۲ مرداد ماه سال جاری در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد ۱۴۰ نفر از چهارده بانک خصوصی و موسسه اعتباری با پاسخگویی به ۱۰۰ سوال در دروس حقوق بانکی ۱ و ۲، حسابداری بانکی، دستورالعمل‌های منتخب بانک مرکزی، دستورالعمل

کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان

نام مؤلف، آدل فابر، الین مازلیش / مترجم، زهرا جعفری

ناشر، مؤسسه انتشارات صابرین

تعداد صفحات، ۲۷۳



پیش از تألیف این کتاب، خانم فابر و خانم مازلیش در حوزه ارتباط میان بزرگسالان و کودکان، فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کارگاه‌هایی اشاره کرد که ویدئوهای آن‌ها هزاران مخاطب داشته است. طبیعتاً مخاطب برنامه‌های او، در درجه‌ی نخست، والدین و معلمان هستند که برقرار ساختن یک ارتباط سالم با کودکان و نوجوانان، بیش از هر چیز دیگر، برایشان از اهمیت برخوردار است. این کتاب، حاصل سال‌ها کار و تجربه حرفه‌ای این دو نویسنده است و می‌تواند در خصوص درگیری‌های والدین با فرزندانشان، برای آن‌ها بسیار راهگشا باشد. پدر و مادرهایی که در میان حجم انبوه اطلاعات در دنیای امروز، گاهی سردرگم می‌شوند؛ این کتاب از مجموعه کتاب‌های «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است که مخاطب اصلی آن‌ها والدین هستند و سعی دارند تا یک سلسله راهبردهای عملیاتی را در اختیار پدر و مادرهای امروزی قرار دهد.

مؤسسه انتشارات صابرین کتاب حاضر را با عنوان «کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان» به چاپ رسانیده؛ اما این کتاب، پیش‌ازاین هم با عنوان‌هایی مانند «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» و «چگونه به کودکمان گوش کنیم و چگونه با او صحبت کنیم؟» توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بود.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول، بحث کنار آمدن کودک با احساساتش مطرح می‌شود. در این فصل احساسات مختلف کودک، اعم از خشم، ترس و ... و نحوه‌ی مقابله‌ی با آن، بررسی می‌شود. از فصل دوم تا ششم، به ترتیب، مباحث مربوط به جلب همکاری، جایگزین‌های تنبیه، تشویق به استقلال، تحسین و تمجید، و آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن، طرح‌شده و به‌صورت بسیار کاربردی، با مثال‌ها و تمرین‌های متنوع، راهکارهایی در این زمینه‌ها ارائه می‌شود. درنهایت، در فصل هفتم، مؤلفان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان اهداف خود از این کتاب، می‌پردازند.

